اطلاعات

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۷ - ۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ - ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۱۹۴ - ۱۶ صفحه به همراه ۱۶ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب در دیدار هزاران نفر از مردم قم:

ملت و مسئولان تحریم‌ها را به شکستی بی‌سابقه برای شیطان بزرگ تبدیل کنند

* دشمنان ملت در آمریکا و غرب به سرنوشت صدام دچار خواهند شد
* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «ماهیت و حقیقت انقلاب، و شجاعت و وفاداری ملت و نظام به اهداف و مبانی انقلاب» را علت اصلی خصومت عمیق و مستمر آمریکا و استکبار خواندند
* رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم به ویژه قشرهای ضعیف مهمترین وظیفه امروز دولتمردان است
* با وجود آن که عده‌ای غربزده و آمریکازده، پُزِ قدرت محاسباتی و آینده‌نگری آمریکایی‌ها را می‌دهند اما آمریکا همچنان دچار ضعف محاسباتی است
* برخی دولتمردان آمریکایی این طور وانمود می‌کنند که دیوانه‌اند، البته بنده این را قبول ندارم اما آنها حقیقتاً «احمق‌های درجه یک» هستند
* ریشه تقابل آمریکا و ملت ایران، تقابل تاریخی و ذاتی حق و باطل است
* استکبار تلاش می‌کند ملت‌ها را با «ایران‌هراسی»، «اسلام‌هراسی» یا «شیعه‌هراسی» گمراه کند، اما ملت‌ها ذاتاً با ایران اسلامی دشمنی ندارند
* مسئولان و دولتمردان به «مراقبت در حرف و رفتار، پرهیز از گرایش به اشرافیگری و اسراف و رفتارهای طاغوتی» پایبند باشند
* در مقابل توپ و تشر و یاوه گویی‌های آمریکا و اروپا پس نزنید و بایستید و بدانید که اینها نه تهدید، نه «وعده و قول» و نه حتی امضایشان اعتبار ندارد
* برخی غربی‌ها به ایران توصیه می‌کنند حقوق بشر را از سعودی‌ها یاد بگیرد؛ آیا این، حرف یک دلقک نیست؟

صفحه ۲

ایران به زودی تصمیم‌های مهمی در همکاری امنیتی با اروپا می‌گیرد

* یک مقام آگاه دیپلماتیک: با توجه به حمایت کشورهای اروپایی از گروه‌های شناخته شده تروریستی، ایران در حال تجدید نظر در همکاری اطلاعاتی و امنیتی خود با این کشورهاست
* ظریف: اروپایی‌ها از جمله دانمارک، هلند و فرانسه به منافقین - گروهی که ۱۲۰۰۰ ایرانی را به قتل رساند- و تروریست‌های دیگری پناه می‌دهند
* اتهام پراکنی علیه ایران، اروپا را از مسئولیت پناه دادن به تروریست‌ها مبرا نمی‌کند

یک مقام آگاه دیپلماتیک گفت: با توجه به حمایت کشورهای اروپایی از گروه‌های شناخته شده تروریستی، ایران در حال تجدید نظردر همکاری اطلاعاتی و امنیتی خود با این کشورهاست و به زودی تصمیمات مهمی‌در این زمینه اتخاذ خواهد شد.

این مقام آگاه به خبرنگاران گفت: در پی اقدام اتحادیه اروپا در تحریم یک نهاد و دو فرد ایرانی، شش نفر از سفرا و کارداران اروپایی با حضور در وزارت امور خارجه سعی داشتند مواضع اتحادیه را توجیه کنند اما با برخورد تند مقام ملاقات شونده مواجه شده و به علت غیرقابل پذیرش بودن اظهارات آنها

بقیه در صفحه ۲

همتی: بازار ارز متعادل و در کنترل بانک مرکزی است

* رئیس کل بانک مرکزی در حاشیه نشست هیات‌دولت: اجازه نمی‌دهیم نوسان‌گیرها و کسانی که به دنبال منافع کوتاه‌مدت هستند از بازار ارز استفاده کنند
* وزیر راه و شهرسازی: تولید مسکن برای اقشار متوسط و کم‌درآمد سیاست ثابت دولت است
* وزیر جهاد کشاورزی: بازار گوشت قرمز تا شب عید به تعادل می‌رسد و قیمت‌ها کاهش می‌یابد
* وزیر صنعت: در حال تدوین بسته‌ای هستیم که منجر به افزایش تولید، کیفیت و تیراژ و کاهش قیمت خودرو می‌شود

صفحه ۴

اطلاعات

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۷ - شماره ۲۷۱۹۴

گفتگو با مهندس محسن هاشمی - خاطرات گفتمان ساز - روایت هنری یا کیفرخواست

بر بلندای تاریخ...

به مناسبت دومین سالگرد درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی

ویژه دومین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ضمیمه روزنامه امروز

رهبر معظم انقلاب: ملت و مسئولان تحریم‌ها را به شکستی بی‌سابقه برای شیطان بزرگ تبدیل کنند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب صبح دیروز در سالروز قیام تاریخ‌ساز مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ در دیدار هزاران نفر از مردم قم، با اشاره به ضرورت پرهیز از سهل‌انگاری و سهل‌اندیشی درباره ریشه دشمنی آمریکا و استکبار با ایران اسلامی، «ماهیت و حقیقت انقلاب، و شجاعت و وفاداری ملت و نظام به اهداف و مبانی انقلاب» را علت اصلی این خصومت عمیق و مستمر خواندند و با بیان وظایف مهم «مسئولان و مردم» در این مقطع، تأکید کردند: رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم به ویژه قشرهای ضعیف، مهمترین وظیفه امروز دولتمردان است و ملت و مسئولان باید با هوشیاری، تحریم‌های آمریکا را همانند دوران دفاع مقدس به شکستی بی‌سابقه برای شیطان بزرگ تبدیل کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تجلیل از قیام سرنوشت‌ساز مردم قم در ۱۹ دی سال ۵۶ به‌عنوان نقطه عطف انقلاب اسلامی، قم را «شهر، مرکز و مادر انقلاب» خواندند و افزودند: البته انگیزه‌هایی برای تغییر فضای انقلابی قم و کمرنگ کردن روحیه انقلابی و دینی در آن وجود دارد و نباید از مکر دشمن و عوامل آن غفلت کرد.

ایشان با تأکید بر هوشیاری در مقابل این انگیزه‌ها، تأکید کردند: قم سرچشمه اصلی و پشتوانه معنوی انقلابی است که دنیا را متحول کرد، بنابراین بزرگان و جوانان قم نباید اجازه دهند دست‌های خائن، قم را از مرکزیت انقلاب، خارج و این حرکت تحولی را در آن کمرنگ کنند.

رهبر انقلاب اسلامی سپس به بیان چند درس مهم و ماندگار از قیام ۱۹ دی پرداختند و خاطرنشان کردند: رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ۱۰ دی ۵۶ به تهران آمد و با تمجید اغراق‌آمیز و دروغین از محمدرضا پهلوی، ایران را «جزیره ثبات» یعنی مایه آرامش خیال آمریکا از ایرانِ وابسته و مسئولان نوکرمآب آن، خواند.

ایشان قیام مردم قم علیه رژیم ظالم، وابسته و فاسد پهلوی در فاصله‌ای کمتر از ۱۰ روز از این سخنان را نشانه ضعف عمیق دستگاه محاسباتی آمریکا و غرب دانستند و گفتند: کمتر از ۱۰ روز پس از سفر رئیس‌جمهور آمریکا و تعبیر او از ایران به جزیره ثبات، قیام عظیم مردم قم شکل گرفت و به دنبال آن، قیام مردم تبریز و طوفان انقلاب اسلامی و نابودی رژیم سرسپرده طاغوت محقق شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، استمرار ضعف دستگاه محاسباتی آمریکا تا امروز را یک واقعیت برشمردند و افزودند: با وجود آن که عده‌ای غربزده و آمریکازده، پُز قدرت محاسباتی و آینده‌نگری آمریکایی‌ها را می‌دهند اما آمَریکا همچنان دچار ضعف محاسباتی است.

ایشان با اشاره به سخنان سال گذشته یک دولتمرد آمریکایی در جمع اوباش تروریست و وعده او به آنها که جشن سال ۲۰۱۹ میلادی را در تهران خواهیم گرفت، خاطرنشان کردند: توانایی محاسباتی دشمنان ایران در همین حد است؛ همان‌طور که آن زمان صدام امیدوار بود یک هفته‌ای به تهران برسد و منافقین مزدور نیز خیال می‌کردند در حمله مرصاد سه‌روزه از کرمانشاه به تهران خواهند رسید.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: برخی دولتمردان آمریکایی این‌طور وانمود می‌کنند که دیوانه‌اند، البته بنده این را قبول ندارم اما آن‌ها حقیقتاً «احمق‌های درجه یک» هستند.

ایشان قیام مردم قم را نشانه صف‌بندی دو دستگاه محاسباتی یعنی صف‌بندیِ «لیبرال‌دموکراسیِ دروغین و پای‌درگل غربی» در مقابل «نظام توحیدی و اسلامی» برشمردند و گفتند: پس از انقلاب نیز آن‌ها با تحریم جمهوری اسلامی تصور می‌کردند کار نظام در کمتر از شش ماه تمام خواهد شد درحالی‌که انقلاب اکنون به ۴۰ سالگی رسیده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: در مقابل این محاسبات غلط استکبار، دستگاه محاسباتی دقیق نظام اسلامی وجود دارد که امام بزرگوار ما فرمود «صدایَ شکسته شدن استخوان‌های مارکسیسم را می‌شنوم» و یکی دو سال بعد همه دنیا آن صدا را شنیدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دشمنی استکبار با پدیده تمدنی انقلاب اسلامی‌را دشمنی عمیق دانستند و خاطرنشان کردند: برخی از روی نفهمی‌یا مسائل دیگر، علت دشمنی مستکبران را سخنان امام یا فلان مسئول علیه آمریکا می‌دانند، درحالی‌که زورگویان جهانی با یک قدرت جوان، روبه‌رشد، پرتلاش و پرانگیزه دشمن روبه رو هستند که این قدرت معنوی ۴۰ سال است در مقابل چشم آن‌ها روزبه‌روز تنومندتر و قدرتمندتر شده و تَرَک‌ها و شکاف‌های استکبار را عمیق‌تر کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی، ایران را قلّه موقعیت راهبردی در منطقه خواندند و افزودند: علت عصبانیت آمریکایی‌ها در اول انقلاب این بود که لقمه چرب‌ونرم ایران را به‌عنوان مهمترین کشور منطقه و سرزمینی سرشار از ثروت‌های مادی و منابع طبیعی از دست دادند.

ایشان با اشاره به اعتراف چند روز پیش یک مؤسسه غربی، افزودند: خود آن‌ها می‌گویند ایران با توجه به ظرفیت‌های فوق‌العاده‌اش پنجمین کشور ثروتمند جهان است، بنابراین طبیعی است که به‌خاطر از دست دادن چنین ثروتی، عمیقاً عصبانی باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: این عصبانیت همچنان ادامه دارد اما مساله اصلی و ریشه تقابل آمریکا و ملت ایران، تقابل تاریخی و ذاتی حق و باطل است، چراکه استکبار و استعمار از خون ملت‌ها تغذیه می‌کنند و انقلاب اسلامی‌در مقابل این ظلم آشکار ایستاده و برای بیدار کردن ملت‌ها نیز تلاش کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی، شنیده شدن فریاد «مرگ بر آمریکا» در کشورهای متعدد را بی‌سابقه و نشانه‌ای از موفقیت ایران برشمردند و خاطرنشان کردند: استکبار تلاش می‌کند ملت‌ها را با «ایران‌هراسی»، «اسلام‌هراسی» یا «شیعه‌هراسی» گمراه کند، اما ملت‌ها ذاتاً با ایران اسلامی‌دشمنی ندارند و هرجا حقیقت روشن بشود، از آن حمایت می‌کنند.

ایشان بروز برخی حوادث و رویدادها در اروپا و آمریکا را نشانه آشکار شدن پیامدهای خطرناک حفره‌های معنوی در تمدن غرب خواندند و افزودند: در طرف مقابل، مردمسالاری دینی و حرکت به سمت تمدن اسلامی‌با استفاده از امکانات و ابزارهای روز دنیا ادامه دارد و این واقعیت برای مستکبران رعب‌آور است.

رهبر انقلاب اسلامی‌با تأکید بر پرهیز از سهل انگاری و سهل اندیشی در زمینه علت واقعی و اصلی دشمنی ظالمان جهانی با ایران، افزودند: علت اصلی این دشمنی، «ماهیت و حقیقت حرکت عظیم انقلاب اسلامی، شجاعت، فداکاری و وفاداری ملت و پایبندی مستمر و کامل نظام به مبانی انقلاب اسلامی» است که اگر به توفیق الهی، این حرکت به نتایج مورد نظر خود دست یابد، بساط استکبار و استعمار غرب را برمی‌چیند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن مجید، افزودند: فرعون می‌دانست موسی حق است اما دشمنی می‌کرد و خدا به حضرت موسی گفت «نترسید، حرکت کنید من با شما هستم» که این خطاب امروز عیناً به ملت ایران است که در مقابل دشمنی آگاهانه فراعنه عالم، ایستاده است.

رهبر انقلاب اسلامی‌در تبیین نتیجه صف آرایی استکبار و ملت ایران خاطرنشان کردند: هر جبهه ای که در راه خدا حرکت کند، وعده قطعی و بدون تردید پروردگار درباره نصرت و پیروزی او محقق خواهد شد، همچنان که در طول ۴۰ سال هر جا درست حرکت کردیم، پیروز شدیم و هر جا کوتاهی داشتیم، پیروزی حاصل نشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رسیدن به چهل سالگی را در روند شکل‌گیری تمدن‌ها، آغاز بلوغ و شکوفایی خواندند و افزودند: در این مسیر تمدنی، چهل سالگی نه دوران پیری بلکه دوران عمق یافتن حرکت‌ها است و به فضل الهی و به برکت «ایمان دینی، عزم راسخ، حضور و آمادگی و کار و تلاش ملت به ویژه انبوه جوانان خوش‌فکر، مبتکر و امیدوار به آینده»، حرکت تاریخی ملت ایران به نتایج درخشان خود خواهد رسید.ایشان پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی‌را مقدماتی برای شکل گیری «تمدن اسلامی‌متناسب با دوران فعلی» دانستند و خاطرنشان کردند: اگر خدا اراده نکرده بود، این مقدمات فراهم نمی‌شد.

رهبر انقلاب اسلامی‌سخنانشان در جمع هزاران نفر از مردم قم را با بیان نکاتی مهم خطاب به مسئولان و مردم ادامه دادند.حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مهمترین توصیه خود به مسئولان به‌خصوص دولتمردان تأکید کردند: اولویت کاری خود را حل مشکلات معیشتی مردم به‌ویژه قشرهای ضعیف قرار دهید، چرا که این مساله اهمیت ویژه ای دارد.

رهبر انقلاب با اشاره به تمرکز دشمن بر مسائل معیشتی مردم گفتند: منابع کشور کم است اما چرا با وجود تذکرات مکرر، جریان‌ها و افرادی، ظالمانه این منابع را می‌بلعند و با دلال‌بازی و انحصارطلبی در تجارت، مانع پیشرفت کشور می‌شوند و در تقویت تولید داخلی کارشکنی می‌کنند.

رهبر انقلاب بار دیگر مهمترین کار امروز مسئولان را رسیدگی به مشکلات معیشتی خواندند و افزودند: البته این کار فقط با پول پخش کردن حاصل نمی‌شود، باید مراقب جریان‌ها و دست‌های خطرناک و مضر بود، همچنان که این مسائل را بارها با جزئیات در جلسات کاری به مسئولان تذکر داده ایم.

ایشان، کار و تلاش و خدمت به انقلاب ایران عزیز و ملت بزرگ را نعمتی الهی خواندند و به مسئولان و دولتمردان تأکید کردند: قدر نعمت مسئولیت در نظام اسلامی‌را بدانید و به لوازم قدرشناسی از آن یعنی «مراقبت در حرف و رفتار، پرهیز از گرایش به اشرافیگری و اسراف و رفتارهای طاغوتی» پایبند باشید و تلاش کنید مسیر حرکت شما همواره به سمت الگوی رفتاری و مدیریتی امیرمؤمنان باشد.

«شجاعت» و «عقلانیت» دو نکته مهم و تذکر دیگر رهبر انقلاب خطاب به مسئولان بود.

ایشان افزودند: در مقابل توپ و تشر و یاوه گویی‌های آمریکا و اروپا پس نزنید و بایستید و بدانید که اینها نه تهدید، نه «وعده و قول» و نه حتی امضایشان اعتبار ندارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حرف‌های بی ربط برخی غربی‌ها را به حرف‌های دلقک‌ها تشبیه کردند و افزودند: آنها به ایران توصیه می‌کنند حقوق بشر را از سعودی‌ها یاد بگیرد؛ آیا این، حرف یک دلقک نیست؟

رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: رفتار صحیح و عقلانی وظیفه مسئولان است، چرا که با احساساتِ صرف، نمی‌شود کشور را اداره کرد؛ البته احساسات به عنوان پشتوانه عملی شدن تصمیمات عقلانی لازم است.

«شناخت، قدردانی و استفاده از ظرفیت‌های درونی به‌ویژه جوانان» دیگر توصیه مؤکد رهبر انقلاب اسلامی‌به مسئولان و دولتمردان بود.

ایشان افزودند: جوانان می‌توانند گره‌های دستگاه‌ها را باز کنند، بنابراین به آنها مراجعه کنید و قدرشان را بدانید، چرا که حتی بلندپروازی‌های آنها خوب است و کشور را به جلو می‌برد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانشان، مردم را نیز به کمک به مسئولان توصیه کردند و افزودند: بخش مهم تقویت تولید داخلی در زمینه‌های کیفی و توزیعی، به تولید کننده و فروشنده و مغازه دار و مردم مربوط می‌شود.

ایشان گفتند: امسال سال تقویت تولید کالاهای ایرانی بوده است، اما الان در آخر سال باید ببینیم چقدر در این زمینه پیش رفته ایم و چه کارهایی کرده ایم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حضور در صحنه‌های انقلاب را بهترین کمک مردم به کشور دانستند و افزودند: دشمن در تلاش است با شایعه سازی و تهمت پراکنی مردم را مضطرب کند و به جان یکدیگر بیندازد که البته نمی‌تواند، اما مردم باید با این شگردهای دشمن مقابله کنند.

ایشان خاطرنشان کردند: انقلاب و نظام با خواست و حمایت مردم شکل گرفته و استمرار یافته اما مستکبران با وقاحت تمام مردم را به مقابله با همین نظام فرا می‌خوانند که لازم است مردم در مقابل این تبلیغات ایستادگی و علیه آن حرکت کنند و جوانان با هوشمندی، فضای مجازی را به ابزاری برای زدن تو دهنی به دشمنان تبدیل کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تحریم‌ها را باعث فشار و بروز مشکلاتی برای کشور دانستند و افزودند: آمریکایی‌ها با خوشحالی می‌گویند تحریم کنونی ملت ایران در تاریخ سابقه ندارد اما ملت ایران ان‌شاءالله در این زمینه شکستی به آنها می‌دهد که در تاریخ بی سابقه باشد.

ایشان با اشاره به تحریم کامل ملت ایران در دوران دفاع مقدس افزودند: دشمنان حتی به ما سیم خاردار نمی‌دادند اما ملت و مسئولان، آن تحریم‌ها را به زمینه ای برای تکیه بر درون و شکوفایی استعدادها تبدیل کردند، به‌گونه ای که همان مسیر، امروز ایران را به قدرت بی نظیر منطقه تبدیل کرده است.

رهبر انقلاب تأکید کردند: باید با درس گیری از این تجربه درخشان و تکیه بر جوانان، تحریم کنونی را به وسیله‌ای برای کار و تلاش و شکوفایی تبدیل کنیم و با بی نیازی از دیگران به جایی برسیم که آنها نیازمند ایران عزیز باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: به فضل الهی و در پرتو مقاومت و هوشیاری مردم و مسئولان و کار و تلاش بی‌وقفه، از تحریم‌ها و مشکلات عبور خواهیم کرد و همچنان که در جنگ تحمیلی صدام را به خاک سیاه نشاندیم و به درک اسفل رفت، جمهوری اسلامی‌هر روز موفق تر و زنده‌تر خواهد بود و دشمنان ملت در آمریکا و غرب به سرنوشت صدام دچار خواهند شد.

مکتوب هفته

کفش‌های آویزان

دکتر محمدعلی فیاض‌بخش

این روزها دوباره ادبیاتی که بوی فعالیت‌های زودرس انتخاباتی را می‌دهد رونق بازار سیاستمداران شده‌است. یکی فیلسوفانه می‌گوید: «فرمان رها شده» و دیگری به ناز می‌خرامدکه «ارتباط ما با دولت منقطع گشته» و سومی لابد کمربند ایمنی را باز کرده که در موقع خطر بیرون بجهد و آن یکی جور دیگر و دیگر.

این گونه سخن گفتن‌های رمانتیک و ادیبانه از زبان کسانی که بارها امتحان رانندگی خود را پس داده‌اند الحق بی‌مزه و لوس می‌نماید. آن‌که سخن از فرمان رهاشده می‌گوید، بگوید که در زمان اصلاحات آموزش و پرورش(!)، خود با چه دست‌فرمانی رانده‌است؟ آن که ناز می‌فروشد و از سرآمدن مدتش(!) با آقای دولت سخن می‌کند پاسخ دهد که هم‌حزبی‌هایش در زمان قدرت و در حجله شوکت بر اریکه اصلاحات، کدام اصلاح را نهادینه کردند؟ و نیز کسانی که هر چندگاه یک‌بار افاضه‌ای می‌کنند مبنی بر «عدم چشم‌انداز آینده»، جواب دهند که خود در اولین سال‌های پیروزی، چه بذرهایی را در زمین بکر انقلاب کاشتند؟ که امروز وجین کردن آن‌ها به راستی مشکل می‌نماید.

این هنر نیست، که در دوران شوکت و قدرت، یکه بتازند و در زمان تنگی و عسرت ـ که هم محصول کم‌خردی خودشان است و هم تولید خباثت اجنبی ـ اپوزیسیون شوند. اشتباه نگیرید! روی سخن من با کسانی‌ست که اتفاقا ژست خردورزی می‌گیرند و تندروی‌ها و یا کم‌کاری‌های خودشان را از یاد برده‌اند؛ وگرنه اشاره این سخن به ادامه رفتارهای کاریکاتورگونه‌ای نیست، که یک روز به فلان ستاره ورزشی خارجی تبریک می‌گوید و یک شب، به انگلیسی(!) تبریک سال نوی مسیحی ؛که دورانش منقضی شده!

القصه، همین است که هست. مجموعا دستپخت همه است. امروز، قایم‌باشک‌بازی زیر چادر «کی‌بود، کی‌بود، ما نبودیم!» جواب نمی‌دهد. لااقل حضرات رمانتیک‌سرای حزبی، مدعای کارگزاری و اصلاح‌گری و اصولی و توسعه‌خواهی و اعتدال‌جویی را در روزهای سختی که بر مردم می‌گذرد، در یک کاسه بگذارند و به میدان آورند؛ اگر صداقتی هست.

چه جالب است که‌مردم غیرحزبی و دل‌بریده از جناح‌های سیاسی، ایران را یکپارچه و زیر عَلم وحدت ملی و مقاوم در برابر زورگویی و باج‌خواهی بیگانه می‌خواهند و می‌ایستند؛ حضرات سیاسیون به جای مسئولیت‌پذیری گذشته‌ها و جبران مافات، امروز دکان دونبشِ ناز و ادا گشوده‌اند؛ یاللعجب!

جالب‌تر آن‌که، حضرات سیاستمداران شاکی و مدعی، نه خود به کاری مفید ومسئولیت‌پذیرانه می‌ایستند و نه در پخش مسئولیت‌ها تحمل غیر خودی را دارند. پس تکلیف مردم چیست؟ لابد باید ملائک آسمان بیایند و جای مستعفیان و دم‌به‌دم استیضاح‌شوندگان را پر کنند. لابد مردمانی که قراربود حضرات خادمشان باشند، باید بیش عرض چاکری و کوچکی کنند.

آقایان سیاسیون! هم‌حزبیون! همه آقایون! آنچه دست در دست هم تاکنون و باهم پهن کرده‌اید، دست‌به‌دست هم دهید و محض رضای خدا خودتان جمعش کنید. ادای بازیکن‌های ستاره‌ای را درنیاورید، که بین دونیمه چرخی می‌زنند و کفش خود را آویزان می‌کنند. درست است که شما چرخ‌هاتان را زده‌اید؛ اما هنوز دوران آویزان‌کردن کفش‌هاتان نرسیده؛ آنچه را نصفه‌نیمه بافته‌اید و رَج‌هایی را که کج ومعوج زده‌اید، بایستید و درستش کنید، آنگاه قهر فرمایید و دکمه صندلی نجات را بفشارید!

یادداشت

تعطیلی کارخانه تولید سلطان

فتح‌الله آملی

شاید این سئوال برای ما پیش آمده باشد که چرا در کشوری که نزدیک چهار دهه است طومار سلطنت و حاکمیت سلاطین را درهم پیچیده، با این همه سلطان روبرو شده‌ایم؟ البته این سلاطین نقشی در ساختار سیاسی ندارند. تختی هم ندارند و درباری هم، اما اسمشان بسیار شنیده می‌شود. سلطان آهن، سلطان سکه، سلطان ارز، سلطان خودرو، سلطان شکر، سلطان دلار، سلطان روغن، سلطان اختلاس و ... این سلاطین در کدام بخش از اقتصاد و تجارت کشور به سلطنت می‌رسند؟ زادبوم آنها در کدام شکل می‌گیرد؟ حال که قرار است قوه قضائیه با این سلاطین برخورد کند آیا حتی با اعدام آنها کارخانه تولید سلطان‌سازی درهم می‌ریزد و ریشه این معضل خشک می‌شود؟ آیا مقابله با این سلاطین به معنای برخورد قاطع با ریشه فساد و ویژه‌خواری نیست؟ اتفاقا باید به آنان خدا قوت گفت که وارد این حوزه شده‌اند اما برای آنکه هر کار دستگاه قضا سبکتر شود و هم شاهد باز تولید سلاطین دیگری نباشیم باید به سراغ کارخانه سازنده و تولیدکننده این سلاطین برویم و این کارخانه را تعطیل کنیم.

واقعیت آن است که شکل و نوع پرداخت یارانه‌ها در کشور، آن هم با توجیه کمک به اقشار ضعیف جامعه از جمله مهمترین عوامل ایجاد الیگی ثروتمند و ویژه‌خوار در کشور است.

به اعتراف رئیس دولت، سهم یارانه‌های پرداختی در اقتصاد کشور حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان است. از یارانه گندم و آرد گرفته تا یارانه خوراک دام و روغن و برنج و نهاده‌های کشاورزی و مواد اولیه دارویی و ... از اینها مهم‌تر اما یارانه حامل‌های انرژی است که آب و برق و گاز و بنزین و گازوئیل و ... را شامل می‌شود و رقم آن سر به فلک می‌زند. در همه این موارد هم دلیل اصلی پرداخت این یارانه‌ها کمک به اقشار محروم جامعه و معیشت و سبد هزینه خانوار ذکر می‌شود. اما در عمل و براساس آمار روشن شده است که بخش اعظم این یارانه‌ها نصیب اقشار ثروتمند جامعه می‌شود.

تثبیت نرخ دلار را هم با همین استدلال در فواصل مختلف ادوار مختلف اقتصادی و به خصوص در دوره اول تصدی آنان دیده‌ایم که همواره موجب از بین رفتن مزیت نسبی تولید داخلی، ایجاد رانت، رشد نقدینگی و بالا رفتن یکباره و ناگهانی دلار در آخر کار و ایجاد نوسانات خطرناک اقتصادی و رشد چند برابری نرخ ارز و بهای سکه و مسکن و ... شده است. برای آنکه روشن‌تر صحبت کنیم بد نیست به یک اشاره و مثال روی آوریم. رئیس محترم دولت اعلام کرده است که برای کمک به اقشار محروم و کاهش هزینه‌های آنان، ارز کالاهای اساسی در سال آینده ۴۲۰۰ تومان خواهد بود و ... پس در سال آینده هم مثل سال‌های گذشته ارز چند نرخ خواهد داشت. ۴۲۰۰، ۵۷۰۰، ۸۰۰۰ و ارز آزاد که حدود ۹ تا یازده هزار تومان خواهد بود. همین تفاوت قیمتی به خودی خود ایجاد رانت و فساد می‌کند و سلاطینی را به وجود می‌آورد ...

چرا که حتی اگر نیمی از درآمد حاصل از این آزادسازی بین مردمان تقسیم شود آن قدر رقم مناسبی خواهد بود که سفره فقیر شده آنها را از وضعیت فعلی رنگین‌تر کند و درآمد سرانه آنها را بالاتر ببرد و به آنها امکان مدیریت منابع به دست آمده را ببخشد. در حال حاضر وضعیت فعلی به ناگزیر رانت ایجاد می‌کند و حتی تولید ما را رانتی می‌کند و صادرات ما را هم. مزیت دیگر آن هم این است که کارخانه‌های تولیدی ما را که اکثر آنان وابسته به مواد اولیه وارداتی و در بسیاری از موارد رانتی شده‌اند به تلاش برای خودکفایی واقعی و خلاقیت و نوآوری و رشد بهره‌وری و بالا بردن سهم تولید داخل در محصولات خویش وا دارد.

اگر در این زمینه فکری اساسی نشود این روند معیوب مرتب سلطان تولید می‌کند دولت را هر روز بدهکارتر و فقرا را فقیرتر و تولید ملّی را ضعیفتر و نقدینگی را چاقتر و غیر قابل کنترل‌تر خواهد کرد.

رئیس جمهوری: اشتغال جوانان و معیشت، اولویت‌های اصلی کشور است

رئیس جمهوری دیروز در جلسه هیات دولت دو وظیفه مهم دولت و مسئولان دولتی را در شرایط امروز جامعه مورد اشاره قرار داد و گفت: امروز هر کدام از ما در هر بخشی که کار و تلاش می‌کنیم، دو وظیفه مهم اشتغال جوانان و معیشت مردم را برعهده داریم.

دکتر روحانی خاطرنشان کرد: ببینید در این شرایط سخت اقتصادی اگر یک خانواده‌ای دو جوان داشته باشد و هر دو بیکار باشند، چه شرایط سختی برایش پیش می‌آید و چه فشاری بر او وارد می‌شود، پس همه ما در ارگان‌ها و دستگاه‌ها باید تلاش کنیم جوان‌های ما مشغول به کار شوند.

رئیس جمهوری تاکید کرد: یکی از وظایف سازمان برنامه و بودجه ،اشتغال است. یعنی سازمان برنامه و بودجه و وزارتخانه‌ها باید بدانند وظیفه بزرگ همه ما مسأله اشتغال جوانان است. چون می‌دانیم در شرایط سخت یک عده‌ای بیکار یا از کار برکنار می‌شوند و یک عده نمی‌توانند ادامه کار بدهند. باید جبران کنیم و برای آن کسی هم که بیکار می‌شود، باید فکر کنیم.

روحانی در ادامه با بیان این که مساله دوم، معیشت مردم است که نباید در زندگی روزمره و نیازهای فوری و روزانه دچار مشکل شوند، تاکید کرد: تورم ماه آذر، ۱۲ ماهه، ۱۸ درصد است ولی تورم مواد غذایی و خوراکی ما ۲۴ درصد است و این به نظر من مهم است.

وی با بیان این که وقتی تورم کل را حساب می‌کنیم، مردم به آن کاری ندارند و ۲۴ درصد به طور متوسط است که برای برخی اجناس ۳۰ تا ۴۰ درصد و برخی دیگر کمتر و بیشتر است، گفت: از این بدتر زمانی است که نوسان هفتگی و روزانه در قیمت‌ها داشته باشیم. رئیس جمهوری تاکید کرد: درست است که در مسائل بانکی مشکلاتی داریم یا ممکن است در حمل و نقل مسائلی داشته باشیم، ولی حتماً این مشکلات نباید به کالاهای اساسی و زندگی مردم منتقل شود.روحانی افزود: برخی از همسایگان می‌توانند رابطه صمیمانه‌تری با ما داشته باشند و این کار امکانپذیر است و امروز این را شاهدیم که همسایگان شرایط بهتری از گذشته دارند.وی گفت: معیشت مردم و مواد لازم برای زندگی مردم که جزو خرید روزانه است،باید مبنایی داشته باشد و ثباتی پیدا کند و بازار باید آرامش داشته باشد.

رئیس جمهوری بابیان این که امروز خوشبختانه در زمینه ارز با تلاش‌هایی که بخش اقتصاد و بانک مرکزی کرده است ، آرامش نسبی وجود دارد، اظهارداشت: می‌خواهیم این آرامش را تداوم ببخشیم و حفظ کنیم. تولید بسیار مهم است و باید کاری کنیم که دچار مشکل نشود. روحانی خاطرنشان کرد: از نکات ضروری برای جلوگیری از ایجاد مشکل در زندگی مردم، اشتغال است و فرقی نمی‌کند که در بخش کشاورزی، صنعت یا خدمات باشد. امیدوارم همه بتوانیم در این روزهای بسیار مهم که یادآور فداکاری مردم در ۴۱ سال پیش در این ایام است ، در مسیر آرامش مردم و زندگی بهتر برای آنان و رفع مشکلات روزمره ، پر تلاشتر باشیم.

روحانی همچنین دربخش دیگری با اشاره به فرارسیدن ۱۹ دی، سالروز قیام مردم قم تصریح کرد: قم و حوزه علمیه این شهر در نهضت اسلامی، به عنوان پیشران حرکت انقلابی، نقش بسیار مهم و زیادی داشتند و قیام ۱۹ دی مردم قم ، روند پیروزی انقلاب را وارد مرحله نوینی کرد.

وی همچنین تبیین اقدامات انجام شده و دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب را ضروری خواند و با اشاره به نزدیک شدن جشن چهلمین سالروز پیروزی انقلاب ، اظهارداشت: در این ایام مسئولان اجرایی و غیر اجرایی، کارگزاران دولت و نظام و رسانه‌های همگانی، وظیفه مهم تبیین اقدامات انجام شده و دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی‌را برعهده دارند.

روند حوادث و حرکت‌های مهم انقلاب

رئیس جمهوری با اشاره با روند حوادث و حرکت‌های مهم انقلاب از سال ۴۲ تا بهمن ۵۷ که به پیروزی انقلاب اسلامی‌انجامید، گفت: یاد و خاطره شهدای ۱۹ دی را که از روزهای مهم و فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب ماست، گرامی‌و حرکت و ایثار مردم قم و همه شهرهای ایران در راه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی‌را پاس می‌داریم.

روحانی با تشریح سه حادثه مهم در روند اقتصادی کشور از روز پیروزی انقلاب تا امروز، گفت: تغییر ساختارهای کشور با پیروزی انقلاب ، جنگ تحمیلی هشت ساله و تحریم‌های ظالمانه دشمنان علیه ایران، سه حادثه مهم در روند اقتصادی کشور در طول این ۴۰ سال بوده که به اشکال مختلف روی داده است.

رئیس جمهوری اظهارداشت: مردم توجه دارند که حرکت توسعه‌ای و سازندگی کشور در شرایطی اتفاق افتاده است که با سه مسأله مواجه بودیم که معمولاً در این حوادث مهم، ارزش رشد و پیشرفت، چند برابر می‌شود.

روحانی با بیان این که وقتی انقلاب می‌شود، افراد، کارگاه‌ها، مسئولان سیاسی و ساختاری اقتصادی عوض می‌شود و مشخص است که در همان سال انقلاب، خود به خود فعالیت‌ها نیمه تعطیل می‌شود، ادامه داد: در سال بعد انقلاب هم تغییرات ایجاد می‌شود و فعالیت‌ها نیمه تعطیل است . با حوادث و مشکلاتی که در سال‌های ۵۸ و ۵۹ برای استقرار انقلاب مواجه بودیم ، معمولا حرکت به سمت پیشرفت و توسعه سخت و مشکل می‌شود ،اما روند توسعه و پیشرفت حتی در آن شرایط هم ادامه یافت.

وی با اشاره به این که حادثه دوم، مسأله جنگ تحمیلی بود و ما را دچار مشکل کرد، اظهار داشت: جنگی بر ما تحمیل و به کشورمان تجاوز و بخشی از سرزمین ما اشغال شد که در ظاهر توسط بعثی‌ها در عراق و در باطن هم تقریباً همه از جمله کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی به استثنای چند کشور در پشت این جنگ بودند.

رئیس جمهوری تاکید کرد: همه پشت سر صدام بودند و با جنگی مواجه شدیم که دنیا با ما جنگید و بحمدالله ملت، جوانان، ارتش، سپاه، بسیج، عشایر و همه مردم، با مقاومت و ایستادگی، ما را به پیروزی رساندند.روحانی با اشاره به حادثه سوم و این که بعد از جنگ ،کشور در مسیر سازندگی و حرکت درست قرار گرفته بود که فشار تحریم‌ها افزایش یافت، تصریح کرد: تحریم آمریکا برای سرمایه‌گذاری نفت و گاز به دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی مربوط می‌شود و درآن زمان خرید نفت را تحریم کردند.

وی افزود: همه اینها به جز تحریم‌هایی که از سال ۵۹ علیه ما شروع شد، شرایطی است که بعد از جنگ برای ما رخ می‌دهد و سپس به بهانه مسأله هسته‌ای تحریم‌های شورای امنیت علیه ما آغاز شد که آن تحریم‌ها تا سال ۹۴ باقی ماند و در آن سال توانستیم این تحریم‌ها را رفع و فضای تنفسی پیدا کنیم.

رئیس جمهوری اضافه کرد: دوباره از طریق توطئه تندروهای آمریکا و صهیونیست‌ها و برخی از کشورهای منطقه، فشار را بر کشور و مردم ما وارد کردند. این سه حادثه بسیار مهم در روند اقتصادی کشورمان می‌توانست کندکننده روند توسعه باشد، اما آمار و ارقام دستاوردها در همه حوزه‌های صنعتی، کشاورزی، اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، قدرت نظامی، سازندگی و عمران و آبادانی، شرکت‌های دانش‌بنیان و کمک به مردم و مستضعفین، باگذشته قابل مقایسه نیست.

روحانی با تشکر از مردم به عنوان بانیان اصلی تحقق همه دستاوردها و موفقیت‌ها، اظهارداشت: البته در این میان همه دولت‌ها نقش و سهم خودشان را دارند، ولی مقاومت و ایستادگی، تلاش، ایثار و فداکاری مردم نقش اصلی و موثر دارد.

وی افزود: امروز شاهدیم کسانی که در جنگ مجروح و جانباز شدند، بعد از سی و چند سال درد و مشقت، با افتخار از حوادث دفاع مقدس خودشان و خانواده شهدا با افتخار از ایثار خود یاد می‌کنند و این به عنوان نمونه ای از ایستادگی و عظمت ملت بزرگ ما برای تحقق اهداف بلند انقلاب اسلامی‌است.

رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: آنچه در این انقلاب دنبال می‌کردیم، این بود که از حکومت فردی نجات پیدا کنیم. فرد بر ما حاکم نشود، یک نفر به عنوان شاه بر مردم حاکم نباشد و بعد هم منتظر بمانیم که هر وقتی که مرد، پسرش دو مرتبه روی کار بیاید. این سلطنت پدر و پسری را در انقلاب از بین بردیم و مردم حاکم شدند و رأی مردم حکومت را به وجود می‌آورد، مجلس و خبرگان درست می‌کند و این رأی مجلس است که دولت را درست می‌کند.

روحانی تصریح کرد: همه چیز در کشورمان بر مبنای آرای مردم است و این حاکمیت ملی، بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی‌ما بود و این را باید تبیین کنیم. این همه انتخاباتی که در کشور برگزار شد و برگزار می‌شود و سال آینده هم انتخابات داریم، نشان می‌دهد کشور ما بر مبنای انتخابات، رأی مردم و صندوق آراء است.

استقلال، ارمغان انقلاب

وی با بیان این که انقلاب اسلامی، استقلال را برای ما به ارمغان آورد، گفت: قبل از انقلاب دیگران برای ما تصمیم می‌گرفتند و آمریکایی‌ها و برخی از اروپایی‌ها در کشور ما همه کاره بودند و در همه امور از جمله ارتش و نیروهای مسلح ، صنعت نظامی، اقتصاد، فرهنگ و رادیو و تلویزیون مداخله می‌کردند، اما امروز مردم ایران تصمیم گیر اصلی هستند.

رئیس جمهوری افزود: ۳۶ آمریکایی کانال ۲ تلویزیون زمان رژیم گذشته را که یکی کانال آموزشی بود، هدایت می‌کردند و همه کشور دست آنها بود، اما انقلاب اسلامی‌برای ما حاکمیت ملی و استقلال آورد و امروز مردم ما احساس می‌کنند که دین ، فرهنگ و معنویتشان بیشتر مورد احترام است و الحمدلله در زمینه توسعه هم گام‌های بسیار مهمی‌برداشتیم.

روحانی در ادامه سخنان خود با تاکید بر ضرورت تبیین دستاوردهای انقلاب برای مردم ، گفت: از وزرا، معاونان و همه مسئولان دستگاه‌ها و هچنین از رسانه ملی و صدا و سیما و از همه روزنامه‌ها و فضای مجازی و دست‌اندرکاران خواهش می‌کنم که واقعیت انقلاب ما را به خوبی تشریح کنند.وی یادآور شد: خدای نا کرده اگر این دستاوردها و واقعیت‌های انقلاب را درست توضیح ندهیم، به خون شهدا، فداکاران، جوانان، علما و امام(ره) و همه آنهایی که تلاش کردند و این کار عظیم و بزرگ را انجام دادند، خیانت کرده ایم.

رئیس جمهوری با بیان این که در آستانه چهلمین جشن پیروزی انقلاب هستیم، گفت: ان‌شاءالله در بهمن ماه وارد چهل و یکمین سال انقلاب می‌شویم و در تبلیغات این جشن پیروزی باید واقعیت‌ها را برای مردم بازگو کرد.

اعتبارات جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه

این گزارش حاکی است:هیأت وزیران در جلسه دیروز به ریاست روحانی ، برای جبران خسارت ناشی از حوادث غیرمترقبه در برخی مناطق کشور، اعتبار و تسهیلات بانکی اختصاص داد.

این اعتبار و تسهیلات بانکی شامل اجرای پروژه‌های پیشگیرانه و عملیات تثبیت رانش مسیر لوله آب شرب مشکین شهر در استان اردبیل، جبران خسارت و بازسازی اماکن مسکونی و تأسیسات زیربنایی خسارت دیده ناشی از وقوع سیل، فرو نشست زمین، برف و کولاک، توفان و زلزله در استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان و خراسان رضوی و کمک بلاعوض و ارائه تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت به آسیب‌دیدگان و همچنین امحای سموم سنواتی توسط سازمان حفظ نباتات کشور است.

هیأت وزیران به منظور تسهیل در فرآیند تولید داخلی برای سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، مصوب کرد واردات تا سقف ۳۰۰ میلیون دلار به صورت بدون انتقال ارز و صرفاً برای تأمین مواد اولیه، قطعات و ملزومات ضروری خطوط تولید با تأیید وزارت صنعت، معدن و تجارت بلامانع است.

هیأت دولت با توجه به استقبال چشمگیر از نمایشگاه «ایران: مهد تمدن» که در کشور هلند برگزار شد، با پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مبنی بر برگزاری نمایشگاه مذکور در کشور اسپانیا موافقت کرد. همچنین با اعلام نظر در باره تعدادی از طرح‌های نمایندگان مجلس، نماینده خود را برای پیگیری موضوع تعیین کرد.

عذر خواهی اروپایی‌ها از ایران

محمود واعظی رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در گفتگو با فارس، در پاسخ به این سئوال که شما قبلا گفته‌اید اروپایی‌ها تا دو هفته دیگر SPV(کانال مالی ایران و اروپا) را اجرا می‌کنند، اظهار داشت: من هیچ گاه نگفتم SPVتا دو هفته دیگر اجرا می‌شود، بلکه گفتم تا آخر سال میلادی. همان حرفی که خانم موگرینی زده بود را گفتم.وی ادامه داد: اروپایی‌ها هم از ما عذرخواهی کردند و گفتند که ما همه برنامه‌هایمان را تقسیم کردیم اما فشارهای آمریکا کار ما را به تاخیر انداخته است اما از هدفمان دست برنداشته‌ایم، یعنی آنها دارند پیش می‌روند.

ایران به زودی تصمیم‌های مهمی در همکاری امنیتی با اروپا می گیرد

بقیه از صفحه اول

و استفاده از ادبیات نامناسب، در کمتر از ۱۰ دقیقه به ملاقات خاتمه داده شده است.

وی افزود: به دلیل حمایت کشورهای اروپایی از گروه‌های شناخته شده تروریستی و ادامه پناه دادن به عناصر تروریست، جمهوری اسلامی‌در حال ارزیابی و تجدید نظر در همکاری‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی‌خود با کشورهای اروپایی است و به زودی تصمیماتی در این باره گرفته خواهد شد که حوزه‌های مهمی‌را در بر می‌گیرد.ظریف هم در توییترش نوشت: اروپایی‌ها از جمله دانمارک، هلند و فرانسه به منافقین – گروهی که ۱۲۰۰۰ایرانی را به قتل رساند و به صدام برای جنایت علیه کردهای عراق کمک کرد– و تروریست‌های دیگری پناه می‌دهند که قتل ایرانی‌های بی‌گناه را از اروپا صحنه گردانی می‌کنند. اتهام‌پراکنی علیه ایران، اروپا را از مسئولیت پناه دادن به تروریست‌ها مبرا نمی‌کند.»

بهرام قاسمی‌سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم بامحکومیت تصمیم غیرمنطقی و تعجب برانگیز اتحادیه اروپا که بر پایه اتهامات بی پایه و اساس، چند تبعه ایرانی را مورد تحریم قرار داده است، این اقدام را نشانه عدم صداقت کشورهای اروپایی در مبارزه با تروریسم خواند و افزود: اتحادیه اروپا به جای قرار دادن نام گروه‌های تروریستی و جنایتکاری چون منافقین و الاحوازیه در فهرست تحریم خود، آنان را در اقدامات ضد انسانی و تروریستی خود آزاد گذاشته و حتی تحت حمایت خود قرار می‌دهد؛ اما ایران را که پرچمدار مبارزه با تروریسم در منطقه بوده و اروپا امنیت خود را مدیون آن است، مورد اتهام قرار می‌دهد.

قاسمی‌تصریح کرد: ایران در پاسخ به این اقدام و در چارچوب عمل متقابل اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.به گزارش فارس، اتحادیه اروپا سه‌شنبه اولین دور تحریم‌ها علیه ایران را بر اساس ادعاهای بی اساس دانمارک اعمال کرد.

پلیس دانمارک آبان‌ماه بدون ارائه هیچ مستنداتی عوامل منتسب به ایران را به حمله به یک فرد در خاک این کشور متهم کرد و ایران در همان زمان قویاً این ادعا را تکذیب کرد.

اخبار کوتاه

مراسم معارفه آیت‌الله آملی لاریجانی در شورای نگهبان

دبیر شورای نگهبان از حضور مجدد آیت‌الله صادق آملی لاریجانی در شورای نگهبان ابراز خرسندی کرد و گفت: امیدوارم حضور مجدد ایشان سرآغاز حرکت جدیدی در امور شورا باشد.

به گزارش ایرنا، آیت‌الله احمد جنتی ، گفت: حضور آیت‌الله آملی مایه خوشبختی است و سوابق ارزنده وی در این شورا محفوظ است و امیدواریم با حضور این عالم عزیز حرکت جدیدی در کارهای شورا ایجاد شود.

جنتی با بیان این که امسال سال تلخی برای شورای نگهبان بوده است، افزود: متأسفانه امسال برادر عزیز آقای علیزاده یا به تعبیری حافظه شورای نگهبان را از دست دادیم و بعد از آن آیت‌الله‌هاشمی‌شاهرودی، آن فقیه عالم عامل مرحوم شدند و اکنون هم با اظهار تأسف شاهد بیماری آیت‌الله مؤمن هستیم که از خداوند متعال شفای عاجل وی را خواستاریم.

اقامه نماز جمعه تهران به امامت حجت‌الاسلام‌والمسلمین ابوترابی فرد

نماز عبادی سیاسی جمعه این هفته تهران به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد برگزار می شود.به گزارش روابط عمومی ستاد نماز جمعه تهران ،در این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح در مصلای تهران برگزار می شود،نادر طالب زاده،دبیر جشنواره فیلم عمار با موضوع«۴۰ سالگی انقلاب؛فرصت‌ها و تهدیدها» پیش از خطبه‌ها سخنرانی می کند.

تامین اجتماعی: دانشجویان می‌توانند خود را بیمه کنند

بخشنامه بیمه دانشجویان دانشگاه‌ها از سوی محمد حسن زدا، سرپرست سازمان تامین اجتماعی به تمامی‌واحدهای ستادی و ادارات کل استان‌های این سازمان ابلاغ شد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی‌سازمان تامین اجتماعی، به منظور تعمیم وگسترش پوشش بیمه به آحاد افراد جامعه و در اجرای بند ۷ یک هزار و هشتصد و بیست و دومین صورتجلسه هیأت مدیره سازمان تامین اجتماعی، بخشنامه ۶۸۵ امور فنی بیمه شدگان این سازمان صادر و بر این اساس دانشجویان دانشگاه‌ها با ارائه کارت دانشجوئی معتبر بر اساس درآمد مبنای پرداخت حق بیمه که از ۱/۱ برابر حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار کمتر نخواهد بود، از تاریخ ۹۷/۰۶/۳۱ مشمول مقررات مربوط به قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد قرار گرفته اند و می‌توانند با بیمه‌پردازی تحت پوشش این سازمان قرار گیرند.بر اساس این بخشنامه، چنانچه دانشجو صرفاً به تحصیل اشتغال داشته و تحت تکفل قانونی پدر یا مادر باشد، بهره مندی وی از خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی به تبع والدین، همزمان با بیمه پردازی در قالب بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد (بیمه دانشجویی) با رعایت سایر شرایط مقرر امکانپذیر خواهد بود.در ادامه این بخشنامه آمده است: با توجه به این که تحصیل شغل تلقی نمی شود لذا در صورتی که دانشجو طبق ضوابط مربوطه مشمول دریافت مستمری بازماندگان باشد، پذیرش درخواست و عقد قرارداد با وی همزمان با دریافت مستمری در چارچوب قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد (بیمه دانشجویی) بلامانع است.

ظریف: نیازمند منطقه ای قوی، به جای سلطه مردان قدرتمندیم

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه روز چهارشنبه در نشست بین‌المللی رایسینا مولفه های نظریه «منطقه قوی» را تشریح کرد.

به گزارش ایرنا، وی تاکید کرد: امروز به جای سلطه مردان قوی، نیازمند منطقه‌ای قوی هستیم.

وزیر خارجه همچنین ثبات سیاسی و سرزمینی بومی و اتکا به مردم را به عنوان منابع قدرت مشروعیت امنیت و کامیابی برشمرد.

ظریف هماهنگی هویت ملی و شهروندی منطقه ای را مولفه دیگر منطقه قوی خواند و افزود: مشارکت همه کشورهای مرتبط منطقه ای در تضمین صلح در منطقه از طریق نهادها و سازمان های منطقه ای یا ترتیبات مقتضی، از دیگر مولفه های منطقه قوی است.رئیس دستگاه دیپلماسی در ادامه اطمینان، تجارت و تعامل بیشتر بین کشورهای منطقه به جای قدرت‌های خارجی و همچنین روابط اقتصادی و تعاملات مردم محور که روی آوردن به جنگ را هزینه‌بر و غیرقابل دفاع کند ، از دیگر مولفه های منطقه قوی خواند.ظریف در ادامه فرهنگ منطقه‌ای که امنیت ملی را بر امنیت منطقه‌ای منطبق کند و همچنین محیط منطقه‌ای پایدار را از عناصر دیگر نظریه منطقه قوی دانست و با بیان این که ما با هند اشتراکات زیادی در شکل‌دهی چنین همسایگی در جنوب مرکز و غرب آسیا داریم یادآور شد: ما دوباره دست دوستی خود را به همسایگان خود در خلیج فارس دراز می‌کنیم تا در این مسیر حرکت کنیم.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: گفتگوی واقعی نیازمند جایگاه برابر و احترام متقابل و همچنین شناسایی منابع متنوع دانش و حکمت است.

ظریف همچنین در حاشیه این کنفرانس با «سوشما سوارج» همتای هندی خود دیدار کرد. بررسی ابعاد مختلف روابط دو جانبه از جمله در حوزه های اقتصادی و بانکی، پتروشیمی، نفت و انرژی، حمل و نقل از جمله موضوعات مورد گفتگو بود.

ایران به برنامه‌های هوافضای خود ادامه می‌دهد

ظریف همچنین در مصاحبه با رویترز در هند گفت، به رغم هشدارهای آمریکا، ایران برنامه‌های هوافضای خود را تعلیق نخواهد کرد.

وزیر خارجه ایران که در دهلی نو پایتخت هند به سر می‌برد در مصاحبه با رویترز گفت: ایران به برنامه‌های هوافضا خود ادامه می‌دهد و هیچ قانون بین‌المللی چنین برنامه‌ای را ممنوع نکرده است.وی در ادامه تصریح کرد: خروج از برنامه هسته‌ای که در سال ۲۰۱۵ با قدرت‌های جهان به امضا رسید گزینه کنونی تهران است اما تنها گزینه روی میز ما نیست.

ظریف: ما نمی‌توانیم زندانی گذشته باشیم

وزیر امورخارجه کشورمان در گفتگو با شبکه ان‌دی‌تی‌وی با بیان این‌که «غیرممکن است دولتی در آینده افغانستان بدون نقش طالبان باشد»، تاکید کرد که اما این گروه نباید نقش غالب داشته باشد.

ظریف تاکید کرد: معتقدم دولت آینده در افغانستان نمی‌تواند بدون نقش طالبان باشد اما ما به‌طور قوی بر این باوریم که آنها نباید نقش غالب در افغانستان داشته باشند. البته قطعا این مردم افغانستان هستند که در نهایت باید تصمیم‌گیری کنند

وی در ادامه در پاسخ به سئوالی درباره حمایت پاکستان از گروه‌های تروریستی در افغانستان گفت که پاکستان تلاش کرده نقشی مثبت ایفا کند اما افراط‌گرایی برای پاکستان نیز یک تهدید موجودیتی است .

وزیر امورخارجه تصریح کرد: معتقدیم موضع پاکستان درباره افغانستان در حال شکل گرفتن است و بر این باوریم که پاکستان تلاش می‌کند نقشی مثبت در رسیدن به روند برقراری صلح در افغانستان ایفا کند. می‌دانیم پاکستانی‌ها نمی‌خواهند افغانستان توسط گروه‌های افراط‌گرا احاطه شود اما افراط‌گرایی برای پاکستان یک تهدید موجودیتی است. افراط‌گرایی در افغانستان و پاکستان یک تهدید موجودیتی برای پاکستان است .

به گزارش ان‌دی‌تی‌وی، هند نگران است که پس از تصمیم رئیس جمهور آمریکا برای خارج کردن حدود هفت هزار نیروی نظامی‌اش از افغانستان، بی‌ثباتی در این کشور بر هند تاثیر بگذارد. هرچند که ایران معتقد است حضور نظامیان آمریکایی هیچ کمکی به برقراری امنیت و ثبات در افغانستان نکرده است.

ظریف خاطرنشان کرد: نمی‌توانیم زندانی گذشته باشیم. ما با پاکستان در دهه ۱۹۹۰ زمانی که طالبان را ایجاد یا به ایجاد آن کمک کرد، مخالفت کردیم. ما اولین کسانی بودیم که قربانیانی دادیم که از دست طالبان رنج بردند. ۱۱ تن از همکاران من به دست طالبان کشته شدند اما نمی‌توانیم در گذشته زندانی باشیم.

وی افزود: ما باید برای یک آینده بهتر با یکدیگر همکاری کنیم. ایران آماده است تا با پاکستان همکاری کند تا آنچه رهبران پاکستانی می‌گویند را درک کنیم، این‌که به ما گفته‌اند که بر این باورند مبارزه با گروه‌های افراط‌گرا در راستای منافع ملی‌شان است و ما نیز تحلیل گرانه معتقدیم که این امر حقیقت دارد.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران در پاسخ به سئوالی درباره تحریم‌های آمریکا علیه تهران که به کاهش خرید نفت هند از ایران منجر شده است، اظهار داشت: ما قادریم با یکدیگر حتی در شرایط سخت‌تر تعامل کنیم و من اطمینان دارم ایران و هند به‌ویژه در بخش خصوصی می‌توانند راه‌هایی برای پرهیز از این اقدامات غیر قانونی بیابند. اجازه دهید به خودمان یادآوری کنم که این اقدامات غیرقانونی هستند. ما نمی‌خواهیم قانون را دور بزنیم، بلکه تلاش می‌کنیم از بی‌قانونی پرهیز کنیم، ما تلاش داریم از قلدری (آمریکا) طفره برویم.

تصویب کلیات طرح برگزاری انتخابات مجلس به صورت استانی ـ شهرستانی

نمایندگان مجلس با کلیات طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس موافقت کردند که در صورت تصویب نهایی آن، انتخابات مجلس به صورت استانی – شهرستانی برگزار می‌شود.

به گزارش ایرنا، علی لاریجانی رئیس مجلس پس از تصویب کلیات این طرح گفت: کولیوند رئیس کمیسیون شوراها نامه ای به هیات رئیسه مجلس داده و خواستار ارجاع این طرح به این کمیسیون برای بررسی جزئیات و ایجاد اصلاحات در این طرح شده است.

وی در ادامه از نمایندگان خواست ارجاع یک هفته ای این طرح به کمیسیون شوراها را به رای بگذارند که نهایتا نمایندگان با ارجاع این طرح به کمیسیون شوراهای مجلس موافقت کردند.

لاریجانی گفت:اعضای کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها طبق آیین‌نامه یک هفته فرصت دارند جزئیات این طرح را در این کمیسیون بررسی کنند.

این طرح پس از بررسی جزئیات در کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها به صحن مجلس برای تصویب نهایی ارجاع می‌شود.

گفتنی است نمایندگان مجلس پیش از بررسی کلیات این طرح، به بررسی تقاضای مسکوت گذاشتن سه‌ماهه این طرح پرداختند، اما با این تقاضا مخالفت شد.

موافقت دولت با کلیات طرح

سید سلمان سامانی قائم مقام وزیر کشور درامور مجلس وهماهنگی استان‌ها هم در این جلسه با اعلام موافقت دولت با کلیات طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس گفت: موافقت دولت ، منوط به رسیدگی مجدد جزئیات این طرح در کمیسیون شوراهای مجلس است.

وی افزود: انتخابات یک امر سیاسی است و هر چقدر بتوانیم فرآیندهای برگزاری انتخابات و نتایج آن را موثر از مولفه‌هایی از جنس سیاسی قرار دهیم ،یقینا به کیفیت و اثر بخشی نتایج حاصل از انتخابات در اداره کشور کمک می‌کنیم.

قائم مقام وزیر درامور مجلس وهماهنگی استان‌ها تصریح کرد: هرچه بتوانیم سایر مولفه‌های تاثیرگذار در انتخابات را محدود و کم اثر کنیم، نتیجه آن است که به هدفمند شدن و انطباق برآیند نهایی آرا با مصالح کشور کمک کرده ایم.

نمایندگان مجلس همچنین در مصوبه ای سازمان تأمین اجتماعی را موظف کردند حق بیمه قراردادها و پیمان‌های غیرعمرانی را برمبنای صورت مزد یا حقوق ماهانه کارکنان محاسبه کند.

خبر دیگر آن که نمایندگان طرح اصلاح ماده ۱۳ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را مورد بحث و بررسی قرار دادند و در نهایت با تصویب مجلس مقرر شد، تامین ۱۰۰ درصدی هزینه‌های درمانی جانبازان و ایثارگران برعهده بنیاد شهید خواهد بود.

درهمین ارتباط یک عضو هیات رئیسه مجلس بیانیه ۱۵۰ نفر از نمایندگان را در باره ایثارگران خطاب به رئیس جمهوری قرائت کرد.

همچنین فاطمه سعیدی ازبررسی ادعاهای«اسماعیل بخشی» کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه در جلسه فراکسیون امید مجلس با حضور وزیر اطلاعات خبر داد و گفت: دو روز گذشته هم هیات رئیسه فراکسیون جلسه ای با آقای بخشی و وکیلش برگزار کرد. وی افزود: پیگیری‌های ما در مورد ادعاهای آقای بخشی ادامه دارد که نتیجه بررسی‌هایمان را بعد از بررسی قوه قضائیه و کمیسیون امنیت اعلام خواهیم کرد.

سخنگوی فراکسیون امید مجلس همچنین از سفر هیاتی از این فراکسیون به شوش برای بررسی ادعاهای اسماعیل بخشی خبر داد.

حمایت ۲۴۱ نفر از نمایندگان مجلس از وزیر سابق بهداشت

۲۴۱ نفر از نمایندگان بیانیه‌ای را در گرامیداشت زحمات سید حسن قاضی زاده‌هاشمی، وزیر پیشین بهداشت نوشتند که علی اصغر یوسف نژاد این بیانیه را به شرح زیر قرائت کرد:

«حضور موثر، مستمر و خالصانه شما را به عنوان وزیر بهداشت در اقصی نقاط کشور به ویژه مناطق مرزی و محروم حلاوت به ثمر نشستن پروژه‌های متعدد نظام سلامت را در کام مردم شریف مردم نشاند و خاطرات حرکت‌های جهادی اوایل انقلاب را در اذهان زنده کرد. خدمتگزاری بی‌منت توام با صداقت و تلاش خستگی ناپذیرتان موجی عظیم در بیماران و آحاد مردم ایجاد کرد.

در این شش سال که به عنوان خادم ملت و مورد معتمد نمایندگان مجلس در سنگر وزارت بهداشت حضور داشتید، به وضوح حرکت به سمت آرمان‌ها و اهداف و سیاست‌های کلان در نظام سلامت مشهود بوده و در دوران مسئولیت شما وزارت بهداشت طرحی چنان مطلوب در مسیر سلامت هموطنان ایجاد کرد که حرکتی درخشان در مقابل مردم ایران قرار داد. آحاد مردم ایران آثار بی بدیل آن را در زندگی خود درک کردند.

تاریخ گواه خواهد داد که در تنگناها و ناملایمات اقتصادی و تحریم‌ها خدمات درخشان وزارت بهداشت با مدیریت جهادی شما منجر به وقوع انقلابی عظیم در عرصه سلامت شد. شما در مسیر خدمت پای مردی کردید و الگوی مثال زدنی از مدیریت جهادی را به جوانان این مرز و بوم معرفی کردید. بر اساس آموزه‌های دینی و به وسیله خدمات و زحمات زیادتان از درگاه خداوند سلامت و سعادت و موفقیت روزافزون برای شما مسالت داریم.»

هانشور

اسطورهٔ امیرکبیر در جهان پیچیدهٔ سیاست

رضا بابایی

بیستم دی‌ماه، سالروز جاری شدن خونی پاک در حمام فین کاشان است. حدود ۱۵۰ سال از آن روز می‌گذرد؛ روزی که وزیر کارکشته مغلوب شاه جوان شد. در چنین روزی، سیاست، چهره‌ای دیگر از خود را به نمایش گذاشت. وزیر که هوای خدمت به وطن در سر داشت و می‌کوشید جامهٔ سامان بر تن رنجور میهن بپوشاند، ناگاه به قربانگاه رفت تا قدرت بی‌عنان شاه، همچنان یکه‌تاز میدان سیاست باشد.

میرزا تقی‌خان امیرکبیر برای ایرانیان، نماد هوشمندی و آینده‌نگری و خدمت و پاکبازی در راه میهن است. فهرست خدمات او به ایران عهد قاجار، بسیار بیش از آن است که بتوان وزیر یا دولت‌مردی را در تاریخ معاصر ایران با او مقایسه کرد. چشمی به سنت‌ها داشت و چشمی به جهان مدرن. نظم و سودمندی، تنها چیزی بود که او از کارگزاران دولتی می‌خواست و در این راه تا جان در بدن داشت، کوشید. صداقت و مناعت او تا بدانجا بود که اگر به وزارت نمی‌رسید، روزگارش را در گوشهٔ مسجد یا خانقاه یا مدرسه‌ای می‌گذراند. مجیزگویان را می‌راند؛ نابلدان را کنار می‌گذاشت و لقب‌فروشان را داغ می‌نهاد.

اما پیچیدگی‌های جهان سیاست و قدرت، او را نیز مقهور خویش کرد. امیرکبیر بر آن بود که قدرت را در شاه متمرکز کند و شاه را به دنبال خود کشد. پس شاهزادگان و درباریان و همهٔ آنان که دستی در قدرت داشتند در دوران صدارت او معزول شدند و جز مواجبی اندک، نصیبی از قدرت و ثروت نداشتند. او حتی سنت دیرین بست‌نشینی را برانداخت تا هیچ کس در برابر قدرت مرکزی، هیچ راهی جز تسلیم و فرمانبری نداشته باشد. اما درست همان گاه که همهٔ قدرت را در کف بی‌کفایت شاه گذاشت، شتر حذف بر خانهٔ او نیز نشست. او می‌پنداشت که پراکندگی قدرت، ایران را بی‌سامان و رنجور کرده است. اما به‌واقع خطر بزرگ‌تر برای کشور و مردم، قدرت بی‌مهار شاه بود و همین قدرت به امیرکبیر مجال حیات نداد؛ چه رسد به فرصت وزارت و خدمت. امیرکبیر را شاه نکشت؛ تصور او از جهان سیاست و دنیای پیچیدهٔ قدرت، دست بر گلوی او گذاشت. آن روز که شاه حکم قتل او را می‌نوشت، هیچ دستی و هیچ زبانی و هیچ اراده‌ای و هیچ نیرو و ساختاری نبود که شاه را از این ظلم عظیم به ملت بازدارد؛ زیرا پیشتر همهٔ دست‌ها کوتاه و همهٔ زبان‌ها لال شده بود و همهٔ پناهگاه‌ها مانند سنت بست‌نشینی متهمان، پایان یافته بود. امیرکبیر بر این باور بود که ایران را قدرت‌های پراکنده و اراده‌های متکثر بدان حال و روز درآورده است. او گمان داشت که شاه جوان همیشه به تدبیر و اقتدار او تکیه خواهد کرد. اما ناگهان معلوم شد که قدرت بی‌رقیب شاه قاجار، خطری دو چندان دارد. پس او به قربانگاهی رفت که با دست خود ساخته بود.

تجربهٔ امیرکبیر و قائم‌مقام فراهانی به مشروطه‌خواهان رسید و آنان کوشیدند که قدرت‌های جدید و مردمی در کنار قدرت شاه تعبیه کنند. پس نخست سخن از عدالت‌خانه گفتند و سپس مجلس شورا خواستند و در گام سوم، قانون نوشتند. قدرت‌های جدید (قوهٔ قضائیهٔ مستقل از شاه، پارلمان، قانون اساسی و مطبوعات) رویاروی قدرت بیکران شاه ایستادند و ایران را وارد قرن بیستم کردند. اما همچنان شاه قاجار هوای قدرت بی‌حد و حصر پدران تاجدارش را در سر داشت. پس مجلس را به توپ بست و قلم‌ها را شکست و آزادی‌خواهان را در باغشاه به دار آویخت. اما ایرانیان همچنان کوشیدند و در این راه سکندری‌ها خوردند و تجربه‌هایی گرانقدر نیز به دست آوردند.

کوتاه فرهنگی

مصلا مکان برگزاری نمایشگاه کتاب شد

سخنگوی شورای سیاست‌گذاری سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از انتخاب مصلای امام خمینی (ره) به عنوان مکان برگزاری نمایشگاه کتاب تهران خبر داد و گفت: به رغم این انتخاب همچنان باب تعامل و گفت‌وگو با مدیران مصلای امام خمینی (ره) در خصوص ساز و کار اجرایی مفتوح است.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دومین جلسه شورای سیاست‌گذاری سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با ریاست دکتر محسن جوادی؛ رئیس شورای سیاست‌گذاری روز چهارشنبه (۱۹ دی‌ماه) در این معاونت برگزار شد.

برگزاری شب شعر شمس لنگرودی

شب شعر محمدشمس لنگرودی در گالری آس برگزار می‌شود.

به گزارش هنرآنلاین، همزمان با اختتامیه نمایشگاه آثار الیانا شمس لنگرودی با عنوان "تو هم می‌بینی همونی که من می‌بینم؟" در گالری آس، شب شعر محمدشمس لنگرودی شاعر، نویسنده و هنرپیشه هم در این گالری برپا می‌شود.

شب شعر محمد شمس لنگرودی و اختتامیه "تو هم می‌بینی همونی که من می‌بینم؟" پنجشنبه ۲۰ دی ماه ساعت ۲۰ خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند جهت شرکت در این برنامه به شریعتی، بالاتر از پل رومی، جنب بانک پارسیان، شماره ۱۸۳۱، گالری آس مراجعه کنند.

بنیاد مستضعفان بخشی از گنجینه خود را نمایش می‌دهد

مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان، با نمایش مجموعه‌ای از قالی‌های محرابی تاریخی و منحصر بفرد و چند اثر سوزن‌دوزی و پته‌دوزی از مجموعه آثار خود، آن‌ها را برای نخستین بار به نمایش می‌گذارد.

به گزارش ایسنا، این مجموعه ۲۲ اثر تاریخی و نفیس را شامل می‌شود که در نمایشگاهی با عنوان «دروازه‌های بهشت» از ۲۰ تا ۲۸ دی در گالری شرقی ملی ایرانیان و با مشارکت برج میلاد و موسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان نمایش داده می‌شوند.

این آثار شامل ۱۷ فرش، قالیچه و پنج اثر پته‌دوزی به عنوان منتخبی ازگنجینه بافت آثار تاریخی ایران است که دوره‌های تاریخی صفوی، قاجار و پهلوی را در برمی‌گیرد و از مهمترین شاخصه‌ی آنها می‌توان به محرابی بودن این فرش‌ها اشاره کرد که مربوط به دست بافته‌های هنرمندان از شهرهای تهران، تبریز،کاشان، اصفهان و نجف‌آباد است.

علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه که با هدف تبیین جلوه‌های قدسی هنر ایرانی اسلامی در فضای فرهنگی امروزی است، از ساعت ۱۰ تا ۲۱ به گالری شرقی برج میلاد واقع در گذرگاه این مجموعه می‌توانند مراجعه کنند.

بلیت "مصاحبه" برای دانشجویان نیم بها شد

بلیت نمایش "مصاحبه" به کارگردانی محمد رضا فهمیزی برای دانشجویان به صورت نیم بها ارایه می شود.

به گزارش روابط عمومی نمایش "مصاحبه"، بلیت این اثر که هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در تالار ناصر خسرو به روی صحنه می رود،برای دانشجویان نیم بهاست ودانشجویان علاقه مند می توانند باارائه کارت دانشجویی به تماشای این اثر بنشینند.

به گزارش روابط عمومی نمایش،بلیت این اثر نمایشی که از ۱۶ دی ماه در تالار ناصرخسرو به روی صحنه رفته تاپایان اجرای خود برای دانشجویان تمام رشته ها ی تحصیلی به صورت نیم بها ارائه می شود.

علاقه مندان می توانند برای تهیه بلیت به سایت تیوال مراجعه کنند.

امضای تفاهم‌نامه همکاری میان مترو و جشنواره تئاتر فجر

تفاهم‌نامه‌ای جهت همکاری میان مسئولین شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه و سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امضا شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، تفاهم‌نامه‌ای میان انجمن هنرهای نمایشی ایران و مدیرعامل شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه جهت استفاده از ظرفیت تبلیغاتی و فرهنگی این فضا در راستای اهداف سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به امضا رسید.

حاضران در این جلسه فرنوش نوبخت مدیرعامل شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه، حمید نیلی مدیرعامل انجمن هنرهای نمایشی ایران، احسان بیسادی معاون فرهنگی و اجتماعی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه و وحید لک مدیر بخش تبلیغات و تشریفات سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بودند.

تقدیر از ۴ پیشکسوت در محفل شاعران رسانه



محفل شاعران رسانه از سلسله محافل سیزدهمین جشنواره شعر فجر با تقدیر از چهار پیشکسوت حوزه شعر، روزنامه‌نگاری و موسیقی در تالار رودکی برگزار شد.

به گزارش ایسنا بر اساس خبر رسیده، در این مراسم که با حضور یونس شکرخواه و حسن نمکدوست و شعرخوانی تعدادی از شاعران فعال در رسانه‌ها همراه بود از فریدون صدیقی (استاد روزنامه‌نگاری)، علیرضا طبایی (شاعر و مسئول بخش شعر مجله جوانان)، صدیق تعریف (خواننده و موسیقی‌پژوه) و تیمور گورگین (شاعر، ترانه‌سرا و روزنامه‌نگار) تجلیل شد.

در ابتدای این محفل که سه‌شنبه (۱۸ دی‌ماه) برگزار شد، مهدی قزلی، دبیر اجرایی جشنواره شعر فجر به ذکر خاطراتی از دوران روزنامه‌نگاری خود پرداخت و در ادامه با تشریح روند اجرایی جشنواره شعر فجر گفت: برگزاری بزرگترین رویداد شعر کشور از سال ۱۳۹۳ بر عهده بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان قرار گرفت و با مشورت جدی که با بزرگان ادبیات داشتیم به نظرمان رسید که به جای ارسال آثار، روی کتاب‌های منتشرشده در سال گذشته تمرکز کنیم که بعد از این چند سال، جمع‌بندی ما این است که در کل این تاثیرات مثبت بوده‌اند.

مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی با تاکید بر اهمیت گردآوری آثار یک شاعر در قالب کتاب افزود: شاعران زیادی داریم و داشتیم که شعر گفتند، شاعر بسیار خوبی هم بودند، اما بعد از مدتی به هر ترتیبی اثری از آن‌ها باقی نماند؛ به خاطر این‌که شعرها و آثارشان به کتاب تبدیل نشدند. ما ان‌شاءالله کاستی‌های ارسال خود شعر، و نه کتاب، را برای کسانی که امکان انتشار کتاب ندارند، مدنظر داریم و سال آینده به این موضوع توجه جدی می‌کنیم. برای این‌که جشنواره در سطح باقی نماند و کتاب‌هایی را که در سال‌های قبل‌تر منتشر شده‌اند هم مورد توجه قرار دهیم، محافل جشنواره را در فاصله یکی دو ماه مانده تا اختتامیه در نظر گرفتیم تا امکان شعر خواندن و شعر شنیدن برقرار شود.

دبیر اجرایی سیزدهمین جشنواره شعر فجر به روند بررسی آثار جشنواره سیزدهم اشاره کرد و گفت: ۴۵۰۰ اثر در سه دسته شعر بزرگسال، درباره شعر و شعر کودک و نوجوان به جشنواره بین‌المللی شعر فجر ارسال شده و داوران ما با جدیت آثار را بررسی می‌کنند.

او در پایان اظهار کرد: ما از استادانی نظیر آقای صدیقی یاد گرفتیم کار روزنامه‌نگاری از آن شغل‌هایی است که نه روز می‌شناسد، نه شب و بازنشستگی هم ندارد. از آنجا که جناب آقای صدیقی را می‌شناسیم می‌دانیم اهل نشستن نیستند و حتما فضای روزنامه‌نگاری و خبرنگاری ما از خدمات ایشان استفاده خواهد کرد. امیدوارم سهم کوچک ما در تجلیل از استاد فریدون صدیقی، طلیعه‌ای باشد برای این‌که به کسانی که باید به این موضوع توجه کنند، تلنگری وارد شود و از صدیقی تجلیل کنند.

همچنین ابراهیم اسماعیلی اراضی، شاعر و دبیر محفل شاعران رسانه جشنواره شعر فجر درباره روند برگزاری این محفل گفت: اوایل دی‌ماه بود که آقای بهروز جلالی، معاون محترم فرهنگی و امور استان‌های بنیاد با من درباره برگزاری محفل شعر در جشنواره بین المللی جشنواره شعر فجر برای اهالی رسانه صحبت کرد؛ این‌که بچه‌های شاعر که در رسانه‌ها کار می‌کنند معمولا زحمت خبرهای جشنواره روی دوش‌شان است اما خودشان پشت خبر می‌مانند و از طرفی، بزرگداشتی برای پیشکسوتان عرصه رسانه داشته باشیم. مراحل اجرایی کار به سرعت طی شد تا به امروز رسیدیم که در خدمت شما هستیم. امیدواریم سال بعد نوبت به کسانی برسد که امسال شرمنده‌شان شدیم.

او همچنین بیان کرد: جشنواه شعر فجر اگر دردهایی دارد، دوایش آمدن و ایستادن است.

علیرضا طبایی در این مراسم دو غزل خواند.

فریدون صدیقی نیز به ذکر خاطره‌ای از دیدار با خسرو گلسرخی در اوایل کارش پرداخت. او همچنین گفت: من از هیچ‌کس گله‌مند نیستم. من مرهون رسانه هستم و با رسانه بزرگ شده‌ام.

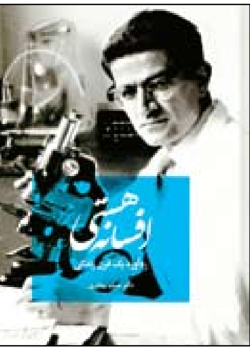
این پیشکسوت رسانه در ادامه به صحبت درباره رابطه روزنامه‌نگاری و شعر پرداخت و گفت: آیا امکان دارد شاعر روزنامه‌نگار یا داستان‌نویس شود؟ کسی که درام را بشناسد، می‌تواند داستان‌نویس شود. اگر درام را بشناسد، می‌تواند روزنامه‌نگار شود.

داستان‌نویس می‌تواند شاعر شود؟ نه، شاعر شاعر است و قرار ندارد. اگر شاعر هستید، روزنامه‌نگاری را رها کنید و به دغدغه شاعری‌تان برسید. شاعر یک خصلت گوهری دارد که مال خودش است.

در ادامه این محفل، صدیق تعریف با ذکر خاطره از نحوه آشنایی با نشریه‌ها، سپس درباره عارف قزوینی صحبت کرد و گفت: قبل از عارف ترانه‌ها خیلی تکراری و یکنواخت جلو می‌رفت. عارف با آمدنش روحی به ترانه دمید که به شکل عمودی و فواره‌ای خودش را نشان داد. به تحقیق، تک‌تک تصانیف عارف به یک مورد خاص اجتماعی سیاسی مربوط می‌شود و می‌توان گفت عارف به نوعی گزارشگر و روزنامه‌نگار بوده. ضمن این‌که نمی‌توان او را فقط در کلام خلاصه کرد. می‌شود گفت که منشوری از چند هنر است؛ آواز خوش، نوانوازی و آهنگسازی، تصنیف و شعر. علت ماندگاری اصلی کلام عارف، صرفا واگویه مسائل تاریخی نیست بلکه دلیلش ساختار پرقدرت و ملودی‌های زیبای اوست. خود ملودی‌هایی که عارف انتخاب کرده به تنهایی دارای ارزش هنری بسیار بالایی است.

بر اساس این خبر، هفته گذشته، ابراهیم اسماعیلی اراضی دبیر محفل شاعران رسانه به نمایندگی از بنیاد شعر و ادبیات داستانی در منزل تیمور گورگین، شاعر، ترانه‌سرا و روزنامه‌نگار در شهر خمام استان گیلان حضور یافت و با اهدای لوح تقدیر و هدیه از او تقدیر کرد. در این مراسم نیز فیلمی از این دیدار و صحبت‌های گورگین پخش شد.

کتاب «افسانه هستی» شرح زندگی دکتر مسلم بهادری منتشر شد



کتاب «افسانه هستی: ره آورد یک قرن زندگی» که به شرح زندگی نزدیک به یک قرن دکتر مسلم بهادری استاد ممتاز آسیب شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران اختصاص دارد به قلم خود این استاد منتشر شد.

نویسنده در مقدمه این کتاب نوشته است: نود و اندی سال زمان کوتاهی نیست. در این مدت حوادث و وقایع تلخ و شیرین بی شماری اتفاق می افتد. اکثر مردم حوادث دوران زندگی شان را نادیده گرفته، پشت سر گذاشته و فراموش می کنند. من به عنوان یک روستا زاده دوران زندگی ام پرمعنا و آموزنده است.

در بخش دیگری از این مقدمه آمده است: در این نوشته کوشیده ام وقایع را آن طور که می دیدم و یا تشخیص می دادم بنویسم و نوشته هایم حتی المقدور بی طرفانه باشد.

وقایع اشاره شده در این کتاب از زمان قبولی دکتر بهادری در کنکور سال ۱۳۲۷ و ورود ایشان به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران آغاز شده و فعالیت های اجتماعی و سیاسی وی در دوران تحصیل پزشکی و اتفاقاتی مانند واقعه سی تیر ۱۳۳۱، کودتا علیه دکتر مصدق و واقعه شانزدهم آذر ۱۳۳۲ را در بر می گیرد.

سفر به انگلستان برای تکمیل تحصیلات و بازگشت به ایران و تشریح همه مناصب و مدارج علمی، اجرایی و اجتماعی دکتر بهادری همراه با پیوست های مربوط به کتاب های تالیفی، مقالات چاپ شده علوم پزشکی در مجلات معتبر داخلی و خارجی و شرح حال آکادمیک وی از دیگر بخش های این کتاب به شمار می آید.

نوبت نخست این کتاب در سال ۱۳۹۷ با شمارگان ۲۰۰۰جلد به قیمت ۸۰هزارتومان توسط انتشارات میرماه منتشرشده است.

خبرنگاران

افشین علا

ای خبرنگاران، ای راویان دانایی
وارث رسولانید با دم مسیحایی

می کنید در میدان با یلان، هم آوردی
کار لشکری کردید گاه خود به تنهایی

هم گهرشناسان را انس با اسامی تان
هم جریده خوانان را با شما هم آوایی

ای خوشا نگارش ها نقدها گزارش ها
اشتیاق عکاسی شور صفحه آرایی

پای حرف هاتان تا یک دقیقه بنشینیم
برده اید ساعت ها رنج راه پیمایی

جوهر حقایق شد جاری از قلم هاتان
گرچه می کند باطل میل خامه فرسایی

مرغ زیرکید آری بر شما همین زیبد
در رهایی استغنا در قفس، شکیبایی

ملت از شما خرسند در رسانه ها هرچند
سخت می توان گفتن حرف حق به شیوایی

دی ۹۷

کوتاه آموزشی

شرایط پذیرش دانشجویان در دوره دکتری سخت تر شد

مدیرکل دفتر برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم از تصویب نهایی «آیین‌نامه ساماندهی پذیرش دانشجویان دکتری دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی » در این وزارتخانه خبر داد و گفت: با تصویب این آیین‌نامه شرایط و شاخص‌های پذیرش در دوره دکتری دانشگاه‌ها سخت تر می‌شود.

دکتر محمدرضا آهنچیان در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به تصویب نهایی طرح ساماندهی پذیرش دانشجویان دکتری در کشور، گفت: در حال حاضر این آیین نامه به منظور اجرا به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ابلاغ شده و بر اساس‌آن شاخص‌ها و شرایط پذیرش دانشجویان دکتری در کشور اصلاح خواهد شد. مثلا در گذشته یک دانشگاه برای راه‌اندازی دوره دکتری ملزم به داشتن سه دوره دانش آموختگی بود که با تصویب این طرح، تعداد این دوره‌ها به ۵ دوره افزایش یافته است.

دکتر آهنچیان خاطرنشان کرد: فاز اول طرح ساماندهی دوره‌های تحصیلی در وزارت علوم اجرایی شده و با تصویب طرح فوق، شرایط پذیرش دوره‌های دکتری سخت‌تر شده و دانشگاه‌هایی که بخواهند دوره های جدید دکتری راه‌اندازی کنند با محدودیت مواجه خواهند شد.

وی خاطر نشان کرد: درحال حاضر ظرفیت پذیرش دانشجویان دوره دکتری سالیانه تعداد ۲۴ هزار نفر است و در سال نیز حدود ۲۰ هزار دانشجوی دکتری فارغ‌التحصیل می‌شوند. مدیرکل دفتر برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم در پایان گفت: بر اساس تصمیم این وزارتخانه شرایط پذیرش در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز تغییر خواهد کرد.

دروس پیش‌نیاز در دبیرستان حذف شد

مدیرکل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری وزارت آموزش و پرورش از حذف دروس پیش نیاز در دوره متوسطه دوم خبر داد.

عباس سلطانیان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: طبق ماده ۶ آیین نامه آموزشی دوره دوم متوسطه، دروس پایه دهم پیش نیاز دروس پایه یازدهم نبود و وقتی دانش آموزی ارتقای پایه پیدا می‌کرد می‌توانست همه دروس پایه یازدهم را انتخاب کند و به تحصیلش ادامه دهد.

وی افزود: اما در تبصره های ماده ۶ آیین نامه آمده بود که برخی دروس پایه یازدهم، پیش نیاز پایه دوازدهم محسوب می‌شوند و دانش آموز باید کف نمره را کسب کند. معمولا درهر رشته تخصصی سه تا چهار درس اینگونه بود و پیش نیاز می‌خورد.

سلطانیان ادامه داد: امسال به شورای عالی آموزش و پرورش پیشنهاد دادیم بحث دروس پیش نیاز در دوره متوسطه حذف شود که خوشبختانه در کمیسیون معین به تصویب رسید و ابتدای هفته جاری به کلیه استان‌ها ابلاغ شد و دیگر دروس پیش نیازی برای بچه‌ها در دوره متوسطه نخواهیم داشت.

وضعیت نامناسب بودجه صندوق رفاه دانشجویان علوم پزشکی در لایحه بودجه

معاون دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت وضعیت بودجه صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت در لایحه بودجه ۹۸ را نامناسب توصیف کرد.

دکتر محمدرضا فراهانی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره وضعیت بودجه صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت در لایحه بودجه ۹۸ گفت: در حالی که بودجه عمومی صندوق رفاه وزارت علوم ۱۰ درصد افزایش داشته است اما بودجه صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت هیچ افزایشی نداشته است. وی افزود: با توجه به اینکه از گذشته فاصله زیادی میان بودجه این دو صندوق وجود داشت، با وضعیت بودجه فعلی نه تنها این فاصله اصلاح نشد بلکه فاصله بیشتر هم شد.

فراهانی تاکید کرد: این مسئله موجب می شود که این صندوق بودجه مناسبی برای مسائل رفاهی نداشته باشد.

تمام کتب درسی سال آینده فقط «اینترنتی» فروخته می‌شود

سرپرست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی گفت: ثبت نام تمام کتب درسی دانش‌آموزان برای سال تحصیلی آینده به صورت «اینترنتی» انجام می‌شود.

حیدر تورانی سرپرست این سازمان در گفت وگو با فارس اظهار کرد: ثبت نام کتاب‌های درسی تا امسال در تعدادی از پایه‌ها بود اما برای سال تحصیلی آینده، ثبت نام تمام کتب درسی دانش‌آموزان به صورت «اینترنتی» انجام می‌شود. وی ادامه داد: ثبت‌نام کتاب‌های درسی از طریق سامانه www.irtextbook.ir یا www.irtextbook.com و به دو صورت «فردی» توسط دانش‌آموز و خانواده و «گروهی» توسط مسئولان مدرسه انجام می‌شود. تورانی تصریح کرد: سال تحصیلی آینده روی تعداد زیادی از کتاب های درسی، «مُهر ماندگاری تا ۱۴۰۰» درج می‌شود و تغییراتی که در سال‌های بعد روی کتاب نیاز است از طریق سایت این سازمان اعلام خواهد شد.

جشن شهر ملی نمد در شهرکرد برگزار می‌شود



مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری گفت: تمهیدات لازم برای برپایی جشن شهر ملی نمد به میزبانی شهرکرد در آینده‌ای نزدیک اندیشیده شد.

به گزارش ایلنا، مهرداد جوادی (مدیرکل میراث‌فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری) در نشست با شهردار شهرکرد، نماینده استانداری چهارمحال و بختیاری و نماینده فرمانداری شهرستان شهرکرد تأکید کرد: تولید نمد و محصولات جانبی آن از سالیان بسیار دور در شهرکرد سابقه دارد. او افزود: تقویت روحیه خودباوری بین هنرمندان و فعالان این هنرصنعت در شهرکرد باید در دستور کار قرار گیرد.

جوادی تصریح کرد: معرفی حرفه و صنعت تولید نمد و محصولات جانبی آن در دنیا و برنامه ریزی برای افزایش صادرات این محصول به نقاط مختلف جهان از مهمترین برنامه‌های اولویت دار اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری محسوب می‌شود.

او بیان کرد: براساس هماهنگی‌های صورت گرفته با شهرداری شهرکرد حدفاصل میدان فردوسی تا میدان ابوعلی سینا که محله و کوچه "نمدمال‌ها" در آن قرار گرفته به عنوان گذر صنایع دستی معرفی و نامگذاری خواهد شد.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری اضافه کرد: نصب بنر و انجام تبلیغات محیطی از سوی شهرداری شهرکرد، رونمایی و نصب المان‌های شهری، رونمایی از تمبر یادبود "شهرکرد، شهر ملی نمد"، برپایی نمایشگاه‌های تخصصی تولیدات نمدی و توزیع هدایا و اقلام تبلیغاتی نمدی از مهمترین برنامه‌های پیش بینی شده برای برگزاری جشن ملی نمد به شمار می‌رود.

او عنوان کرد: استفاده از ظرفیت‌های مرتبط با تولیدات نمدی، معرفی و آموزش مصنوعات نمدی و شناسایی بازار فروش این هنرصنعت از برنامه‌های مورد نیاز در راستای تقویت هنر نمدمالی است.

جوادی اظهار کرد: ایجاد انگیزه بین هنرمندان و استفاده از تسهیلات اشتغالزایی کم بهره برای رونق هنر نمدمالی مورد توجه قرار دارد.

حدادعادل: هدف بنیاد سعدی ارتقای کمی و کیفی فارسی آموزی در جهان است



به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا هشتاد و ششمین دوره دانش افزایی زبان فارسی بنیاد سعدی با عنوان نخستین «مدرسه زمستانی دانش افزایی زبان و ادبیات فارسی» از اول هفته آینده با حضور بیش از ۳۱ فارسی آموز از ۲۰ کشور جهان از جمله آلمان، روسیه، ژاپن، ایتالیا، فرانسه، دانمارک، آرژانتین، هند، لبنان، صربستان، آلبانی، گرجستان و بلاروس به مدت یک ماه برگزار می شود.

نشست خبری این دوره با حضور مسئولان بنیاد سعدی برگزار شد و در جریان آن رئیس این بنیاد به تشریح اقدامات هفت ساله بنیاد پرداخت و معاون آموزشی نیز جزئیات دوره را شرح داد.

بنیاد سعدی؛ آموزش زبان فارسی در فضای مجازی

غلامعلی حدادعادل در این نشست خبری به اقدامات هفت ساله بنیاد سعدی از زمان تاسیس اشاره کرد و گفت: تالیف ۷۰ کتاب درسی در این بنیاد پیش بینی شد که تاکنون تالیف حدود ۱۵ عنوان کتاب به پایان رسیده و چاپ شده و در سراسر دنیا قابل توزیع است که عنوان یکی از این کتاب ها «گام اول» است که دوزبانه بوده و تاکنون به ۱۱ زبان دنیا ترجمه، تکثیر و استفاده شده است.

وی افزود: در کنار فعالیت ها برای تالیف کتاب، فعالیت های وسیعی برای آموزش زبان فارسی در فضای مجازی آغاز کردیم که در این راستا برخی برنامه ها در حال اجرا و برخی در دست تکمیل است و نیز یک استودیوی برخط در بنیاد ایجاد شده که معلمان از طریق اینترنت از فارسی آموزان رفع اشکال می کنند.

حدادعادل فعالیت دیگر این بنیاد را برگزاری انواع دوره های کوتاه مدت از جمله این دوره زمستانه خواند و افزود: از ابتدای تاسیس بنیاد سعدی ۷۰ دوره تربیت مدرس زبان فارسی برگزار شده است که در این دوره ها افرادی با حداقل مدرک کارشناسی ارشد در رشته های مختلف مرتبط با زبان فارسی می توانند در آن شرکت داشته باشند.

رئیس بنیاد سعدی اظهارکرد: فعالیت هایی هم برای دانش افزایی فارسی آموزان داریم و در این مسیر بیش از ۲۰ دوره دانش افزایی از جمله دوره های تابستانی برگزار شده و به این منظور با حدود ۳۰ موسسه داخلی و خارجی تفاهم نامه همکاری امضا شد.

حدادعادل افزود: بنیاد سعدی یکی دیگر از وظایف خود را تدوین انواع استانداردها در آموزش زبان می داند و معتقد است آموزش زبان مخصوصا زبان دوم حتما باید استاندارد باشد و آزمون ها از جمله زبان فارسی نیز باید مطابق استاندارد و آیین های خاصی برگزار شود.

وی با بیان اینکه بنیاد سعدی قصد ارتقای کمی و کیفی فارسی آموزی در جهان را دارد، افزود: با نمایندگان فرهنگی ۸۰کشور جهان در ارتباط هستیم.

افزایش ۴،۷ درصدی بودجه بنیاد سعدی میدان قدرت این نهاد را افزایش نمی دهد

حدادعادل گفت: ظاهر بودجه بنیاد سعدی در لایحه پیشنهادی دولت افزایش جزئی ۴،۷ درصدی را نشان می دهد اما باید توجه داشت ۸۰ درصد بودجه بنیاد صرف خرید ارز می شود و بودجه سال گذشته بر اساس نرخ ارز سه هزار و ۷۰۰ تومانی بسته شده بود.

اقامتگاه‌های بوم گردی درجه‌بندی می‌شوند

معاون گردشگری سازمان گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی گفت: اقامتگاه‌های بوم‌گردی بر اساس تجهیزات و امکاناتشان درجه‌بندی می‌شوند.

ولی تیموری در گفت‌وگو با ایرنا، با اعلام این خبر گفت: در حال حاضر هزار و ۴۶۷ اقامتگاه بوم‌گردی در کشور پروانه فعالیت دارند.

وی افزود: بر اساس هدف‌گذاری‌های انجام گرفته قرار است تا آخر دوره فعالیت دولت دوازدهم، این تعداد به ۲ هزار اقامتگاه افزایش یابد که با توجه به ظرفیت‌های موجود و رونق کسب کار بوم‌گردی‌ها به این تعداد دست خواهیم یافت.

تیموری، سیاست اصلی مورد نظر سازمان میراث فرهنگی برای اقامتگاه‌های بوم‌گردی را درجه‌بندی آنها اعلام کرد و افزود: بزودی تمام اقامتگاه با توجه به ساختمان و تجهیزات و امکاناتشان به درجه یک، دو و سه تقسیم می‌شوند.

وی ادامه داد: میزان کرایه این اقامتگاه‌ها متناسب با این درجه‌بندی خواهد بود و به این ترتیب هر گردشگری که قصد اقامت در یک اقامتگاه بوم‌گردی درجه یک را دارد، می داند این مکان باید از چه امکانات و تجهیزاتی برخوردار باشد.

تیموری یکی دیگر از برنامه‌های پیشرو معاونت گردشگری را آموزش به کارمندان و افرادی که در این اقامتگاه مشغول خدمت رسانی به مسافران هستند، اعلام کرد و افزود: نحوه صحیح برخورد با گردشگران و فراگیری زبان انگلیسی از دیگر برنامه‌ها برای ارتقای کیفیت اقامتگاه های بوم گردی در نظر گرفته شده است. معاون رئیس سازمان میراث فرهنگی گفت: استقبال گردشگران خارجی نیز از اقامتگاه‌های بوم‌گردی بسیار خوب بوده و دلیل این امر نیز حضور گردشگران خارجی فرهنگی در ایران است که به این نوع اقامتگاه علاقمند هستند.

وی درپاسخ به پرسشی در مورد تعداد اقامتگاه‌های بوم گردی غیرقانونی در کشور، گفت: پاسخ به این پرسش را نمی توان به درستی گفت، چون هر فردی می‌تواند گردشگری را به خانه دعوت کند و از او در منزل شخصی اش پذیرایی کند؛ این بخشی از فرهنگ ایرانی است.

تیموری افزود: اگر در این شرایط بین گردشگر و صاحب منزل مشکلی پیش بیاید به سازمان میراث فرهنگی ارتباطی ندارد و مرجع رسیدگی ارگان‌های دیگری هستند.

معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی گفت: ما تنها می‌توانیم از گردشگران بخواهیم که از اقامتگاه‌هایی که تابلو بوم‌گردی سازمان میراث فرهنگی را دارند، استفاده کنند.

ضرورت بازنگری در ظرفیت پذیرش رشته‌های مختلف علوم پزشکی

معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با تاکید بر ضرورت بازنگری و استانداردسازی ظرفیت پذیرش رشته های مختلف گروه علوم پزشکی عنوان کرد: ارتقاء سطح آموزش علوم پزشکی به سطح استانداردها و شاخص های بین المللی نیازمند همراهی و مشارکت تمامی گروه های دانشگاهی است.

به گزارش ایسنا، دکتر سید امیرمحسن ضیایی در دومین همایش ارایه دستاوردهای طرح تحول ونوآوری در آموزش ویژه اعضای هیات علمی جوان که در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی برگزار شد، گفت: طی سال های اخیر افزایش ناگهانی درکمیت آموزش عالی داشتیم که اگرچه مثبت است اما این روند باید مهار شده و در این راستا به صورت هوشمند و بر اساس نیاز کشور اقدام شود.

وی با تاکید بر ضرورت بازنگری و استانداردسازی ظرفیت پذیرش رشته های مختلف گروه علوم پزشکی، عنوان کرد: ارتقای سطح آموزش علوم پزشکی به سطح استانداردها و شاخص های بین المللی نیازمند همراهی و مشارکت تمامی گروه های دانشگاهی است.

دکتر ضیایی با بیان اینکه متاسفانه در برخی حوزه‌ها در دره هستیم که باید برای اصلاح و ارتقای آن‌ها اقدام کنیم، عنوان کرد: نباید هیچ گروه آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی پایین‌تر از سطح ملی عمل کند.

این چنین گروه آموزشی یا باید تعطیل شود یا باید شاخص و استاندارد خود را حداقل در سطح ملی ارتقاء دهد.

بزرگداشت «بهرام محمدی فر» عکاس جنگ

بزرگداشت بهرام محمدی فر، عکاس جنگ و دفاع مقدس، در اختتامیه سیزدهمین جشنواره عکس خبری، مطبوعاتی «دوربین.نت»روز جمعه ۲۱ دیماه ۱۳۹۷ ساعت ۱۷ تا ۱۹ در فرهنگسرای شفق برگزار می شود. بهرام محمدی فرد، متولد ۱۳۳۷ در تهران است. شروع عکاسی‌اش به سال ۱۳۵۶ بازمی‌گردد، اما پس از انقلاب به عنوان عکاس، کارش را در روزنامه جمهوری اسلامی آغاز کرد.

در روزهای جنگ، بارها به مناطق عملیاتی سفر کرد و بیشتر عمر عکاسی اش را در جبهه ها گذراند تا عکاسی کند و در قریب به هشتاد درصد عملیات ها حضور داشت.

دو سال ابتدای جنگ را بیشتر همراه با دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگ های نامنظم و همراه با آیت الله خامنه ای گذراند و در عملیات خیبر دچار موج گرفتگی و چندین بار هم شیمیایی شد.

او در حادثه طبس جزو اولین عکاسان حاضر در صحنه بود و در جنگ سی و سه روزه لبنان هم به عنوان عکاس حاضر بود.

اختتامیه سیزدهمین جشنواره عکس خبری، مطبوعاتی دوربین.نت، جمعه ۲۱ دیماه ۹۷ با تجلیل از برترین عکاسان خبری، مطبوعاتی سال ۹۶، انتخاب عکس برترسال دوربین.نت، تجلیل از بهرام محمدی فرد و ... در فرهنگسرای شفق، واقع در خیابان یوسف آباد، کوچه ۲۱، پارک شفق ساعت ۱۷ الی ۱۹ برگزار می شود.

این جشنواره با حمایت و همکاری فرهنگسرای سرو، فروشگاه های زنجیره ای شهروند، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری اصفهان، شرکت نورنگار و سایت عکاسی در فرهنگسرای سرو شکل گرفته است.

همتی: بازار ارز متعادل و در کنترل بانک مرکزی است

بانک مرکزی اجازه نمی دهد نوسان‌گیرها و کسانی که دنبال منافع کوتاه مدت هستند، بتوانند از بازار ارز استفاده کنند.

این مطلب را دکتر عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی دیروز در حاشیه نشست هیات دولت در جمع خبرنگاران اعلام کرد و گفت: مردم هرگز نگران نباشند، بازار ارز همچنان در تعادل و در کنترل بانک مرکزی است.

وی در مورد ادامه پرداخت سود سپرده بالاتر از میزان قانونی در برخی بانک ها، گفت: آنطور که شنیده ام بانک ها دیگر بالای ۲۰ درصد سود نمی دهند.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: برای همه بانک هایی که خلاف مصوبه شورای پول و اعتبار عمل کرده اند، پرونده تشکیل شده و در جریان بوده و ممکن است در هیات انتظامی مطرح شود.

همتی اظهار داشت: به بانک ها توصیه کرده ایم که از چنین تخلف هایی دست بردارند؛ ما در چارچوب اصلاح نظام بانکی، همه این امور را مورد توجه قرار می دهیم.

وی گفت: حذف چهار صفر از پول ملی اولویت بانک مرکزی نیست. کارهای بسیار زیادی در بانک مرکزی شروع کرده ایم؛ تحولات مهمی را در بازار ارز، پول و اصلاح نظام بانکی در دستور کار قرار گرفته که همه این طرح ها به ترتیب در حال انجام است. بحث پیشنهاد حذف چهار صفر هم برای تسهیل امور و جلوگیری از برخی هزینه ها مورد توجه قرار گرفته است.

همتی اظهار داشت: ارتباط پول ما با ارزهای بین المللی باید تناسب داشته باشد؛ اگر رابطه پول ما با ارزهای خارجی را مقایسه کنیم، می بینیم که نرخ مبادله ای پول ما خیلی بالاست و این خوب نیست.

وی ادامه داد: بعضی از دوستان مطرح کرده اند که این طرح تاثیری در رشد و تورم ندارد؛ ما این را می دانیم، ما نگفته ایم که حذف چهار صفر در رشد و تورم تاثیر دارد؛ این طرح ظاهری و اسمی است و خودمان هم نمی گوییم کاری حقیقی است.

رئیس کل بانک مرکزی در پاسخ به این پرسش که چرا این طرح دو سال طول می‌کشد؟ گفت: من نگفته ام که دو سال صبر می‌کنیم؛ اجرای این طرح از نظر قانونی و فنی یک سری مقررات و اصلاحاتی در حسابرسی‌ها و گمرک نیاز دارد که آماده شدن این شرایط ۲ سال زمان می برد. وی در پاسخ به این پرسش که برخی می گویند زمان اجرای این طرح مناسب نیست؟ گفت: ما هر کاری می کنیم می گویند الان وقتش نیست، دوستان بگویند وقتش کی است؟

برنامه دولت برای تامین مسکن اقشار متوسط و کم درآمد

مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی هم به خبرنگاران گفت: اتفاقاتی که در حوزه مسکن رخ داده بیش از آنکه از بازار مسکن متاثر باشد، بازتاب شرایط اقتصادی است و دولت به عنوان سیاست ثابت و برنامه اجرایی تولید مسکن برای جامعه هدف که اقشار متوسط و کم درآمد است، دنبال می‌کند. وی گفت: ساخت مسکن از توقف و بلاتکلیفی خارج شده و برنامه ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکونی و تکمیل ۵۰۰ هزار واحد نیمه تمام هم در همین چارچوب انجام می‌شود و انتظار می رود شتاب بگیرد.

اسلامی در پاسخ به سوالی مبنی بر شرایط قطارهای سریع‌السیر و موضوع توقف ارائه خدمات از سوی آنها گفت: طی چند سال گذشته تعرفه این قطارها تغییرنکرده، اما در مقابل هزینه آنها افزایش داشته است.

وی افزود: درخواست شده است تا شرکت های ریلی سرویس‌های خود را متوقف نکنند و با توجه به اینکه ارز دولتی فقط برای تأمین کالای اساسی اختصاص پیدا می‌کند، بنابر این شرکت های ریلی باید هزینه های خود را متناسب با ارز نیمایی تنظیم کنند.

قیمت گوشت قرمز به تعادل می‌رسد

مهندس محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی هم به خبرنگاران گفت: بازار گوشت قرمز با افزایش واردات، تا شب عید به تعادل می‌رسد و قیمت‌ها کاهش می‌یابد.

وی افزود: علت اصلی افزایش قیمت گوشت قرمز در هفته‌های اخیر، افزایش قاچاق دام به کشورهای دیگر به دلیل تغییر نرخ ارز بود که این افزایش قیمت بر تولید داخلی و قیمت گوشت سایه انداخت و موجب افزایش آن شد که وزارت جهاد کشاورزی در نظر دارد با افزایش واردات، بازار را تنظیم کند.

وزیر جهاد کشاورزی در خصوص مبدا گوشت‌های وارداتی افزود: هم اکنون گوشت منجمد از برزیل و گوشت گرم از کشورهای آسیای میانه، قفقاز و استرالیا با ملاحظه همه استانداردهای بهداشتی وارد می‌شود، اما مشکل این است که میزان واردات، پاسخگوی تقاضا نیست و با توجه به اینکه در ۸ ماه گذشته بیش از دو برابر سال قبل گوشت گرم گوسفندی وارد شده، اما به دلیل قاچاق بی‌رویه و افزایش تقاضا، قیمت‌ها پایین نیامده است که قرار است با کنترل قاچاق و افزایش واردات، این مشکل برطرف شود.

حجتی همچنین ارز اختصاص یافته به نهاده‌های دامی نظیر جو، ذرت، و کنجاله سویا را ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی اعلام کرد و گفت: این ارز به موقع تامین شده و نهاده‌ها هم در اختیار دامداران قرار می‌گیرد، اما نکته اینجاست که سال گذشته قیمت ارز ۳ هزار و ۵۰۰ تومان بود و امروز به ۴ هزار و ۲۰۰ تومان رسیده ضمن اینکه قیمت جهانی نهاده و هزینه‌های داخلی هم بالا رفته است.

بازار گوشی تلفن همراه با کسری روبروست

مهندس محمدجوادآذری جهرمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم به خبرنگاران گفت: آمارهای این وزارتخانه نشان می دهد اکنون با کسری گوشی تلفن همراه در سطح بازار روبرو هستیم که روند تسهیل واردات آن به وزارت صنعت، معدن و تجارت مربوط است که البته این موضوع با جدیت پیگیری می شود تا مشکلات ثبت سفارش، تخصیص و ترخیص گوشی ها هرچه سریعتر برطرف شود.

به گزارش ایرنا، این درحالیست که آذری جهرمی در تیر امسال هم از ساماندهی و تثبیت وضعیت بازار تلفن همراه خبرداده بود و برای ثبات بازار قرار شد بخشی از تجهیزات و تلفن های همراه داخل گمرک ترخیص و همچنین چند هزار گوشی توقیف شده تعیین تکلیف و به بازار عرضه شوند.

به گفته وی، آبان امسال برای رفع کمبود گوشی تلفن همراه در کشور قرار بود گوشی‌های توقیفی رفع مشکل شده و به بازار عرضه شوند که براساس آمارها، پیش از این بیش از ۱۲۰ هزار گوشی تلفن همراه که واردکنندگان با وجود دریافت ارز دولتی آن را با نرخ آزاد عرضه کرده بودند از سوی مقام های قضایی توقیف شده بود تا به پرونده متخلفان رسیدگی شود.

گزارش دیگری به نقل از پایگاه خبری جماران حاکیست: وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات همچنین در واکنش به انتشار ویدئویی در فضایی مجازی که در آن فردی یک دختر نوجوان در سیرجان را شکنجه می‌دهد، گفت: ویدیو آن روز را دیده‌ام. برایم بسیار ناراحت کننده بود و واقعا از شان و منزلت ایرانی این قبیل کارها به دور است.

وی ادامه داد: اما موجب خوشحالی است که با انعکاس این زشتی، ناجا و دستگاه قضایی برخورد به موقعی داشتند. اصولا اصل بر همین است که با توسعه فناوری‌ها، دستگاه‌های مسئول در برقراری امنیت هم با به روزرسانی فناوری‌های خود سرعت عمل در برخورد با جرایم را افزایش دهند که بحمدالله توفیقات خوبی داشته‌اند.

بسته حمایت از تولید و کاهش قیمت خودرو تدوین می شود

وزیر صنعت، معدن و تجارت هم در شرایطی که از دیروز برخی از صنایع خودروسازی قیمت محصولات خود را به شدت افزایش دادند، به خبرنگاران گفت: در حال تدوین بسته‌ای هستیم که در نهایت منجر به افزایش تولید، کیفیت، تیراژ و کاهش قیمت خودرو خواهد شد. مهندس رضا رحمانی اعلام کرد: خودروسازان مکلف هستند تا ۸۰ درصد تولید خود را برای تحویل به خریداران قبلی اختصاص دهند و مابقی را در بازار عرضه کنند.

وی گفت: خودروسازان معتقدند که شرایط تولید تغییر کرده، اما ما این موضوع را نمی‌پذیریم و تاکید داریم به ویژه خودروهایی که به طور قطعی فروش رفته باید تحویل شود.

قیمت جدید برخی خودروهای داخلی اعلام شد

گروه صنعتی ایران خودرو بهای جدید انواع محصولات خود را که در سبد قیمتی زیر ۴۰ میلیون تومان قرار داشت، حدود ۱۰ میلیون تومان افزایش داد.

به گزارش خبرنگارما، بر اساس اطلاعات درج شده در سامانه فروش اینترنتی این شرکت، قیمت برخی از انواع محصولات ایران خودرو از امروز به شرح زیر است: پژو ۲۰۶ صندوقدار (وی۸) با کیسه هوای راننده و سرنشین و سنسور دنده عقب و تهویه اتوماتیک و آینه جانبی و شیشه بالابر عقب برقی و یورو۴ بهینه، ۵۵۵ میلیون و ۹۳۳ هزار ریال، پژو پارس سال دوگانه سوز با ترمز ضدقفل و ایموبیلایزر و کیسه هوای راننده و سرنشین و غربیلک فرمان طرح جدید و یورو۴ به قیمت ۵۴۹ میلیون و ۱۴۶ هزار ریال ، پژو ۴۰۵ بنزینی (جی.ال.ایکس) با ترمز ضدقفل و ایموبیلایزر و کیسه هوای راننده و سرنشین و یورو۴ بهینه ۴۲۸ میلیون و ۲۹۲ هزار ریال، اچ۳۰ کراس دنده اتوماتیک با تریم تیره و با کیسه های هوای راننده و سرنشین و جانبی و استاندارد آلایندگی یورو ۷۶۵ میلیون ریال، دنا با کیسه هوای راننده و سرنشین و تریم مشکی و رینگ فولادی و فاقد کروز کنترل و یورو۴ معادل ۶۶۰ میلیون ریال، رانا ال.ایکس با کیسه هوای راننده و سرنشین و یورو۴ بهینه ۵۱۳ میلیون و ۶۳۱ هزار ریال، تندر ۹۰ پلاس اتوماتیک ۵۳۹ میلیون و ۲۴۳ هزار ریال، سمند ال.ایکس سال بنزینی مالتی پلکس با کیسه هوای راننده و سرنشین و رینگ فولادی و یورو۴ بهینه ۴۳۵ میلیون و ۹۷۳ هزار ریال، وانت آریسان دوگانه سوز با کیسه هوای راننده و سرنشین و یورو۴ به مبلغ ۴۲۷ میلیون ریال، اس۵ توربو دنده اتوماتیک با کیسه هوای راننده و سرنشین، جانبی و پرده ای، تریم تیره و یورو۵ یک میلیارد و ۳۸۰ میلیون ریال و اس۷ آن یک میلیارد و ۵۶۰ میلیون ریال و سوزوکی گرند ویتارا اتوماتیک ۲۴۰۰ سی سی فیس لیفت با آپشن ۲ میلیارد و ۵۱۰ میلیون ریال.

قیمت های فوق در حالی تغییر کرده که ستاد تنظیم بازار هنوز نرخ جدید انواع خودروهای داخلی را اعلام نکرده است. بنابر این تا زمان اعلام رسمی قیمت ها از سوی ستاد تنظیم بازار، هرگونه تغییر در نرخ خودروهای داخلی اعتبار ندارد.

پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۶۰۰ هزار میلیارد ریالی در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات

بر اساس آمارهای بانک مرکزی در حساب‌های ملی، سهم ارزش افزوده بخش ارتباطات از تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری روندی افزایشی داشته و طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۲ به طور متوسط ۱/۳۸ درصد بوده که با لحاظ بخش اقماری و فناوری اطلاعات IT این سهم حدود ۲ درصد است.

مژگان خانلو سخنگوی ستاد بودجه در گفتگو با فارس به تشریح وضع بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر پرداخت و افزود: رشد ارزش افزوده بخش ارتباطات به قیمت ثابت ۱۳۹۰ طی سال‌های ۹۶-۸۳ به میزان ۱۴/۸۲ درصد است.

وی به تحلیل مهمترین شاخص‌های کلیدی این بخش از ابتدای دولت یازدهم تاکنون پرداخت و اضافه کرد: علیرغم مشکلات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی که مانع از تحقق برخی از اهداف بخش شد، خوشبختانه استفاده از ظرفیت‌های قانونی ایجادشده و سرمایه‌گذاری صورت گرفته طی سال‌های ۱۳۹۲ تاکنون، موجب بهبود شاخص‌های کلیدی این بخش شده است.

خانلو یکی از این اقدامات را جبران عقب‌ماندگی‌های زیرساخت ICT از طریق توسعه و ایجاد شبکه اصلی فیبر نوری کشور از ۵۱۴۹۷ کیلومتر در سال ۱۳۹۲ با افزایش ۱۵۵۶۵ کیلومتر به ۶۷۰۶۲ کیلومتر بیان کرد و گفت: پهنای باند اینترنت بین‌الملل با افزایش ۱۵/۵ برابری از ۷۲ گیگابیت بر ثانیه در سال ۱۳۹۲ به جدود ۱۲۸۲ گیگابیت بر ثانیه و ظرفیت شبکه انتقال با افزایش ۱۱ برابری به ۱۰۰۴۱ گیگابیت بر ثانیه و پهنای باند IPداخلی با افزایش تقریبا ۱۱ برابری به ۶۸۰۰ گیگابیت بر ثانیه رسیده است.

وی توسعه ترانزیت ترافیک بین‌الملل از ۱۱۶ گیگابیت بر ثانیه در سال ۱۳۹۲ به ۳۸۰۰ گیگابیت برثانیه که ۳۲ برابر است را از دیگر اقدامات انجام شده برشمرد و یادآور شد: افزایش تعداد مراکز داده استانی از چهار مرکز در سال ۱۳۹۲ به ۱۹ مرکز، پیشرفت پروژه ساخت و آزمون ماهواره «ناهید» از ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۹۲ درصد، پیشرفت پروژه ساخت و آزمون ماهواره سنجش‌ازدور «آت ست» از ۴۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۷۸ درصد، پیشرفت پروژه ساخت و آزمون ماهواره سنجشی «دوستی» از ۷۰ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۹۵ درصد به ثبت رسیده است.

وی با اشاره به اینکه برای رفع تبعیض در استفاده از خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات و کاهش شکاف دیجیتالی امکان دسترسی ۵۲۳۸۱ روستا از ۶۱۷۲۶ روستا معادل ۸۴/۸ درصد به شبکه‌های ارتباطی برقرار شده است، اظهارداشت: با وجودی که در سال ۱۳۹۲ امکان دسترسی پرسرعت برای روستاها فراهم نبود با این حال با افزایش توسعه دسترسی خدمات الکترونیک امکان دسترسی پرسرعت هم برای تعداد ۲۹۲۵۰ روستا فراهم شده و به عبارتی ۵۵/۸ درصد روستاهای دارای ارتباط و ۷۴ درصد روستاهای بالای بیست خانوار دارای دسترسی به خدمات الکترونیک پر سرعت هستند.

خانلو به دیگر اقدامات انجام شده پرداخت و گفت: تعداد کاربران اینترنت وی با بیان اینکه پیش‌بینی سرمایه‌گذاری در برنامه ششم توسعه ۶۰۰ هزار میلیارد ریال (سهم بخش دولتی ۲۰۱ هزار میلیارد ریال و مابقی توسط بخش غیردولتی) در نظر گرفته شده است، گفت: با هدف افزایش نقش بخش غیردولتی در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات، سهم سرمایه‌گذاری دولت از محل منابع عمومی و ردیف‌های متفرقه و منابع داخلی شرکت‌های دولتی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ به صورت کاهشی پیش‌بینی شد.

وی با بیان اینکه در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل اعتبارات هزینه‌ای بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات معادل ۷۱۲۸ میلیارد ریال است، خاطرنشان کرد: کل اعتبارات تملک سرمایه‌ای هم معادل ۳۰۴۰۶ میلیارد ریال پیش‌بینی شده و در مجموع کل اعتبارات بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات به رقم ۳۷۵۴۳ میلیارد ریال در این لایحه رسیده است.

ایمن سازی ۲۰ هزار هکتار از اراضی تهران در برابر نشست خاک

بیش از ۲۰ هزار هکتار از اراضی مسکونی محلات غرب و جنوب غرب تهران با اجرای مدرن ترین شیوه دفع فاضلاب در برابر نشست خاک هنگام حفاری تونل‌های زیر زمینی ایمن سازی می شود.

به گزارش خبرنگار ما، پروژه تونل فاضلاب جنوب غرب تهران که احداث آن از سوی شرکت فاضلاب به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی واگذار شده، در طول مسیر ۱۱ کیلومتری خود از محلات مسکونی عبور می کند که دارای خاک سست و قابل حرکتی است.

این تونل عظیم اگر قرار بود با شیوه های سنتی و با استفاده از ماشین آلات معمولی حفاری شود، به دلیل سست بودن لایه های بالایی که بستر استقرار دهها هزار واحد مسکونی در محلات جنوب غرب تهران است، خطر حرکت و نشست خاک و بروز یک فاجعه بزرگ در این محلات را در پی داشت.

مهندس آریا ناظم مدیر پروژه شرکت جنرال مکانیک (وابسته به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی) که مسئولیت حفاری تونل بزرگ فاضلاب غرب تهران را به عهده دارد، دیروز در یک نشست خبری اعلام کرد: با آگاهی از این خطر، میزان مقاومت و نوع ذرات تشکیل دهنده خاک محلات مسکونی در طول مسیر احداث این تونل اندازه‌گیری شده و برای نخستین بار در ایران، کار حفاری به یک دستگاه تمام مکانیزه سپرده شده است که همزمان با حفر تونل به قطر ۳ متر، جداره آن را با استفاده از قطعات بتنی متشکل از پلی اتیلن پوشش می دهد.

وی گفت: این شیوه حفاری به عنوان یکی از مدرن‌ترین متد جهانی قبلاً فقط در کانادا به اجرا گذاشته شده و ایران دومین کشوری است که از این شیوه برای احداث تونل فاضلاب غرب تهران استفاده می برد.

به گفته ناظم، استفاده از آلیاژ پلی اتیلن در تولید قطعات بتنی جداره تونل علاوه بر افزایش مقاومت خاک در برابر هرگونه حرکت و نشست، باعث جلوگیری از خوردگی دیواره های تونل توسط گازهای اسیدی متصاعد از فاضلاب تهران خواهد شد و عمر این تونل حداقل تا ۱۰۰ سال آینده تضمین می شود.

وی گفت: تونل فاضلاب جنوب غرب تهران که اواخر سال آینده به بهره برداری می رسد، باید فاضلاب دریافتی از انشعاب های محلی و شبکه های اصلی را دریافت و از انتهای بلوار سی متری جی با عبور از بلوار معلم و بزرگراه آزادگان به محل استقرار تصفیه خانه بزرگ غرب تهران در شهرک فیروز بهرام منتقل کند.

به گفته مدیر پروژه شرکت جنرال مکانیک، تاکنون ۵/۵ کیلومتر از این مسیر در عمق ۱۷ متری زمین احداث شده و کار حفاری ۴/۵ کیلومتر مابقی به صورت شبانه‌روزی ادامه دارد. دستگاه TBM موجود در تونل هر ماه ۴۵۰ متر حفاری می کند که سرعت آن نسبت به شیوه‌های معمولی حداقل ۳۰ درصد بیشتر است. مضاف بر اینکه حفاری تمام مکانیزه به این شیوه کوچکترین لرزش و نشستی در لایه های فوقانی آن ایجاد نمی کند.

وی ادامه داد: با خاتمه ساخت این تونل از دستگاه حفاری مذکور می توان در احداث سایر تونل های بخش آب و فاضلاب کشور استفاده کرد.

آغاز پرداخت بدهی نفتی هند به ایران

مدیر اجرایی بانک یوکو (UCO) هند گفت: پالایشگاه‌های این کشور روند پرداخت بدهی خود بابت خرید نفت از ایران را از طریق مکانیسم روپیه آغاز کرده اند.

به گزارش ایرنا به نقل از رویترز، یک مقام ارشد بانکی هند اعلام کرد: بعد از اعمال تحریم‌های آمریکا علیه تهران در ماه نوامبر گذشته از روز ۱۸ دی روند پرداخت بدهی‌های نفتی هند به ایران از طریق مکانیسم روپیه آغاز شد.

"چاران سینگ" مدیر اجرایی بانک دولتی یوکو به رویترز گفت، در روز سه شنبه گذشته مبلغی از بدهی شرکت های هندی به ایران را دریافت کردیم. وی مبلغ دریافتی برای پرداخت بدهی پالایشگاهها را اعلام نکرد.

ایران برای هند به عنوان یکی از خریداران مهم نفت این کشور تسهیلاتی ازقبیل حمل رایگان، تمدید مهلت پرداخت نفت خریداری شده و دریافت بخشی از پول با روپیه در نظر گرفته است.

همچنین «بیزینس استاندارد» گزارش داد: پرداخت پول نفت ایران به روپیه به ۹ بانک ایرانی صورت می‌گیرد که در دور قبلی تحریم‌ها ۱۵ بانک این مبالغ را دریافت می‌کردند. این ۹ بانک، شامل بانک‌های سامان، پاسارگاد، اقتصاد نوین، کارآفرین، سرمایه، خاورمیانه، شهر، حکمت ایرانیان و گردشگری هستند.

در دور قبلی تحریم‌ها ۴۵ درصد پرداخت‌ها به روپیه و باقی به یورو انجام می‌شد اما این بار تمامی پرداخت‌ها به روپیه انجام خواهد شد. واردات هند از ایران در بازه زمانی آوریل تا نوامبر حدود ۱۱ میلیارد دلار است و واردات نفتی حدود ۹۰ درصد این رقم را تشکیل می‌دهد.

دهلی‌نو اخیرا شرکت‌های هندی را که برای واردات نفت خام به شرکت ملی نفت ایران پرداختی دارند از مالیات معاف کرده و همین موضوع پالایشگاه‌ها را قادر ساخته تا حدود ۱/۵ میلیارد دلار از بدهی خود را پرداخت کنند.

از سوی دیگر، خبرگزاری رویترز همچنین گزارش داد که ترکیه به دنبال معافیت از تحریم‌های نفتی آمریکا، پس از یک ماه وقفه، واردات نفت از ایران را از سر گرفت.

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع مطلع نوشت که ترکیه واردات نفت خود را از ایران در نوامبر (آبان/آذر) به دنبال آغاز تحریم های جدید آمریکا علیه ایران متوقف کرده بود.

بنابر این گزارش، آمریکا اوایل ماه نوامبر با معافیت ترکیه و برخی کشورها برای خرید نفت از ایران موافقت کرد. ترکیه هم در این باره اعلام کرد که بنابر این معافیت می‌تواند سالانه ۳ میلیون تُن معادل حدود ۶۰ هزار بشکه در روزانه از ایران نفت خریداری کند.

آنکارا واردات نفتی خود از ایران را طی ماه های اخیر به دنبال آغاز تحریم ها علیه تهران کاهش داده و در ماه نوامبر آن را به طور کامل متوقف کرده بود. اما به گفته منابع مطلع، در ماه دسامبر (آذر/دی) ترکیه دو کشتی حامل فراورده های نفتی ایران معادل حدود ۵۴ هزار بشکه در روز خریداری کرد.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۱/۳۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۰/۳۸ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۶/۱۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۹۰/۷۶ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۶۰۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۸۰۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۱۲۰۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۱۹۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۶۵۸۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۳۴۳۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۰۹۲۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۰۹۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۸۱۱/۶ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۲۶۶۶/۱ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۲۷۵۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۳۴۹/۳ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۳۹۲۱/۶ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۴۰۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۲۹۹۹/۱ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۰۰۰ تومان

تاکید بر استفاده از فضای مجازی برای کمک به تولید و اشتغال

استفاده از فضای مجازی فرصت بزرگی برای کمک به تولید و اشتغال در شرایط تحریم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری دیشب در شورای عالی فضای مجازی ضمن اعلام این مطلب افزود: مردم قم از آغاز نهضت اسلامی تا فروردین ۴۲ و حمله رژیم ستمشاهی به مدرسه فیضیه ۱۵ خرداد و سخنرانی تاریخی حضرت امام(ره) در عاشورای سال ۴۲ نقش ارزنده‌ای ایفا و در کنار روحانیت و طلاب اعلام وفاداری کردند.

وی افزود: قیام ۱۹ دی مردم قم در حمایت از حضرت امام(ره) به فرآیندی تبدیل شد که به پیروزی کل ملت در انقلاب اسلامی رسید و از جمله مردم تبریز در چهلم شهدای ۱۹ دی حماسه دیگری در مبارزه آفریدند. دکتر روحانی همچنین با تأکید بر مطالب مهم رهبر معظم انقلاب برای حضور پرشور و آگاهانه جوانان در فضای مجازی برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان و تقویت روحیه امید به آینده، اتحاد و اعتماد عمومی را مهم‌ترین اقدام برای مقابله با یأس‌آفرینی و ترویج مطالب خلاف واقع از سوی بدخواهان ارزیابی و خواهان توجه ویژه و هوشیاری رسانه‌ها در این زمینه شد.

تقدیر وزیر کار از ساخت مجتمع ایران مال

ساخت مجتمع تجاری ایران مال در مسیر بزرگراه همت- کرج ایده ارزشمندی بوده و پردازش این ایده هنر است.

محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز در مجمع هیأت امنای این مجتمع با بیان مطلب فوق گفت: اینجا کانون عرضه محصولات تولید ایرانیان است و مرکز گردشگری و توریستی ایران است.

وی با اشاره به اشتغالزایی بالای این مرکز ادامه داد: آثار باستانی ما به صورت نمادین در این مجموعه وجود دارد و از کنار آن که عبور می‌کنید عظمت ایران و تمدن اسلامی و انقلابی را می‌توان مشاهده کرد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اظهار اینکه مردم می‌توانند برای تفریح سالم و مشروع به اینجا بیایند، گفت: باید همه را به کارآفرینی علاقمند کرد تا دیگران هم این کار را انجام دهند. وی ضمن اشاره به اینکه از روزی که به وزارت کار آمدم تعهد کردم که بار فعالیت‌های خیریه مجموعه را بر دوش شرکای اجتماعی کشور بگذارم، گفت: نباید فقط از بودجه دولت به موضوعات اجتماعی پرداخت بلکه باید از شرکای اجتماعی هم استفاده شود. شریعتمداری با تاکید بر اینکه باید ۵۰۰ نفر از کارآفرینان بعد از انقلاب را در یک جا جمع کرده و از آنها تقدیر کنیم، افزود: باید مشاغل پایین دست را فعال کنیم و بتوانیم از این مکان برای عرضه محصولاتی که بدون واسطه در نقاط کشور ارایه می‌شود، استفاده کنیم.

سوختگی، آتشی زیر خاکستر

*** آمار سوختگی در ایران هشت برابر متوسط جهانی است و در مقایسه با کشورهایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی مانند ما هستند، کشور ما وضعیت بدتری دارد. سوختگی‌ها بیشتر به سوختگی ناشی از شعله مستقیم آتش، مایعات داغ، شیمیایی و سوختگی الکتریکی تقسیم می‌شوند که حدود ۸۶ درصد ناشی از حرارت، ۳ درصد شیمیایی، ۴ درصد الکتریکی و بقیه سوختگی‌ها سهم ۷ درصدی را به خود اختصاص داده است**

*** بیش از ۶۵ درصد افرادی که به دلیل برق گرفتگی، دچار سوختگی می‌شوند، حداقل یک عضو بدنشان را از دست می‌دهند. این را عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران می‌گوید و یادآور می‌شود: سالانه ۲۰۰۰ نفر در کشورمان به علت سوختگی الکتریکی در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند که ۱۳۵۰ نفر آنها هنگام ترخیص از بیمارستان یک یا تعداد بیشتری از اعضای بدنشان را از دست داده‌اند و درمان سوختگی الکتریکی هر بیمار بیش از ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد**

شعله‌های آتش زبانه می‌کشید و از ترس، سراسیمه و فریادکشان به این سو آن سو می‌دویدم تا از آتش نجات پیدا کنم؛ کسی را یارای خاموش کردن آن نبود؛ هر کسی تلاش می‌کرد با هر وسیله‌ای آتش را خاموش کند؛ برخی با سطل، آب می‌ریختند و بعضی با پا پتو به دنبالم می‌دویدند تا مرا در آن بپیچند و آتش را خاموش کنند اما همچنان از هول می‌دویدم و شعله‌های آتش هر لحظه سرکش‌تر می‌شد و بیشتر می‌سوختم؛ همه این‌ها فقط در چند لحظه رخ داد و با اینکه ماموران آتش‌نشانی زود آمدند و آتش را خاموش کردند اما در همین چند لحظه بیشتر بدنم سوخت.

این‌ها بخشی از خاطره تلخ امیر است که در ۱۸ سالگی و بر اثر یک بی‌احتیاطی حین تعمیر ماشین، دچار سوختگی شد؛ اگرچه از آن زمان، سال‌ها سپری شده و زخم‌های او التیام بخشیده اما هنوز آثار سوختگی‌ها روی تنش به وضوح باقی است. آثار روحی آن حادثه تلخ، بیشتر روحش را آزار می‌دهد و می‌گوید تا زنده‌ام آن روز نحس را فراموش نخواهم کرد. خودش می‌گوید: برخی شب‌ها با کابوس آن حادثه تلخ از خواب می‌پرم و تأکید می‌کند که به مردم آموزش دهید تا دچار سوختگی نشوند؛ چون سوختگی هم جسم را می‌سوزاند و هم روح را.

بی‌احتیاطی‌ها و سهل‌انگاری‌ها در چند سال گذشته آتش‌سوزی‌های ناگوار و غیر قابل جبران و جان باختن شمار زیادی را در کشورمان رقم زده است که فقط مربوط به چهارشنبه آخر سال نیست و گواه آن تراژدی سوختن و مرگ شماری از هموطنانمان بر اثر اسیدپاشی، حادثه پلاسکو و همچنین وقوع آتش‌سوزی در مدرسه شین‌آباد و حادثه اخیر مدرسه زاهدان و سوختن دانش‌آموزان و نونهالانی است که با سوختن آنها غم سنگینی بر خانواده‌های آنها و ملت ایران گذاشت.

سوختگی یک عارضه سخت است و افرادی که دچار آن می‌شوند تا پایان عمر با مشکلات و عوارض ناشی از آن دست و پنجه نرم می‌کنند. این عارضه، ششمین علت مرگ و سومین علت معلولیت در دنیا اعلام شده است که به عنوان یک مشکل جهانی سلامت محسوب می‌شود. در کشورمان سالیانه بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار نفر دچار سوختگی جدی می‌شوند که بین ۲۲ تا ۲۸ هزار نفر در بیمارستان بستری می‌شوند و ۲ تا ۳۰۰۰ نفر هم می‌میرند.

سوختگی در ایران هشت برابر متوسط جهانی

آمار سوختگی در ایران هشت برابر متوسط جهانی است و در مقایسه با کشورهایی که از نظر اقتصادی و اجتماعی مانند ما هستند، کشور ما وضعیت بدتری دارد. سوختگی‌ها بیشتر به سوختگی ناشی از شعله مستقیم آتش، مایعات داغ، شیمیایی و سوختگی الکتریکی تقسیم می‌شوند که حدود ۸۶ درصد ناشی از حرارت، ۳ درصد شیمیایی، ۴ درصد الکتریکی و بقیه سوختگی‌ها سهم ۷ درصدی را به خود اختصاص داده است.

رئیس هیأت مدیره انجمن حمایت از بیماران سوخته در این باره به باشگاه خبرنگاران جوان، گفته است: سوختگی در بزرگسالان بیشتر با شعله و در کودکان بیشتر با مایعات داغ است؛ سوختگی الکتریکی بیشتر در کارگران صنعتی رخ می‌دهد و سوختگی شیمیایی در کارگران صنعتی یا افرادی که مواد اسیدی یا قلیایی به صورت یا بدن آنها پاشیده می‌شود، بیشتر شایع است و به طور کلی ۶۵ درصد از بیماران سوخته کشورمان را، بزرگسالان و بین ۳۰ تا ۳۵ درصد را کودکان تشکیل می‌دهند.

دکتر محمدجواد فاطمی با اشاره به اینکه سالانه به طور متوسط ۵۰ نفر در کشورمان با اسید دچار سوختگی می‌شوند اضافه می‌کند: سوختگی‌های شیمیایی به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند؛ دسته نخست سوختگی در افرادی است که در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها با مواد شیمیایی مختلف سر و کار دارند؛ دسته دوم اشخاصی هستند که مواد اسیدی یا قلیایی به صورت یا بدن آنها پاشیده می‌شود و دسته آخر کودکانی که مواد اسیدی یا قلیایی را بر اثر سهل‌انگاری والدینشان مصرف می‌کنند یا آنها را روی بدن خود می‌ریزند و دچار سوختگی می‌شوند؛ علاوه بر آن، برخی افراد برای باز کردن لوله‌های فاضلاب از مواد اسیدی استفاده می‌کنند که بر اثر انفجار حاصل از واکنش شیمیایی مقداری از این اسید روی بدنشان می‌ریزد.

او معتقد است: سوختگی با اسید از شدیدترین نوع سوختگی‌ها است و فرد سوخته هیچ گاه درمان نمی‌شود زیرا در مواردی حتی تا استخوان بیمار دچار سوختگی می‌شود.

این فوق تخصص جراحی پلاستیک و ترمیمی با تأکید بر لزوم وضع قوانین سخت‌گیرانه درخصوص موارد مصرف اسید در جامعه می‌افزاید: در کشور بنگلادش با وضع قوانین جدید توانسته‌اند در مدت پنج سال میزان موارد اسیدپاشی را به میزان قابل توجهی کاهش دهند؛ به طور مثال توزیع اسید به افرادی که مجوز ندارند، جرم است اما در ایران چنین قانونی وجود ندارد و اسید به راحتی در دسترس همگان است.

هزینه‌های پیدا و پنهان سوختگی

بیش از ۶۵ درصد افرادی که به دلیل برق گرفتگی، دچار سوختگی می‌شوند، حداقل یک عضو بدنشان را از دست می‌دهند. این را عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران می‌گوید و یادآور می‌شود: سالانه ۲۰۰۰ نفر در کشورمان به علت سوختگی الکتریکی در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند که ۱۳۵۰ نفر آنها هنگام ترخیص از بیمارستان یک یا تعداد بیشتری از اعضای بدنشان را از دست داده‌اند و درمان سوختگی الکتریکی هر بیمار بیش از ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.

فاطمی با اشاره به اینکه هزینه درمان مناسب و استاندارد هر درصد سوختگی شدید حدود ۱۰ میلیون تومان است می‌افزاید: این‌ها هزینه‌های آشکار سوختگی است و سوختگی، هزینه‌های پنهان نیز دارد و از دست دادن شغل و موقعیت اجتماعی، معلولیت‌های مادام‌العمر، مشکلات خانوادگی و کاهش وضعیت اقتصادی خانواده‌ها به دلیل هزینه‌های درمانی از جمله هزینه‌های پنهان سوختگی به شمار می‌رود و همه این موارد نشان دهنده اهمیت پیشگیری از سوختگی است.

او می‌گوید: هر بیمار سوخته، به طور متوسط، هفت بار عمل جراحی می‌شود و هزینه ترمیمی به طور متوسط ۱۰۰ میلیون تومان است که بسیاری از پزشکان تمایلی به انجام چنین جراحی‌هایی را ندارند چون هم هزینه‌های سنگینی دارد و بیماران معمولا توانایی پرداخت آن را ندارند و همچنین اینکه این جراحی‌ها بسیار سخت و درازمدت است که بیمار و پزشک را خسته می‌کند.

مجید طاهریان مدیر بیمارستان سوانح سوختگی امام موسی کاظم(ع) اصفهان هم در این باره می‌گوید: بیشتر بیماران سوخته در بخش مراقبت‌های ویژه بستری می‌شوند که هزینه بستری هر شب در بخش مراقبت‌های ویژه ۲ میلیون تومان است.

درمان سوختگی تخصصی شود

به اعتقاد بسیاری از پزشکان صاحب نظر، درمان سوختگی باید به یک رشته تخصصی تبدیل شود تا نیروهای تخصصی در این رشته تربیت شوند زیرا در حال حاضر برای درمان زخم و سوختگی هر کسی به خودش اجازه می‌دهد تا کمک کند در حالی که خیلی از این کمک‌ها، تخصصی نیستند.

رئیس بیمارستان سوانح سوختگی امام موسی کاظم(ع) اصفهان در این باره می‌گوید: در حال حاضر رشته تخصصی و فوق‌تخصصی برای درمان سوختگی در کشور نداریم؛ حتی دانشجویان رشته پزشکی، تمایلی به فراگیری آموزش درمان سوختگی ندارند در حالی که ایجاد رشته تخصصی درمان سوختگی و زخم، گام مهمی هم برای درمان بهتر است و هم از مرگ افرادی که به شدت دچار سوختگی شده‌اند، پیشگیری می‌کند به همین دلیل بعضی از کشورهای جهان از سال ۲۰۱۰ نیروهای تخصصی برای درمان سوختگی و زخم تربیت کرده اند.

دکتر فریدون عابدینی می‌افزاید: دانشجویان پزشکی در طرح‌های خود کمتر حاضر می‌شوند واحد اختیاری آموزش درمان سوختگی را به دلیل اینکه مشکلات روحی برای آنها ایجاد می‌کند، سپری کنند و بیشتر ترجیح می‌دهند رشته‌هایی را انتخاب می‌کنند که از لحاظ اقتصادی، آینده بهتری دارد در حالی که دوره آموزش درمان سوختگی باید برای دانشجویان پزشکی، اجباری شود.

غفلت از سوخته‌ها

او اضافه می‌کند: متأسفانه برخی از پزشکان در شهرستان‌ها به دلیل آشنا نبودن با سوختگی، افرادی که دچار سوختگی شده‌اند، بیمار نمی‌دانند چون می‌بینند فردی که دچار سوختگی شده و به بیمارستان مراجعه کرده، حرف می‌زند، غذا می‌خورد، آب می‌نوشد و سرپا است و از این موضوع غفلت شده در حالی که آنها را همچون افرادی که دچار سکته شده اند، باید خیلی زود و با آمبولانس به مراکز درمانی انتقال داد تا بتوانیم بهترین درمان را به آنها ارائه دهیم و چنانچه فردی که دچار سوختگی شد و در همان چند ساعت اولیه به مراکز درمانی انتقال داده شود، درمان آن تا ۹۶ درصد نتیجه بخش خواهد بود. عابدینی با بیان اینکه بر اساس اعلام صاحب نظران، رشته درمان سوختگی در کشورمان نسبت به کشورهای پیشرفته دنیا ۵۰ سال عقب است می‌گوید: بر اساس استانداردهای جهانی، مرکز درمانی سوختگی باید در بیمارستان‌ها متمرکز و با سایر بخش‌ها مرتبط شود چون این موضوع سبب می‌شود تا سوختگی برای پزشکان بهتر شناخته شود و با اینکه در سال ۱۳۹۳ وزارتخانه بهداشت و درمان مصوب کرده است که هیچ مرکز تک تخصصی از بیمارستان‌ها تشکیل نشود ولی می‌بینیم که در بعضی از استان‌ها مراکز تک تخصصی وجود دارد.

رئیس بیمارستان سوانح سوختگی امام موسی کاظم(ع) اصفهان با بیان اینکه هنوز خطوط راهنما و سطح بندی درمان سوختگی به عنوان یک برنامه مدون نداریم، به خطوط راهنما در اتحادیه اروپا اشاره و اضافه می‌کند: در هامبورگ آلمان ستاد (هدایت) برای سطح‌بندی ارائه خدمات مناسب به بیماران تشکیل شده و مشخص می‌کند فردی که در اتحادیه اروپا دچار سوختگی شده، از کدام کشور می‌تواند خدمات درمانی دریافت کند و خیلی زود به همان کشور انتقال داده می‌شود. عابدینی می‌گوید: در کشورمان نظام ارجاع و یا اعزام بیمار وجود ندارد و مریض برای ادامه درمان خود در یکی از استان‌های کشور باید ابتدا رضایت بدهد و ترخیص شود و سپس به شخصه به یکی از مراکز درمانی مراجعه می‌کند در حالی که با اجرای سطح بندی این مسأله بر طرف می‌شود و مشخص می‌شود کدام بیمار برای ادامه درمان به کدام بیمارستان کشور اعزام شود.

او با بیان اینکه در اجرای طرح تحول نظام سلامت قرار بود سوختگی نیز جزء بیماری‌های خاص و یا صعب العلاج قرار بگیرد ولی اجرایی نشد، اضافه می‌کند: ۴۰ درصد بیماران ما زیر پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند در حالی که دو بیمارستان شریعتی و غرضی اصفهان که زیر نظر سازمان تامین اجتماعی است، حتی یک تخت هم برای بستری این بیماران ندارند.

عابدینی با اشاره به اینکه بیماری سوختگی در خانواده‌ها نیز ناشناخته است و مردم در همان ابتدا که دچار سوختگی شدند برای تسکین سوزش از روش‌های درمانی نامناسبی استفاده می‌کنند اضافه می‌کند: به طور مثال روی محل سوختگی خمیر دندان، سیب‌زمینی، ماست و سایر مرهم‌های خانگی می‌گذارند در حالیکه بهترین روش تسکین سوختگی در مراحل ابتدایی، استفاده آب سرد است و محل سوخته را ۵ تا ۱۰ دقیقه با آب سرد بشویند.

۳۵ هزار شین آباد بالقوه

متأسفانه در ایران بیمه‌ها مرحله حاد و مزمن سوختگی را به خوبی پوشش نمی‌دهند؛ بنابراین فیزیوتراپی، کاردرمانی، مشاوره‌های روانشناسی، جراحی‌های پلاستیک بیماران سوخته، لباس‌ها و پمادهای سوختگی از نظر پوشش بیمه‌ای با مشکل روبرو است.

رئیس هیأت مدیره انجمن حمایت از بیماران سوخته با بیان این مطلب به باشگاه خبرنگاران جوان، گفته است: بیمه‌های پایه، پانسمان‌های جدید را پوشش نمی‌دهند و بیماران هم که اغلب از قشر متوسط و فقیر جامعه هستند، توانایی خرید این پانسمان‌ها را ندارند؛ از سوی دیگر به علت تحریم اکنون تعداد پانسمان‌های جدید موجود در کشور نسبت به پیش از تحریم کاهش پیدا کرده است؛ همچنین در گذشته مقداری از هزینه پانسمان‌های جدید از طرح تحول سلامت تامین می‌شد، ولی الان با مشکلاتی که برای این طرح پیش آمده پوشش کافی برای این پانسمان‌ها از بین رفته است؛ متاسفانه ما تکنولوژی و دانش فنی مورد نیاز برای تولید پانسمان‌های جدید را نداریم؛ بنابراین نیازمند این هستیم که این پانسمان‌ها را اغلب از شرکت‌های خارجی وارد کنیم.

فاطمی می گوید: ۳۵ مرکز در ایران مخصوص بیماران سوخته وجود دارد همچنین به طور مجموع ۱۳۵۰ تخت بیمارستانی ویژه این افراد در کشور داریم؛ بنابراین در رابطه با تخت‌های بیمارستانی با کمبود بیش از ۵۰ درصدی روبرو هستیم در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) هم تنها یک سوم تخت‌های مورد نیاز را داریم؛ البته راه حل کاهش آمار سوختگی ساختن بیمارستان و اضافه کردن تخت‌های سوختگی نیست بلکه این مسأله نیاز به توجه به امر پیشگیری دارد که باید آموزش‌های لازم در سطح عموم و مدارس انجام شود و یک فرهنگ‌سازی گسترده برای تغییر رفتار عمومی صورت گیرد.

فاطمی به ایرنا نیز گفته است: طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش ۳۵ هزار کلاس درس غیراستاندارد در کشور وجود دارد یعنی ۳۵ هزار شین آباد بالقوه و این در حالی است که حتی یک جمله دوخطی در مورد پیشگیری از سوختگی در کتاب‌های درسی گنجانده نشده و تنها در کتاب‌های فنی حرفه‌ای مطالبی در خصوص خاموش کردن آتش، آمده است.

او با تأکید بر اینکه باید با استانداردسازی و آگاهی بخشی از وقوع سوختگی تا حد ممکن جلوگیری کنیم می گوید: استفاده از اجاق گازهای فاقد ترموکوپل در ایران بسیار شایع بوده؛ بنابراین یکی از علل سوختگی‌ها بر اثر نشت گاز از این اجاق گازها است که باید ساختمان‌ها را به سیستم‌های اطفای حریق و هشداردهنده دود و گاز مجهز کنیم.

او اضافه می‌کند: طبق مطالعات انجام شده در آمریکا هر سوختگی به طور متوسط ۲۸ هزار دلار هزینه دارد، ولی اگر قصد داشته باشیم ساختمان‌ها را به سیستم اطفای حریق (بارانک) مجهز کنیم، هر بارانک تنها ۱۶ دلار هزینه دارد؛ بنابراین اگر تنها یک صدم هزینه‌های درمان سوختگی را در پیشگیری از سوختگی صرف کنیم در بسیاری از هزینه‌های نظام سلامت کشور، صرفه‌جویی می‌شود. رئیس بیمارستان سوانح سوختگی امام موسی کاظم(ع) اصفهان هم می‌گوید: درمان سوختگی بسیار پرهزینه بوده به طوریکه هر یک درصد سوختگی برابر ۱۷۰ سانتیمتر مربع است و برای درمان استاندارد هر سانتیمتر مربع زخم سوختگی و جایگرینی پوست باید هزینه زیادی صرف شود؛ بنابراین باید تلاش کنیم تا کسی دچار سوختگی نشود؛ زیرا کمترین عارضه سوختگی، تغییر رنگ پوست است. عابدینی اضافه می‌کند: ۶۹ درجه حرارت در مدت یک ثانیه تمام ضخامت پوست را می‌سوزاند و در کودکان به دلیل اینکه نسج چربی آنها کمتر بوده، این عدد ۶۵ درجه یعنی خیلی کمتر از دمای آب جوش کتری.

او معتقد است: تمام اقداماتی که برای درمان سوختگی می‌شود، موجب برگشت پوست سالم شدن پوست نمی‌شود و باید از سوختگی جلوگیری کنیم و کم هزینه‌ترین راه برای کنترل عوارض سوختگی، پیشگیری از وقوع حادثه است.

دکتر فاطمی رئیس هیأت مدیره انجمن حمایت از بیماران سوخته هم در این باره می‌گوید: باید به مادران هم آموزش بدهیم که وقتی کودکشان را در آغوش می‌گیرند، ظرف مایعات داغ را حمل نکنند، والدین باید مراقب فرزند خردسالشان باشند تا به اجاق گاز روشن نزدیک نشوند و ظرف حاوی مایعات داغ را روی خودشان نریزند؛ یکی از سوختگی‌های شایع در کودکان، سوختگی بر اثر افتادن در دیگ‌های حاوی مواد غذایی و مایعات داغ به ویژه در مراسم‌های مذهبی و پختن نذری است.

محمدرضا کلاهدوزان
گزارشگر روزنامه اطلاعات در اصفهان

جدول ۲۳۵۸۶

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ – یادگار امیر کبیر در تهران – بانوی فرانسوی
۲ – نام قدیم تنکابن – مقابل هم
۳ – صدای افسوس – فرزند عرب – بعد چهارم – رود آرام
۴ – جاودانگی – واضح و آشکار – تصویر
۵ – یار سوزن – پرچم – علامت مفعولی – دانشمندان
۶ – وسیله لحیم کردن – سریع حرکت کننده به بالا – واحدی در وزن حدود ۲۸ گرم
۷ – زیان و زیانکاری – آشکار شدن – پوست دباغی شده
۸ – اسب آذری – فریاد مبصر هنگام ورود معلم به کلاس – هر طبقه از دیوار گلی – چشیدن
۹ – تیم انگلیسی – شهری در آذربایجان شرقی – قدم
۱۰ – کوبنده در مطبخ – خشکی مزاج – واگیر دار
۱۱ – قرقی – علامت جمع – دستی – سنگریزه
۱۲ – عمل جستن، پریدن – رگ های ظریف بدن – خداوند
۱۳ – شهر زیارتی – ظرف آزمایشگاهی – احساس غرور – مردم
۱۴ – حواس جمع ، هوشیاری – کالبد شکافی
۱۵ – برجسته و اعلا – مشهور

عمودی:

۱ – تیمارستان – نماد ویژه یک کشور
۲ – جزیره – جاده ای تاریخی
۳ – قد بلند – مساوی – نان کاغذی – مشت تو خالی
۴ – سودای ناله – رها و آزاد – بصیرت – خودداری
۵ – کشوری پادشاهی در جنوب آفریقا – پیروزی ورزشی – محرم اسرار
۶ – خطای ورزشی – کوره پز خانه – از مناطق انگلستان
۷ – پشیمان – مخلوطی از گازها – بهترین
۸ – پر گویی – جنس مدال نفر سوم – فریاد تظلم – زائو ترسان
۹ – زره ساز – ماده ای مخدر از گیاه شاه دانه – بیان کردن
۱۰ – گله گوسفندان – کشوری در دریای کارائیب با مرکز «پرتو پرنس» – کلاه جنگی
۱۱ – چند مانع – رقص لاتین – پایدار و باقی تا مدت های طولانی
۱۲ – اشاره نزدیک – قشر – همکار صندلی – جهت
۱۳ – بله روسی – همه ، اکثریت – مزه اول خرمالو – گلر منچستر یونایتد
۱۴ – شهری در یزد – درجه عالی نظامی فرنگی
۱۵ – همدم – لقب کشور آرژانتین

حل جدول ۲۳۵۸۵

راز حیات در شعر فارسی

مجید سلطانی

مقدمه:

عشق از مهمترین ارکان شعر و ادب فارسی است. از عشـــق زمینی که پیونددهنده قلب آدمیان است تا عشـــق عرفانی که ودیعه الهی در وجود آدمی است، انواع عشق در شعر فارسی تجلی یافته است. از دیرباز، عشق حقیقی و عشق مجازی، دو عنصر مهم در ادبیات عاشقانه فارســـی است. مولانا جلال‌الدین در دفتر اول مثنوی شریف می‌فرماید:

هرچه گویم عشـــق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل باشم از آن
گرچه تفســـیر زبان روشنگر است
لیک عشـــق بی‌زبان روشنتر است
چون قلم اندر نوشـــتن می‌شتافت
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت

عشق منشاء تحولات بشری است و انواع مختلفی دارد. عشـــق افلاطونی یکی از انواع عشـــق است که افلاطون فیلسوف یونانی آن را در کتابش تحت عنوان «ضیافت» شرح داده اســـت. عشق افلاطونی در تقابل با عشق رمانتیک است. عشق رمانتیک نوعی از روابط عاطفی میان آدمیان اســـت که منشاء آن احساسات و طلب وصل است.

عشق عرفانی، نوعی توصیف‌ناپذیر از عشق است که در احوال درونـــی آدمی تاثیر زیادی دارد. در کلام عرفا این نوع از عشق، مانند خورشید سوزاننده است. در عین حال تجربه عشـــق عرفانی تجربه شـــخصی اســـت. عرفا این صورت از عشـــق رازآلود را قابل وصف نمی‌دانند. عطار نیشابوری درباره عشق عرفانی می‌گوید:

خاصیت عشقی که برون از دو جهان است
آن است که هر چیز که گویند نه آن است

عشـــق درهمه انواع آن فوق تعینات و راز هستی است. عرفا آن را منشـــاء حرکت در هستی می‌دانند و مهمتریـــن عنصر حیاتی معرفـــی می‌کنند. مولوی می‌فرماید:

دور گردون‌هـــا زموج عشـــق دان
گر نبودی عشـــق بفسردی جهان

در شعر فارسی، عشـــق موجب حیات کائنات و امری مقدس است. انواع عشـــق هم در شعر فارسی به بیان آمـــده، همان‌طور که در ادبیات یونان قصه‌ها و افسانه‌های عاشـــقانه حول دو عنصر اصلی (اروس و آگاپه) بیان شده است. در ادبیات یونانی، اروس عشق به یک فرد و آگاپه عشـــق به کل آدمیان بوده است. اما صورت‌بندی کلی آن در ادبیات کلاسیک فارسی به دو قسم است: عشق حقیقی و عشق مجازی.

تعاریف انواع عشـــق در فرهنگ های مختلف یکسان نیست، ولی مشابهت‌های زیادی بین آنها وجود دارد. عشـــق به معنای عام آن:«دلدادگی، دوست‌داشتن فرد و یا دوست‌داشـــتن چیزی» مهمترین رکن شعر و ادبیات عالم است.

دیدگاه اندیشـــمندان ایرانی پیرامون جایگاه عشق در شعر فارســـی، تفکر شاعران ایرانی و انواع عشق را معرفی می‌کند. در اینکه هر کدام از شـــاعران بزرگ، جنبه‌های مختلفی از عشق را به نظم کشیده‌اند، حرفی نیست. در این جســـتار، به معرفی مختصر دیدگاه‌های متفاوتی می‌پردازیم که نویسندگان سرشناس در سالیان اخیر مطرح کرده‌اند. گفتار ادبی آنها ما را با جهات متنوع عاشقانه‌های ایرانی در اشعار فارسی آشنا می‌کند.

فردوسی

استاد محمدعلی اسلامی ندوشن، نویسنده و محقق، عشق در شـــاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوســـی را نوعی متفاوت در شعر فارســـی معرفی می‌کند. عشق در شاهنامه به اعتقاد وی «عشق شاد» اســـت. عشق شاد و کامیاب با سایر صور عشق در شعر فارسی تفاوت دارد.

شاهنامه اثر حماسی بزرگی است و عمده مباحث در رابطه با تفســـیر آن با عناصر «حماسی» و «پهلوانی» عجین است. آثاری هم که توسط شاهنامه‌پژوهان تالیف شده، اغلب از همین منظر بوده است. در حالی که استاد اسلامی ندوشن در گزیده مصاحبه‌هایش تحت عنوان «سیمای یک فرهنگ‌مدار»، از جایگاه عشق در شاهنامه گفته است. به اعتقاد وی، عشـــق در شاهنامه پرورده وصال و توأم با شادی بوده است.

استاد اسلامی ندوشـــن می‌گوید:«شاهنامه کتابی اســـت که از زندگی حرف می‌زند؛بنابراین هرچه در زندگی هست، در این کتاب هم هست، از جمله عشق. البتّه کلمهٔ به معنایی که در غزل فارسی آمده، نیامده، به جای آن مهر و دلبســـتگی و مترادفهای آن به کار رفته. ما در شاهنامه با عشق، به طور طبیعی و روشن روبرو هستیم.

بدون تکلّف، با مشـــارکت جسم و جان، هر دو. روبرویی زنی اســـت با مردی کـــه در آن غریزهٔ ذاتی انسان تلطیف شده و با تمدن آراسته گردیده. نمونه‌های آن از همه برجســـته‌تر در دورهٔ باستانی، دلدادگی زال و رودابـــه، بیژن و منیژه، تهمینه و رســـتم و کتایون و گشتاسب است. عجیب است که در تمام این عشق ها، زن پیشقدم می‌شود و این خود می‌نماید که تا چه اندازه خواســـت طبیعی ادامهٔ نسل (که زن امانتدار آن است)، به کار می‌افتد.

زن در عمق نهاد خود، طالب مردی است که بتواند بهترین فرزند را بـــرای او بیاورد (نمونه‌اش تهمینه) و برای این منظور، مردی را برمی‌گزیند که این خواست را اقناع کند. در میان عشق شاهنامه و عشق غزل های فارسی (مثلاً ســـعدی و حافظ)، تفاوت عمده‌ای دیده می‌شود. گرچه هر دو در سرچشمه به هم می‌رسند.

اوضاع و احوال ایران در دوران بعد از اســـلام، به گونه‌ای است که عشـــق با عرفان آمیخته می‌شود. این اســـت که مثلاً در نزد حافظ می‌تواند در یک بیت از جسم حرف باشد و در یک بیت از جان. به طور کلّی، پروردهٔ وصال اســـت و در تغزّل دوران بعد، پروردهٔ هجر؛ یعنی ماهیّت عشق در گرو کام‌نیافتگی است.

نمونهٔ بارز آن را می‌توان گفت که مجنون اســـت. این هر دو نوع، هر یک زاییدهٔ زمان خود هستند. یکی حاصل دوران گردن فرازی کشـــور، و دیگری حاصل دوران فرود. اما این وجه مشـــترک در هر دو نوع، باید مانعی بر سر راه داشته باشـــد. عشق در مانع، رشد و بالندگی می‌یابد. منتها در دوران باســـتانی، مانع‌ها از پیش پا برداشته می‌شـــوند، و کار به وصال می‌انجامد، در دوران بعد بر اثر مانع، عشـــق در هجر درازمدت، دوام می‌یابد.»

به اعتقاد استاد اسلامی ندوشن، ایرانی در برهه‌ای از زمان «غم‌پســـند» می‌شود. وقتی حافظ می‌گوید:«که دل بـــه درد تو خو کرد و تـــرک درمان گفت»،معلوم است که شـــادی کمتر در زندگی طبیعی جاری بوده اســـت. نگرانی از اینکه فردا چه می‌شود بازتاب ناامنی در زندگی بوده است. به اعتقاد او انسان ناامید از وضع زندگی، رو به آسمان برده و این موجب گشته تا شعر عرفانی ســـربرآورد. چرا که انسان در طلبِ هوای تازه بوده است.

حافظ

اســـتاد بهاءالدین خرمشاهی،نویســـنده وحافظ پژوه، صاحب آثـــاری مانند «شرح عرفانی غزل‌های حافظ» «ذهن و زبـــان حافظ» و «حافظ حافظه ماســـت» در خصوص خواجه شـــمس‌الدین محمد حافظ شیرازی است. وی در کارنامه تالیفاتش تحقیقات مهمی در زمینه شعر فارسی و بخصوص شعر حافظ دارد.

استاد خرمشاهی،بارها در وصف جنبه‌های لاهوتی و ناسوتی شـــعر حافظ مطالبی نوشته است. به نظر او هر دو جنبه در شعر حافظ متجلی است. استاد خرمشاهی می‌گوید:«دیوان او سرشـــار از عشق دنیوی است؛ ولی حافظ معشوقی ادبی هم دارد که چشم و ابروی خاصی هم ندارد و اصلاً معلوم نیست که جان داشته باشد یا نه، چرا که صرفا از ادبیات گرفته شده است:

جمال‌شخص،نه‌چشم‌است‌وزلف‌وعارض‌وخط
هزار نکته در این کار و بار دلداری است
لطیفه‌ای است نهانی که عشق از او خیزد
که نام آن نه لب لعل و خط زنگاری است

رندِ حافظ، همان حافظ رند است. همان طوری که حافظ دَر دیوانش جلوه می‌کَند، آن اساس رندی است؛ یعنی اخلاق را رعایت‌کردن. یک نفر بر من ایراد گرفت که:«رندی با اخلاق قابل جمع نیســـت»؛ گفتم بله، این رندیی که مردم این روزگار پیشـــه کرده‌اند، پیشاپیش اخلاق را به قتلگاه می‌فرستند؛ اما رندی حافظ صرفاً در جهت رعایت اخلاق است. منتهی او وسواس اخلاقی نداشته است.

حافظ دغدغه اخلاق، اعتقاد، شخصیت و خصال اخلاقی داشـــته است. رندی حافظ برای خوش‌زیستن است و نه رستگار شدن. اما لزوماً ضدرستگار شدن هم نیســـت. این طور نیست که هر کس رند باشد، لاجرم آخرتش را هم برباد داده باشد.

این رند، رند ناقص اســـت. خود حافظ انسانی است رســـتگار؛ چرا که می‌داند رستگاری جاوید در «کم‌آزاری» اســـت و حکم و مواعظ بسیار شیرینی به بهترین وجهی با والاترین هنر و با بالاترین سطح زبانی به ما عرضه کرده»

به اعتقاد استاد بهاءالدین خرمشاهی، حافظ رندی اســـت که به عشق توجه دارد و رســـتگاری آدمی را در عناصر اخلاق و کم‌آزاری دیده اســـت. کم‌آزاری، کرداری است که حافظ آن را سرلوحه زندگی سعادتمند معرفی می‌کند.

استاد خرمشـــاهی از فرهنگی عرفانی حرف زده اســـت که نوعی عشـــق متعالی در آن جاری است. عشقی که عاشق در مجرای آن به همه موجودات مهر می‌ورزد.

در اعتقاد حافظ، کســـی که رســـم عاشقی به جای بیاورد، آزارش به ســـایر موجودات نمی‌رسد. در شعر حافظ، غرور بزرگترین گناه است و ظاهرگرایان نماد انســـان های مغرور هســـتند. او به عشـــق بها می‌دهد. چـــرا که خلوص و یکرنگـــی در آن متبلور است.



سعدی

اســـتاد همایون کاتوزیان

در زمینه تاریخ، جامعه‌شناسی و ادبیات، آثار متعددی تالیف کرده و به شعر فارســـی هم اهمیت داده است. بیشترین مقالات در باب غزل های سعدی به قلم این نویسنده است. او در تالیفاتش تفاسیر جذابی در رابطه با جنبه‌های مختلف شعر ســـعدی عرضه کرده اســـت. در کتاب «فرهنگ تاریخ سیاســـت» مقاله‌ای به سعدی اختصاص داده و توضیحاتی در رابطه با مروت، انسانیت، عدل، انصاف، اخلاق و عفت در اشعار سعدی می‌دهد.

اودر تکمیل مطلبش می‌گوید:«قدر شعر عاشقانه سعدی، چه در ایران و چه در خارج از ایران، به اندازه کافی شـــناخته نشده است. سعدی معمولاً با گلستان و بوستان شناســـایی می‌شود و شهرت او به عنوان استاد غزل کم است. شـــاید بتوان گفت که در میان شاعران قدیم ایران، کسی عاشق‌تر از سعدی نبود.

البته مراد از عشـــق و عاشقی در اینجا همان عشق زمینی و مجازی یعنی عشـــق انسان به انسان است، نه عشق لاهوتی و حقیقی. سروده‌های سعدی درباره عشق انسان به انسان، نشـــانه تجربه عمیق و گسترده شاعر در عاشقی اســـت. این غزل ها در عالی ترین حدّ بیان عاشقانه و ماهرانه‌ترین تکنیک‌های غزل فارسی سروده شده‌اند.

من غزل های ســـعدی را به پنج گروه تقســـیم کرده‌ام: در بیان عشـــق، در وصف معشوق، در شب وصل، در شب هجر، در اخلاق و عرفان، گرچه گروه آخر بیش از ده درصد غزل ها نیست.»

اســـتاد همایون کاتوزیان در تعدادی از آثارش، خصوصیات شعر سعدی را به رشته تحریر آورده است. کتاب «سعدی، شـــاعر زندگی، عشق و شفقت»،یکی از کتاب های تازه اوســـت. در این کتاب که شـــامل هفت بخش است، یک بخش به عشق در آثار سعدی اختصاص داده شده است.

وی خمیرمایه اصلی غزلیات ســـعدی که عبارتند از:«زیبایی‌دوستی» و «ستایش زندگی» را بررسی کرده است.

واقعیت این اســـت که شناخت ما از سعدی، در محدوده اشعار تعلیمی اوست. چون از قدیم‌الایام روش تعلیمی ســـعدی محل بحث بوده است. در سال های اخیر به برکت توجه اســـتاد کاتوزیان، مباحث بیشتری حول غزل های ســـعدی شکل گرفته که تا قبل از این در انظارغایب بود.

به اعتقاد وی، سعدی معلم اخلاق، مروج عرفان و صاحب حکمت عملی است و تنها شاعر بزرگ ایرانی اســـت که تقریباً درباره همه چیز حرف داشته است: عشـــق و عرفان، دین و دنیا، عفت و اخلاق، دولت و جامعه، داد و بیداد، شاه و وزیر و... در نتیجه هر کس از ظن خود به او نگریسته است.

رفتی و همچنان به خیال من اندری
گویی که در برابر چشمم مصوری
فکرم به منتهای جمالت نمی‌رســـد
کز هر چه در خیال من آمد نکوتری
مه بر زمین نرفت و پری دیده برنداشت
تا ظن برم که روی تو ماه است یا پری

مولوی

مولانـــا جلال‌الدین محمد بلخی، اعتقاد دارد که عشق راز حیات اســـت. عشق در دیدگاه مولوی، حدیثی اســـت که در شرح و بیان نمی‌گنجد. در بیان وی، درک حقیقتِ عشق،مستلزم عاشق‌شدن است. مولوی، عقل را راهنمای بشر و عشق را مقصود غایی عنوان می‌کند. در تفکر مولوی،عشق صدرنشین است.

استاد محمدعلی موحد که از بزرگترین محققان ایرانی است، در حیطه مولوی‌شناسی آثار متعددی دارد. او درباره «فیه مافیه»، «مثنوی» و «غزلیات شـــمس»، تحقیقات مهمی دارد و «تصحیـــح مثنوی مولوی» از شاهکارهای اوســـت. به اعتقاد استاد موحد، تأملات مولانا به سه بخش تقسیم می‌شود:«تحلیل‌ها، عاشقانه‌ها و حکمیات».

وی عاشقانه‌های مولانا را بخش مهمی از تاملاتش دانســـته که در تغزلات، مناجات‌هـــا، زبان حال‌ها و حدیث نفس‌های او در مثنوی ذکر شـــده است. پیام عرفانی مولوی در همه دوران پیام عشـــق و صلح بوده است.

استادمحمدعلی موحد می‌گوید کلام مولانا جاذبیت خود را از ترکیب معجزه‌گر سه اکسیر(شعر و موسیقی و قصه) کسب می‌کند.

قصه‌هـــای منظومی که در درجـــه اول مبتنی بر حکمت است و عشـــق را اصل زندگی قرار می‌دهد. مولانا شاعری است که به معنی زندگی توجه دارد.آمدن به دنیا، رفتن از دنیا و حیات و ممات، اولین ســـؤالات اوست.

به اعتقاد مولوی، زندگی زمانی ارزش پیدا می‌کند که آدمی در جســـتجوی معنی برآید. عقل بشری، در دایره محاسبات ســـیر می‌کند. بدین صورت، حساب هزینه و فایده را می‌کند. این امر غلطی نیست، ولی اگر امور به طور مطلق بر این قاعده بچرخد، آدمی از ارزش معنویت در زندگی غافل می‌شود.

وقتی زندگی عاری از معنی بشـــود، مال‌پرستی، قدرت‌طلبی، زیاده‌خواهـــی و انواع خودمحوری‌ها در آدمی جمع می‌شـــود. زندگی عاری از معنی آنجاست که انســـان فقط خود را می‌بیند و جز خود را نمی‌بیند. مقتضای زندگی باارزش، معنویتی اســـت که با عشق عجین باشد. عشق در آثار مولانا حقیقت زندگی است که راز آن جز در دل عاشـــقان مکشوف نیست. پیام مولانا ناظر به این مطلب اســـت که خمیر آدمی اگر با عشق بیامیزد، عاری از منیّت و خودستایی می‌شود. این اعجاز عشق در انواع لاهوتی و ناسوتی آن است که به قلب‌های آدمیان در همه اعصار گرما بخشیده است.

عشق باشد چون درخت و عاشقان سایه درخت
سایه گرچه دور افتد بایدش آنجا شدن
بر مقام عقل باید پیر گشـــتن طفل را
در مقام عشـــق بینی پیر را برنا شـــدن

با نگاهی به نظریه سیستم‌ها در آثار بزرگان ایرانی

معنی یک بیت شعر حافظ

دکتر بهرام امیر احمدیان

زکوی یار می‌آید نســـیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

بیت بالا، مطلع غزلی اســـت از حافظ که برای رسیدن نوروز سروده است. در یکی از ابیات این غزل، اسرار زیبایی نهفته است که قصد آن داریم تا آن را باز گشاییم. این بیت در زیر می‌آید:

سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

در مصرع نخســـت این بیت، حافظ دنیایی از اسرار را در پرده می‌گوید و آن این اســـت که سفارش می‌دهد ما را که باید همچو گل از غنچـــه بیرون آییم و از غنچه به گل تبدیل شویم. به طوری که برهمگان آشکار است، میوه گیاه از فرایند تحول گل به دســـت می‌آید و در فرایند خلقت، تا غنچه گشوده نشـــود و گل شکوفا نگردد، میوه به دست نمی‌آید.

در فرایند زایش، باید که غنچه شـــکفته شود و به گل تبدیل گردد. در ساختمان گل (که خود یک سیستم است) ۱ دو بخش با دو وظیفه در درون جام گل نهفته اســـت که موجب زایش و تولید میوه می‌شود. عنصر نرینگی یا همان گرده‌ها که در کیسه‌های کوچکی به نام «بساک» نهفته است. بساک کیسه‌ای است که دانه‌های گرده در آن قرار دارد و این کیسه بر نوک میله‌هایی است که «پرچم» نام دارد که از جام گل به بیرون کشیده می‌شود.

در هر یک از این کیسه‌ها صدها دانه گرده قرار دارد که هر کدام آماده بارور کردن مادگی گل اســـت. عنصر مادگی «برچه» نام دارد. برچه، اندام مادگی گل است که داخلی‌ترین بخش گل است و از سه بخش «کلاله»، «خامه» و «تخمدان» تشکیل شده اســـت. کلاله بالاترین بخش مادگی گل است که برای جذب دانه‌های گرده، نگه داشتن و رویاندن آنها و تولید میوه است.

خامه قســـمتی از اندام ماده گل بین کلاله و تخمدان است که دانه گرده از طریق آن به تخمدان می‌رسد. تخمدان بخش پایینی و حجیم اندام مـــاده گل که تخمک‌ها در آن تولید می‌شـــوند. این قســـمت پس از لقاح به میوه تبدیل می‌شود. پرچم‌ها دورادور مادگی (برچه گل) را فرا گرفته‌اند و کلاله سر، برچه را به تخمدان مرتبط می‌سازد.

برای تولید مثل و پیدایش میوه، لازم است که گرده‌ها (تخم‌ها) از پرچم بر ســـر کلاله قرار گیرند تا از آن طریق و از میـــان خامه (لوله) به تخمدان برســـند و تخمک‌های گل را در تخمدان بارور ســـازند. این عمل عمدتاً توسط حشرات صورت می‌گیرد. می‌دانیم که رنگ و عطر گل، تأثیر مستقیمی بر زایش و تولید میوه ندارند. طبیعت عطر و رنگ گلبرگ‌ها را برای جذب حشرات آفریده است و کاسبرگ‌ها برای محافظت از کل ساختار گل به ایفای نقش می‌پردازند.

حشـــرات با دیدن رنگ گلبرگ‌ها یا بوییدن عطر گلها به سوی گل جذب می‌شـــوند وبرای مکیدن شهد گلها بر روی آنها می‌نشینند. در خلقت حشرات، پای آنها کرکدار و پرزدار آفریده شـــده است. این پرزها نقش مهمی در زایش میوه دارند. هنگامی که حشـــره در دایره ساختار گل قرار می‌گیرد و بر روی پرچم‌ها می‌نشـــیند، بساک پاره می‌شود و گرده‌های پرچم به پرزهای پا و بدن حشـــره می‌چسبد و زمانی که حشـــره می‌خواهد درون جام گل جا به جا شود، تعدادی از این گرده‌ها برسر کلاله می‌افتد و از آنجا از طریق خامه (لوله) به تخمدان می‌رسد و تخمک را بارور می‌سازد و لقاح انجام می‌گیرد. در برخی موارد، باد هم گرده افشانی می‌کند و نقش عامل لقاح را بر عهده می‌گیرد.

خداوند در قرآن فرموده است که ما حشرات و باد را مأمور کردیم تا گیاهان را بارور سازند. پس از لقاح و تبدیل گل به میوه گلبرگ‌ها و کاســـبرگ‌ها که در فرایند زایش و تولید مثل، مأموریت خودرا انجام داده اند، پژمرده می‌شوند و می‌ریزند و میوه جلوه گری می کند.

حافظ در این شـــعر، قصد آن دارد کـــه بگوید اگر می‌خواهیم بارور شویم، باید از خود به در آییم و از پیله‌ای که به دور خود بســـته ایم، خارج شویم و چون پروانه به پـــرواز در آییم. او می گوید که بایـــد از غنچه و از حالت نشکفتگی بیرون آییم و گل شویم تا بارور گردیم. به تعبیری دیگر، آنانی که نمی‌خواهند بشـــکفند، بارور نخواهند شد. برای بارور شـــدن، باید دگرگون شد و مهاجرت کرد و به فرآیند هستی پیوست.

از دیدگاه حافظ، غنچه یک سیستم بسته است و پویایی ندارد و ناگزیر به فناست. برای رهایی از فنا و نیستی و برای شکوفایی، باید سیستم باز شود و با سیستم‌های پیرامون(باد و حشـــرات) ارتباط برقرار کند و به یاری امکاناتی که این سیســـتم‌ها در اختیار دارند، بارور شود. باید با سیستم‌های دیگر در ارتباط بـــود و با آنان تعامل برقرار کرد و با تبادل اطلاعات و افکار به تکامل رســـید. او عقیده دارد آنانی که نمی‌خواهند از انزوای خود بیرون آیند، چیزی به دســـت نخواهند آورد.

باید از انزوا و خلســـهٔ خود بیرون آیند و از ســـکون و ثبات دست شـــویند و به فرایند پویای زندگی بپیوندند. هر یک از ما در نظام خلقت نقشـــی داریـــم که باید ایفا کنیم. شـــگفت آور است که در سده هشتم هجری، خواجه شـــمس‌الدین محمد حافظ، به چنین رموزی پی برده و در اشعار خود آن را آشکار کرده است.

در این زمینه، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، در سده هفتم هجری بر سیستم بسته انتقاد می‌کند و معایب آن را بر می‌شمرد. وی در باره سیستم‌های بسته۲ هشدار می‌دهد و این سیستم را به «ده» یا «آبادی» تشبیه می‌کند و می‌فرماید:

ده مـــرو ده مـــرد را احمـــق کند
عقـــل را بی نـــور و بـــی رونق کند
قـــول پیغامبـــر شـــنو ای مجتبـــی
گـــور عقل آمـــد وطن در روســـتا
هر که را در رســـتا بود روزی و شام
تـــا بماهـــی عقـــل او نبـــود تمام
تـــا بماهـــی احمقـــی بـــا او بود
از حشـــیش ده جز اینهـــا چه درود
وانـــک ماهی باشـــد اندر روســـتا
روزگاری باشـــدش جهـــل و عمی
ده چه باشـــد شـــیخ واصل ناشـــده
دســـت در تقلید و حجـــت در زده

به تعبیر مولانا از آنجا که ده یک محیط بســـته است، بیگانه در آن راه ندارد؛ کمترین تعامل را با سیستم پیرامون دارد مردمان ساکن در آن با هم خویشاوندی دارند و غریبه را در خـــود راه نمی‌دهند نه دختر از بیگانه می گیرند و نه دختر به بیگانه می‌دهند. زمین‌های کشاورزی محدود است و زمینه اشتغال غیر کشاورزی به شدت محدود و تولید سنتی است. بنابراین، نمونه کامل یک محیط بسته است که در آن شکوفایی ذهن و تبلور اندیشه راه ندارد و هر تازه واردی به این محیط و سیستم بسته، خود نیز دچار این انزوا می‌شود و از اندیشه باز می‌ماند.در این زمینه، حکمت سعدی نیز قابل توجه است. به نظر ما مبدع «نظریه سیستم‌ها» سعدی علیه الرحمه است. این حکیم و دانشمند بزرگ سده هفتم هجری که جهان بینی و حکمت وی بی مانند اســـت و تجربیات گرانبهایی را از ســـیر در آفاق و انفس داشـــته و در پنجاه سالگی، پس از عمری تحصیل و تدریس و سیر و سیاحت، آثار خود را پدید آورده است؛ می‌فرماید:

بنـــی آدم اعضـــای یـــک پیکرند
کـــه در آفرینـــش ز یـــک گوهرند
چو عضـــوی بـــه درد آورد روزگار
دگـــر عضوهـــا را نمانـــد قـــرار
تـــو کز محنـــت دیگران بـــی غمی
نشـــاید کـــه نامـــت نهنـــد آدمی

به طوری که دیده می‌شود، بر اساس تعریف سیستم، ســـعدی انســـان‌ها را در نظام خلقت، اجزای یک سیستم کل می‌داند و ناکارآمدی هر یک از اجزا(زیر سیســـتم‌ها)را اخلال در کار سیستم می‌داند و اظهار می‌دارد که‌ای آدم(زیر سیستم)،تو که با دیگر اجزای سیستم همراهی نمی‌کنی، زیر سیستم نیستی(نشاید که نامت نهند آدمی). همچنین سعدی در ابیاتی دیگر این نظریه را تبیین می‌کند:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشـــته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

این بدان معنی است که هر کسی باید وظیفه‌ای را که بر عهده دارد، انجام دهد تا مجموعه کل سیستم پاسخ دهد.

حکیم گنجه، نظامی، شاعر معروف ایرانی در قرن ششم هجری قمری نیز با جهان بینی خاصی به نظریه سیســـتم‌ها می‌پردازد و می‌فرماید:

خرامیـــدن لاجـــوردی ســـپهر
همـــان گرد بر گشـــتن مـــاه و مهر
مپنـــدار کـــز بهـــر بازیگریســـت
ســـراپرده‌ای این چنین سرسریســـت
در این پرده یک رشـــته بیکار نیست
ســـر رشـــته بر ما پدیدار نیســـت
که دانـــد که فردا چه خواهد رســـید
ز دیـــده کـــه خواهد شـــدن ناپدید

«شیخ محمود شبستری»هم در گلشن راز در تمثیل در میان وحدت کارخانه عالم می‌فرماید:

تو گویی هســـت این افـــلاک دوار
به گردش روز و شب چون چرخ فخار
وز او هـــر لحظـــه‌ای دانـــای داور
ز آب وگل کنـــد یک ظـــرف دیگر
هر آنچه در مکان و در زمان اســـت
ز یک اســـتاد و از یک کارخانه است
کواکب گـــر همـــه اهـــل کمالند
چرا هـــر لحظه در نقـــص و وبالند
همه درجای و ســـیر و لون و اشکال
چـــرا گشـــتند آخر مختلـــف حال
چرا گه در حضیـــض و گه در اوجند
گهـــی تنهـــا فتـــاده گاه زوجنـــد

اکنون باز می‌گردیم به حضرت حافظ. وی در مصرع دوم بیت یاد شـــده می‌فرماید که:«بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی». براســـاس ســـنت‌های نوروزی که از قدیمی‌ترین ایام تاکنون پابرجا مانده است، در ایام نوروز در هر محله، کوی، برزن و روستایی مردم اجتماع می‌کردند و به قید قرعه یک نفر را از میان خویش برای تصدی مقام «میر نوروز»ی برمـــی گزیدند. او به مدت ۵روز زمام امور را در دست می‌گرفت و حاکمان و فرمانروایان محلی نیز در این مدت مقام خود را به او واگذار می‌کردند.

میرنوروز، فرمانروای آن جمع می‌شـــد و فرمان‌های صادره از ســـوی او در طول مدت فرمانروایی (پنج روز) برای همگان لازم الاجرا بود. پس از گذشت پنج روز، مقام «میرنوروزی» از او گرفته می‌شـــد و میر نوروزی دوباره به کسوت پیشین خویش باز می‌گشت و زندگی عادی خود را از سر می‌گرفت.

اگر میر نوروزی از میان مردان دانا و هوشیار برگزیده می‌شـــد، منشـــاء اثرات و امور نیکو می‌شد. به پاک کردن گذرگاه‌هـــا، لایروبی جوی‌ها و نهرها، آشـــتی دادن مردم، زدودن کدورت‌هـــا و انتشـــارخوبی‌ها و نیکویی‌ها فرمان می‌داد. در صورتی که قرعهٔ فال میرنوروزی به فردی ناباب و بذله‌گو یا پریشان احوال و نادرست می‌افتاد، مردم مدت پنج روز در عذاب و رنج بســـر می‌بردند و بسا میرنوروزی که مردم را به اجبار به انجام کارهای ناپســـند و نسنجیده فرمان می‌داد.

در برخـــی موارد دیگر نیز میرنـــوروزی مردم را به کارهای شـــوخی و بذله گویی و خنده دار وامی‌داشـــت. میرنوروزی در مدت فرمانروایی نباید خنده‌ای یا تبســـمی می‌کرد در غیر این صورت از مقام خود خلع می‌شد.

حافظ در این بیت، قصد آن دارد که بگوید این جهان فانی اســـت و هر کسی یک چند روزی نوبت اوست. پس بهتر آن است که از این فرصت بهره گیرد و بر مردم نیکویی روا دارد و اوضاع را ســـامان بخشـــد و خدای را سپاس گذارد.

آیین میرنوروزی که در گسترهٔ‌جغرافیای حوزهٔ نوروز برپا می‌شـــده، از دیرباز تاکنون تداوم داشته و هنوز هم در برخی از نواحی ایران زمین (برای نمونه در غرب ایران و در میان کردها) و نیز دیگر کشـــورهای حوزهٔ نوروز (از جمله قزاقستان در آسیای مرکزی) اجرا می‌شود.

این آیین‌های پاک و درخشـــنده که ارتباط نزدیکی با چگونگی اســـتفاده بهتر از فرصت‌های در اختیار است، نمونه‌ای است از مشارکت دادن مردم در مدیریت جامعه.

به هـــر تقدیر، باید آیین‌های نـــوروزی را که هر یک نشانه‌هایی از تاریخ کهنســـال فرهنگ و تمدن ایرانی است، پاس بداریم و با توجه به توحیدی بودن ســـرزمین ایران از سپیده دم تاریخ تاکنون، این آیین‌ها را نیز باشکوه برگزار کنیم. هریک از آیین‌های نوروزی نشـــانه‌ای است از سپاسگزاری به درگاه یزدان پاک و به همین جهت پس از پذیرش اســـلام از سوی ایرانیان، این ســـنت‌ها به دلیل عدم مغایرت آنان با آموزه‌های خدایی و یکتایی دین مبین اســـلام، و نبود هیچ نشـــانه‌ای از شرک و بت پرستی در آن، پایدار و ماندگار شد تا نســـل امروز ایران زمین با تکیه بر سنت‌های آبا و اجدادی خود، درخت بارور تمدن و فرهنگ ایران را پاس بدارند.



پی‌نویس‌ها:

۱ـ سیستم، یا به فارسی سامانه، مجموعه یا گروهی از اشیاء مرتبط یا غیر مرتبط اســـت که هدف یـــا اهدافی خاص را دنبال می‌کنند، به گونه‌ای که واحدی پیچیده را تشـــکیل دهند. سیستم مجموعه‌ای اســـت از عناصر به هم مرتبط که برای نیل به هدف مشترک با هم در تعامل هستند. در زبان فارسی واژه سیستم به دلیل کثرت استفاده متداول شده است. واژه‌های سامانه و نظام برابرهای فارسی متداول برای واژه سیستم می‌باشند.

۲ـ سیستم بسته صرفا با استفاده از نیروهای داخلی و بدون ارتباط با محیط خارج می‌تواند به کار خود ادامه دهد.

خلوت انس



معمار وطن

به مناسبت بیســـتم دی‌ماه، سالروز شـــهادت بزرگمرد تاریـــخ معاصر میرزا تقی‌خان امیرکبیر

ای سیاســـت مرد با ایمان عجین
ای نکـــو فرزانـــه ایـــران زمیـــن
ای گرامـــی گوهـــر ایـــن آب و خـــاک
یـــادگاری ز آریـــا مـــردان پـــاک
ای بـــه پیـــکار ســـیاهی پرشکیب
وی ریـــا را دشـــمن و حـــق را حبیب
ای نجابـــت ســـیرت فرخنـــده جـــان
وی بـــه رزم خصـــم میهـــن پرتـــوان
ای رهـــا بنمـــوده بـــا آرای نـــاب
مـــام محـــزون وطـــن از اضطـــراب
ای بـــه ابـــداع روش‌هایـــی متیـــن
قافلـــه ســـالار ایرانـــی نویـــن
ای رهانیـــده بـــه جهـــدی پرثـــواب
دیـــن حـــق را از تبهـــکاری بـــاب[1]
ای بـــه غیـــرت یـــار و معمـــار وطن
کـــز تـــو شـــد بالنـــده گلـــزار وطن
نـــام توقامـــوس عـــزم اســـت‌ای امیـــر
حرکـــت انـــدر خـــط مردانـــی کبیـــر
شـــد ز تدبیـــر تـــو خصـــم مـــا زبون
آنکه بـــود اســـتاد صـــد مکر و فســـون
تو فلک بـــودی و دشـــمن چـــون مگس
کـــی مگـــس آرد فلـــک را در قفـــس
دشـــمن میهـــن کشـــیدی در کمنـــد
شـــد زنامـــت ملـــک و ملـــت ســـربلند
دســـت او از دامنـــت کوتـــاه مانـــد
از تـــو او در حســـرت یـــک آه مانـــد
آبـــرودادی بـــه ملـــک ای مـــرد داد
ای فراهـــان را نکـــو فرزنـــد راد
بهـــر حفـــظ کشـــور از جهلـــی فزون
کـــرده‌ای اقـــدام در دارالفنـــون
خـــون پاکـــت همچو خـــون هر شـــهید
زندگـــی بخشـــید و آگاهـــی دمیـــد
زندگـــی بخشـــید، ای نیکـــو ضمیـــر
بـــا شـــهادت در زمســـتان کویـــر
شـــد ز خونـــت آن شـــه نامهربـــان
تـــا ابـــد رســـوا بـــه تاریـــخ جهـــان
تا ابد زان خون که شـــد در فیـــن روان
بانـــگ اســـتقلال آیـــد بی‌گمـــان
تـــا ابـــد یـــادت بـــود ســـبز، ای امیر
ای بـــه اصلاحـــات و همـــت بی‌نظیـــر
تـــا ابـــد از مـــا بـــه جانـــت آفریـــن
ای بـــه غیـــرت چـــون نیاکانـــت ثمین
بـــر روان پاکـــت از«ســـامان» درود
ای سراســـر طاعـــت و ایمـــان و جـــود

محتشم مؤمنی ـ اراک

۱ـ اشاره است به فتنه بابیه که توسط امیرکبیر سرکوب گردید.



در ازنای شب

سیدمحمود سجادی

به آسمان نگاه می‌کنم
مشتاق و جستجوگر
آسمان در شب آبی نیست
سیاه هم نیست
وقتی که ماه ـ ماه تمام ـ
در وسط دریا می‌رقصد.
کسی چه می‌داند
شاید تو اینک در هودجی از مهتاب
که جاده‌های دراز شب را در می‌نوردد
به ماه
ـ به ماه تمام ـ
نگاه می‌کنی، نگاه
اینک
ستاره‌ای که از دوردست، آن سوی نیزار
سوسو می‌زند
شب را
و تنهایی را به بازی می‌گیرد
تو باز خواهی گشت
نسیمی معطر که آمد این را گفت.

نگاهی گذرا به رباعی‌های «امید استیفا»

پایان همین رباعی‌ام، جان بدهم!



دوشنبه شب، ۱۷ دی‌ماه، در یکی از شبهای شعر انجمن ادبی ققنوس در غرب تهران، آیین رونمایی از مجموعه رباعی‌های «امید استیفا» شاعر و ترانه‌سرای خوش ذوق برگزار شد.در این مراسم، یک مجموعه کوچک‌جیبی که‌ازسوی‌انتشارات‌گیوامنتشرشده‌است،باشماری‌ازتازه‌ترین سروده‌های این شاعر فعال تهرانی با عنوان «مستار» به دوستدارانش تقدیم شد.در این آیین که تعداد بی‌شماری از شاعران معاصر حضور داشتند، امید استیفا چند نمونه از رباعی این مجموعه را با یاد دخترش«مستار» قرائت کرد.با امید به توفیق روزافزون برای او، چند رباعی از این مجموعه جدید را در این مجال می‌آوریم:

نزدیک اذان مغرب و افطار اســـت
اندوه به ســـینه‌ام، سپه‌ســـالار است
هنگام اجابت دعا هســـت، ای وای
انگار که پای گریه‌ای در کار است

***

نقشی ز تبســـم به لبم ترسیم است
انگار که صد غصه در او تقسیم است
من مات در این عکس به غم آلوده...
عکسی که چنان آگهی ترحیم است

***

یک لحظه قبول می‌کنـــم، آنگه رد
انگار که تصویر تو جـــان می‌گیرد
با دیدن تصویر تو بغضی هر شـــب
در مـــن متولـــد شـــده و می‌میرد

***

دلخون‌تر از داغ شـــقایق شـــده‌ام
آهنـــگ غریبانـــه هوهق شـــده‌ام
غمگین‌ترم از ماه به تنهایی شـــب
در خلوت خود آیینه دق شـــده‌ام

***

سخت است گنه نکرده تاوان بدهم
به خاطر خود رنج فـــراوان بدهم
ای کاش دعا کنی برایم... ای کاش
پایان همیـــن رباعی‌ام، جـــان بدهم

چابهار ؛ پایانه بین المللی اقتصاد ایران

چابهار؛ بازیگر استراتژیک منطقه

آنچه در پی آمده اســت نگاهی دارد به مزیت ها و اهمیت راهبردی منطقه آزاد تجــاری چابهــار و همچنین فعالیت ها و مســئولیت های اجتماعی آن که در چارچوب توسعه شــرق کشــور که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم را می خوانید:

***

وی در پاسخ اینکه با توجه به مسئولیت های اجتماعی ســازمان منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار، برای مقابله با توســعه ناموزون و ایجاد فرصت های اشتغال برای افراد بومی چه برنامه های دارید؟ می گوید: برای اینکه توســعه پایدار و متوازنی در منطقه داشته باشیم، نیازمند تدابیری است که خارج از ماموریت های اصلی ما است. اگر فکر کنیم صرفا با ایجاد صنعت و زیرساخت یا فعالیت هایی که امروز به عنوان ماموریت اصلی دنبال می کنیم، حتما توسعه شکل خواهد گرفت و پایدار خواهد شد، به نظر مقداری اشتباه برداشته ایم. برای توسعه پایدار در منطقه اولین و اصلی ترین موضوعی که به آن معتقدیم و متعهدانه دنبال می کنیم، مشارکت حداکثری جوامع محلی است. یعنی به شدت در امر مشارکت پذیر کردن مردم کار می کنیم. طی سال های اخیر هم در حوزه آموزش، بهداشت و توانمند سازی جوامع محلی برنامه های خوبی را شــروع کرده ایم و به عنوان مثال در حوزه آموزش و توانمندسازی جوامع محلی برنامه هایی داشته ایم. [illegible] شکل بخواهد بگیرد حتما باید نیروی متخصص ماهر مورد نیاز متناسب با صنایعی که در حال شکل گیری است در منطقه تولید بشود.

مدیرعامل منطقه آزاد چابهار اضافه می کند: الان در حوزه آموزش اولین و اصلی ترین ماموریتی که به عهده گرفته ایم، کمک به ارتقای کیفیت آموزش است. یعنی در کنار آموزش دانش آموزان، به دنبال آموزش معلمان هم هستیم. باید برای افزایش کیفیت، حتما معلم باکیفیت سر کلاس باشد تا بتواند به دانش آموزان کمک کند. در این زمینه در دو سال گذشته دوره های متنوعی را برای معلمین از مقطع دبستان تا دبیرستان برگزار کرده ایم. همچنین با کمک اســاتید و مربیان حرفه ای که در چابهار و شهرهای اطراف هم بوده دوره هایی برگزار کردیم. این دوره ها مستمر است و ادامه دارد.

وی می افزاید: در حوزه توانمندسازی ما یک مرکز فنی حرفه ای در مجموعه سازمان راه اندازی کرده ایم [illegible] دوره های آموزشی مهارتی برگزار کردیم [illegible] اینجا استقرار دادیم که در این حوزه کار کنند.

کــردی تصریح می کنــد: یکی دیگر از کارهای ماندگار بحث ارتقای ســطح دبیرستان اینجا است. در این دبیرستان حدود ۳۰ دانش آموز درس می خواندند که ۲۴ نفرشان سال گذشته در دانشگاه ها پذیرفته شدند که یکی از آنها در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد که اتفاقاً از خانواده مستضعفی است و خودش می گفت که اگر وارد این فضا نشده بود، ممکن بود به دانشگاه وارد نمی شد. جالب این است که خیلی از این بچه ها به رغم اینکه امکان قبول شدن در رشته های فنی داشتند، رشته دبیری را انتخاب کردند چون یکی از مشکلات اصلی این منطقه است. در بحث توانمند سازی زنان و ایجاد مشاغل خانگی هم کار کرده ایم. در این خصوص کارگاه هایی در این حوزه راه اندازی کرده ایم و با بنیاد کارآفرینی زنــان و جوانان توافقنامه ای را داریم. همچنین الان در حوزه توانمندسازی حاشیه شهر چابهار [illegible] تشکیل داده اند و بیش از یک سال است که مشغول کار هستند.

وی می گوید: اینها بخشــی از اقداماتی اســت که سازمان در حوزه مسئولیت اجتماعی در دســتور کار قرار داده است و از اواخر سال گذشــته احساس کردیم که باید یک انسجام و شــکل مناسب تری در این مسیر ایجاد کنیم و به این دلیل از موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران کمک خواستیم. ما با افتخار می توانیم بگوییم که اولین سازمان در کشور هستیم که سند مسئولیت اجتماعی سازمان را تنظیم کرده ایم و دارای نظامنامه هستیم و موضوعاتی که باید به آن عمل کنیم را مطالعه کرده و نیازها را ســنجیده و در حوزه های آموزش، بهداشت، بهبود محیط زیست سیاست ها و برنامه هایی را مشخص کرده ایم. از امسال شرکت های مستقر در منطقه و هم سازمان منطقه آزاد باید بخشی از درآمد و عایدات خودشان را صرف هزینه های اجتماعی کنند. این اقدام نه به عنوان یک کمک که به عنوان یک تکلیف است که باید به آن عمل کنند. البته موضوع هزینه کرد درآمدهای حاصل هم موضوعات مشخصی است که مبتنی بر یک نیازسنجی است که از ظرفیت منطقه شکل گرفته است.

مدیرعامل منطقه آزاد چابهار در مورد برنامه منطقه آزاد برای ارتقای زیرساخت های ورزشی و آموزشی این منطقه می گوید: بودجه ای که در ســال ۹۷ برای زیرساخت های ورزشی در منطقه چابهار تخصیص داده شــد از کل پروژه های ورزشی [illegible] در سیستان و بلوچستان بیشتر است. [illegible] مشارکت شرکت های خصوصی و شرکت هایی که فعال هستند، همه ورزش هایی که بــه رده ملی و بین المللی راه پیدا می کنند را مورد حمایت قــرار خواهیم داد. درخصوص ورزش موج ســواری هم برای اولین بار برای مسابقات بین المللی موج سواری یک جوان از یکی از روستاهای چابهار را به مسابقات ژاپن اعزام کردیم.

کردی با اشــاره به اینکه برای مسئولیت اجتماعی شرکت ها را به تکلیف مکلف کرده ایم [illegible] در این حوزه [illegible] در رشته های فنی [illegible] پرورش قرار بگیرند.

برای ســال آینده هم از منابع خودمان در محل بودجه های آموزش [illegible] پیش بینی کرده ایم [illegible]

وی در خصــوص بحث اشــتغالزایی و بکارگیری نیروهای بومی در مناطق [illegible] [illegible] [illegible] موضوع دنبال شــد و سعی کردیم بر اساس ان آسیب‌شناسی یک باز تعریف ماموریت و ترسیم یک نقشه راه برای منطقه داشته باشیم.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد چابهار اضافه می کند: حاصلش این شــد که استراتژی ما از تجــارت به تولید تغییر پیدا کرد و ما از ابتدای دولت شروع به حرکت در مسیر تولید کردیم؛ چنانکه در پایان سال ۹۶ ارزش تولیدات منطقه از هزار و ۵۶ میلیارد تومان عبور کرد. هر چند تولیدات ما بیش از این عدد بوده است. تولیدات منطقه آزاد از لوله و پروفیل فلزی تا محصولات پایین دستی پتروشیمی، پلاستیکی، مواد غذایی و مــواد شــیمیایی را دربرمی گیرد و حاصل فعالیت های حــدود ۱۳۰ واحد فعال تولیدی در منطقه است.

وی تصریح می کند: از حدود ۴۰۰ قرارداد سرمایه گذاری که بسته شده است، ۱۶۷ قرارداد پیشــرفت فیزیکی بالای ۳۰ درصد دارد؛ یعنی انتظار ما این اســت که ظرف سال های آینده - البته این چند ماه به علت نوســانات ارزی و اختلالاتی که در سیستم اقتصادی پیش آمده بــود یک مقدار فعالیت‌هــای تولیدمان را کند کرد - برنامه این اســت که در سال های آینده شــاهد یک رشد بسیار فزاینده چند ده برابری را در حوزه تولید در منطقه داشته باشیم، دلیلی هم که تولیدمان افزایش پیدا کرد، این بود که ما آمدیم متناسب با مزیت های رقابتی منطقه فعالیت تعریف کردیم و منتظر نماندیم که تولیدکنندگان سراغ ما بیایند.

کــردی ادامه می دهد: ما مطالعاتی را در سطح بازار متناسب با ظرفیت های خودمان انجام دادیم و بعد آمدیم فهرست فعالیت های توجیه پذیر در منطقه را تنظیم کردیم و سراغ صاحبان این صنایع رفتیم و شروع کردیم به استقرار آنها در منطقه و خوشبختانه هم خوب پاسخ گرفتیم و در حال فعالیت هستند.

وی اضافه می کند: بنابراین، برای این صنایع در حال شکل گیری دو کار انجام داده ایم. یکی آنکه نیروهای مورد نیازش را تربیت کرده و از آن طــرف این صنایع را تکثیر کرده ایم تا هم مردم بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند و هم اینکه نیروی کارشان را از منطقه خودمان تامین کنند و این نکته زمینه ای برای ایجاد اشتغال پایدار و ماندگار در منطقه است.

نامبرده می گوید: فکر می کنم که این مسیر، مسیر خوبی است زیرا دیدگاه مردم صرفا اشتغال در بخش‌های دولتی نیســت و اشتغال را صرفا کارمندی نمی دانند.

حضــور در صنعت را هم به عنوان یک فرصت شــغلی نگاه می کنند. اتفاقاً برخی از صنایع به دلیل نوع فعالیتشان و بازده پروژه‌های شــان پرداخت های خوبی هــم می کنند و لذا مشــتریان و تمایــل عمومی برای رفتن به ســمت این صنایع بالا رفته اســت و این را به عنــوان یک ماموریت در حوزه بخش تقاضای نیــروی کار و مهارت آموزی در اولویت قرار داده ایــم و در بخــش عرضــه فرصت های کار هم توسعه صنایع را در دستور داریم که اگر این دو بخش با قاعده خاصی به ســمت جلو حرکت کنند اثرات خوبی در آینده اشتغال منطقه و اقتصاد محلی خواهد گذاشت.

وی در مورد حضور نیروهای کار خارجی در منطقــه آزاد اظهــار می دارد: تلاش ما این اســت که حضور آنها را به حداقل برســانیم. البته واقعیت این اســت که بعضی از مشاغل و فعالیت ها هستند که نیروهای کار داخلی تمایلی به انجام شان ندارند. یعنی تقاضا برای آنها وجود نــدارد و صاحبان کار مجبورند از نیروهای کار بیرونی استفاده کنند. در بعضی از فعالیت ها از کارگران هندی در صنایع طلا و جواهر خودمان استفاده می شود. زیرا تخصص‌های خوبی دارند و زمان می خواهد که نیروهای محلی در کنارشان آمــوزش ببینند. بعضی دیگر از فعالیت ها هم به گونه ای است که به لحاظ فرهنگی و شرایط مختلــف، مردم محلی و هموطنان ما علاقه به انجام آنها ندارند و لذا نیروهای افغانی و پاکستانی جایگزین آنها می شوند.

مدیرعامــل منطقــه آزاد چابهار تصریح می کند: همچنین تلاش کردیم نیروهای خارجی که به صورت غیرقانونی در منطقه حضور دارند به حداقل برســند و واحد کاری که در منطقه مستقر است، نظارت مستمری انجام می دهد و برخی اوقات پیش می آید که نیروهای غیر قانونی مشــغول به کار باشند، برخورد با آنها صورت خواهد گرفت. البته براساس قوانین منطقه آزاد اجازه کار به اتباع خارجی در منطقه می دهیم هر چند ضوابط خاص خودش را دارد و اگر خارج از ضوابــط صورت بگیرد، حتما با آن برخورد صورت خواهد گرفت.

وی در خصوص تدابیر انجام شــده برای شفافیت اقتصادی ســازمان منطقه آزاد اضافه مــی کند: یکی از ایــرادات وارده به منطقه که نمی‌توانستیم پاسخ درخوری بدهیم، این بود که در گذشــته نظارت و شفافیت در مناطق کمتر مورد توجه قرار می گرفت و یکی از افتخارات دولت روحانی این اســت که پای دستگاه های نظارتی به مناطق آزاد باز شد. یعنی اینکه دیوان محاســبات مثل ســایر دستگاه ها به بودجه و حساب های مناطق آزاد رسیدگی می‌کند. سازمان بازرسی هم همانند سایر دستگاه ها، بازدیدهای دوره ای در مناطق آزاد دارد. علاوه بر آن خود دبیرخانه مناطق آزاد و شورای عالی مناطق آزاد به شــفافیت در بودجه و برنامه تاکید ویژه ای دارند و شــاید کمتــر زمانی بوده که به موقع بودجه مناطق بررسی و تصویب شود و به موقع صورت های مالی سازمان ها ارایه شود. بودجه سازمان در سال گذشته ۶۰۰ میلیارد تومان بوده که برای ســال آینده حدود ۷۰۰ میلیارد تومان بودجه برآورد شده است.

کردی می افزاید: هم اینک بسیاری از سامانه ها مثل ســامانه شهرســازی را مستقر کرده ایم و حتی پرتال سرمایه گذاری، حتی بحث درآمدها و سرمایه گذاری ها به صورت الکترونیک شده اســت و بحث ورود و خروج منابع ما کاملاً تحت کنترل بوده و سامانه های انبار و اداری و گمرک ما شــبکه و سامانه دارد و تحت کنترل گمرک جمهوری اسلامی است و خود سازمان و فرایندهای آن از صدور پروانه گرفته تا تمام فعالیــت های مالی عملیاتی که در منطقه انجام می شود، الکترونیک است.

وی در ادامــه بــه فعالیت هایی که برای بهبود وضع آب و برق و سایر زیرساخت های روســتای تیس - تنها روستای متعلق به منطقه آزاد چابهار - صورت گرفته است،اشاره کرده و توضیح می دهد:

ما سال گذشته خط انتقال آب را به روستا رساندیم، اگرچه انتقال آب به درب منازل نیازمند اجرای شبکه های آبرسانی است و کار مطالعه و طراحی این شبکه انجام شده و کار واگذاری انشعابات آب در حال اجرا است و بعد از آن کار آسفالت و روشنایی معابر صورت خواهد گرفت که کار روشنایی معابر در حال انجام است. مدرسه این روستا هم ۲۴ کلاس کم داشت که با سازمان نوســازی توافق شد که به صورت مشارکتی این کمبود را حل کنیم و الان کار ساخت یک مدرسه ۱۲ کلاسه شروع شده و کار جانمایی دو مدرسه دیگر در حال انجام است.

مدیرعامل منطقــه آزاد چابهار همچنین درخصوص حل مشکل آب شهر چابهار اظهار می دارد: مســاله آب شرب نیست، مشکل از شــبکه آبرسانی است. الان آب شیرین کنی که در منطقه کنارک است، هنوز امکان اضافه کردن ظرفیتش وجود دارد، منتهی شبکه های آبرسانی دارای مشکل هستند و سازمان آب و فاضلاب وظیفه دارد این شبکه ها را ایجاد کند.

الان ما در منطقه آزاد مشکل آبرسانی نداریم و فعلا آب را از سازمان آب و فاضلاب خریداری می‌کنیم اما با توجه به نیاز شهر ، امسال مناقصه ای را برگــزار کردیم که بــه میزان لازم آب را از بخش خصوصی خریداری خواهیم کرد و الان در حال ســاخت یک آب شیرین کن هستیم و طبق برنامه ریزی صورت گرفته تا پایان امسال ما باید میزان آبی که از شهر استفاده می‌کنیم، در اختیار شهر قرار گیرد و ما نیازمان را از این آب شــیرین کن مستقل از سازمان آب و فاضلاب تامین خواهیم کرد.

وی اضافه می کند: الان با بخش خصوصی در حال مذاکره هســتیم. آب تولید شده در آب شیرین کن کنارک حدود ۳۰هزار متر مکعب در روز است و الان ما از حدود ۴ هزار مترمکعب آب آن استفاده می‌کنیم که از اواخر امسال دیگر از آب شرب شهر استفاده نخواهیم کرد.

کردی درباره ســاخت فرودگاه چابهار هم می گوید: فرودگاه کنارک ضوابط خاص خودش را دارد و اســتفاده از این فرودگاه با مشکلاتی روبروســت. طی سالهای گذشته تلاش زیادی برای ســاخت فرودگاه جدید در چابهار انجام شده و همچنین موضوع توسعه این فرودگاه هم مطرح بوده است.

وی می افزاید: دو سال پیش مجوزی برای ساخت یک فرودگاه جدید در شهر چابهار صادر شــد و درخواست کننده آن هم منطقه آزاد بود و بعد این مساله به شرکت فرودگاه های کشور واگذار شــد و اخیرا هم یک صحبت و توافقی با وزیر راه و استاندار سیستان و بلوچستان برای واگذاری مجدد ساخت این فرودگاه به سازمان منطقه آزاد صورت گرفت. اما چون ساخت این فرودگاه زمان بر خواهد بود، از سال گذشته کار توسعه فرودگاه کنارک را دنبال کردیم و در این راستا حدود ۲۵۰ هکتار زمین را خریداری کرده و کار طراحی یک ترمینال در انتهای باند همین فرودگاه را انجام داده ایم و قرار است قبل از پایان امسال عملیات ساخت این ترمینال آغاز شود و تا زمانی که فرودگاه جدید به بهره برداری برسد از این ترمینال استفاده خواهیم کرد.

این مقام مسئول درخصوص میزان استفاده از نیروهای بومی در منطقه آزاد اظهار می دارد: به نظر می رسد یک فاصله و شکاف عمیقی بین منطقه آزاد و مردم و جامعه محلی وجود داشته است. اما این فضا و این ذهنیت ها در ۲۵ سال شکل گرفته است و نباید انتظار داشت ظرف چند سال کامل از بین برود. اعتقاد دارم که این فضا در حال تغییر است و بسیاری از مدیران میانی در منطقه مدیران بومی و اهل چابهار هستند.

وی اضافه می کند: واقعیت این است زمانی که ما تجربه مدیریت در سطح منطقه را نداریم، باید مرحله به مرحله نیروهای خودمان را وارد این چرخه کنیم تا برسد به سطحی که بتوانیم مســئولیت به آنها واگذار کنیم. اما اگر صرفا به دلیل اینکه فردی نیروی بومی هست و بخواهید بدون توجه به شایستگی و تجربه و تخصص از آن استفاده کنیم، آسیب جدی، نخست خود این مردم خواهند خورد. ما می گوییم اگر نیرویی را می خواهید استخدام کنید اولویت با افراد بومی است و مرحله دوم برای رسیدن به مدارج بالاتر مدیریتی، نیازمند یک فرآیند تدریجی است. در این مســیر مردم و جوانان این منطقه در حال رســیدن به مناصب مدیریتی هســتند و دارند تجربه می کنند. من خودم جوانترین مدیر عامل مناطق آزاد در کشور و بومی اینجا هستم . سه سال پیش که وارد مجموعه شدم ۳۷ ساله بودم. شــاید کسانی که این مسائل را مطرح می کنند هنوز این تغییرات را احساس نکرده اند و زمان خواهد برد.

مدیرعامل منطقه آزاد چابهار همچنین در مورد اقدام تروریستی اخیر در چابهار می گوید: واقعیت این است که مردم بسیاری از تحلیل های مغرضانه خصوصا بعد از اقدام تروریستی اخیر را نمی پذیرند. واکنش ها نســبت به این اقدام بسیار متفاوت با گذشته بود. یک انسجام و یک همگرایی پیش آمده بود که گفته شود ما از آنها نیستیم و اینها(تروریست ها) از بیرون آمده بودند و می خواستند این منطقه را ناامن جلوه دهند.

وی ادامه می دهد: در زمان اقدام تروریستی اخیــر مــن در دفترم بــودم و فضا را رصد می کردم.همه موضع گرفتند و بیان می داشتند یــک عده ای می خواهند اینجا را ناامن و فضا را ملتهب نشــان دهند. این دیدگاه غالب مردم اســت. مطمئن هستیم که اقدام تروریستی اخیر چندان اثر گذار نبود.

ادامه دارد

عرضه ۵۰۰۰ میلیارد ریال صکوک اجاره جدید

با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار، مرحله دوم انتشار صکوک مبتنی بر سهام شرکت توسعه اعتماد مبین(سهامی خاص) به مبلغ ۵ هزار میلیارد ریال به منظور تامین سرمایه در گردش جهت بازپرداخت بدهی از طریق بازار ابزارهای نوین مالی شـــرکت فرابورس ایران در نمادهای مبین۰۱۴، مبین۰۱۵ و مبین۰۱۶ از روز چهارشنبه ۱۹ دی ۹۷ آغاز شده و تا یکشنبه ۲۳ دی ۹۷ ادامه خواهد داشت.

به گزارش شـــرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه، سهام مبنای انتشار مرحله دوم صکوک اجاره ۵ هزار میلیارد ریالی شرکت توسعه اعتماد مبین (سهامی خاص) تعداد ۲۲۲۴۱۱۹۲۸۹ سهم شرکت مخابرات ایران با قیمت هر سهم ۲۲۴۸ ریال است که به مدت چهار سال به صورت اجاره به شرط تملیک به شرکت واسط مالی اسفند دوم (با مسئولیت محدود) واگذار می شود.

این اوراق چهار ســـاله و با نرخ اجاره بهای ۱۶ درصد اســـت و اجاره بهای مربوط هر شش ماه یک بار توسط شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه به عنوان عامل پرداخت به حساب دارندگان اوراق واریز می شود.ضامن این اوراق، بانک تجارت و عاملیت فروش آن بر عهده شرکت کارگزاری پارسیان(سهامی خاص) است و پذیره نویسی و بازارگردانی این اوراق را کنسرسیومی از شرکت های تامین سرمایه لوتوس پارسیان به مبلغ ۳ هزار میلیارد ریال، تمدن و امید هر یک به مبلغ یک هزار میلیارد ریال بر عهده دارند.

در این اوراق، نیازی به تهیه گزارش کارشناس رسمی دادگستری در باره ارزش گذاری دارایی مبنای انتشار نبوده ، بنابراین هزینه تامین مالی برای بانی کاهش پیدا می کند.

همچنین به دلیل اینکه دارایی مبنای انتشار اوراق هم سهام است، نقل و انتقال دارایی از بانی به شرکت واسط مالی بدون درگیر کردن دفاتر اسناد رسمی با سرعت بیشتری انجام می شود.

خبر دیگر اینکه شرکت بیمه معلم طی اطلاعیه ای از ثبت افزایش سرمایه خود در مرجع ثبت شرکت ها خبر داد. بیمه معلم براساس تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده شرکت، سرمایه خود را از مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال به‌مبلغ ۷۱۶ میلیارد و ۹۸۴ میلیون ریال افزایش داد.

این افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی ها است که در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۲ در مرجع ثبت شرکت ها به ثبت رسیده اســـت.این شرکت قصد داشت ۱۵۰ درصد افزایش سرمایه بدهد که فعلا ۷۹ درصد آن عملیاتی و ۷۱ درصد دیگر آن باقی مانده است.

همچنیـــن قرار بـــود ۲۸۳ میلیارد و ۱۶ میلیون ریال دیگر از محل مطالبات و آورده نقدی به سرمایه شرکت اضافه شود که تاکنون محقق نشده است.

بازار در یک نگاه

شاخص کل
16700
16600
16500
16400
16300

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (چهارشنبه ۹۷/۱۰/۱۹)

مجموع حجم معاملات	۱/۸۲۸ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۴/۷۴۴/۱۲۶ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۴۶/۸۳۴ معامله
ارزش بازار	۶/۲۶۱/۸۳۲ میلیارد ریال

سکاندار سازمان بورس دوباره ابقا شد

شورای عالی بورس به ریاست وزیر اقتصاد تشـــکیل جلسه داد و ضمن بررسی دستور جلسه، ابقای شاپور محمدی رئیس سازمان بورس برای دوره ۳۰ ماهه دوم را تصویب کرد.

به این ترتیب شاپور محمدی دســـت کم تا پایان تابستان ۱۴۰۰ شمســـی همچنان سکاندار سازمان بورس و اوراق بهادار خواهد بود.

دراین جلسه محمدی درخواست کناره گیری خود از ریاست سازمان بورس را به وزیر اقتصاد اعلام کرد که با مخالفت فرهاد پســـند روبرو و با تصویب اعضای این شـــورا با ادامه همکاری وی برای ۳۰ ماه دوم موافقت شد.

یاسر فلاح مدیر روابط عمومی و امور بین الملل ســـازمان بورس در رابطه با جزییات این جلســـه به پایگاه خبری بازار ســـرمایه (سنا)، ضمن اشاره به پایان حکم ۳۰ ماهه نخست دکتر شاپور محمدی به عنوان سکاندار بازار سرمایه افزود: طی این جلسه وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به دستاوردهای دو سال اخیر سازمان بورس و اوراق بهادار خواستار تداوم فعالیت دکتر شاپور محمدی به عنوان رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار شد.

یاسر فلاح افزود: دکتر محمدی با رای مثبت همه اعضای شـــورای عالی بورس برای یک دوره ۳۰ ماهه دیگر تصدی سازمان بورس و اوراق بهادار را بر عهده گرفت.

رئیس سازمان بورس در گفتگو با فارس، در پاسخ به این پرسش که در حـــال حاضر کمتر از ۱۰ درصد جمعیت در بازار سرمایه حضور دارند و چه برنامه‌ای برای افزایش مشارکت مـــردم در بورس وجود دارد، گفت: برای مشارکت عموم مردم در بورس، لازم است، برای این که مردم دچار زیان ناشی از نوسان سهام نشوند، در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشارکت کنند.

شـــاپور محمدی افزود: برای باقیمانده سهام دولت در شرکت‌های اصل ۴۴ قانون اساســـی که واگذار نشـــده است، در قالب صندوق‌های قابل معامله بورسی ETFبه صورت نقد و اقساط شامل ۶۰ درصد اقساط و ۴۰ درصد آورده نقدی مردم، سهام این شرکت ها در قالب صندوق به تمام خانوارهای ایرانی واگذار شود.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار افزود: سرمایه‌گذاری مردم در صندوق‌های قابل معامله با یک سقف معین و با تخفیف ۲۰ درصد قیمت تابلوی بازار و داشتن اختیار فروش از طرف دولت توســـط خریداران یونیت‌ها و یا واحدهای صندوق قابل معامله طراحی شود و مردم می‌توانند ایـــن یونیت‌ها را خریداری کرده و دارنده سهام این صندوق‌ها شوند.

محمـــدی همچنیـــن از ارائه پیشـــنهادی به دولت برای هدایت نقدینگی به ســـمت تولید و بورس خبر داد و گفت: با این کار همچنین افزایش مشـــارکت مـــردم و ایجاد فرصت ســـرمایه‌گذاری و افزایش تعداد دارنـــدگان کدهای معاملاتی دنبال می‌شود.

به اعتقـــاد وی، به این طریق می‌توان نقدینگی‌های ریز جامعه را جمع کرده کـــه در کاهش تورم و کنترل سفته‌بازی در ارز و طلا نقش داشته باشد.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار تهران افـــزود: برای افزایش حضور مـــردم در بورس از طریق مصوبات ستاد هماهنگی اقتصادی و مصوبـــه دولت این امر قابل انجام است و تا ســـه سال مدیریت این شـــرکت‌های واگذار شده به مردم در اختیار دولت باشـــد و به خاطر شرایط اقتصادی، دارندگان یونیت‌های ممتاز این صندوق‌ها می‌توانند مجمع عمومی تشکیل دهند.

وی ادامـــه داد: طرحی برای افزایش حضور مردم در بازار به وزیر امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد دادیم که اگر تصویب شـــود، این روش بعد از مصوبه ستاد هماهنگی دولت، راهکاری برای جذب مشارکت مردم در اقتصاد خواهد بود.

محمدی پیشنهاد دوم را برای مشـــارکت دادن مردم در بورس و اوراق بهادار، فروش اوراق هیبریدی یا ترکیبی در بازار سهام با بازده ریالی و ارزی ذکـــر کرد و گفت: معتقدیم بـــرای پروژه‌هایی که بازده و فروش ارزی دارند، این راهکار قابل اجرایی است و دولت در محاسبه نرخ سود ایـــن اوراق با معیار (نرخ بهره بین بانکی لندن) لایبور + X درصد برای این اوراق طراحی کند و این معیار به تصویب جلسه سران سه قوه برسد که نرخ بـــازده این اوراق لایبور + ایکس چقدر باشد.

اگر دولت دسترسی به بازار ارز دارد و با مصوبه سران سه قوه باشد، این طرح یعنی اوراق هیبریدی با بازده ارزی و ریالی قابل اجرا است و اگر دولت دسترسی به ارز نداشت، بازده ریالـــی این اوراق به صورت ۲ تا ۳ درصد بالاتر از نرخ سپرده بانکی به مردم پرداخت شود.

وی افزود: پروژه‌های تولیدی کشور با اوراق ارزی و ریالی ترکیبی قابلیـــت تأمین مالی دارد و در واقع این اوراق یک نوع اوراق مشارکت شامل صکوک اجاره، قرارداد جعاله، وکالت، اوراق منفعت و مشارکت به عنوان انواع ابزار مالی اســـلامی قابل استفاده است.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار خاطرنشان کرد: این دو پیشنهاد برای مشارکت دادن مردم در بورس و اقتصاد ملی به وزارت اقتصاد ارائه شـــده که بستگی به این دارد، دولت آن را تصویـــب کند و اگر مردم از این اوراق و ســـهام استقبال کنند، می‌توانیم به همه مردم این یونیت‌های صندوق‌ها را ارائه کنیم و همه اینها بستگی به استقبال مردم دارد.

بررسی تطبیقی لایحه بودجه ۹۸ و جایگاه بازار سرمایه

گزارش "بررسی تطبیقی لایحه بودجه سال ۹۸ با تأکید بر جایگاه بازار سرمایه " از سوی شرکت بورس تهران منتشر شد.

به گزارش پایگاه خبری بازار ســـرمایه (سنا)، در این گزارش تعاریف مربوط به قانون و لایحه بودجه و همچنین ساختار اجزای تشکیل دهنده آن ارایه شده است. نظر به پیش بینی تورم بالای ۱۰ درصدی در سال ۱۳۹۸، رشد ۷/۹۸ درصدی بودجه عمومی بیانگر اعمال سیاست انقباضی مالی دولت در سال آتی است.

در این گزارش، ابتدا به بررسی ارقام کلی مندرج در لایحه بودجه ۱۳۹۸ پرداخته و در ادامه عملکرد هفت ماهه نخست بودجه عمومی سال ۱۳۹۷ ارزیابی می شود.

در بخش دوم و سوم هم به بررسی اقلام عمده سرفصل "واگذاری دارایی مالی" و "تملک دارایی ســـرمایه ای" پرداخته شده است.این گزارش در ادامه به تشریح برخی از موارد عمده تأثیرگذار بر بازار سرمایه که در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ منظور شده، پرداخته است.

بر این اساس، کاهش قابل توجه تأمین مالی دولت از محل تسهیلات بانکی و صندوق توسعه ملی منجر به کاهش رشد حجم نقدینگی در کشور و در نتیجه موجب کند شدن تحریک نرخ تورم خواهد شد.

به اعتقاد محققین اقتصادی با کند شـــدن تورم و ایجاد ثبات نسبی در متغیرهای کلان اقتصادی، عملکرد بازارهای مالی نظیر بازار سهام بهبود می یابد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کارتن‌ایران	۱۹۳۵۵	۹۲۱
سیمان‌بجنورد	۷۱۸۰	۳۴۱
فیبرایران	۱۸۷۹	۸۹
موتوژن	۶۶۶۱	۳۱۷
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۲۱۲۲	۱۰۱
مهرکام‌پارس	۲۷۹۶	۱۳۳
پشم‌شیشه‌ایران	۵۸۱۴	۲۷۶
درخشان‌تهران	۹۲۳۰	۴۳۹
قنداصفهان	۱۳۲۷۶	۵۹۳
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱۴۲۹۰	۶۳۳
پارس‌سرام	۹۴۰۵	۴۴۷
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱۹۷۸	۹۴
معدنی‌دماوند	۲۰۱۷۹	۹۴۴
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲۱۸۴	۱۰۴
گلوکوزان	۱۱۶۵۰	۲۹۳
افست	۵۷۵۱	۲۷۳
فنرسازی‌خاور	۳۸۸۹	۱۸۵
سبحان دارو	۳۷۸۳	۱۸۰
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۴۶۷۹	۲۲۲
تکنوتار	۴۲۸۰	۲۰۳
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۲۲۲۰	۵۰
پارس‌دارو	۱۱۹۹۰	۴۹۲
بیمه ما	۲۱۵۴	۱۰۲
پست بانک ایران	۲۰۵۶	۹۷
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲۰۱۱	۹۵
شیشه‌همدان	۳۵۰۲	۱۶۶
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۳۰۰۰	۱۴۲
نیروکلر	۵۸۵۱	۲۷۸
سیمان‌مازندران	۱۶۲۵	۶۷
لعابیران	۲۴۷۵	۱۱۴
آلومراد	۴۶۳۴	۲۲۰
شیشه‌وگاز	۶۹۲۸	۳۲۹
لبنیات‌کالبر	۱۸۷۵	۸۹
پارس‌الکتریک	۶۰۵۸	۲۸۸
سیمان فارس نو	۵۸۰۰	۲۴۳
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲۸۵۶	۴۷
کمباین‌سازی‌ایران	۹۷۴	۴۶
آلومینیوم‌ایران	۳۳۰۳	۱۵۷
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۶۹۳	۸۰
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۵۰۸۵	۱۶۹
داده‌پردازی‌ایران	۳۳۵۴	۱۵۹
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۶۴۴۹	۳۰۰
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۴۹۰۰	۱۰۱
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۳۳۲۵	۱۵۸
گروه توسعه صنعتی ایران	۳۰۵۵	۱۴۵
حفاری شمال	۲۸۰۴	۹۴
سیمان‌قائن	۱۱۵۸۰	۵۵۱
دوده‌صنعتی‌پارس	۸۳۶۹	۲۳۱
بانک‌پارسیان	۱۱۶۰	۳۱
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱۸۲۲	۸۶
پالایش نفت اصفهان	۷۹۳۳	۵۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۶۱۰	۶۹
سیمانکردستان	۱۰۱۵	۳۴
لامیران	۹۰۰۰	۲۷۸
نفت‌بهران	۱۴۷۳۱	۴۱۴
سیمان‌هگمتان	۲۴۸۰	۷۷
پتروشیمی‌شیراز	۵۹۴۰	۱۶۲
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۷۶۷۰	۱۹۳
حمل‌ونقل‌توکا	۱۸۲۳	۷۲
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۴۸۳۴	۱۵۸
بانک سینا	۱۰۵۰	۲۲
پالایش نفت تبریز	۱۵۴۵۲	۱۲۸
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴۲۴۹	۱۵۵
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲۴۲۲	۳۵
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۲۱۴۱	۴-
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴۸۹۹	۶۳
ایران‌ارقام	۳۳۶۰	۸۹
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۱۲۰۱	۲۷
نیروترانس	۴۴۳۲	۱۳۲
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۲۸۸۶	۵۹
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۱۰۹۰۰	۱۰۰
فراورده‌های‌نسوزایران	۱۱۱۰۰	۱۷۲
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۴۶۳۴	۵۲
سرمایه گذاری شفادارو	۳۸۸۰	۷۴
ماشین‌سازی‌اراک	۱۱۷۱	۹
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۷۱۱۸	۱۴۱
لیزینگ‌ایران	۹۰۲	۱۸
مهندسی‌نصیرماشین	۳۱۲۰	۴۶
کارت اعتباری ایران کیش	۳۰۷۰	۲۸
پتروشیمی‌خارک	۳۹۳۹۸	۷۱۸
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲۷۷۱۵	۲۴۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱۹۲۴	۵۹
تایدواترخاورمیانه	۴۳۲۹	۸۶
کارخانجات‌داروپخش	۷۰۵۰	۱۷۸
فولادآلیاژی ایران	۲۵۵۰	۲
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۲۱۹۲	۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲۹۸۳	۳۹
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۶۰۴۰	۹۶
قندلرستان	۶۳۹۹	۱۱
داده گسترعصرنوین-هایوب	۶۷۱۷	۶۹
کال سیمین	۸۰۰۰	۲۸-
معدنی وصنعتی گلگهر	۶۶۵۲	۱۳
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۴۵۰۱	۳۵
گروه دارویی سبحان	۲۷۲۰	۴۵
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۲۸۲۴	۱۹
پتروشیمی‌آبادان	۴۰۳۹	۰
سیمان‌بهبهان	۲۴۰۶۵	۲۱۲
بانک تجارت	۱۶۲۵	۳۰
فولادمبارکه اصفهان	۴۹۴۰	۴۴
بیمه آسیا	۱۷۴۷	۲۶
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۶۹۰	۳۵
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۴۴۳۴	۷۳
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۷۹۰	۶-

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۸۳۴۶	۱۲۷
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴۵۶۰	۶۶
باما	۹۱۱۰	۹۶
پالایش نفت تهران	۵۲۹۱	۰
بیمه ملت	۲۵۲۵	۶۲-
گروه دارویی سبحان	۱۵۴۰	۹
سرماآفرین	۲۸۲۸	۴۰
گلتاش	۹۴۵۰	۹۳
پالایش نفت بندرعباس	۱۰۷۷۹	۶۱-
لبنیات‌پاک	۱۶۴۰	۱۱
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۸۸۹	۶
واسپاری ملت	۱۱۷۱	۱۶
بیسکویت‌گرجی	۵۱۴۹	۱۳۴
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲۲۲۸	۳۹
سیمان‌شرق	۹۲۰	۵
ایرکاپارت صنعت	۱۶۰۰	۶-
بانک خاورمیانه	۲۵۸۰	۲۸
لامپ‌پارس‌شهاب	۴۹۰۰	۱۶۶
پتروشیمی پارس	۳۴۴۸۰	۲۶۴-
سخت‌آژند	۲۲۶۵	۶
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۵۰۴۰	۵
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۲۸۱۰	۴۶
ایران‌ترانسفو	۶۸۹۷	۹۹
نفت‌پارس	۹۶۰۰	۴-
آسان پرداخت پرشین	۱۶۱۸۰	۱۴۱
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۰۳۰	۳
جام‌دارو	۸۳۱۱	۴۱
داروسازی‌کوثر	۲۰۵۰	۱۸-
سیمان‌خاش	۹۵۸۹	۳۶۲
لیزینگ‌خودروغدیر	۱۵۲۸	۲۳
تجارت الکترونیک پارسیان	۲۵۲۹	۵۰
پتروشیمی جم	۱۱۵۹۸	۴۵-
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۱۵۴۵	۱۱
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۲۱۶۰	۲۷
رادیاتورایران	۲۵۳۲	۳۲
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۱۸۱۷	۲۲
ایران‌خودرو	۳۰۶۰	۱۸-
کابل‌البرز	۲۲۰۲	۱۰
چرخشگر	۱۶۷۸	۲۴
مخابرات ایران	۲۲۶۹	۸
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۸۸۸	۳
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۴۵۲۵	۱۲۳
گروه مپنا(سهامی عام)	۵۶۹۵	۳۷-
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۳۵۴	۳۷
سپنتا	۳۶۸۹۶	۹۲۷
کمک‌فنرایندامین	۱۳۳۵	۱۴-
سرمایه گذاری پارس‌توشه	۲۹۴۳	۳۹
فولادخوزستان	۸۴۹۰	۱۲
پتروشیمی جم	۱۰۱۰۰	۱۱۸
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۵۵۸	۴۳
داروسازی‌اسوه	۶۵۶۱	۲۳
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۱۵۶	۱-
پتروشیمی فجر	۷۳۰۰	۱۱۱-
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲۰۷۴	۲۲
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۸۸۴	۳
گروه دارویی برکت	۱۴۷۰	۱۴
نیرومحرکه	۲۱۵۵	۵-
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۱۹۲	۸
سیمان‌اصفهان	۵۷۳۰	۱۴۴
بانک پاسارگاد	۱۳۳۷	۱۱
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۳۵۰	۱۹
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۳۳۸۵	۴۵
شیمی‌دارویی‌داروپخش	۳۸۶۴	۳
داروسازی‌ابوریحان	۶۷۵۰	۵۰
داروپخش(هلدینگ)	۱۱۴۹۹	۲۷۳
داروسازی‌روزدارو	۲۰۵۷	۸
پتروشیمی فناوران	۴۴۸۲۰	۱۷۶
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۵۵۰۰	۳۹۸
سیمان‌دورود	۱۱۴۰	۴-
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۵۰۶۳	۲۳
پاکسان	۱۰۲۹۲	۰
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۸۱۷	۱۶
دشت‌مرغاب	۱۳۰۹۶	۶۲۳
شهد	۱۰۰۱۱	۴۸-
خدمات‌انفورماتیک	۱۱۵۳۰	۱۰
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۷۱۱۰	۱۴
تراکتورسازی‌ایران	۳۸۰۲	۳۷
دارویی‌رازک	۱۰۳۵۰	۱۳۷
همکاران سیستم	۵۵۰۳	۷
سازه‌پویش	۱۸۵۸۲	۴۵۳
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۲۴۴۳۶	۰
دارویی‌لقمان	۲۱۸۹	۲۱
فولادخراسان	۸۶۵۶	۳۱-
سرمایه گذاری اعتبارایران	۲۶۲۲	۱۲۲-
ایران‌دارو	۱۷۴۸	۳
پتروشیمی‌شیراز	۵۷۷۸	۰
سیمان‌شمال	۱۲۵۲	۷-
سیمان‌کرمان	۳۴۲۱	۵-
سالمین	۶۷۳۲	۳۱۰-
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۱۵۷	۰
داروسازی‌ابوریحان	۵۶۶۵	۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۱۱۴۴	۲۸۱
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۹۹۱۱	۱۵۰-
شرکت ارتباطات سیارایران	۱۹۰۰۰	۱
ایران‌مرینوس	۷۸۵۵	۱۱۰-
الکتریک‌خودروشرق	۱۸۳۶	۲-
مهندسی‌نصیرماشین	۱۷۴۰	۵
بانک‌کارآفرین	۱۶۴۰	۰
بهنوش‌ایران	۴۷۰۰	۱۳۷-
البرزدارو	۴۶۳۴	۲۶
سیمان‌شاهرود	۱۴۸۰	۳۰-
پارس‌سویچ	۵۲۸۷	۲۲
گروه صنعتی پاکشو	۲۱۹۷۷	۱۵۶-

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
صنعتی‌بهشهر	۳۶۵۰	۶
خوراک‌دام‌پارس	۷۲۸۹	۴۶-
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۴۴۴۰	۲۷-
بیمه دانا	۲۱۵۱	۸-
بیمه پارسیان	۱۳۷۸	۰
کاشی‌سعدی	۱۹۶۰	۲۲-
بانک صادرات ایران	۱۳۰۵	۱۲-
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴۳۹۷	۴
کیمیدارو	۳۶۱۹	۳۴
صنایع آذرآب	۲۳۷۰	۱۱-
بانک‌اقتصادنوین	۲۲۳۵	۵۵-
تامین سرمایهامید	۱۵۷۳	۲۲-
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۸۷۵	۷-
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۱۸۹	۸-
تولیدمحورخودرو	۲۸۰۰	۳۷
پارس‌مینو	۲۷۱۰	۰
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۱۹۰۱	۲۴-
بانک‌پارسیان	۱۱۲۰	۹-
صنایع سیمان دشتستان	۲۴۷۱	۱۳۰-
داروسازی‌سینا	۱۷۸۵۰	۱۰۳
به پرداخت ملت	۱۲۹۰۱	۳۳۳-
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵۷۸۹	۱۲۷-
شکرشاهرود	۲۹۳۹	۲۰
داروسازی‌زهراوی	۱۵۴۶۸	۸۹
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۴۶۷۳	۳۴-
سیمان‌داراب	۱۶۰۰	۱۶-
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۳۰۰	۲۹-
سیمان‌غرب	۴۵۴۸	۲۹-
سیمان‌خزر	۲۸۰۰	۹-
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۱۷۰۰	۹۷-
نوردوقطعات‌فولادی	۸۱۴۰	۲۴۲-
گروه‌بهمن	۱۰۷۲	۳
قندمرودشت	۵۷۰۰	۶-
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۲۹۸۳	۷۴-
پمپ‌سازی‌ایران	۲۵۱۰	۱
گروه‌صنعتی‌بوتان	۸۱۵۰	۴۵-
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۵۵۰۰	۴۸-
قندثابت‌خراسان	۳۶۴۹	۲۶-
مس‌شهیدباهنر	۷۲۷۵	۱۲۷-
لیزینگ ایرانیان	۱۱۳۷	۱۱-
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱۷۶۹	۲۲-
زامیاد	۱۰۵۲	۲۰-
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۴۷۰۰	۳۶-
صنعتی‌آما	۲۵۳۰	۴۱-
سیمان‌تهران	۱۵۴۴	۶-
پتروشیمی پردیس	۱۲۸۱۰	۱۷۴-
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۱۳۰۰۶	۳۶۸-
پارس‌خودرو	۹۲۱	۷-
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۱۵۶	۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۸۹۳	۰
بانک ملت	۲۶۲۹	۲۶-
مارگارین	۳۳۸۰	۸-
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۴۲۰۰	۲۴-
سایپا	۱۳۳۱	۲۲-
تولیدی چدن سازان	۴۴۷۹	۴۹-
داروسازی‌فارابی	۷۶۰۰	۲۸-
کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۵۲۲۷	۲۷۵-
کربن‌ایران	۱۲۴۰۰	۱۲۶-
گروه‌صنعتی‌بارز	۳۵۵۲	۴۳-
سیمان‌سپاهان	۱۰۰۵	۱۵-
پتروشیمی شازند	۵۰۹۰	۱۰۸-
لنت‌ترمزایران	۵۲۷۰	۲۱-
رینگ‌سازی‌مشهد	۱۸۷۲	۳۳-
سیمان‌آرتااردبیل	۶۶۸۸	۳۵۱-
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۱۱۰۶۶	۴۰۵-
داروسازی‌اکسیر	۷۳۳۰	۷۹-
پلاسکوکار	۱۱۰۰	۹-
معادن‌منگنزایران	۶۰۸۱	۱۹۰-
ایران‌تایر	۳۹۳۵	۷۱-
نوردآلومینیوم	۲۵۹۱	۲۵-
نفت سپاهان	۲۸۷۵۰	۶۹۷-
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۶۹۵۰	۲۱۳-
فنرسازی‌زر	۱۳۱۱	۳۴-
بیمه البرز	۱۱۰۰	۹-
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۲۰۳۰	۳۴-
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳۹۳۰	۱۰۸-
سرمایه گذاری پردیس	۱۶۳۰	۵-
ایران‌یاساتایرورابر	۲۸۴۷	۳۲-
کویرتایر	۵۰۶۵	۳۳-
کاشی‌پارس	۷۱۵۱	۹۸-
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۳۷۱۷	۱
پارس‌خزر	۱۵۴۰۰	۳۶۹-
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۶۶۶۵	۱۴۵-
سیمان‌هرمزگان	۶۴۶۲	۲۸۱-
صنایع‌لاستیکی‌سهند	۳۲۵۰	۷۳-
فولادکاوه جنوب کیش	۳۶۲۱	۹۱-
کارخانجات‌قندقزوین	۷۲۶۹	۱۳۸-
آبسال	۳۷۵۰	۱۰۳-
سامان‌گستراصفهان	۱۵۷۸	۳۵-
سیمان‌صوفیان	۲۲۳۰	۳۱-
سایپاآذین	۳۱۰۷	۵۳-
سایپاشیشه	۲۴۲۰	۲۰-
معدنی‌املاح‌ایران	۲۲۹۹۹	۱۲۱
تولیدی‌مهرام	۳۴۷۶۰	۱۸۲۹-
داروسازی‌امین	۳۱۳۷	۹۷-
سیمان‌ارومیه	۲۹۹۸	۲۴-
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۷۸۲	۴۸-
قندهکمتان	۹۵۳۴	۲۴۲-
کاشی‌الوند	۳۴۲۹	۱۱۷-
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳۳۶۰	۱۳۹-
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۴۱۶۰	۸۳-
پتروشیمی مبین	۷۷۴۳	۴۱۱-
فروسیلیس‌ایران	۶۵۵۱	۳۴۲-
سیمان‌ایلام	۳۰۲۳	۱۵۹-

عبدالله رحیمی استاندار فارس شد

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: عبدالله رحیمی در مراسمی با حضور حسین ذوالفقاری معاون امنیتی وانتظامی وزیر کشور، به عنوان استاندار فارس معرفی شد.

در این مراسم ذوالفقاری با اشاره به این مطلب که هدف نهایی دشمن این است که ثبات، امنیت و آرامش کشور را بر هم زند و برای این کار دست به هر اقدامی خواهد زد، افزود: امروز همگان می‌دانند و می‌بینند که آمریکا و دیگر همراهانش با فشارهای سیاسی و عملیات روانی به دنبال وارد آوردن فشار به کشور و مردم هستند.

وی گفت: آنها تحرک و کوشش بسیاری دارند که فضای نافرمانی مدنی را در کشور گسترش دهند و محور را هم فشارهای اقتصادی قرار داده اند.

معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور اضافه‌کرد: شماری از عوامل دشمن اعم ازخارج و داخل در پی این بودند که تحرکاتی را در کشور ایجاد کنند اما مردم ایران با وجود همه مشکلات هوشیار هستند و زمان را خوب می‌شناسند. معاون وزیر کشور تاکید کرد: بدون تردید مشکلاتی وجود دارد و مردم گرفتاری‌هایی دارند که در جای خودش باید مورد توجه قرار گیرد اما مردم این را هم می‌دانند که همگان از به هم ریختن ثبات کشور متضرر خواهند شد.

وی همچنین گفت: اگر قرار است تا به صبر و فهم مردم پاسخ مثبت داده شود، باید در جهت رضایتمندی آنها حرکت کرد و برای این کار اتفاق دیگری مورد نیاز است چرا که مشکل از جنس آرمان و هدف نیست، بلکه از جنس ابزار است.

ذوالفقاری در بخش دیگری از سخنان خود با یادآوری این مطلب که در کشور تقریبا هیچکس موافق تبعیض، فساد و بیکاری نیست اظهارداشت: تا کی باید بیان آرمان و هدف کرد، آیا با ذکر آرمان و هدف نتیجه‌ای حاصل شده است و این کار کافی است؟ تمام این آرمان‌ها در قانون اساسی است و بنابراین اگر به دنبال کارآمدی هستیم باید سراغ روش‌ها و ابزار رفت.

ذوالفقاری تاکید کرد: ریشه کار در انباشت قوانین و مقررات است، در دنیا به دنبال مقررات‌زدایی و تمرکز زدایی هستند اما در ایران در پی تمرکزگرایی هستیم و این به سبب آن است که سازه مدیریت اینگونه شکل گرفته است. وی افزود: فرآیندهای انجام کار، کشور و مردم را گرفتار کرده که امید است بتوان با بازنگری در روش‌ها و ابزار، این مشکلات را به حداقل رساند و کارآمدی افزایش یابد.

در این آیین، عنایت‌الله رحیمی به عنوان استاندار فارس معرفی و از خدمات اسماعیل تبادار استاندار پیشین تقدیر شد.

۹۶درصد همدانی‌ها باسوادند

همدان- خبرنگار اطلاعات: سرپرست معاونت سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان همدان با اشاره به افزایش قابل توجه آمار باسوادان در عمر ۴۰ ساله انقلاب اسلامی گفت: آمار باسوادی استان ۹۶درصد است که یک درصد از متوسط کشوری و ۱۱ درصد از متوسط باسوادی جهان بالاتر است.

یاسر نانکلی به مناسبت هفته سوادآموزی در جمع خبرنگاران افزود: آموزش بی‌سوادان و کم‌سوادان گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال جزء وظایف معاونت سوادآموزی به شمار می‌رود و با تلاش‌های انجام‌شده از ۴۸ درصدی باسوادی سال ۱۳۵۵ به بیش از ۹۵ درصد در سال ۹۵ دست‌یافته‌ایم. که نشان می‌دهد در حیات ۴۰ ساله انقلاب اسلامی، افزایش قابل‌توجهی در سوادآموزی داشته‌ایم. وی افزود:بر اساس سرشماری سال ۹۵ در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال استان همدان ۴۸ هزار و ۹۱۶ فرد بی‌سواد وجود داشته است.۳/۵ درصد شامل یک هزار و ۷۱۲ نفر مربوط به جوامع شهری و ۹۶/۵درصد شامل ۴۷ هزار و ۲۰۴ نفر مربوط به جوامع روستایی می‌شود، همچنین ۱۶ هزار و ۶۵۶ نفر از بی‌سوادان مرد و ۳۲ هزار و ۲۶۰ نفر دیگرزن هستند.

نانکلی درخصوص زیرپوشش قراردادن ابلاغی سوادآموزان گفت: در این حوزه ۵ هزار و ۸۰۰ نفر در سال ۹۶ زیرپوشش قرارگرفته‌اند و موفق به کسب مقام دوم در کشور شده‌ایم و در سال ۹۷ هم با افزایش ۳۵ درصدی ۷ هزار و ۸۴۷ نفر باید پوشش آموزش‌های سوادآموزی قرار گیرند.

همچنین درآموزش‌های مکمل برای سوادآموزان، طرح حلقه‌های کتاب‌خوانی، خواندن با خانواده، آموزش عملی نماز، مسابقات فرهنگی و آموزش یارانه هم در کنار سوادآموزی اجرا می‌شود.

نانکلی از وجود ۴ مرکز یادگیری محلی در استان همدان خبر داد و افزود: سال گذشته ۳۴۵نفر و امسال ۴۶۷ نفر زیر پوشش این مراکز قرار گرفته‌اند.

قول مسئولان ارشد سیستان و بلوچستان برای جلوگیری از وقوع حوادث مرگبار در مدارس

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین جلسه شورای آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان پس از حادثه آتش سوزی دبستان غیر انتفاعی اسوه حسنه زاهدان برگزار شد.

مدیر کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان در این جلسه که با حضور آیت‌الله سلیمانی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه زاهدان و به ریاست موهبتی استاندار در سالن اجتماعات دفتر استاندار تشکیل شد، با تسلیت به خانواده جانباختگان حادثه آتش سوزی مدرسه اسوه، در زمینه ایمنی و تامین سیستم‌های گرمایشی مدارس استان گفت: با توجه به همتی که در زمینه تامین وسایل و تجهیزات گرمایشی برای مدارس این استان انجام شده است، دیگر هیچ مدرسه‌ای از سیستم گرمایشی غیر استاندارد استفاده نخواهد کرد.

علیرضا نخعی در زمینه استفاده از سرویس‌های غیر استاندارد برای جابه‌جایی دانش آموزان در سیستان و بلوچستان هم گفت: ۲۸ هزار و ۵۲۳ دانش آموز در این استان از سرویس‌های استاندارد و برابر با همین تعداد هم از سرویس غیر مجاز استفاده می‌کنند.

وی تاکید کرد: فقط سرویس‌هایی که مورد تائید آموزش و پرورش هستند، می‌توانند کار جابه‌جایی دانش‌آموزان را انجام دهند و از آن‌ها حمایت می‌شود.

او به حوزه تجاری‌سازی و کسب در آمد از طریق مراکز آموزش و پرورش در سیستان و بلوچستان اشاره و از تصویب تغییر کاربری ۱۰۹ هزار متر مربع املاک مازاد آموزش و پرورش برای تامین هزینه‌های این نهاد در این نشست تقدیر کرد.

نخعی گفت: توسعه مهارت آموزی در مدارس و ارائه تسهیلات به هنرستان‌های استان به منظور ایجاد اشتغال و تولید محصول از دیگر برنامه‌ها و مصوبات این نشست بود که مورد موافقت اکثر حاضران قرار گرفت و جای قدردانی دارد.

همچنین نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان و امام جمعه زاهدان در این نشست گفت: هر آنچه برای نظام آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها بودجه صرف شود سرمایه‌گذاری است که نتیجه آن توسعه نیروی انسانی کار آمد در جامعه است.

آیت‌الله عباسعلی سلیمانی اظهار داشت: همه ما بدهکار آموزش و پرورش هستیم چرا که هر کس سمت و جایگاهی در جامعه دارد، به برکت استفاده از محیط مدرسه و آموزش و تعلیم و تربیت در آن است.

امام جمعه زاهدان افزود: توجه به مدارس به عنوان یک الگوی اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم است و باید به این مکان مقدس احترام گذاشت.

نماینده مردم سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان رهبری تاکید کرد: سیستان و بلوچستان از نظر توسعه مراکز آموزشی دارای تفاوت‌هایی است که گاهی توجه به مراکز بزرگ سبب فراموش شدن مراکز کوچک شده است. این عوامل گاهی به بی‌عدالتی و تبعیض تعبیر می‌شود و مورد سوءاستفاده دشمن قرار می‌گیرد. وی با تاکید بر توجه بیشتر به سرویس مدارس گفت: توجه به سرویس رفت و آمد دانش آموزان از جمله عوامل مهم در حفظ سلامت دانش آموزان و جلوگیری از برخی سوء استفاده‌ها در فضای مجازی است.

امام جمعه زاهدان استفاده از نیکوکاران مدرسه ساز را فرصتی مناسب برای گسترش فضاهای آموزشی و توسعه تجهیزات دانست و بر حمایت و استفاده از این ظرفیت تاکید کرد.

استاندار سیستان و بلوچستان هم در این نشست با اشاره به حادثه تلخ آتش سوزی در یکی از مدارس زاهدان گفت: موضوع سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی و مقاوم سازی مدارس از جمله کارهای مهم در حوزه آموزش و پرورش است که با جدیت دنبال می‌شود.

احمد علی موهبتی نقش مهم آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت در جامعه را بسیار مهم توصیف کرد و اظهار داشت: هزینه کردن در آموزش و پرورش یک نوع سرمایه گذاری بلند مدت است و باید از همه ظرفیت‌ها در این حوزه استفاده کرد. اگر هر ارگانی بتواند متولی یک مدرسه در سراسر استان سیستان و بلوچستان بشود دیگر مشکلی در زمینه آموزش و پرورش در این استان نخواهیم داشت.

استاندار سیستان و بلوچستان همچنین مهارت‌آموزی در مدارس و ایجاد فضا برای خودکفایی را از مهمترین راههایی دانست که به پیشرفت نظام آموزشی و تربیت جوانان و اشتغال آنان کمک می‌کند.

میدان گنجعلی خان کرمان، میزبان بازی باستانی چوگان می‌شود

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: همایش ۲ روزه حافظه جهانی در کرمان برگزارشد.

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمان در این مراسم گفت: حفظ آثار، اسناد و حافظه جهانی به قدری اهمیت دارد که یکی از نام‌های خداوند «حفیظ» است و این واژه ۴۴ مرتبه در ۲۲ سوره قرآن تکرار شده است و استان کرمان از استثنائات و مهد حافظه تاریخی ایران، از یادگاران روزگار باستان و دارای ویژگی‌هایی است و میراث و اسنادی از همه اعصار تاریخی در خود دارد.

صادق بصیری افزود: بسیاری از اسنادی که به وسیله محققان و کارشناسان حفظ می‌شود، منشأ کارهای پژوهشی در آینده خواهد بود.

وی با بیان اینکه تل ابلیس در بردسیر، تپه‌های هلیل در جیرفت و میمند در شهربابک بخشی از آثار دوره پیش از تاریخ باستان است، تاکید کرد: شهر بم، شهر فرهنگ و تمدن، شهر اردشیر و هفتواد است. زلزله بم، جهان را لرزاند ولی آن را نابود نکرد؛ چون که بم ریشه در تاریخ دارد.

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمان با اشاره به بخشی از آثار استان کرمان بعد از اسلام گفت: مجموعه ملک، قبه سبز، آثار آل مظفر مثل مسجد جامع، مجموعه شاه نعمت‌الله ولی، مجموعه گنجعلی خان، باغ شاهزاده ماهان، مجموعه وکیل، عمارت موسی خانی شهربابک بخشی از اسناد و حافظه تاریخی کرمان هستند که باید حفظ شوند.

وی افزود: سال ۹۶ به همت استاد گلاب زاده در مرکز کرمان شناسی، مجموعه ۱۵ هزار برگ از اسناد کنسولگری انگلیس در کرمان برای بررسی و ترجمه در اختیار مجموعه‌های مختلف قرار گرفت و ۴۰۰۰ برگ از این اسناد توسط دانشگاه شهید باهنر ترجمه شده است.

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمان با اشاره به اهمیت کشف، ثبت و حفظ نسخ خطی مربوط به تاریخ استان کرمان، گفت: وجود بیش از ۲۰۰۰ دهیار در شهرستان‌های استان، می‌تواند کمک شایانی برای جستجو و ثبت اسناد و نسخ خطی درباره تاریخ استان باشد.

در ادامه این همایش مدیر سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق گفت: هدف از برگزاری این دوره آموزشی، آموزش به افراد در مورد شناخت اسناد و روش‌های ثبت اسناد ارزشمند در حافظه ملی ـ منطقه‌ای است.

رفیعی پور افزود: افرادی که اسناد در دسترس دارند می‌توانند این اسناد را به روش‌های خاص که یکسری تکمیل فرم‌هایی است که از آن طریق بتوانند این اسناد را برای ثبت معرفی کنند و اگر حتی یک برگ سند و کتاب خطی بتوانیم ثبت کلی، منطقه‌ای و جهانی کنیم قطعا برای کرمان بسیار ارزشمند است.

وی با بیان اینکه خیلی از اسناد در دست مردم است، تاکید کرد: مردم یکسری اسناد در مناطق روستایی و شهری در دست دارند که حتی مطلع نیستند آیا جایی برای نگهداری این اسناد طبق استانداردهای جهانی وجود دارد، این کار رسانه است که به مردم آگاهی و اطلاعات بدهند که جایی با عنوان سازمان اسناد ملی در کرمان وجود دارد که وظیفه آن حفظ، نگهداری و پاسداری از این اسناد است.

رفیعی پور افزود: مردم می‌توانند اسناد خود را به طور دیجیتالی، اهدا کنند و می‌توانند اسناد خود را به سازمان اسناد ملی بفروشند. ما یکسری اسناد را جمع‌آوری می‌کنیم و برای قیمتگذاری به تهران می‌فرستیم و آنجا پس از قیمتگذاری و با توافق طرفین این اسناد خریداری می‌شود.

بنا به این گزارش در این همایش از یافتن گوی‌های چرمی ۴۰۰ساله در کاروانسرای گنجعلی‌خان کرمان که مربوط به بازی چوگان است خبر داده شد و در پی آن برای ثبت ملی مادر همه بازی‌های توپی، اقداماتی انجام گرفت که بزودی قرار است میدان گنجعلی خان کرمان میزبان برگزاری بازی و ورزش باستانی چوگان شود.

گفتنی است حافظه جهانی عنوان برنامه‌ای است که سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد با هدف افزایش آگاهی همگانی،حفاظت پایدار و دسترسی جهانی به میراث مستند بشر،آن را طرح‌ریزی کرده است و برای نخستین بار در سال ۱۳۷۱ شمسی به جهانیان معرفی شد .

نخستین بار ایران در سال ۱۳۸۴ پس از گذشت ۱۴ سال از پایه‌گذاری برنامه حافظه جهانی توسط یونسکو به این برنامه پیوست و با شرکت در ششمین دوره فعالیت برنامه دواثر مهم ایرانی (شاهنامه بایسنقری و وقفنامه ربع رشیدی) را به ثبت رسانید و از آن پس فعالیت خود را آغاز کرد.

روابط اقتصادی ایران و گرجستان در صورت احترام متقابل توسعه می‌یابد

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: روابط اقتصادی ایران و گرجستان در صورت احترام متقابل به ویژه از سوی دولت گرجستان توسعه می‌یابد و جمهوری اسلامی ایران هیچ بی‌احترامی به شهروندانش به ویژه فعالان اقتصادی را نمی‌پذیرد.

رئیس اتاق بازرگانی اصفهان در دیدار رئیس هیأت مدیره یک هلدینگ ساختمانی گرجستان با بیان این مطلب و با اشاره به این که دولت گرجستان در ماه‌های اخیر رفتار ناشایستی با فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران ایرانی داشته که روابط اقتصادی دو طرف را مورد مخاطره قرار داده است، گفت: مردم ایران از نحوه برخورد دولت گرجستان بسیار ناراضی هستند و سرمایه‌گذاران ایرانی خواستار ترک این کشور و فروش آپارتمان‌های خود به نصف قیمت شده‌اند.

سیدعبدالوهاب سهل آبادی افزود: جمهوری اسلامی ایران کشور قدرتمند و توانمندی است که در عرصه بین‌المللی با آمریکا رو دررو مقابله می‌کند و هیچ بی‌احترامی را به شهروندانش به ویژه فعالان اقتصادی نمی‌پذیرد. او که رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران نیز است، گفت: رفتار دولت گرجستان با ایرانیان پس از روی کار آمدن سالومه زورابیشویلی رئیس جمهوری جدید متفاوت از گذشته شده است و فعالان اقتصادی ایران نمی‌توانند نسبت به این بی‌احترامی خاموش باشند.

سهل آبادی در بخش دیگری از سخنان خود از آمادگی تشکیل شرکت مشترک بین فعالان اقتصادی استان اصفهان و گرجستان خبر داد و افزود: این شرکت می‌تواند نیازهای صنعت ساختمان و سیار بخش‌های گرجستان را تأمین کند. رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، سرمایه‌گذاری ایرانیان در گرجستان در سال‌های اخیر را قابل توجه دانست و افزود: بسیاری از خریداران ساختمان‌ها در گرجستان را ایرانیان تشکیل می‌دهند. نیکا مرابیشویلی رئیس هیأت مدیره هلدینگ ساختمانی گرجستان در این دیدار، همکاری با شرکت‌های ساختمانی استان اصفهان در تأمین مواد اولیه به ویژه مصالح ساختمانی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان را خواستار شد و گفت: آهن، آجر و سیمان پرمصرف‌ترین کالاهای ساختمانی در گرجستان است که علاقه‌مند به خرید این محصولات از استان اصفهان هستیم.

بنیاد برکت در مناطق محروم ۱۰ هزار خانه و ۲۰۰ مدرسه ساخت

رئیس ستاد اجرایی فرمان امام خمینی(ره) در بازدید از طرح بنیاد برکت روستای حیدرآباد مرالی دلفان استان لرستان گفت: بنیاد برکت در ۹ماه امسال بیش از ۱۰ هزار خانه و ۲۰۰ مدرسه در مناطق محروم ساخته است.

محمد مخبر افزود: محوریت پیگیری طرح‌های بنیاد برکت اشتغال است اما همزمان با طرح‌های کارآفرینی به سایر مشکلات مردم نیز توجه دارد.

وی با اشاره به ایجاد ۴۰۰ هزار فرصت شغلی توسط این بنیاد در سال‌های گذشته اضافه کرد: این مشاغل رها نمی‌شوند و پشتیبانی از آنها همچنان تداوم دارد که امید می‌رود با این سازوکار بخشی از مشکل اشتغال کشور حل شود.

رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) با اشاره به سرمایه گذاری ۳۰ هزار میلیارد ریالی در مناطق محروم کشور اظهارداشت: این رقم با مشارکت مردم محقق شده است.

مخبر اضافه کرد: هزینه‌های نسخه درمانی ۶۰ هزار بیمار سرطانی توسط این بنیاد پرداخت و به همین میزان نیز تسهیلات قرض الحسنه اعطا شده است.وی با اشاره به انجام ۲هزارعمل کاشت حلزون ادامه داد: درمجموع ۲۵ نوع خدمت توسط بنیاد برکت ارائه می‌شود که تامین پنج هزار سری جهیزیه، ۳۰۰ هزار بسته نوشت افزار در مهر امسال و خرید ۲ هزار ویلچر برای مناطق محروم بخشی از خدمات این نهاد است.

رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) گفت: امروز بدون حضور ایران هیچ تصمیمی در منطقه گرفته نمی‌شود و این در حالی است که جمهوری اسلامی درون حلقه آتش منطقه قرار دارد و بالاترین و بهترین امنیت در کشور حاکم است.

مخبر افزود: ایران از نظر سیاسی انسجام بسیارعالی دارد و در حوزه اقتصادی نیز کارهای بزرگی انجام داده است.

طرح‌های روستای حیدرآباد مرالی شامل کارگاه‌های خیاطی و واحدهای تولیدی و دامداری بوده که با کمک ستاد اجرایی فرمان امام(ره) و سرمایه گذاری سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال تسهیلات اجرایی شده است.

کشف ۲ خمره تاریخی هنگام گودبرداری در شهرری

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان ری با اشاره به شایعات در مورد کشف دو خمره هنگام گودبرداری در شهرری، گفت: در حال فراهم کردن اقدامات پژوهشی توسط باستان‌شناسان هستیم و تا پایان کار بررسی آن‌ها هرگونه اظهارنظری، غیرکارشناسی بوده و برمبنای حدس و گمان است.

امیرمصیب رحیم‌زاده با اشاره به کشف دو کوزه در این منطقه اظهار داشت: در جریان گودبرداری یک واحد مسکونی واقع در خیابان شهید محبتی شهرری در عمق حدود چهار متری دو خمره تاریخی بزرگ کشف شد که پس از اطلاع اداره میراث فرهنگی بلافاصله دستور قضایی توقف عملیات گودبرداری صادر شده و یگان حفاظت اداره میراث فرهنگی و پلیس در محل حاضر شدند.

وی با بیان اینکه این دو خمره در دل دیوار جنوبی این ملک قرار داشت، افزود: بر اساس کارشناسی‌های اولیه با توجه به اندازه نسبتا بزرگ این خمره‌ها به نظر خالی هستند و احتمالا از آن‌ها برای ذخیره آذوقه استفاده می‌شده و انتشار اخبار و شایعاتی مبنی بر وجود هرگونه طلا و سکه به هیچ وجه صحت ندارد. او با اشاره به اینکه به نظر نمی‌رسد این محل تاریخی باشد، اضافه کرد: پس از بررسی‌های دقیق باستان شناسان می‌توان به تمامی سؤالات اذهان عمومی مبنی بر قدمت، نوع مصرف و محتوای خمره‌ها اظهارنظر کرد، البته شهرری قدمتی تاریخی و کهن دارد و خیلی عجیب نیست که هر جای آن در عمق چندمتری یک قطعه سفالی و تاریخی پیدا شود.

مطالعات باستان‌شناسی انجام شده نشان می‌دهد که شهر باستانی و کهن ری با بیش از هشت هزار سال قدمت یکی از بزرگترین مراکز تمدنی شناخته شده دنیا است که چشمه علی، برج طغرل، باروی ری، آتشکده ری، استودان گبرها، قلعه گبری، برج نقاره خانه، گنبد اینانج از جمله آثار باستانی در ری است.

ادامه در صفحه ۱۰

معارفه استاندار جدید خراسان رضوی با حضور وزیر کشور

مشهد - خبرنگار اطلاعات: مراسم تودیع و معارفه استانداران قدیم و جدید خراسان رضوی با حضور وزیر کشور برگزار شد.

حمید بنایی رئیس مجمع نمایندگان خراسان رضوی در ابتدای این مراسم در سخنانی حضور وزیر کشور را نشان از اهمیت این مراسم دانست و تاکید کرد: چون مشهد پیشانی کشور است.

وی با قدردانی از تلاش های علیرضا رشیدیان استاندار سابق خراسان رضوی، عدم برگزاری جلسات با نمایندگان استان را از نقاط ضعف وی برشمرد و خطاب به علیرضا رزم حسینی استاندار جدید، تاکید کرد: خواهشمندیم دست از سیاسی کاری برداریم و به مسایل و مشکلات از جمله بیکاری و حاشیه‌نشینی در استان بپردازیم.

بنایی با تاکید بر این که اگر مشکلات کارخانه ها رفع شود و آنها راه بیفتند، ۶۰ درصد مشکل اشتغال رفع می شود،افزود: استاندار جدید همانطور که گفته اند، ۹۰ درصد کار و تلاش و ۱۰ درصد کار سیاسی کنند.

رئیس مجمع نمایندگان خراسان رضوی در ادامه با اشاره به این که برای تکمیل پروژه های نیمه تمام به ۵۰۰هزار میلیارد نیاز داریم،اظهار داشت: باید کارگروه سرمایه گذاری تشکیل شود و در بخش توریسم و گردشگری فعال باشیم و بومی‌گزینی هم در نظر گرفته شود زیرا ظرفیت نیروهای ما بسیار بالاست.

وی تاکید کرد: مشکل پدیده بسیار اهمیت دارد و هنوز مردم مشکل دارند، لذا باید این مسائل و مشکلات رفع شود. همچنین به رغم تلاش ها، در بخش ریلی در زیرساخت ها ضعیف هستیم که در مجموع می توان از ظرفیت آستان قدس بهره برد.

رئیس مجمع نمایندگان خراسان رضوی در پایان گفت: همه رزم حسینی را مرد عمل می‌دانند و نمایندگان کنارشان هستند و درخواست داریم که یک رابط پارلمانی هم داشته باشید.

در ادامه مراسم، استاندار سابق خراسان رضوی با بیان این که خدمت به مجاوران امام رضا(ع) و زائران افتخار ماست و از این بابت خداوند را شکرگزارم، افزود: نقص‌ها و کوتاهی ممکن است بوده باشد اما در وسع و توان ظرفیتمان تلاش کردیم تا خدمتگزاری و نوکری مردم را جامه عمل بپوشانیم.

رشیدیان تاکید کرد: برای توسعه و عمران استان تلاش کردیم اما بخاطر کاستی ها و اگر به اجبار گاهی بر اساس مصلحت عامه بین بد و بدتر انتخاب کردیم، از مردم حلالیت می طلبم.

وی ظرفیت های استان را زیاد دانست و گفت: باید ۶۵ میلیارد ریال جذب سرمایه داشته باشیم و معتقدم رزم حسینی مرد این میدان خواهد بود و از مسئولان می خواهم کنار ایشان باشند.

رشیدیان تاکید کرد: از همه احزاب ، مجامع و سمن ها تشکر می کنم و معتقدم همه دانشگاهیان،فرهنگیان و کشاورزان و دیگر قشرها در پیشرفت استان سهیم بوده اند.

سخنان وزیر کشور

همچنین در این مراسم وزیر کشور در سخنانی با اشاره به اجرای قانون منع بکارگیری بازنشستگان در این وزارتخانه گفت: برای جایگزینی ها، فرمانداران را به معاونت ارتقا خواهیم داد و با یک نظام جایگزینی دهیاران جایگزین بخشداران می‌شوند.

عبد الرضا رحمانی فضلی افزود: جایگاه تربیت مدیران در سطح کلان کشور است و سیستم این وزارتخانه به گونه ای بوده است که با همه توطئه های داخلی و مرزی مقابله خوبی داشته ایم. همچنین در حوزه آسیب های اجتماعی که به لطف رهبر معظم انقلاب، وزارت کشور متولی آن شده است، هفت جلسه با ایشان داشته ایم و معظمله با تعیین روش ها موضوع را هدایت می کنند.

وی در ادامه تاکید کرد: استانداران ، فرمانداران و بخشداران ما مدیران کل نگر هستند و امروز درباره آقای رشیدیان باید گفت ایشان به سرعت مسائل مختلف این استان را در جنبه های مختلف مدیریت کرد و گزارش عملکردشان در نرم وزارت کشور درخشان است و عاقبت بخیر شدند.

رحمانی فضلی همچنین گفت: مهندس رزم حسینی کرمان را به دور از هیجانات سیاسی اداره و انرژی های سیاسی را با انرژی های توسعه ای تلفیق و مثلث مدیریتی را ایجاد کرد و در مجموع ایجاد اتحاد بین مسئولان از جمله امام جمعه و نمایندگان در کرمان از کارهای ارزنده شان بود. همچنین روش و شیوه خوبی در موضوع آب در کرمان و در حوزه گردشگری هم فعالیت چشمگیری داشت که باید در خراسان رضوی هم عملیاتی کنند.

وزیر کشور در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که در آستانه ماه بهمن هستیم، افزود: در ۴۰ سال گذشته استکبار مرتب به رویارویی با انقلاب پرداخته است و هنوز هم دشمنی آنها استمرا دارد که در جمع‌بندی ساده شاهدیم علت مقابله و دشمنی آنها قدرت گرفتن ایران است و تصمیم داشتند دست های ایران را در منطقه قطع کنند.

وی گفت: امروز ماهیت داعش و تکفیر برای همه روشن است که این روشن سازی تفکرات ناب از تفکرات انحرافی بسیار ارزشمند است.وزیر کشور با بیان ا ین که در حوزه بین الملل، ایران یک کشور مقتدر است ، افزود: دشمنان انرژی های نو را در ایران بهانه و مدام بهانه گیری می کنند که این موضوع نشان دهنده قدرت ماست و ما در ائتلاف های بین المللی نقش موثری داریم.

وی به حوادث دی ماه پارسال اشاره کرد و گفت: ضد انقلاب و دشمنان در تحولات وارد شدند و عملیات روانی برای دی ماه پارسال انجام دادند اما موفق نشدند تا جریان‌های اعتراضی را بر علیه کشور مدیریت کنند و ناکام ماندند.

مردم مولفه قدرت کشورند

وزیر کشور گفت: از تحریم استقبال نمی کنیم اما مدافع حقوق ایرانیان هستیم و در مقابل توطئه ها می ایستیم ، امسال ۱۳ آبان با شکوهی داشتیم و ملت به میدان آمد و مرگ بر آمریکا گفت.

وی با تاکید بر این که الگوی وحدت بخشی در کشور بی نظیر است و در استان خراسان رضوی هم باید وحدت بخشی اجرایی شود،افزود: فروش نفت ایران کم شده است اما به معنای این نیست که توان ما کم شده باشد. مردم مولفه قدرت کشور هستند و وظیفه اصلی ما این است که رضایتمندی مردم را داشته باشیم و با ارتباط موثر با مردم نشان دهیم که برای مردم صادقانه کار می کنیم ولی وای به حال روزی که اعتماد مردم را از دست بدهیم.وزیر کشور گفت: در برخی موارد مثل نظام بودجه ریزی مشکل ساختاری ، عدم توازن و تعادل داریم که در توزیع جمعیت و منابع خود را نشان داده است،لذا باید در نظام پولی ، مالی و اداری تغییر ایجاد کنیم.

وی بزرگترین کار سیاسی اقتصادی را عمل کردن در کشور دانست و تاکید کرد: باید در این جهت کار کنیم. اکنون مردم در موضوعات اشتغال, بیکاری و تورم ناراضی هستند و اگر حزب هم باشیم، در حوزه سیاسی باید ابتدا رضایت اقتصادی در مردم ایجاد کنیم تا رای بیاوریم.

وزیر کشور افزود: خراسان می‌تواند کار بزرگی را در دور زدن تحریم ها انجام دهد ، باید اختیارات به استان ها بدهیم چون استانداران توانمندی و ظرفیت دارند.

کمک برای منشور همدلی

در ادامه مراسم استاندار جدید خراسان رضوی در سخنانی به تبیین اهدافش در استان پرداخت و گفت: در حوزه سیاسی به سفارش امیرالمومنین(ع) اعتدال و میانه روی را حفظ می کنم و با حفظ اصول و مبانی، بر اجرای شعار راهبردی مطابق قانون اساسی ، ولایت و توسعه تاکید داریم و یقینا همه شهروندان این سرزمین ولایتمدارند و حول محور ولایت هستند.

رزم حسینی تاکید کرد: اما مفهوم توسعه یعنی انقلاب کردیم تا پیشرفت کنیم و سعی می کنیم توسعه را تعمیق دهیم و از همه فعالان سیاسی وفادار به کشور برای منشور همدلی کمک می طلبیم.

وی با تاکید بر این که باید به همدلی پایبند باشیم ، در وحدت الگو باشیم و با درایت فعالان سیاسی این فضای همدلی ایجاد شود،افزود: من مهمان این استان هستم و امیدوارم که آجر بر آجر آبادانی این استان اضافه کنم و در امتداد فعالیت استاندار قبل پیشرفت را ادامه دهم.

استاندار جدید خراسان رضوی تاکید کرد: تردید ندارم که امام جمعه و تولیت آستان قدس رضوی برای تحقق منشورهمدلی، کمک می کنند و این مقدمه آبادانی استان است ، البته استانداری، نماینده دولت و نماینده حاکمیت است و باید با همه همکاری داشته باشد.

وی در ادامه با تاکید بر این که فقر کفر ایجاد می کند ،اظهار داشت: باید بررسی کنیم که چگونه می توان فرهنگ اقتصاد مقاومتی را ترویج داد و چگونه می توانیم موازی کاری را جمع و مثلث توسعه اقتصادی را ایجاد کنیم که نمونه موفق این مسائل را در کرمان داشتیم.

رزم حسینی با بیان این که باید در استان خراسان رضوی برای سرمایه گذاران و کارآفرینان فرش قرمز پهن کرد،افزود: خدمت امام جمعه خواهم رسید و علمای دین هم می توانند فرهنگ اقتصاد مقاومتی را ترویج کنند که با ظرفیت آستان قدس و اتاق بازرگانی می‌خواهیم مسائل را پیش ببریم. همچنین در امور فرهنگی مصوبات شورای فرهنگ عمومی استان را اجرایی می کنیم.

در پایان مراسم ، وزیر کشور با قدردانی از علیرضا رشیدیان، مهندس علیرضا رزم حسینی را به عنوان استاندار جدید خراسان رضوی معرفی و برای او در انجام امور مربوط به استان آرزوی موفقیت کرد.

*دکتر رحمانی فضلی وزیر کشور: مهندس رزم حسینی، کرمان را به دور از هیجانات سیاسی اداره کرد

*خراسان می‌تواند در دور زدن تحریم‌ها، کار بزرگی انجام دهد

*مهندس رزم حسینی استاندار خراسان رضوی: با درایت فعالان سیاسی، فضای همدلی باید ایجاد شود

*باید بررسی کنیم چگونه می‌توان فرهنگ اقتصاد مقاومتی را ترویج داد

میدان ارگ اراک ثبت ملی شد

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی گفت: میدان ارگ قدیمترین میدان شهر اراک و یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های معماری این شهر به حساب می‌آید که با توجه به جایگاه تاریخی، معماری، اجتماعی و تاریخ شفاهی شهر حائز اهمیت است.

علیرضا ایزدی افزود: این میدان علیرغم گذشت زمان و تغییر نام شهر سلطان آباد به اراک و توسعه و تحول شهری،کاربری اولیه خود را به عنوان یکی از میادین اصلی شهر حفظ کرده و در پیوند با بافت و بازار تاریخی به عنوان شالوده اصلی بافت قدیم شهر قرار گرفته و باعث انسجام بافت شده و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آنرا دو چندان کرده است.

وی با بیان اینکه میدان ارگ به عنوان قدیمی‌ترین میدان شهر، مرکزی برای تجمع‌های مردمی و انجام فعالیت‌های سیاسی به حساب می‌آمده است یادآورشد: بر اساس شواهد تاریخی تجمع مشروطه خواهان سلطان‌آبادی در دوره مظفر الدین شاه قاجار در این میدان انجام شده و در دوره پهلوی هم اجتماعاتی از جمله تجمع مردم اراک در ارتباط با ملی شدن صنعت نفت در این میدان به وقوع پیوسته است. وی اضافه کرد: محدثات مهم آموزشی و مدیریتی همانند تاسیس دومین مدرسه مدرن،پس از دبیرستان صمصامی،ساختمان اولین بلدیه (شهرداری)،وجود سه حمام و مدرسه مسجد آقا ضیاء الدین واقع در لبه‌های این میدان وهمچنین از آنجا دسترسی آسان به دروازه طرف شمال قلعه عراق،به نام دروازه راهزان،دال بر اهمیت میدان ارگ است که در نتیجه یادمان‌ها و تجربیات و خاطرات فراوان تاریخی اراک را در خود حفظ کرده است.

ایزدی اظهارداشت: قدیمی‌ترین سندی که در آن میدان ارگ به عنوان یکی از عناصر معماری در قلعه سلطان آباد نشان داده شده نقشه‌ای است که هیات روسی اواسط دوره قاجار و در سال ۱۸۵۱میلادی از این شهر تهیه کرده و این میدان را با ابعادی کوچکتر از ابعاد امروزی حد فاصل ارگ حکومتی و بازار نمایش داده است.

وی افزود: بعد از این نقشه تا سال ۱۳۳۵ که اولین عکس‌های هوایی از شهرهای ایران تهیه شد، سندی دیگر که ابعاد میدان و کیفیت و حجم فضاهای پیرامون آنرا نشان دهد تاکنون به دست نیامده است ومنابع و متون دوره قاجار علیرغم اشارات متعدد به ارگ حاکمیتی و تمام عناصر تشکیل دهنده آن، سخنی از میدان ارگ و توسعه و تحولات آن به میان نیاورده اند.

وی گفت: ثبت این میدان در فهرست آثار ملی کشور از طرف کارشناسان معاونت میراث فرهنگی اداره کل استان به نیت جلوگیری از اقدامات آسیب رسان و احتمال دخل و تصرف در میدان و عناصر تاریخی پیرامون آن پیگیری شده است تا در آینده با جذب اعتبارات ملی و استانی شاهد مرمت و زنده سازی کاربری‌های فراموش شده آن باشیم.

معرفی مدیر عامل جدید شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم معارفه مدیر عامل شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران در محل این شرکت برگزار شد.

در این مراسم دکتر علی حسین پور به عنوان مدیر عامل جدید این شرکت معرفی شد و از زحمات و تلاش‌های مهندس حسین زاده بقایی در زمان تصدی سرپرستی این شرکت تقدیر به‌عمل آمد.

در ابتدای مراسم مهندس فتحی نیا نایب رئیس هیأت مدیره ضمن تقدیر از تلاش‌های مهندس حسین زاده بقایی در زمان تصدی مسئولیت سرپرستی با اشاره به سیاست جوان گرایی مجموعه آینده پویا ابراز امیدواری کرد با تخصص و سابقه مدیریتی درخشان دکتر حسین پور شاهد آینده‌ای درخشان برای مجموعه شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران باشیم. در ادامه این مراسم دکتر حسین پور ضمن تاکید بر لزوم اتحاد،همدلی و اقدام و عمل برای برون رفت از مشکلات، توکل بر خدا، کار تیمی، مسئولیت پذیری و انجام درست کارهای درست را در پیشرفت مجموعه چوب و کاغذ مازندران ضروری دانست و بر اعتماد متقابل میان مجموعه مدیریت و کارکنان شرکت تاکید کرد. دکتر حسین‌پور پیش از این مدیریت مجموعه سیمان مازندران را بر عهده داشتند.

امام جمعه کرمان: برکت بنگاه‌های اقتصادی باید در سفره مردم احساس شود

کرمان – خبرنگار اطلاعات: امام جمعه کرمان تاکید کرد: برکت وجود بنگاه‌های اقتصادی بزرگ در استان، باید در سفره مردم احساس شود.

حجت الاسلام و المسلمین حسن علیدادی در دیدار استاندار کرمان، با اشاره به فراوانی بنگاه‌های اقتصادی در استان گفت: در گام نخست باید خیر و برکات این بنگاه‌ها به استان برسد و در پیشرفت کرمان نقش آفرین باشد.

وی اظهار داشت: در استان کرمان به بخش سیاسی به طور جدی توجه شده است و گاهی اوقات آنقدر پرحجم بوده که بخش اجرایی را تحت تاثیر خود قرار داده، لذا امید است با ایجاد توازن منطقی بین بخش‌های سیاسی و اجرایی در این حوزه هم برنامه ریزی مناسبی انجام شود .او با تاکید بر ایجاد تحول اقتصادی جدی در استان افزود: استان کرمان ظرفیت‌های بسیار خوبی برای توسعه اقتصادی و پیشرفت دارد که توجه به دانشگاه‌ها یکی از راه‌های رسیدن به توسعه اقتصادی است و در این زمینه استان کرمان از نظر کمی و تعداد دانشگاه‌ها در حد خوبی قرار دارد و باید به کیفیت کار در این دانشگاه‌ها توجه بیشتری انجام گیرد.امام جمعه کرمان خشکسالی و کم آبی را از بحث‌های جدی کرمان دانست و افزود: انتظار می‌رود که مدیریت اجرایی استان به این موضوع هم حساسیت ویژه‌ای داشته باشد.

همچنین استاندار کرمان در این دیدار با اشاره به فعالیت معین‌های اقتصادی استان کرمان اظهار داشت: در جلسه‌ای مقرر شد معین‌های اقتصادی استان، برنامه سه ساله خود را ارائه کنند و تعداد زیادی از معین‌های اقتصادی برنامه‌های خود را اعلام کرده اند.

محمد جواد فدایی گفت: برخی از معین‌های اقتصادی آنگونه که انتظار می‌رود فعال نیستند که تلاش می‌کنیم یا فعال‌تر شوند یا اینکه معین‌های دیگری جایگزین آنها شوند .به گفته وی بنگاه‌های اقتصادی نقش مهمی در توسعه اشتغال و ارتقای اقتصادی دارند و اگر سود آنها در کرمان سرمایه گذاری شود، تحولات بسیار خوبی رقم می‌خورد.

استاندار کرمان اشتغال، رفع فقر و محرومیت، تامین آب و توجه به مسائل فرهنگی را از اولویت‌های استان کرمان برشمرد و افزود: در مسائل فرهنگی باید در استان خیلی کار کنیم، زیرا مسائل فرهنگی گاهی زیربنای بخش‌های دیگر است.

نشست هم اندیشی معرفی پایتخت کتاب ایران در رامهرمز

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: نشست هم‌اندیشی پنجمین دوره انتخاب ومعرفی پایتخت کتاب ایران در شهرستان رامهرمز برگزار شد.

سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رامهرمز در گفتگو با خبرنگار روزنامه اطلاعات اظهار داشت: با توجه به درپیش بودن پنجمین دوره انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران و از سری برنامه‌های دبیرخانه این جشنواره در رامهرمز نشستی با اعضای شورای شهر و شهردار رامهرمز در سالن اجتماعات شهرداری پیرامون این موضوع برگزار شد.عبدالرضا باغ‌شیرین در ادامه افزود: در این نشست دو طرف به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل فرهنگی و برنامه‌های مشترکی که دو نهاد می‌توانند با هم برگزارکنند و همچنین برنامه‌ریزی مناسب در خصوص حضور پرقدرت شهرستان در جام باشگاه‌های کتاب و جشنواره پایتخت کتاب ایران پرداختند.

جزیره هرمز، میزبان دوندگان ماراتن کشور

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مسابقات دو نیمه ماراتن بانوان و دو ماراتن مردان کشور اواخر دی ماه جاری در جزیره هرمز برگزار می‌شود.

رئیس هیات دوومیدانی هرمزگان با اعلام این خبر گفت: دومین دوره مسابقات دو نیمه ماراتن بانوان و پنجمین دوره دو ماراتن مردان کشور اواخر دی ماه در جزیره هرمز برگزار می‌شود.

منصور روشن قیاس افزود: مسابقه دو نیمه ماراتن بانوان به مسافت۲۱ کیلومتر ساعت ۷ صبح پنجشنبه ۲۷ دی و با حضور۵۰ شرکت‌کننده از سراسر کشور در اطراف جزیره هرمز برگزار می‌شود. وی گفت: نفرات اول تا سوم این مسابقه به ترتیب ۱۴، ۱۰ و ۷ میلیون تومان جایزه نقدی دریافت می‌کنند. رئیس هیات دوومیدانی هرمزگان گفت: مسابقه دو ماراتن مردان کشور نیز به مسافت ۴۲ کیلومتر و ۱۹۵ متر ساعت ۷ صبح جمعه ۲۸ دی و با حضور۸۰ دونده برگزار می‌شود. منصور روشن قیاس افزود: به نفرات اول تا سوم این مسابقه نیز جایزه نقدی پرداخت می‌شود.

طرح قلک مهربانی در کرمان کلید خورد

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: طرح قلک مهربانی برای نخستین بار در کشور، در یکی از مدارس کرمان اجرا شد .قائم مقام کمیته امداد استان کرمان در این باره گفت: طرح قلک مهربانی برای نخستین بار با همکاری کمیته امداد و مشارکت دانش آموزان، اولیا و مربیان یکی از دبستان‌های کرمان اجرا شد .سهراب روستایی با بیان این که ۲۰ هزار دانش آموز نیازمند در کرمان وجود دارد، افزود: سالانه ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومان از طریق مشارکت‌های مردمی برای رفع مشکلات افراد نیازمند جمع آوری می‌شود و کمیته امداد به دنبال توانمندسازی افراد است که با ارائه تسهیلات و کمک‌های نیکوکاران این روند ادامه دارد .به گفته وی از ابتدای امسال تاکنون اهدای ۴۰۰۰ فقره جهیزیه، کمک هزینه درمانی به ۵۰۰۰ خانواده و ایجاد ۵۰۰۰ واحد مسکونی از طریق کمیته امداد استان کرمان انجام شده است .روستایی این امر نیکو را سبب فرهنگ سازی و ترویج نوعدوستی بین دانش آموزان دانست و گفت: امیدواریم این طرح که از استان کرمان آغاز شده است در مدارس سراسر کشور اجرایی شود.

جزئیات پرونده انتشار فیلم ضرب و جرح دختر جوان از زبان دادستان سیرجان

سرویس شهرستانها : دادستان عمومی و انقلاب سیرجان در تشریح جزئیات خبر آزار و اذیت دختر جوان در سیرجان گفت: به‌رغم رضایت دختر جوان، متهم اصلی از جنبه عمومی جرم در زندان به‌سر می‌برد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان کرمان، محسن نیک‌ورز در تشریح جزئیات خبر آزار و اذیت دختر جوان در سیرجان اظهار داشت: خانم بزه‌دیده که جوانی متولد ۱۳۸۱ و اصالتا سیرجانی و به همراه مادرش ساکن تهران است در نخستین جلسه رسیدگی به پرونده نسبت به متهمان اعلام رضایت کرده است اما مادر این دختر جوان از هر دو متهم شکایت کرده و تاکنون رضایتی اعلام نکرده است.

دادستان عمومی و انقلاب سیرجان تاکید کرد: این پرونده از جنبه عمومی جرم به طور ویژه رسیدگی خواهد شد و دستگاه قضایی با عاملان این حادثه قاطعانه برخورد خواهد کرد.

وی گفت: متاسفانه متهم اصلی پرونده با حیله و نیرنگ و به قصد انتقام دختر بزه‌دیده را ترغیب می‌کند که به سیرجان سفر کند و این دختر جوان هم به همراه مادرش و بهانه ملاقات اقوام به سیرجان سفر می‌کند.

نیک‌ورز با بیان اینکه پدر دختر بزه‌دیده فوت کرده است، تاکید کرد: وی پس از سفر به سیرجان بدون اطلاع دادن به مادر خود به یک خانه باغ که از قبل توسط متهمان پرونده در منطقه‌ای خارج از شهر فراهم شده بود، می‌رود که در ادامه متهمان ردیف اول و دوم با مراجعه به این مکان اقدام به آزار و اذیت دختر جوان می‌کنند و سپس متهم ردیف اول کلیپ ضبط شده را در اینستاگرام خودش به اشتراک می‌گذارد. وی تاکید کرد: بلافاصله پس از بارگذاری این فیلم تکان‌دهنده در اینستاگرام عامل جرم در روز جمعه ۱۴ دی ماه، موضوع از طریق کمیته رصد فضای مجازی دادسرای سیرجان رصد و در اندک زمانی دستور پیگیری و اقدام صادر شد. وی تاکید کرد: هنوز چند ساعت از بارگذاری فیلم نگذشته بود که با دستور قضایی متهم اصلی به نام امیرهمراه با فردی به نام محمد که اقدام به تصویربرداری کرده بود، در مخفیگاهشان توسط پلیس آگاهی سیرجان دستگیر شدند. دادستان سیرجان تاکید کرد: در همان روز حادثه دختر جوان هم به دادسرای سیرجان احضار می‌شود و تحقیقات تکمیلی در این باره آغاز می‌شود. وی افزود: هنگامی که متهمان به دادسرای سیرجان منتقل شدند، آنقدر شوک زده بودند که ابتدا منکر عمل مجرمانه شدند اما وقتی فیلم را مشاهده کردند و ادله دیجیتالی جرم را که از محل مخفیگاه آنها کشف شده بود، پیش رو آنها گذاشته شد، بلافاصله اعتراف کردند.

نیک‌ورز تاکید کرد: در این باره پرونده‌ای تحت عناوین توقیف غیرقانونی، هتک حیثیت از طریق فضای مجازی و آزار و اذیت بانوان، تشکیل و متهمان ردیف اول و دوم به ترتیب امیر ۲۰ ساله و محمد تفهیم اتهام شدند و اکنون در زندان به‌سر می‌برند.

برخورد با ساخت و سازهای غیر مجاز در روستاها

ارومیه ـ خبرنگاراطلاعات: بخشداران به عنوان نمایندگان عالی دولت در حوزه شهرستان‌ها باید ضمن نظارت براجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق روستایی با ساخت و سازهای غیرمجاز درروستاها برخورد کنند.

پیمان آرامون سرپرست معاونت عمرانی استانداری آذربایجان غربی در نشست مشورتی بخشداران استان گفت: کنترل ساخت و سازها در مناطق روستایی به ویژه روستاهای واقع در حریم شهرها درحفظ بافت روستاها و اراضی کشاورزی بسیار ضروری است.

وی افزود: یکپارچه سازی کارها و تشریک مساعی برای حل مشکلات درپروژه‌های عمرانی از رویکردهای حوزه معاونت عمرانی است و دراین راستا از ظرفیت و نظرات بخشداران برای کاهش مشکلات روستائیان و تسریع در روند خدمت رسانی استفاده خواهد شد.

وی درادامه با اشاره به برنامه‌های دولت در مدیریت منابع آب و اختصاص ۲۲۲۰ میلیارد ریال اعتبار برای احیای دریاچه ارومیه در سال ۹۸ اضافه کرد: احیای دریاچه ارومیه از اولویت‌های مهم دولت تدبیروامید بوده وسالانه اعتبارات قابل توجهی برای احیای دریاچه ارومیه و مدیریت منابع آب در حوضه آبریز دریاچه اختصاص می‌یابد و بخشداران باید ضمن آگاه سازی و جلب مشارکت روستاییان درپیشبرد برنامه‌های دولت در بخش آب و مقابله با برداشت‌های غیرمجاز از منابع زیرزمینی بیش از پیش فعال باشند.

وی بازنگری و اجرای طرح‌های‌هادی روستایی، ساماندهی و اجرای پسماند روستایی، نظارت بر سلامت مالی دهیاران، ساماندهی ماشین آلات دهیاران و توسعه اشتغال روستایی و بهبود معیشت روستاییان را از دیگر برنامه‌های حوزه معاونت عمرانی عنوان کرد و بر نقش بخشداران درتحقق برنامه‌های پیش بینی شده تاکید کرد.

خدرلو مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری آذربایجان غربی در ادامه این نشست آموزش دهیاران از برنامه‌های جدی دفتربرشمرد و گفت: در سال‌جاری با برگزاری دوره‌های غیر حضوری ۱۸۰۹ دهیاری مباحث عمومی و تخصصی آموزش دیدند.

وی همچنین از انتخاب ۱۰ دهیار برتر استان برای شرکت در المپیاد کشوری دهیاران خبر داد و افزود: این شمار از میان دهیاران شرکت کننده در دوره‌های آموزشی و آزمون‌های برگزار شده انتخاب و برای شرکت در مسابقات کشوری معرفی شده‌اند.

اصفهان؛ میزبان همایش ملی ساختمان پایدار و انرژی

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین همایش ملی ساختمان پایدار و انرژی ۲۶ و ۲۷ دی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) برگزار خواهد شد.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان با بیان این که این همایش در هشت محور برگزار خواهد شد، مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان از تدوین تا اجرا، ساختمان پایدار، صفر انرژی و پلاس، مدیریت، مدل‌سازی و ممیزی انرژی در ساختمان‌ها، کاربرد انرژی‌های تجدید پذیر در ساختمان‌ها، مصالح نوین ساختمانی در بهینه سازی مصرف انرژی، نقش ساختمان‌های هوشمند در بهره‌وری انرژی، معیارهای مصرف و رده‌بندی انرژی در ساختمان‌ها و همچنین نقش و جایگاه مردم و دستگاه‌های اجرایی در اجرای قوانین و مقررات حوزه انرژی را از محورهای همایش برشمرد و گفت: مقررات ملی ساختمان در کشور لازم الاجرا است ولی به آن بی توجهی شده است و اگر مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان اجرایی شود از هدر رفت مقادیر زیاد انرژی در ساختمان‌های کشور جلوگیری خواهد شد.

غلامحسین عسکری بر هوشمندسازی ساختمان‌ها برای مصرف حداقل انرژی تاکید کرد و افزود: در سال‌های گذشته هیچ نوآوری در تولید مصالح ساختمانی وجود نداشته است که در همایش ملی ساختمان پایدار و انرژی، نوآوری‌های تولید مصالح ساختمانی نیز ارائه خواهد شد.

او افزود: همزمان با این همایش ملی، نخستین نمایشگاه بین المللی بهره وری آب و انرژی در ساختمان، صنعت و حمل و نقل با رویکرد حفاظت از محیط زیست نیز از ۲۷ تا ۳۰ دی در محل دائمی نمایشگاه‌های بین المللی اصفهان برگزار خواهد شد.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان در ادامه با اشاره به اینکه این سازمان چند سال پیش برای ممیزی انرژی موتورخانه‌ها و استاندارد کردن مصرف سوخت آنها دوره‌های خاصی برگزار کرد گفت: به محض اجرای ممیزی انرژی موتورخانه‌ها، اداره کل استاندارد ورود و اعلام کرد، این کار بر عهده استاندارد است.

عسکری افزود: ۱۳ سازمان استان از سازمان نظام مهندسی ساختمان اصفهان تقاضای ممیزی موتورخانه‌های خود را داشته‌اند که در همایش ملی ساختمان پایدار، تفاهمنامه جدیدی با آنها امضا خواهد شد و تا پایان دی امسال حدود ۵۰۰۰ موتورخانه ممیزی انرژی خواهد شد.

رئیس کمیسیون انرژی، استاندارد مصالح و محیط زیست سازمان نظام مهندسی کشور نیز با بیان این که مقررات ملی ساختمان ۲۰ سال پیش تدوین شده است گفت: این مقررات جوابگوی نیازهای کنونی جامعه و بحران‌های آب، انرژی، محیط زیست و تغییر اقلیم که کشورمان دچار آن شده است، نیست.

احمد رضا طاهری اصل افزود: مقررات ملی ساختمان حتی جوابگوی نیازهای توسعه خدمات مهندسی و یا صدور خدمات مهندسی ما نیست و نیازمند تغییر و بازنگری است و در این همایش به دنبال این هستیم تا مقررات و آیین نامه‌ها را به چالش بکشیم.

او در ادامه با اشاره به اینکه هیات دولت در دی پارسال آیین نامه بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها را تصویب کرد، وجود بازرسان و ممیزان انرژی در ساختمان‌ها را لازم الاجرای این آیین نامه دانست و گفت: بر همین اساس، سازمان نظام مهندسی کشور شیوه نامه‌ای با عنوان نحوه اعطای صلاحیت ممیزی و بازرسی انرژی در ساختمان‌ها را تدوین و آنرا برای بررسی و تایید به وزارت راه و شهرسازی ارسال کرد و چنانچه این شیوه نامه مشکلی نداشته باشد، از سال آینده اجرایی خواهد شد و در حوزه ساخت و ساز، بازرسی و ممیزی انرژی هم خواهیم داشت.

۱۰۰ صندوق خرد زنان روستایی در آذربایجان شرقی تشکیل می‌شود

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان جهادکشاورزی آذربایجان شرقی از تشکیل ۱۰۰ صندوق اعتباری خرد زنان روستایی در استان در آینده نزدیک خبر داد.

اکبر فتحی با بیان این که براساس تفاهمنامه‌ای بین صندوق کارآفرینی امید کشور و دفتر توسعه فعالیت‌های زنان روستایی و عشایری وزارت جهادکشاورزی برای ایجاد ۱۰۰۰ صندوق در ۳۱ استان برنامه‌ریزی شده است، افزود: این تفاهمنامه در ۱۰ استان آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، کردستان، کهگیلویه و بویر احمد، کرمان، یزد و همدان عملیاتی می‌شود. وی اضافه کرد: صندوق کارآفرینی امید برای ارائه تسهیلات کم بهره به صندوق‌های جدید برای هر صندوق ۵۰۰ میلیون ریال و در مجموع ۵۰ میلیارد ریال برای یکصد صندوق استان متعهد شده است.

رئیس سازمان جهادکشاورزی استان خاطرنشان کرد: صندوق‌های خرد محلی برای درآمدزایی و رونق کسب و کارهای کوچک در مناطق روستایی راه اندازی می‌شود و بنا بر ظرفیت‌های هر منطقه در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی و دامپروری فعالیت می‌کنند. وی افزود: در این صندوق‌ها، زنان با استفاده از سهم اندک خود و کمک صندوق کارآفرینی امید اقدام به ایجاد واحدهای تولیدی کوچک می‌کنند. وی حمایت از تولید و استفاده از ظرفیت و منابع روستایی به‌عنوان ارکان تولید و اشتغال را از مزایای مهم ایجاد صندوق‌های خرد محلی در روستاها اعلام کرد و افزود: ایجاد خودباوری، توجه به تصمیم گیری‌های خرد، اقتصاد محلی و منطقه‌ای و ایجاد روحیه مشارکتی از دیگر مزایای راه اندازی این صندوق‌هاست.

فتحی ادامه داد: بانوان نشان داده‌اند که در کارهای جمعی و مشارکتی موفق‌تر از مردان عمل می‌کنند و روحیه همکاری در جوامع زنان بیشتر از مردان است. رئیس سازمان جهادکشاورزی استان اظهارداشت: زنان روستایی در قالب تشکل‌ها و صندوق‌های خرد می‌توانند در بالا بردن بهره‌وری آب کشاورزی نقش اساسی ایفا کنند.

در زمان حاضر بیش از ۵۰ صندوق خرد زنان روستایی در استان فعال است.

بودجه سال آینده استان گلستان افزایش یافته است

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: به هیچ عنوان بودجه سال آینده استان گلستان نه فقط کاهش نیافته، بلکه بودجه جاری آن ۵/۱۶ تا ۲۰ درصد، بودجه عمرانی استانی ۶ تا ۱۰ درصد و بودجه عمرانی ملی گلستان ۳۶ درصد افزایش یافته است.

سید مناف هاشمی، استاندار گلستان در نشست خبری با بیان خبر بالا افزود: استان گلستان در سال ۹۶ با پرداخت ۱۱۰۰ میلیارد تومان رتبه چهارم کشور را در اعطای تسهیلات رونق تولید کسب کرد و امسال با پرداخت ۴۵۸ میلیارد تومان به ۱۳۸ واحد تولیدی تا به امروز پس از استان البرز، رتبه دوم کشور را داراست.

استاندار گلستان در خصوص پارک پسماند گرگان گفت: پارک پسماند یکی از بهترین پروژه‌های استان است که در گام اول مانع تخلیه ۳۷ ساله زباله، نخاله‌های ساختمانی و فاضلاب در این مکان شده و در فاز دوم آن در تپه هزار پیچ، اقدام به درختکاری شده است.

وی با اشاره به تلاش‌های صورت گرفته در زمینه سرمایه‌گذاری در استان گلستان گفت: طراحی‌های شهرک کشاورزی با محوریت پرورش میگو صورت گرفته است و تلاش می‌شود تولید آن در سال آینده به ۲ برابر امسال افزایش یابد، همچنین پس از تکمیل فاز ۴ هزار هکتاری مجتمع پرورش میگوی گمیشان، باید زیرساخت‌های لازم در سطح ۱۰ هزار هکتار برای حضور سرمایه‌گذاران ایجاد شود.

وی افزود: بیش از ۸ سال است اقدامی برای راه‌اندازی پتروشیمی گلستان صورت گرفته است و امروز پس از رایزنی‌های فراوان و پیگیری نمایندگان به اینجا رسیده‌ایم که یکی از راه‌های فعال شدن این سرمایه‌گذاری، وارد شدن بخش خصوصی در آن است و در این خصوص یک شرکت تعاونی روستایی کشور، آمادگی سرمایه‌گذاری را دارد.

استاندار گلستان درباره جزیره آشوراده نیز گفت: پس از اخذ ۱۲ استعلام و اختصاص ۵ میلیارد تومان و از منابع استان، پروژه گردشگری جزیره آشوراده با نظارت کامل سازمان محیط زیست آغاز شده و بودجه سال ۹۸ برای لایروبی کانال‌های خزینی و چاپاقلی و ایجاد زیرساخت‌های گردشگری در جزیره آشوراده اعتبار در نظر گرفته شده است.

وی در خصوص پروژه‌های ریلی استان گلستان هم توضیح داد: ۲ پروژه راه‌آهن گرگان ـ مشهد و برقی کردن راه‌آهن اینچه‌برون ـ گرمسار، برای استان گلستان پراهمیت است.

در پروژه برقی کردن راه‌آهن اینچه برون ـ گرمسار فاینانس طرف روسی و سهم ۱۵ درصدی دولت به مبلغ بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان از صندوق ذخیره ارزی مشخص شده، اما به دلیل برخی مسائل بین‌المللی مرحله اجرایی طرح آغاز نشده است.

درباره پروژه راه‌آهن گرگان ـ مشهد نیز سهم ۱۵درصدی دولت با حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان مشخص شده است و منتظر امضای تفاهم‌نامه آستان قدس رضوی با طرف چینی در این طرح هستیم.

پیوند اعضای پیکر فرزند سردار شهید آقابزرگی به ۳ بیمار نیازمند

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: هماهنگ کننده تیم پیوند اعضای استان چهارمحال و بختیاری از اهدای اعضای بیمار مبتلا به مرگ مغزی به ۳ بیمار نیازمند خبر داد.

زهرا سیاح، گفت: دهم دی ماه جاری محمد مهدی آقا بزرگی، تنها یادگار سردار شهید ایرج آقابزرگی که بر اثر تصادف رانندگی مصدوم شده بود، به بیمارستان آیت الله کاشانی شهرکرد منتقل شد و تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفت. با تایید مرگ مغزی این جوان ۳۲ ساله که از کارکنان خدوم بیمارستان آیت‌الله کاشانی شهرکرد بود و همچنین اعلام رضایت خانواده‌اش، شامگاه هفدهم دی‌ماه، بخشی از اعضای بدن وی برای بخشیدن زندگی دوباره به ۳ بیمار نیازمند جداسازی شد. کبد وی برای پیوند به شیراز انتقال یافت و کلیه‌ها در بیمارستان محل خدمتش به ۲ بیمار ۴۰ و ۴۳ ساله لردگانی پیوند زده شد. هماهنگ کننده تیم پیوند اعضای چهارمحال و بختیاری خبر داد که از ابتدای امسال تاکنون ۱۴ مورد اهدای عضو در این استان انجام شده است.

توجه به شرکت‌های دانش بنیان در شرایط فعلی بهترین فرصت است

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پارک علم و فناوری هرمزگان توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان در شرایط فعلی را بهترین فرصت اعلام کرد.

علی فتی درنشست شورای فناوری پارک هرمزگان که با دستور کار پذیرش شرکت‌های جدید در امور موسسات پارک برگزار شد،با اشاره به سیاست‌های پارک علم و فناوری هرمزگان گفت: خوشبختانه نگاه به مجموعه‌های پارک فناوری و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان رو به جلو است از این رو اعتبارات ویژه‌ای نیز به آن اختصاص یافته است. وی افزود: در شرایط موجود کشور متکی بودن به فناوران و شرکت‌های دانش‌بنیان از اهمیت بالایی برخوردار است که می‌تواند زمینه اقتصاد مقاومتی و گذر از شرایط تحریمی و در نهایت به قوی‌شدن اقتصاد کشور بینجامد و این بهترین فرصت در شرایط کنونی است. به گفته رئیس پارک علم و فناوری هرمزگان، در بودجه در نظر گرفته شده برای هرمزگان رشد خوبی انجام گرفته است که برای توسعه شرکت‌های دانش بنیان و فناوران امیدوارکننده است. علیرضا نصیری، معاون فناوری و پشتیبانی پارک علم و فناوری هرمزگان نیز در این نشست با تاکید بر دوری از تک محصولی بودن شرکت‌ها تاکید کرد و گفت: در دوره رشد احتمال شکست بالاست. نصیری ادامه داد:در حوزه موسسات پارک نیز ممکن است این اتفاق رخ دهد از این رو شرکت‌ها باید محصولاتشان را به روز کنند و سیستم نوآوری در روند فعالیتشان هیچگاه تعطیل نشود. وی گفت: ما نیز تلاش می‌کنیم حمایت‌های لازم در خصوص توسعه و پیشرفت شرکت‌ها انجام دهیم.

برگزاری پاراالمپیادشنای معلولان تهران درشهرری

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم پایانی پارا المپیاد شنای معلولان شهر تهران در شهر ری برگزارشد.

شهردار منطقه ۲۰ تهران در این مراسم از پاراالمپیاد شنا و شطرنج بانوان محلات شهرتهران به عنوان وسیله ودسترسی یکسان تمامی قشرهای جامعه به امکانات شهری یاد کردوگفت: دسترسی یکسان تمامی جامعه به امکانات شهری از مهمترین مسائلی محسوب می‌شود که برای ایجاد عدالت اثر بخش است.

افشار مجموعه ورزشی قمربنی‌هاشم(ع) در منطقه ۲۰ را یکی از مجموعه‌های منحصربه فرد در کشور برشمرد و گفت: امیدواریم با افزایش این مجموعه‌های ورزشی ویژه توان یابان، بحث عدالت در حکمروایی خوب شهری تسری پید کند و بستر فعالیت‌های ورزشی توان یابان بیش از پیش شود.

رئیس سازمان ورزش شهرداری تهران هم با قدردانی از شهرداری از منطقه ۲۰ بابت میزبانی و برگزاری مراسم پایانی پاراالمپیاد شنا و شطرنج بانوان مناطق ۲۲ گانه گفت: قول می‌دهیم تعداد رشته‌ها، تنوع فعالیت‌ها، جشنواره‌ها و همایش‌های بیشتری را ویژه این قشر برگزار کنیم.

شرکت کنندگان در پاراالمپیاد شنا در سه گروه و ۹ کلاس و در بخش نابینایان در ۲ کلاس با یکدیگر رقابت کردند.

در پایان رقابت‌های یادشده با احتساب مقام‌های به دست آمده و امتیاز شماری نتایج زیر حاصل شد:

منطقه ۲۰ با ۱۶۰ امتیاز قهرمان شد. منطقه ۱۲ با ۱۴۲ امتیاز مقام دوم را کسب کرد. منطقه یک با ۱۲۶ امتیاز بر سکوی سوم ایستاد و منطقه ۴ با ۷۲ امتیاز عنوان چهارمی این مسابقات را به خود اختصاص داد.

همچنین مسابقات شطرنج با حضور ۳۰ نفر در دو کلاس برگزار شد و مناطق یک، ۱۲ و ۱۴ موفق به کسب مقام شدند.

پزشک در ردای نخست وزیر

یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد»
نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳ـ۱۹۸۱م.)
ترجمه: محمّد مقدّس

۵۷۵

هنگامی که من رئیس "امنو" بودم، یک بار شخصی به چالش با من برخاست ولی من پیروز شدم اما مخالفان، موضوع را به دادگاه کشاندند و این دادگاه نیز به غیرقانونی بودن "امنو" رأی داد.

در زمان "عبدالله"، رئیس "امنو" خود را تبدیل به "مؤسسه"ای کرد و به هیچ کس اجازه نداد در برابرش کاندیدا شود. غیر ممکن بود کسی بتواند در سیاست‌ها و اقدامات وی تردید کند و آنها را زیر سؤال برد. به نظر می‌رسد که وظیفه هر عضو و هر نماینده در مجمع عمومی، حمایت از رئیس و ستایش از وی و سخنان اوست و اگر اظهارنظر یا انتقادی در ارتباط با رئیس یا سخنرانی‌اش فاش شود طرف مربوطه نه تنها توبیخ و مجازات می شود، بلکه از کاندیدا شدن در انتخابات بعدی هم منع می‌شود.

تأسف برانگیز اینکه اعضای "امنو" تبدیل به مجموعه‌ای چاپلوس شده‌اند که کاری جز باقی ماندن در محدوده نورچشمی‌های رئیس برای تحقق دستاوردهای شخصی ندارند و کمترین توجهی به کارها و سیاست‌هایی که برای حزب زیان‌آور هستند، نمی‌کنند. اگر موضوع تردیدآمیزی مطرح شود، در صورتی که نخست وزیر صلاح بداند و دستورش را بدهد، حذف می‌شود و نادیده گرفته می شود و نتیجه اینکه هیچ‌کس در مورد چرایی عدم امکان ساخت نیمی از پل در آب‌های منطقه‌ای خودمان یا چرایی هدر دادن یک میلیارد رینگتی که برای مجتمع ساختمان گمرک و مهاجرت و قرنطینه بهداشتی هزینه شد، سؤال نمی‌کند؛ همچنانکه کسی هم نیست که علل توقف مذاکرات در مورد مسائل دیگری چون موافقتنامه آب با "سنگاپور" را جویا شود. در واقع به استثنای مجموعه‌ای از وبلاگ‌ها، در "امنو" هیچ عضو یا رهبری نیست که در مورد علت انتقال شرکت های مالزیایی با سرمایه‌هایی بالغ بر یک میلیارد رینگت به "سنگاپور"، سؤالی مطرح کرده باشد.

آنگاه بود که "تون عبدالله" از لیستی شامل چندین پروژه بزرگ از جمله پل دوم و راه آهن یک خطه "بینانگ" و گسترش سیستم حمل و نقل ریلی سبک و راه آهن یک خطه در "کوالالامپور" و اقدامات توسعه اقتصادی در مناطق عمده کشور با میلیاردها رینگت هزینه، سخن به میان آورد ولی هیچ کس تا اواخر سال ۲۰۰۸م. نفهمید که آیا کار بر روی این پروژه‌ها شروع شده تا تأثیری در کشور داشته باشد یا خیر؟

برخی از پروژه‌هایی که قبلاً متوقف شده بود ـ راه آهن دو خطه، پروژه انتقال آب از باهانگ به "سلانگور"[246] و جاده جدید منتهی به اتوبان فوقانی ـ به صورت جزئی از سر گرفته شد ولی پروژه راه‌آهن دو خطه، تنها از "ابوه" تا "بادانگ بیسار" اجرایی خواهد شد.

به علت این تأخیر نیز هزینه ساخت این قطعه کوتاه حدود ۱۲ میلیارد رینگت خواهد بود حال آنکه پیشنهاد اصلی که شامل راه‌آهنی از "جوهور بارو" تا "بادانگ بیسار" بود تنها ۱۴ میلیارد رینگت هزینه دربرداشت. کار بر روی سدّ "باکون" همچنان [تا زمان نوشتن این یادداشتها] ادامه دارد، گو اینکه دولت "تون عبدالله" کار را بر اساس برنامه‌ای شامل کشیدن دو رشته کابل در کف دریا به طول ۷۰۰ کیلومتر به منظور رساندن برق به شبه جزیره، مختصر کرد، ایده‌ای که ما در اواخر دهه ۹۰ قرن گذشته آن را رد کرده بودیم چون به لحاظ فنی اجرای آن با دشواری‌هایی روبرو بود و هزینه‌های آن نیز بالا بود. از تأثیر "سیاست بخش اتومبیل‌های ملی" که "تون عبدالله" در مارس ۲۰۰۶م. آن را اعلام کرد نیز برآشفته شدم.

ادامه دارد

پی‌نوشت:

۲۴۶ – این پروژه که اجرای آن ۱۱ سال طول کشید و شامل ساخت دو باب سدّ در "باهانگ" و یک منبع در "سلانگور" بود، برای پاسخ به نیازهای آینده به آب تصفیه شده انتقالی با لوله ها در "سلانگور" و "کوالالامپور"، طراحی شده بود.

خروج نیروهای آمریکا از سوریه؛ تاکتیک، یا استراتژی؟! ■ **بخش دوم و پایانی**

خروج آمریکا از سوریه چه رهاوردی برای ایران دارد؟

خبرگزاری فرانسه در گزارشی تصمیم رئیس جمهوری آمریکا برای خروج نظامیان کشورش از سوریه را پیروزی استراتژیک برای ایران در مقام متحد و پشتیبان دولت سوریه قلمداد کرد.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، خبرگزاری فرانسه در گزارشی درباره پیش‌بینی آینده اقدام آمریکا در خارج کردن نیروهایش از سوریه نوشت: اجرای این تصمیم آمریکا، زمینه تقویت نفوذ ایران در منطقه را فراهم می‌کند. بنا به این گزارش، عقب نشینی آمریکا از سوریه، زمینه ایجاد کریدور زمینی که ایران را به مدیترانه متصل می کند، فراهم می کند، چیزی که تهران همواره به دنبالش بوده و واشنگتن با آن مقابله کرده است. به نوشته خبرگزاری فرانسه، تحلیلگران سیاسی بر این باورند که سناریوی خروج آمریکا از سوریه، ایران را قادر می‌سازد تا نقشه منطقه را بازسازی کند، زیرا این کریدور قلمرو ایران را به عراق، سوریه و لبنان متصل می کند. این گزارش ادامه داد: منتقدان تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، گفته‌اند که این تصمیم به ایران اجازه خواهد داد به یک هدف استراتژیک خود دست یابد در حالی که مقابله با تحقق این هدف یکی از اولویت‌های اصلی سیاست آمریکا در خاورمیانه بوده است.

«جولیان ترون»، استاد دانشگاه و پژوهشگر امور سوریه در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه در واکنش به تصمیم آمریکا گفت: واضح است که این، یک پیروزی استراتژیک برای تهران است و به ایران امکان می‌دهد تا با شکستن حصر منطقه بی‌طرفی که غرب بین سوریه و عراق ایجاد کرده است، در آنجا مستقر شود. خبرگزاری فرانسه نوشت: ایران که در کنار روسیه از مهم‌ترین متحدان بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه محسوب می‌شود مستشاران و نیروهای نظامی خود را برای حمایت از ارتش سوریه به این کشور فرستاده است.این منبع افزود: با وجود اینکه ترامپ، تصمیم خارج کردن نیروهایش از سوریه را با شکست داعش مرتبط می‌داند؛ اما مخالفان این تصمیم حتی در داخل جبهه آمریکا آن را نادرست ارزیابی می‌کنند و معتقدند تصمیم آمریکا اشتباهی راهبردی است و میدان را به نفع ایران رقیب اصلی آمریکا در منطقه خالی می‌کند.

خبرگزاری فرانسه آورده است: آمریکا قریب به ۲۰۰۰ نظامی که اغلب آنها از نیروهای ویژه هستند در سوریه مستقر کرده است که اساسا در دو منطقه شرق سوریه در طول مرزهای این کشور با عراق حضور دارند که این امر به آنها اجازه می‌دهد تحرکات ایران را از طریق گذرگاه بین عراق و سوریه از نزدیک زیر نظر بگیرند. خبرگزاری فرانسه آورده است: نظامیان آمریکایی در مدت حضور خود در سوریه نیروهای سوریه دموکراتیک شامل گروه‌های کُرد و عرب را در نبرد ضد داعش آموزش داده و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آوردند و هم اینک آخرین بقایای عناصر داعش در منطقه‌ای از استان دیر الزور در کرانه شرقی رود فرات باقی مانده است. از سوی دیگر آمریکا در پایگاه التنف در مثلث مرزی بین سوریه، عراق و اردن حضور دارد و دمشق و متحدانش همواره از آمریکا خواسته اند نیروهایش را از این منطقه خارج کند. در این گزارش آمده است: آمریکا طی سال‌های اخیر از طریق مواضع خود در سوریه و عراق جلوی تحرکات سوریه و متحدانش در این کریدور زمینی را گرفته است و تلاش واشنگتن و تهران برای تاکید حضور نظامیشان در این منطقه بارها موجب ایجاد تنش در آنجا شده است. این تنش‌ها در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسید هنگامی که جنگنده‌های آمریکایی در ماه مه آن سال پیشروی کاروان نیروهای طرفدار نظام سوریه به سمت التنف را با بمباران اولین خودروی این کاروان که به منطقه نزدیک شده بود، متوقف کرد. در ژوئن همان سال یک جنگنده آمریکایی برای نخستین بار یک هواپیمای سوری را که متهم به بمباران نیروهای سوریه دموکراتیک بود ساقط کرد، حادثه‌ای که روسیه در مقام متحد دمشق آن را تجاوز آمریکا توصیف کرد. خبرگزاری فرانسه نوشت: ایران علاوه بر پشتیبانی از نظام سوریه از نفوذ زیادی در کشور همسایه خود یعنی عراق برخوردار است، آن هم از طریق جناح‌های شیعی تحت پرچم الحشدالشعبی که در حال حاضر به دنبال انتخابات پارلمانی اخیر عراق، پارلمان را در سیطره خود دارند، این گروه‌ها نقش بزرگی در حفظ امنیت در استان‌های متعدد عراق در مرز با سوریه ایفا می‌کنند.خبرگزاری فرانسه تاکید کرد: خروج نظامیان آمریکایی از سوریه با اظهارات پیشین و مکرر مقامات آمریکایی تناقض دارد مبنی بر اینکه تا وقتی ایران و متحدانش سوریه را ترک کنند در این کشور می مانند. خبرگزاری فرانسه به گزارش انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک اشاره کرده که گفته بود کاخ سفید باید بداند عنصری اصلی از سیاستش در قبال ایران در معرض خطر است که به طور مشخص، تلاش برای ممانعت از تقویت نفوذ ایران در سوریه و ایجاد پل زمینی با لبنان و تهدید مستقیم اسرائیل است. در این گزارش آمده است: حزب الله که دشمن سرسخت اسرائیل شمرده می‌شود، با ابتکار ایران پس از حمله اسرائیل به بیروت در سال ۱۹۸۲ تاسیس شد و این حزب شیعی مورد حمایت مالی و تسلیحاتی ایران قرار گرفت و آشکارا در کنار نیروهای دولتی سوریه از سال ۲۰۱۳ مبارزه می‌کند. خبرگزاری فرانسه افزود: اسرائیل هم بارها ادعا کرده که اهداف ایرانی و غیرایرانی متعلق به حزب الله در سوریه را بمباران کرده است، اسرائیل تاکید می‌کند که با آنچه تلاش‌های ایران برای تقویت حضور نظامی خود در سوریه و اعزام تسلیحات پیشرفته به حزب‌الله لبنان می‌خواند مقابله خواهد کرد. در دمشق مقامات این کشور موضع رسمی خود در قبال تصمیم آمریکا را اعلام نکردند؛ اما «بسام ابوعبدالله»، رئیس مرکز مطالعات راهبردی دمشق به خبرگزاری فرانسه گفت: سخن از اینکه با خروج نیروهای آمریکایی از سوریه خلایی ایجاد خواهد شد، اغراق آمیز است. وی افزود: حضور ایران در سوریه به درخواست دولت سوریه بوده و هدف از آن سرکوب تروریسم و کشورهای حامی تروریسم است بنابراین این حضور به تناسب افزایش یا کاهش خطرهای تهدید کننده دولت سوریه، ضعیف یا قوی می‌شود. در همین حال آرون لوند، پژوهشگر مطرح در اتاق فکر «بنیاد قرن» گفت: هنوز زود است بگوییم چه طرفی جای خالی آمریکایی‌ها را پر خواهد کرد؛ وی در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه تاکید کرد: باید منتظر باشیم و ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد و میزان سرعت خروج آمریکا چقدر است و اینکه آمریکا کاملا از سوریه خارج می‌شود یا خیر و چه کسی جای آن را پر خواهد کرد. وی افزود: شاید به دنبال این امر هرج و مرجی رخ دهد.

سناریوهای پیش‌رو پس از خروج آمریکا از سوریه

تصمیم غیرمنتظره دونالد ترامپ درباره خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، باعث شد تا هم‌پیمانان آمریکا و دشمنان محلی و منطقه‌ای و بین المللی این کشور تماس‌هایی را برای پر کردن خلأ در سوریه برقرار کنند. به گزارش ایسنا، به نقل از روزنامه الشرق الاوسط، دو موعد در صدر این تماس‌ها قرار دارند: اول مذاکرات آمریکا و ترکیه در واشنگتن و دوم مهلت ۶۰ روزه‌ای که برای عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی تعیین شده است.دمشق درباره تصمیم آمریکا برای خارج کردن نیروهایش از سوریه سکوت کرده است و مسکو منتظر اجرای این تصمیم است. اعراب هم‌پیمان واشنگتن در شرق فرات در نگرانی به سر می‌برند و کردها احساس می‌کنند که مجددا به آن‌ها خیانت شده است. آنکارا از تصمیم آمریکا به شکل محتاطانه استقبال کرده است و پاریس، لندن و برلین شوکه شده‌اند و تلاش می‌کنند تا واشنگتن را منصرف کنند. بعد از اعلام تصمیم ترامپ، روند طرح ریزی برای عقب‌نشینی کامل و سریع از شرق فرات، منبج و پایگاه التنف آغاز شده است. فورا دیپلمات‌های وابسته به وزارت خارجه آمریکا از سوریه خارج شدند و پیش‌بینی می‌شود که ماموران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(سیا) نیز به زودی خارج شوند تا مقدمه برای گردهم‌آوردن یگان‌های نظامی و نیروها برای عقب‌نشینی روشمند همزمان با مقدمات برای پر کردن خلأ فراهم شود.دو سناریو مطرح شده است: اول سناریویی است که برهم صالح، رئیس‌جمهور عراق نیز به آن اشاره کرده است. این سناریو بر این مبناست که رهبرانی از پ.ک.ک از قندیل به سلیمانیه بروند و بعد برای ازسرگیری روابط قدیمی خود با دولت سوریه به دمشق سفر کنند و ارتش سوریه و گارد مرزی به تمامی مناطق مرزی سوریه با ترکیه و عراق بازگردند و پرچم رسمی سوریه در مناطق شرق فرات برافراشته شود. برخی هم حتی احتمال اقدامات مشترک کردها و ارتش سوریه علیه ترکیه را مطرح می‌کنند. طی دو روز گذشته ارتباط میدانی میان یگان‌های مدافع خلق کرد و نیروهای دولتی در قامشلی، حسکه و حومه حلب ادامه داشته است. تماس‌های غیرمستقیمی میان یگان‌های مدافع خلق کرد و مسکو هم وجود دارد اما روسیه چندان اشتیاقی برای چنین طرحی ندارد. ترکیه به موجب توافق‌هایی که با مسکو دارد مایل است نوار امنیتی در شمال حلب و ادلب وجود داشته باشد. با این حال طرح کنترل ارتش سوریه بر مناطق مرزی را هم قبول می‌کند .سناریوی دیگر که برخی مسئولان آمریکایی از جمله جیمز جفری، نماینده آمریکا در امور سوریه خواهان اجرای آن هستند پیچیده‌تر است. این سناریو بر این مبناست که برای رضایت ترکیه یک منطقه حائل امنیتی به عمق ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر در طول نوار مرزی شمال سوریه از جرابلس تا مرزهای ترکیه و عراق ایجاد شود، پست‌های دیدبانی آمریکا در شهرهای کردنشین مرزی تل ابیض، کوبانی و رأس العین برچیده شوند و یگان‌های مدافع خلق کرد از مرزها دور شوند. بر اساس این سناریو نیروهای کرد سوری که توسط پیشمرگه‌های اقلیم کردستان عراق آموزش دیده‌اند و بیشتر به مسعود بارزانی وفادارند به مرزهای سوریه منتقل و در آنجا مستقر شوند، نیروهای عشایر عرب نیز در شمال حلب و شرق فرات برای جنگ با داعش و تغییر توازن جمعیتی مستقر شوند. احمد الجربا، رئیس جریان الغد که هزاران نیروی شبه نظامی عرب در اختیار دارد و هم با کردهای عراق و هم دولت ترکیه رابطه خوبی دارد نیز در این زمینه نقش موثری را ایفا کند. همچنین به عرب‌ها اختیارات بیشتری در شهرهایی مثل رقه و الطبقه داده شود.در این سناریو طرح استقرار نیروهای مرزبانی دولت سوریه هم مطرح می‌شود تا مورد قبول مسکو و دمشق باشد. همچنین طرح جنگ علیه داعش با حضور عشایر عرب و گروه‌های شورشی ادامه می‌یابد. در این طرح پیش‌بینی شده از ۲۰۰۰ نیروی شورشی که در پایگاه التنف هستند برای پاکسازی داعش استفاده شوند. مسئله اجرای نقشه راه منبج و عقب‌نشینی کامل یگان‌های مدافع خلق کرد و تشکیل شورای جدید و مسائل دیگر در نشست‌های ترکیه و آمریکا در ماه ژانویه بررسی خواهد شد. در این نشست قرار است ترکیه طرح‌های خود برای جنگ با داعش و دور کردن کردها را به نشست با آمریکایی‌ها ببرد و واشنگتن نیز ایده خود درباره عقب‌نشینی کامل از سوریه ظرف دو ماه و سرنوشت منطقه پرواز ممنوع را با ترک‌ها بررسی کند.هیئتی از شورای سوریه دموکراتیک شامل الهام احمد و ریاض درار رهبران این شورا دو روز پیش به فرانسه سفر کردند و دیدند که مقامات پاریس از تصمیم آمریکا شوکه شده‌اند. تنها خبر خوش برای این هیئت این بود که ترکیه عملیات شرق فرات را به تأخیر انداخته است. اما خبر بد برای آنها این بود که فرانسه در صورت عقب‌نشینی آمریکا نمی‌تواند از نظر نظامی کار زیادی انجام دهد و خواسته‌های کردها را درباره حفظ منطقه پرواز ممنوع برآورده کند.

واقعیت‌هایی که باعث فرار ترامپ از سوریه شد

نماینده آمریکا در سوریه در سخنانی اذعان کرد که آمریکا باید بپذیرد که دیگر تنها قدرت تصمیم‌گیری در دنیا نیست. به گزارش خبرگزاری تسنیم ، مدلی که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا با اتخاذ تصمیم عقب‌نشینی در سوریه رقم زده، نشان دهنده این است که آمریکا شکست خورده و ناکامی محاسباتش برای حمایت از متحدان منطقه‌ای خود جهت مقابله با ایران و محور مقاومت و تغییر رفتار دولت سوریه را پذیرفته است. این اقدام حتی فراتر از اینها نشان می دهد که محور مقاومت مبانی جدیدی را در موازنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده و باعث شده اردوگاه غربی و متحدانش شامل اسرائیل و رژیم آل سعود در منطقه با شکست جدیدی روبرو شوند .به نظر می‌رسد تصمیم تقریبا یک جانبه ترامپ برای عقب‌نشینی سریع از سوریه شنا کردن بر خلاف جریان آب است. در این شرایط اعتراضات وزارت دفاع آمریکا مبنی بر به تعویق انداختن عقب‌نشینی از سوریه که از آوریل گذشته مطرح شده، یا مداخله‌های تجارت گونه وزارت خارجه و جان بولتون و حتی مداخله‌های اسرائیل نتوانست مانع از اعلام تصمیم ترامپ برای خروج سریع از سوریه شود. حتی مجلس سنا و نمایندگان آمریکا نیز در تصمیم به خروج از سوریه با ترامپ همراه نیستند. سناتورهایی نظیر باب کورکر ، لیندسی گراهام و آدام شیف رئیس کمیسیون اطلاعات در مجلس نمایندگان و نانسی پلوسی رهبر دموکرات‌ها در کنگره با این تصمیم مخالف هستند.آنها نیز مانند روزنامه صهیونیستی‌هاآرتص معتقدند که خروج نیروهای آمریکایی از سوریه به روسیه و ایران اجازه می‌دهد تسلط خود بر این کشور را تقویت کند. این موضوع تردیدهای زیادی را برای آینده اسرائیل ایجاد خواهد کرد.ترامپ اما اگرچه تلاش دارد تصمیم خود را برای اجرای وعده‌های انتخاباتی و در نتیجه پیروزی آمریکا بر داعش معرفی کند، اما این حقیقت را نادیده گرفته که این تصمیم در نتیجه عدم به رسمیت شناختن شکست محاسباتی آمریکا بر متحدانش در اسرائیل و عربستان در مغلوب کردن سوریه و تقابل با ایران و محور مقاومت در لبنان و فلسطین صورت گرفته است.

واقعیت‌هایی که دونالد ترامپ در اعلام شکست آمریکا از آن طفره می‌رود، به شکل تقریبا ملموسی در اظهارات جیمز جفری فرستاده ویژه آمریکا در سوریه که در کنفرانس شورای ناتو انجام شد، مطرح شده بود. وی از گزینه‌های باقیمانده برای آمریکا در نتیجه موازنه‌های بین‌المللی سخن گفت و به صراحت اعلام کرد که زمانی که آمریکا قدرت برتر دنیا بود و تصمیمات را به تنهایی می گرفت، به پایان رسیده و این کشور باید دنیا را همانگونه که هست بپذیرد.جفری در سخنان خود تأکید کرد که آمریکا بار دیگر خود را در میان سیاست‌های تفکیکی (اوباما) و سیاست‌های تفکیکی جدید (سیاست‌های ترامپ) دچار شکاف دیده است. جفری در عبارت‌های استراتژیک خود در خصوص تغییر دنیا توضیح می‌دهد که رقابت استراتژیک بین دولت‌ها در زمینه امنیت ملی مورد توجه و اولویت آمریکا قرار دارد و این کشور اهمیتی به تروریسم نمی‌دهد. وی همچنین به بروز پدیده چین به عنوان رقیب اول آمریکا در عرصه اقتصادی و بروز روسیه به عنوان قدرت نظامی روز افزون در جهان اشاره کرده و توضیح می‌دهد که این روند باعث عقب‌نشینی آمریکا شده است. یکی از قدرت‌های رو به رشد در دنیای متغیر امروز ایران است که به عنوان یک قدرت منطقه‌ای از دولت سوریه و دولت عراق و محور مقاومت در فلسطین و لبنان حمایت می‌کند و این حمایت باعث شده تاثیرگذاری قابل توجهی در موازنه‌های بین‌المللی به‌دست آورد. در همین رابطه است که ترامپ اعلام کرده است که از تکیه بر اسرائیل و عربستان برای مبارزه با ایران در سوریه و عرصه بین‌المللی دست بر می‌دارد. ترامپ برای ارسال نیروهای نظامی عربستان از ائتلاف ناتوی اسلامی به سوریه ناکام ماند و همچنین نتوانست برای ایجاد کمربند امنیتی و استقرار نیروهای رژیم صهیونیستی ضد ایران و سوریه و محور مقاومت موفق عمل کند.از سوی دیگر رژیم صهیونیستی نیز درگیر شکست‌های نظامی از زمان جنگ ۳۳ روزه و جنگ‌های غزه است و به دنبال کشاندن نیروهای آمریکایی به جای خود به درگیری با ایران یا سوریه یا لبنان است که این موضوع نیز فراتر از توانمندی‌های آمریکا برای تحمل پیامدهای این تجاوز است.

دانشگاه آزاد، راننده و پیمانکار، مقصر سانحه اتوبوس شناخته شدند

سرویس خبر: هیات هفت نفری در مورد حادثه واژگونی اتوبوس در دانشگاه علوم و تحقیقات سه عامل اساسی راننده، پیمانکارو دانشگاه آزادرا مقصر اعلام کرد.

جعفری دولت آبادی دادستان تهران در حاشیه نشست بررسی وضع پیش فروش خودرو گفت: طبق وعده‌ای که به مردم دادیم هیات نظر کارشناسی را اعلام کرده و سه عامل اساسی را مقصر دانسته است.

او ادامه داد: راننده، دانشگاه و پیمانکار که مسئول خدمات رسانی در آنجا بوده است مقصر اعلام شدند، راننده فوت کرده است و از طریق بیمه، مبلغ دیه‌ها وصول می‌شود.

وی افزود: برخلاف نظر پلیس که به طور درصدی اعلام تقصیر کرده بود هیات ۷ نفری به نحو مساوی افراد و دستگاه‌ها را مسئول شناخته است، بعد از ابلاغ این نظریه مقرر شد طبق قانون اقدام شود و اگر اعتراضی باشد طبق قانون به آن عمل می‌شود.

وی درباره این که آیا پرونده شاکی خصوصی هم دارد؟ گفت: خانواده‌هایی که فرزندانشان فوت شده و همچنین مصدومان طرح شکایت کرده‌اند و پرونده شاکی خصوصی دارد.

دادستان کل کشور هم با اشاره به پرونده حادثه واژگونی اتوبوس در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران گفت: بخش‌هایی از این پرونده که کارهای حقوقی و قضایی آن تکمیل شده بود، آماده ارسال به دادگاه است.

حجت الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری درارتباط با آخرین پیگیری‌های انجام گرفته در مورد حادثه دانشگاه علوم و تحقیقات، اظهارداشت: بخشی هم که منوط به نظر نهایی پزشکی قانونی است تا مشخص شدن نتیجه در مرحله دادسرا و تحقیقات باقی می‌ماند و یکسری از اقدامات به تحقیقات میدانی تکالیفی را متوجه دانشگاه آزاد کرده است که در این زمینه ابلاغاتی شده است و به دنبال بر طرف کردن آنها باشند تا دیگر شاهد چنین مشکلاتی نباشیم.

وی افزود: در این زمینه عده‌ای قصور و تقصیر داشتند که در این زمینه پرونده در دادگاه است و به میزان قصور و تقصیر برخورد قضایی صورت خواهد گرفت. بخشی از وظایف نیز بر عهده دانشگاه آزاد بوده است که باید به آن عمل شود.

*** رسیدگی به پرونده ۲۰ شرکت لیزینگی**

دادستان تهران همچنین در نشست بررسی پرونده‌های تخلفات شرکت‌های لیزینگی گفت: پرونده ۲۰ شرکت لیزینگی و واردکننده خودرو با ۵ هزار و ۱۰۰ شاکی و ۲هزار میلیارد تومان مطالبات در دست رسیدگی است.

جعفری دولت آبادی افزود: این روزها شاهد تجمع مردم در اعتراض به پیش فروش خودروها هستیم و در قوه قضاییه هر وقت با این پرونده‌ها مواجه می‌شویم به این نتیجه می‌رسیم که شمار شکات زیاد است و مرتب رو به افزایش هم خواهد بود.

وی گفت: رسیدگی به این پرونده‌ها بسیار سخت است چرا که منابع مالی متهمان نامشخص است و خیلی مواقع سرمایه‌ای شناسایی نمی‌شود و فشار شکات نیز روند تحقیقات را پیچیده‌تر می‌کند.

او به چندین پرونده شرکت‌های لیزینگی که منجر به صدور حکم شده است، اشاره کرد و گفت: شرکت نگین خودرو سه هزار و ۵۰۰ شاکی و شش محکوم دارد، یک نفر در زندان است و این شرکت ۴۰ میلیارد تومان بدهی دارد.

وی افزود: شرکت پاسارگاد خودرو نیز ۶۳۰ شاکی دارد و دو محکوم در زندان هستند و هفت میلیارد تومان بدهی دارد که تاکنون اموالی توقیف نشده است و شرکت پارس خلیج خودرو نیز با سه محکوم بازداشتی، ۲۵۵ شاکی دارد که تاکنون هیچ اموالی از این شرکت شناسایی نشده است.

دادستان تهران به تعدادی دیگر از پرونده‌های شرکت‌های لیزینگی اشاره کرد که این پرونده‌ها منجر به صدور حکم نشده و در حال بازپرسی و صدور کیفرخواست است.

دستگیری ۱۹۳ متهم و کشف ۲۲۷۵ فقره سرقت در تهران

سرویس خبر: ششمین مرحله طرح مبارزه سارقان و محکومان فراری وقاچاقچیان کالای قاچاق با دستگیری ۱۹۳ متهم و کشف ۲۲۷۵ فقره سرقت وجمع آوری ۱۵تن موادمحترقه ازدپو انبارها پایان یافت.

سردار حسین رحیمی فرمانده انتظامی تهران بزرگ درباره دستاوردهای این طرح در مقر مرکزی پلیس آگاهی تهران بزرگ، اظهار کرد: در اجرای این طرح ۱۹۳ نفر از مجرمان حرفه‌ای، شبکه‌ای و محکومان فراری که در قالب ۴۶ گروه اقدام به ارتکاب جرائم مختلف کرده بودند، دستگیر شدند.او با اعلام این که ۲۳ درصد از دستگیر شدگان معادل ۶۲ نفر از آنان اقدام به سرقت به عنف و زورگیری کرده بودند، گفت: ۶۸۰ فقره سرقت و زورگیری از سوی این افراد کشف شده است که تحقیقات برای کشف دیگر جرائم نیز ادامه دارد.وی از دستگیری ۳۴ نفر که در قالب ۱۰ شبکه اقدام به سرقت از مغازه و اماکن کرده بودند،خبر داد و افزود: این افراد معادل ۱۸ درصد از کل دستگیر شدگان هستند و به ۱۷۵ فقره سرقت از منزل و اماکن اعتراف کرده‌اند.

رئیس پلیس تهران بزرگ ادامه داد: ۶۹ نفر از دستگیر شدگان که در ۱۶ شبکه فعالیت داشتند نیز اقدام به سرقت خودرو، موتورسیکلت و لوازم خودرو کرده بودند که شمار اعترافاتشان از ۱۳۴۰ فقره عبور کرده است.

رئیس پلیس تهران بزرگ از کشف محموله‌های کالای قاچاق نیز در اجرای این طرح خبر داد و گفت: در مجموع بیش از ۷۵۰ میلیارد ریال کالای قاچاق از قاچاقچیان کشف شده و منجر به دستگیری ۱۷ قاچاقچی عمده شده است.وی اضافه کرد: بیشترین اقلام کشف شده از این قاچاقچیان ۱۰ تن پوشاک قاچاق معادل ۱۵ هزار ثوب و ۶۵۰ رول پارچه قاچاق است.

رئیس پلیس تهران از کشف مقادیر قابل توجهی مواد محترقه نیز خبر داد و گفت: همکاران در پلیس آگاهی، پلیس امنیت و پلیس پیشگیری طرح‌های خود برای برخورد با قاچاق و خرید و فروش مواد محترقه را آغاز کرده‌اند و اخیرا نیز در بازرسی از چند انبار ۱۵ تن مواد محترقه غیرمجاز و قاچاق را کشف و ضبط کردند.

محسنی اژه‌ای: نظام اسلامی دست همه مفسدان را کوتاه کرد

سرویس خبر:معاون اول قوه قضاییه در برنامه بدون توقف با تاکید بر این که بیان ۴۰ سال زحمات مردم در ۲۰ ساعت یا حتی ۵۰ ساعت هم امکانپذیر نیست گفت: یکی از خدمات این نظام این بود که دست همه مفسدان را کوتاه کرد و همه اموال آنها را به نفع مردم و بیت المال مصادره کرد و یکی از وظایف قوه قضاییه از همان روزهای اول این موضوع بوده است.حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای افزود: در جمهوری اسلامی در همان ابتدا هم نگاه به این موضوع بود که این اموال غصب شده به بیت المال و مردم بازگردد و در عین حال، محاکمه طبق قانون و شرع انجام گیرد. وی افزود: یکی از اقدامات بسیار مهمی که قوه قضائیه انجام داد اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است.

او گفت: در همان سال‌های ابتدایی انقلاب، قرار بود چند کودتا انجام شود که قوه قضاییه با کمک سایر دستگاه‌های نظامی و انتظامی عوامل کودتا را شناسایی کرد و به مجازات رساند. وی اضافه کرد: ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ از یک طرف جنگ خارجی نظامی تحمیل شد و از طرف دیگر عوامل دشمن با نام‌های مختلف همراه با جنگ نظامی بیرونی در داخل کشور دست به اسلحه بردند و امنیت و اموال مردم را خدشه دار می‌کردند و خرمن یک کشاورز بیچاره را آتش می‌زدند و مردم کوچه و بازار را ترور می‌کردند باید توجه داشت که چه کسی چشم این فتنه را درآورد و چه کسی با این تروریست‌ها مقابله کرد و چه کسی در آن جنگ تمام عیار در اول انقلاب با ستون پنجم دشمن در داخل مقابله کرد و چه کسی جلوگیری کرد که ته مانده‌های آنها امروز دست به دامن آمریکا، اسرائیل و دشمن‌های سرسخت جمهوری اسلامی شوند؟وی ادامه داد: البته این کار نظام بود، اما باید توجه داشت که چه کسی آنها را مجازات کرد و جوری برخورد کرد که جلو خیلی از ناامنی‌های بعدی را گرفت یعنی پیشگیری کرد و پایه‌ای گذاشت که امنیتی برقرار شد و نظام تثبیت شد.

بازسازی واحدهای آسیب دیده مناطق زلزله زده کرمانشاه پایان یافت

رئیس ستاد هماهنگی بازسازی کرمانشاه، از اتمام پایان عملیات بازسازی و مقاوم سازی تمامی ۶۰ هزار واحد تعمیری خسارت دیده از زلزله ۷/۳ ریشتری سال گذشته غرب این استان خبر داد. رضا خواجه‌ای افزود: تمامی مالکان واحدهای تعمیری با معرفی به بانک‌های عامل از تسهیلات تعمیرات برای واحدهای مسکونی خود با توجه به نوع آسیب دیدگی برخوردار شدند.

جزئیات تیراندازی به خودرو رئیس کل دادگستری کهگیلویه و بویراحمد

سرویس شهرستانها: رئیس کل دادگستری کهگیلویه و بویراحمد جزئیات حادثه تیراندازی به خودرواش را تشریح کرد.غلامرضا مزارعی در گفتگو با تسنیم، اظهار داشت: بعد از بازگشت از محل کار، هنگامی که می‌خواستم از خودرو پیاده و وارد منزل شخصی‌ام شوم، خودرو را به گلوله بستند .به گفته وی این حادثه در خیابان «باهنر ۵» رخ داد و به کسی آسیب نرسید.

سرباز وظیفه و افسر راهنمایی در بهبهان و زاهدان به شهادت رسیدند

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: سرباز وظیفه سلیم شاوردی از پرسنل پاسگاه انتظامی پل زهره شهرستان بهبهان که در درگیری با سوداگران مرگ زخمی شده بود به دلیل شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

سرهنگ علی قاسم پور معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان خوزستان دراین باره اظهار داشت: در راستای اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و برخورد با فروش و توزیع مواد مخدر، ماموران پاسگاه انتظامی پل زهره ۱۶ بهبهان هفته جاری، یک خودرو سمند حامل ۳۰کیلوگرم مواد مخدر را با سه نفر سوداگر مرگ شناسایی و متوقف کردند.

وی افزود: هنگام جابه‌جایی خودرو حامل مواد مخدر، قاچاقچیان قصد ربودن مواد مخدر را داشتند که پس از تعقیب و گریز بین ماموران و قاچاقچیان درگیری پیش آمد و سه متهم زخمی و دستگیر شدند که استوار دوم وظیفه سلیم شاوردی نیز مجروح و به بیمارستان اهواز منتقل شد.

قاسم پور گفت: به رغم تلاش پزشکان، این سرباز به دلیل شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نائل شد.

*** شهادت مامورپلیس راهور**

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: سرگرد غلامحسن جان دوست، مامورپلیس راهور سه شنبه شب در زاهدان به شهادت رسید.

فرمانده انتظامی تربت جام گفت: شهید جان دوست اهل روستای «ابدال آباد» تربت جام مامور راهنمایی و رانندگی هنگام خدمت بر اثر تیر اندازی راکبان یک موتورسیکلت در خیابان سعدی غربی در زاهدان به شهادت رسید.یک سرباز وظیفه نیز در این تیراندازی مجروح و روانه بیمارستان شد.

پیکر این شهید پس از انتقال به تربت جام در زادگاهش روستای ابدال آباد تربت جام تشییع و به خاک سپرده شد.

یادداشت

آینده فعالیت پلیسی

سرهنگ دکتر غلامحسین بیابانی *

در سالیان اولیه قرن بیست ویکم، فعالیت پلیسی در جهان توسعه‌یافته و مسیر سختی را پیموده است. پروفسور تیم هوپ بر اساس صدماتی که توسط پلیس ایجاد شده است، از جمله تاثیرات تبعیض‌آمیز سیاست‌های ایست‌های بازرسی و فرهنگ حاکم بر فعالیت پلیسی، اظهار کرده است که این فعالیت‌ها تنگ‌نظرانه‌اند و باعث کاهش تاثیرگذاری پلیس در ماموریت اصلی خود در جهت کنترل جرائم می‌شوند.

هوپ همچنین اشاره کرده است که «طوفانی تمام عیار» بر فعالیت پلیسی در سراسر جهان تاثیر می‌گذارد. اول اینکه بیشتر کشورها از زمان بحران نفت در دهه۱۹۷۰ سطحی از ریاضت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. بودجه‌های پلیسی در بریتانیا، اروپا و آمریکا کاهش یافته‌اند. تاثیرات بلندمدت تغییرات در جمعیت نشان می‌دهد که اگرچه بدهی و کاهش درآمدهای مالیاتی باعث کمبود بودجه‌ای بلافاصله شده‌اند، آینده بسیار چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد؛ آینده‌ای که در آن فعالیت پلیسی باید با ساختار نهادی بی‌کفایتش مواجه شود. علیرغم تغییرات فناورانه، بودجه‌های پلیس در جهان نشان می‌دهد که حدود۸۰ درصد مخارج، هزینه نیروی کار می‌شود، رقمی که در۳۰ ساله گذشته تغییری نکرده است. متناسب با دیگر ادارات بخش دولتی، فعالیت پلیسی در زمانه‌ای گران‌قیمت شده است که ضروری است از هزینه‌ها کاسته شود. با توجه به هزینه‌های پلیس، بنابراین این امر به‌طورخاص مشکل‌آفرین است که بعد دوم «طوفان»، چالش نشان دادن موثر بودن پلیس است در شرایطی که جرائم کاهش می‌یابند و الگوهای جرائم دستخوش تغییرند. در بحثی بین‌المللی در مورد دلایل کاهش جرائم، تحلیل‌های اندکی نقش اصلی را به پلیس داده‌اند. قانع‌کننده‌ترین توضیحات، پیشنهاد داده‌اند که پیشگیری جرم موقعیت محور، تاثیرگذارتر بوده است. علاوه بر این، با کاهش تعداد کارکنان پلیس هنوز افزایشی در جرائم مشاهده نشده است.

یکی از دلایل اینکه این ارقام افزایش نمی‌یابند این است که این ارقام منعکس کننده تغییرات در الگوی جرائم نیستند. اداره آمار ملی انگلستان تخمین زده است که بیش از ۳ میلیون جرم براساس اینترنت و کلاهبرداری هم در ارقام رسمی و هم در پیمایش جرائم انگلستان و ولز شناسایی نشده‌اند.

با اضافه کردن این ارقام به آمار رسمی، این جرائم باعث افزایش آمار در انگلستان در حدود۵۰ درصد می‌شوند. پلیس نمی‌تواند با این جرائم مقابله کند زیرا در یک مدل جغرافیایی فعالیت پلیسی با مرزهای فیزیکی و اختیارات قانونی ملی محدود است. پلیس همچنین در مقابله با جرائمی از قبیل قاچاق انسان، سوءاستفاده جنسی از کودکان و خشونت محلی درگیر است که در بین مرزهای کشورها، ادارات یا فضای خصوصی و عمومی است. راه‌حل‌ها اغلب به عنوان تجدید سازمان ساختاری سازمان فعلی دیده می‌شوند و نه یک تغییر مسیر اساسی‌تر. درنهایت، این بحران در فعالیت پلیسی در حال به چالش کشیدن مشروعیت پلیس به عنوان یک موسسه است.

در گذشته پلیس بدون شک به تجربه و قوانین سنتی و گفتمان نظم تکیه داشته است. با انتخاب‌های هرچه دشوارتر بین تامین بودجه سلامت، آموزش، دفاع و دیگر خدمات عمومی، محتمل نیست که چنین رویکردی در بحث‌های زیادی پیروز باشد. رهبران پلیس به یک راهبرد بسیار رادیکال‌تر برای حفظ خدمات‌شان نیاز دارند برای جلوگیری از آنچه جورج کلینگ آن را «عقب‌نشینی از هسته» نامیده است که فعالیت پلیسی را بیشتر و بیشتر به یک ویژگی غیرجذاب به عنوان یک خدمت اورژانسی گره‌گشای نهایی سوق می‌دهد. درواقع بروگدن و الیسون استدلال کرده‌اند که واکنش‌های مجزای رهبران پلیس به ریاضت هم‌اکنون شروع کرده است به لغزش در چنین جهت نامناسبی.

یک رویکرد آلترناتیو هم وجود دارد. حتی صاحبنظرانی که سهم پلیس را حداقل کرده‌اند و بر تاثیر امنیت به طور وسیع‌تر و شبکه امنیت تمرکز دارند در حمایت از تغییرات در رفتار از طریق قانونگذاری، پیشگیری و توان‌بخشی، جایی برای پلیس به عنوان‌هادی کاهش‌ها در گذشته و زمان حال می‌یابند. در این کار، والر و دیگر نویسندگان اصلی استدلال کردند که تکیه بر تجربه و تاکتیک‌های سنتی کافی نیست. در عوض، لیکاک و تیلی پیشنهاد توجهی مضاعف به «حل مسأله حرفه‌ای» را می‌دهند و والر از «کنترل هوشمندانه‌تر جرائم» با تمرکز بر «مکان‌ها و افراد مسأله‌دار» حمایت می‌کند و شرمن از راهبرد «سه تی» دفاع می‌کند. یعنی هدفگذاری، آزمایش و پیگیری با استفاده از بهترین شواهد در دسترس. جریان مشترک هرکدام از اینها، ادراکی از آینده فعالیت پلیسی به عنوان یک حرفه جدید با استفاده از دانش برای حمایت از ارائه خدمات و نوآوری و پژوهش در آزمایش، یادگیری و ایجاد فعالیت‌های موثر است.

اصلاح خدمات پلیسی در این مسیرها کاری آسان نیست. آموزش پلیس ریشه‌های سختی در مدلی دارد که تا حدود زیادی در قرن نوزدهم تبیین شده است که در آن قانون و رویه‌های قضایی در ترکیب با انتقال تجربیات بر فعالیت بر محور شواهد ترجیح داده شده‌اند. حرفه‌ای‌گری جدید باید توجه بیشتری به تعهد اجتماعی، شواهد و راهبردهایی داشته باشد که بر بهبود مشروعیت تمرکز دارند.

نیرود و وایسبورد و نیرود و شرمن استدلال کرده‌اند که برای اینکه رهبران پلیس بتوانند با چالش‌های «طوفان تمام عیار» مقابله کنند، ضروری است که پلیس، دانش پلیسی را دارا باشد، آن را به‌کارگیرد و گسترش دهد. دارایی در این زمینه شامل این می‌شود که پلیس، دانش پلیسی را به عنوان سازه اصلی فعالیت بپذیرد و در همکاری با پژوهشگران سرمایه‌گذاری کند و آن دانش را گسترش دهد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، نیاز است که افسران پلیس و رهبران پلیس دانش را به عنوان مشخص‌کننده انتخاب راهکنشها (تاکتیک‌ها) و راهبردهایشان و یک بخش حیاتی از چارچوب صلاحیتی برای هر گونه متقاضی یا هر یک از کارکنان پلیس ارزش نهند.

بدنه درحال رشد پژوهش و بررسی‌های سیستماتیک تحقیقات در فعالیت پلیسی امروزه برنامه‌ای برای حرفه پلیس ارائه می‌کند که با مدل دهه۱۹۵۰ (واکنش سریع، تحقیق واکنشی و گشت تصادفی) بسیار متفاوت است. پلیس می‌تواند موثر باشد اگر تلاش‌هایش را بر روی مکان‌های جرم‌خیز، متخلفان پرآسیب یا با تکرار جرم بالا و بر روی حفاظت از قربانیان آسیب‌پذیر متمرکز کند. با توجه به تاثیر هر رویکرد یا ترکیب رویکردها بر روی مشروعیت مورد نظر، پلیس باید بتواند از تاثیرات معکوس رویکردهای مبتنی بر اقدامات پیشگیرانه بیش از حد شدید اجتناب کند. با بسط این علم به چالش‌های مهار و پیشگیری مواردی از قبیل جرائم سایبری و جرائم سازمان‌یافته، پلیس می‌تواند چارچوب جدیدی برای نقش خود در قلب مسئولیت‌های دولت برای حمایت از شهروندان از صدمات قابل اجتناب ایجاد کند.

*** رئیس مرکز تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا**

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ملت ایران سپاسگزار دکتر قاضی‌زاده هاشمی است

تمامی ملت و اقوام ایرانی از کُرد و ترک و لُر وعرب و بلوچ و دیگر هموطنان ما، سپاسگزار خدمات دکتر سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی در دوران وزارت بهداشت و درمان هستند و برای ایشان سلامت و موفقیت روزافزون مسئلت می‌کنند. در ضمن به دکتر قاضی‌زاده هاشمی توصیه می‌کنم کتاب «نخبه‌کشی در ایران» را حتماً بخوانند!

هموطن

لزوم حرفه‌آموزی به سربازان وظیفه

سپری‌شدن دوران سربازی به نحو مطلوب به‌عنوان یک‌وظیفه ملی همواره یکی از دغدغه‌های جوانان کشور و خانواده‌هایشان بوده است که به‌طور کلی اکثریت افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به باور کارشناسان، گذراندن دوران سربازی باید به‌گونه‌ای باشد که از اتلاف وقت سربازان به نحو چشمگیری پیشگیری شود که در این ارتباط از رسانه پر مخاطب اطلاعات تقاضا می‌شود مقاله یا گزارشی نوشته و منتشر کند و برای بهینه‌سازی و کارآیی بهتر و بیشتر دوران سربازی، راهکارهای آن را با مسئولان و ازجمله نمایندگان مجلس در میان بگذارند. آنچه در این زمینه به نظر من می‌رسد، از این قرار است: کاهش منطقی دوران سربازی، مهارت و حرفه‌آموزی به سربازان برای ورود به بازار کار پس از پایان خدمت نظام و در صورت امکان این که اگر محل‌های خدمت و تحصیل آنان در یک شهر باشد، تحت شرایطی بتوانند در آن شهر ادامه تحصیل دهند.

مجتبی ، م، ر ـ ایمیل به خط ارتباطی

لزوم نصب دستگاه نوبت‌دهی در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

برای دریافت سامانه «سنا» به دفتر خدمات الکترونیک قضایی واقع در خیابان پیروزی، خیابان نبردجنوبی رفتم که خیلی شلوغ بود و نبود دستگاه نوبت‌دهی هم مزید بر علت شده بود. لطفاً بنویسید برای تمامی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی دستگاه نوبت‌دهی بگذارند تا وقت مراجعان بیهوده تلف نشود.

سید حسن میرنبوی

مسئولان ناتوان در حل مشکلات، استعفا دهند!

استعفای وزیر بهداشت و درمان به دلایلی مانند تأخیر در پرداخت معوقه‌های حقوق بازنشستگان این وزارتخانه اقدامی مناسب و درخور قدردانی است. امیدوارم برخی از مدیران و وزیران کشور که برای انجام کار و مسئولیت‌ها و تحقق وعده‌هایشان تردید دارند نیز استعفا دهند تا شاید مسئول بعدی بتواند مشکلات را حل کند. ای کاش رئیس محترم جمهوری در عوض موافقت با استعفای وزیر فعال و مسئول در برابر وظایف خود، درصدد رفع معضلات و مشکلات بخش دارو و درمان کشور برآید.

احمدیان ـ همدان

جوانان ملزم به فراگیری فن و حرفه شوند

در شرایطی که بیکاری یکی از معضلات بزرگ اجتماعی و اقتصادی است وجود بیکاری در کشور به دلایلی مانند فاقد مهارت بودن جوانان است، به مسئولان پیشنهاد می‌کنم برای حل معضل بیکاری جوانان و بخصوص افراد ذکور در قبال دریافت مدارک تحصیلی ملزم به گذراندن دوره‌های مهارت‌آموزی از هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای شوند و درضمن در دوران خدمت مقدس سربازی نیز علاوه بر آموزش‌های نظامی به تکمیل آموزش‌های فنی جوانان پرداخته شود، تا بعد از پایان دوره خدمت و یا پایان تحصیلات، تمامی جوانان حداقل در یک رشته فنی و یا هنری مهارتی به دست آورده باشند.

صابری ـ قائم‌شهر

پاسخ مسئولان

پاسخ روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای آذربایجان غربی

در پی درج گزارشی با عنوان «خطوط انتقال خدمات رفاهی، بلای جان جاده‌های روستایی ارومیه» در روزنامه اطلاعات ششم دی‌ماه ۹۷ به اطلاع می‌رساند:

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای آذربایجان غربی براساس قوانین و مقررات ایمنی راه‌ها نسبت به صدور مجوز حفاری در منتهی‌الیه حریم اقدام می‌نماید و شرکت پیمانکار گاز زیر نظارت اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان ارومیه نسبت به حفاری براساس مجوز صادره اقدام می‌کند و معمولاً پس از اجرای عملیات برابر مجوز صادره نسبت به برگرداندن به حالت اولیه اقدام می‌شود و در صورت عدم اقدام خسارت وارده برابر مجوز صادره اخذ و در نهایت این اداره کل راساً وارد عمل می‌شود.

پاسخ روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان غربی به خبر روزنامه اطلاعات

روزنامه قدیمی و محترم اطلاعات در خبری به نقل از خبرنگار خود در ارومیه مدعی شده است که «شرکت‌های پیمانکار اجرای پروژه‌های گازرسانی و آب‌رسانی با استفاده از فضای بی‌تفاوتی متولیان راه‌ها، جاده‌های روستایی ارومیه را در معرض تخریب و ویرانی قرار داده‌اند»، که در راستای انجام وظیفه و رسالت خود و همچنین تنویر افکار عمومی، توضیحاتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف: خطوط انتقال و تغذیه گاز طبیعی در پروژه‌های گازرسانی از جاده‌ها و حریم آنها عبور نمی‌کند، بلکه براساس دستورالعمل‌ها و اصول علمی، برای عبور خطوط گاز طبیعی از منتهی‌الیه حریم جاده‌ها استفاده می‌شود که نمی‌تواند آسیبی به جاده‌ها و حتی شانه خالی آن‌ها وارد سازد. در مواقعی بسیار ضروری هم که لازم است خطوط گاز از جاده عبور کند، این اقدام با مجوز اداره محترم راه و همچنین براساس اصول ایمنی و مبتنی بر استانداردهای علمی صورت می‌پذیرد و پس از عملیات حفاری نیز اقدامات اصلاحی در حداقل زمان ممکن انجام می‌گیرد.

ب: روزنامه محترم اطلاعات همچنین از نشست ۱۰ کیلومتری جاده روستاهای حیدرلو به خانشان در نتیجه حفاری‌های غیرفنی برای انتقال گاز خبر داده است که این امر نیز با توجه به توضیحات ارائه شده فوق، غیرممکن است و پس از بررسی‌های میدانی منطقه مورد اشاره، نشست ۱۰ کیلومتری جاده روستاهای حیدرلو به خانشان به دلیل عملیات حفاری و انتقال گاز، تکذیب می‌شود.

تلاشهای بی‌نتیجه برای قانونی جلوه‌دادن استثنای سرپرستان فدراسیونها

بحث حضور یا عدم حضور سرپرستان فدراســـیونهای ورزشی، در انتخابات رؤسای فدراســـیونها، به بحثی کشدار و بی‌نتیجه از منظر قانون تبدیل شده که اما وزارت ورزش و جوانان با به‌میان آوردن تبصره‌هایی که بیشتر جنبۀ توصیه‌ای یا پیشنهادی دارد تا جنبۀ قانونی؛ قصد دارد یک بام و دو هوای بوجود آورده در این زمینه را، توجیه کند.

پیش از این و طی ســـالهای گذشـــته، سرپرستان فدراسیونها، منعی برای حضور در انتخابات رؤسای فدراسیونها را نداشتند به شرط اینکه در یک مهلت قانونی تأیید شده، از سمت سرپرستی، استعفا بدهند. با توجه به اخبار ضد و نقیض، جا افتاد که سرپرستان اجازه حضور در انتخابات را ندارند و بدون اینکه کسی بپرسد این ماجرا قانونی است یا نه، از سوی همه، قانونی تلقی می‌شد تا جائیکه وقتی قرار بود سرپرستی در انتخابات فدراسیونها، شرکت کند، خلاف قانون به‌نظر می‌رسید و همین موضوع باعث شد تا با رجوع به قوانین موجود، مشخص شود که حضور سرپرستان فدراسیونها در انتخابات رؤسای فدراسیونها، هیچ منع قانونی ندارد و هر سرپرستی که حائز شرایط لازم باشد، می‌تواند داوطلب حضور در انتخابات باشد.

در چنین شرایطی بود که از سوی برخی سرپرستان فدراسیونها که از سوی وزارت ورزش و جوانان، منصوب می‌شوند، اعلام شد که به دلیل بوجودنیامدن شائبه‌هایی مبنی بر استفاده از رانت‌های احتمالی که شانس سرپرستان را در انتخابات بیشتر می‌کند، وزارت ورزش از همه سرپرستانی که مسئولیت می‌پذیرند، می‌خواهد تا برای رعایت اخلاقیات، از حضور در انتخابات رؤسای فدراسیونها، خودداری کنند. اصولاً این ماجرا پیشـــتر در زمان انتخابات سال گذشته فدراســـیون بسکتبال مطرح شد یعنی زمانیکه پریچهره سرپرست فدراسیون در آخرین روز ثبت‌نام از کاندیداها، قصد داوطلب‌شـــدن را داشت اما از سوی داورزنی منع شد و از همان زمان هم اعلام شد سرپرستان نباید شرکت کنند چون باید اخلاقیات رعایت شود و کاندیداها از شرایطی مساوی برای حضور در انتخابات، برخوردار باشـــند. این ماجرا به همین صورت پیش رفت تا روزی که رسول‌خادم از فدراسیون کشـــتی کناره‌گیری کرد و بنی‌تمیم سرپرست شد و داورزنی معاون ورزش حرفه‌ای وزارت ورزش حضـــور بنی تمیـــم را در انتخابات، طبـــق قانون اعلام کرد با این توجیه که چون سرپرستان عموماً از خانواده آن ورزش نیستند وزارت ورزش و جوانان آنان را از حضور در انتخابـــات منع می‌کند اما برای فردی مثل بنی تمیم که از خانواده کشـــتی است، این استثناء بوجود می‌آید. یعنی بعد از آنکه بارها از سوی وزارتی‌ها بخصوص اسبقیان مدیرکل دفتر امور فدراسیونها، اعلام شد که بدلیل اخلاقی‌نبودن حضور سرپرستان، وزارت همه را از این ماجرا، منع کـــرده، داورزنی توجیه دیگری پیدا کرد تا در قانون نانوشـــته گذشته وزارت ورزش، استثناهایی پیدا کند.

در این میان اما هرگز توضیحی داده نشد که چرا قبل و یا حداقل بعد از سرپرستی بنی‌تمیم، در سایر فدراسیونهای مشمول داشتن سرپرست، از مدیران توانمند و حائز شـــرایطی از جنس همان ورزش برای سرپرستی استفاده نشد تا آنان هم بتوانند از این استثناء قانون نانوشته وزارت ورزش، بهره‌مند شوند و باز، مدیران وزارتخانه، شدند سرپرستان سایر فدراسیونها! و شاید از آنجا که این توجیهات ســـطحی و غیراصولی معاونت ورزش قهرمانی وزارت ورزش، جامعه ورزش را قانع نمی‌کرد، این روزها یکی دیگر از مدیران با اظهارنظری دیگر، سعی در توجیه بهتری در این زمینه، داشـــته است. به تازگی مهدی مســـتجاب الدعوه مسئول امور مجامع وزارت ورزش و جوانان و مشاور امور مشترک فدراسیونها، اظهارنظری کرده که در نوع خود، جالب است.

مستجاب‌الدعوه بعد از آنکه تأکید کرده که قانون صریحاً اجازه می‌دهد تا هر سرپرستی در انتخابات ریاست فدراسیونها شرکت کند یک پرانتز باز می‌کند و می‌گوید: «البته رئیس مجمع با لحاظ‌کردن شرایط می‌تواند در مورد فدراسیونها و برگـــزاری مجامع انتخاباتی آنها، تصمیماتی بگیرد. بر همین اساس در مورد فدراسیونهایی که بدلیل اجرای قانون منع بکارگیری بازنشستگان، توسط سرپرست اداره می‌شوند، با لحاظ‌کردن یک ســـری موارد و جلوگیری از عدم ایجاد هرگونه شـــبهه، اینگونه تصمیم‌گیری شد که سرپرستان آنها، اجازه‌ای برای ورود به انتخابات را نداشـــته باشند و تنها موظف به مهیاکردن شرایط قانونی، برای برگزاری مجمع و تسهیل انتخابات شدند.»

اظهارنظری مبهـــم چرا که «لحاظ‌کردن شـــرایط» یا «لحاظ‌کردن یک سری موارد» به خودی خود پرابهام است چون برای آن مصداق یـــا مثالی ارائه نشـــده و به همین جهت هم مشخص می‌شود که این اظهارنظر هم نه قانون که همان توصیه‌های قبلی در لباس دیگر است. وگرنه مگر می‌شود که نگاه به این یک بام و دو هوا در مورد سرپرستان فدراسیون، در قانونی صریح عنوان شـــده باشد اما معاونت ورزش قهرمانی از آن خبر نداشته باشد تا برای یکی از کاندیداها، از «جنس ورزش بودن» را اصل بداند و یا مثلاً اسبقیان بدون اطلاع از آن، اشاره به غیر اخلاقی‌بودن حضور سرپرســـتان را در انتخابات رؤسای فدراسیونها، کرده باشد. خب اگر قانونی صریح در این زمینه وجود دارد پس چـــرا مدیران وزارت ورزش، یک لقمه را دور سر خود چرخانده و سپس وارد دهان کرده‌اند؟ کافی بود از همان ابتدا به قانون اشاره کنند تا استثنائات هم سؤال‌برانگیز نشود.

در هر حال اگر چه با اظهارنظر مســـئول امور مجامع وزارت ورزش مبنی بر تصمیم‌گیری رئیس مجمـــع در مواردی خاص این ماجرا جنبۀ قانونی پیدا نمی‌کند، اصولاً این اظهارنظر چندگانه مدیران یک وزارتخانه در مورد یک موضوع واحد، فقط ابهامات و اتفاقا شائبه‌هایی را بیشتر می‌کند که گویا وزارت ورزش و جوانان در تصمیم‌گیری‌هایی که به جای قانونی‌بودن بیشتر جنبۀ توصیه یا پیشنهاد را دارد، قصد داشته، آنها را از میان بردارد.

باید اذعان کرد که با این شـــرایط، تمام تلاشهایی که وزارتخانه برای قانونی جلوه‌دادن استثنائات در بین سرپرستان فدراسیونها برای حضور در انتخابات رؤسای فدراسیونها، بکار بسته، عملاً قانع‌کننده نبوده است!

یک بام و دو هوای وزارت ورزش در مورد سرپرستان

«سرپرست»هایی که رسیدگی به رتق و فتق فدراسیونها را عهده‌دار هستند می‌توانند برای ریاست فدراسیون کاندیدا شوند البته اگر به دلیلی غیر از اجرای قانون بازنشسته‌ها حکم گرفته باشند.

خبرگزاری مهر – گروه ورزش: این روزها حضور «سرپرســـت» ها در ورزش پررنگ تر از همیشه است به خصوص اینکه تعداد قابل توجهی از فدراســـیون ها با مدیریت آنها اداره می شـــوند و این افراد هستند که حداقل در ظاهر و بر اســـاس حکم دریافتی، موظف به فراهم کردن شرایط برگزاری مجمع انتخاباتی فدراسیون خود می باشند تا مدیریت آن را به ثبات برسانند.

والیبال، کشـــتی، هندبال، کاراته، جودو، قایقرانی، هاکی، چوگان، ورزش های سه گانه و ورزش ناشنوایان فدراسیون هایی هستند که با سرپرســـت اداره می شوند و به همین دلیل وزارت ورزش باید برگزاری مجامع انتخاباتی آنهـــا را در اولویت کارهای خود قرار دهد به خصوص اینکه برخی از این فدراســـیون ها جزو رشته های المپیکی به حساب می آیند که ورزشکاران و تیم‌هایشان میادین انتخابی المپیک ۲۰۲۰ توکیو را پیش رو دارند.

تنیس هم جدیدترین فدراسیونی است که مدیریت آن به سرپرست داده شده است. البته سرپرست این فدراسیون مجید شایسته است که دو دوره متوالی ریاســـت این فدراسیون را بر عهده داشـــته و اتفاقا کاندیدای دوره جدید انتخابات هم شد. انتخاباتی که پروسه برگزاری آن به دلایل نانوشته – تک کاندیدا بودن – به عقب برگشت داده شد تا از اول و با ثبت نام مجدد کاندیداها انجام شود.

همین مسئله ابهاماتی را ایجاد کرده مبنی بر اینکه مجید شایسته به دلیل سرپرست شدن نمی تواند ورود دوباره به انتخابات تنیس داشته باشد این در حالی است که یک مقام مسئول در وزارت ورزش تاکید دارد بر اینکه منعی برای شایســـته و سرپرستان مشابه او جهت کاندیدا شدن و حضور در انتخابات فدراسیون مطبوع خود وجود ندارد. وی در عین حال گفت که شـــرایط کاندیدا شدن برای همه سرپرست‌ها یکسان نیست!

مهدی مســـتجاب الدعوه مسئول امور مجامع وزارت ورزش و مشاور امور مشترک فدراسیون‌های ورزشی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیـــان اینکه آئین نامه انتخابات رئیس فدراسیون‌ها منعی برای نام نویسی و کاندیدا شدن سرپرستان نگذاشته، گفت: همه افراد در صورت دارا بودن شرایط احراز انتخاب رئیس فدراســـیون – مصوب ۹۶/۶/۱۴ – می توانند برای شـــرکت در مجمع انتخاباتی فدراسیون ها، کاندیدا شوند. هیچ محدودیتی برای هیچ فردی و حتی کسانی که به عنوان سرپرست، فدراسیون را اداره می کنند وجود ندارد.وی در این رابطه ادامه داد: البته رئیس مجمع با لحاظ کردن شرایط می تواند در مورد فدراسیون ها و برگزاری مجامع انتخاباتی آنها تصمیماتی بگیرد. بر همین اساس در مورد فدراسیون هایی که به دلیل اجرای قانون منع به کارگیری بازنشسته ها توسط سرپرست اداره می شوند، با لحاظ کردن یک ســـری موارد و جلوگیری از عدم ایجاد هرگونه شـــبهه، اینگونه تصمیم گرفته شد که سرپرستان آنها اجازه ای برای ورود به انتخابات نداشته باشند و تنها موظف به مهیا کردن شرایط قانونی برای برگزاری مجمع و تسهیل فرآیند انتخابات شدند.

بـــه گفته مســـتجاب الدعوه و با لحاظ کردن این موضوع که به جز فدراســـیون های مشـــمول قانون منع به کارگیری بازنشسته ها، ورود سرپرســـت های دیگر فدراسیون ها به انتخابات بلامانع است، سرپرست فدراسیون‌های والیبال، کاراته، جودو، هندبال، قایقرانی، چوگان، ورزش های ســـه گانه و ورزش ناشـــنوایان حســـب تصمیمات اتخاذ شده امکان کاندیدا شدن برای احراز پســـت ریاست ندارند اما سرپرست دو فدراسیون کشتی و تنیس از این قاعده مستثنی هستند و می توانند کاندیدا شوند چراکه برای کشـــتی به خاطر استعفای رسول خادم سرپرست انتخاب شد و در مورد تنیس هم پایان دوره ریاست شایسته باعث سرپرستی او شده است.وی همچنین در مورد هاکی که اجرای قانون منع به کارگیری در آن با درگذشت مرحوم بهرام شفیع همزمان شد نیز تاکید کرد که هاکی هم جزو فدراســـیون هایی است که مشمول قانون منع به کارگیری بازنشسته ها بود و به همین دلیل سرپرست این فدراسیون اجازه کاندیدا شدن ندارد.

مســـئول امور مجامـــع وزارت ورزش همچنین در مورد حق رای کاندیداها در مجامع انتخاباتی اینگونه توضیح داد: از میان کاندیداها تنها رئیس فدراسیون که خود نیز کاندیدا شده اســـت، حق رای دارد آنهم در صورتیکه دوره چهارساله ریاستش به اتمام نرسیده باشد. حتی اگر یک روز از دوره چهارســـاله وی گذشته باشد وی هم حقی برای رای دادن در مجمع انتخاباتی ندارد. کمااینکه در مجمع انتخاباتی فدراسیون انجمن های ورزشی، محمد علیپور چنین حقی نداشت.

مشـــاور دفتر امور مشترک فدراسیون‌ها یادآور شد: طبق آئین نامه انتخاباتی فدراسیون‌ها، روسای هیات‌های اســـتانی اعضای مجمع هســـتند که حق رای هم دارند. در غیاب وی نماینده هیات رئیسه هیات استانی می تواند با معرفـــی نامه لازم و حفظ حق رای در مجمع شرکت کند.

این مقام مسئول در وزارت ورزش تاکید کرد که آئین نامه انتخاباتی فدراسیون ها بدون هیچ دخل و تصرفی در مورد مجمع انتخاباتی همه فدراسیون ها اجرا می شود.

دلیل عجیب هیات رئیسه فدراسیون فوتبال برای لغو مجمع عادی

اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در اقدامی عجیب و در فاصله کمتر از بیست و چهار ساعت تا برگزاری مجمع، تصمیم به لغو آن گرفتند و یک دلیل عجیب تر را برای لغو مجمع عنوان کردند!

بـــه گزارش خبرنگار مهر، پس از کش و قوس فراوان برای تعیین تکلیف اعضای بازنشسته فدراسیون فوتبال و ماندن مهدی تاج، قرار شـــد این فدراسیون در مجمع عادی خود تکلیف سایر بازنشسته‌ها و افراد جانشین آنها را مشخص کند. درحالی که قرار بود این مجمع بعدازظهر روز چهارشنبه ۱۹ دیماه برگزار شود، سایت فدراسیون فوتبال شامگاه سه شنبه با انتشار اطلاعیه ای به نقل از اعضای هیات رئیسه، خبر از لغو این مجمع داد. متن این اطلاعیه به شرح زیر است:

«هیات رئیسه فدراسیون فوتبال ایران مصوب می‌نماید که با درخواست تعدادی از اعضای مجمع و همچنین ملاحظه شـــرکت تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران در رقابت های جام‌ملت های آســـیا و ضرورت تمرکز همه جانبه بر موفقیت تیم ملی، مجمع عمومی عادی فدراسیون فوتبال که مقرر بود در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۹۷ برای تصویب صورت های مالی، گزارش حسابرســـی و بازرسی، برنامه و بودجه فدراسیون و اصلاحات مقررات انضباطی برگزار گردد، ملغی و تاریخ جدید آن در اولین جلســـه هیات رئیســـه تعیین و اعلام خواهد شد.»

دلیل لغو مجمع عادی فدراسیون فوتبال از سوی اعضای هیات رئیسه در حالی بازیهای تیم ملی اعلام شده است که برنامه جام ملت ها و بازیهای ایران از ماهها قبل مشخص بود و اگر قرار بود مجمع همزمان با بازیهای تیم ملی برگزار نشود باید از ماهها قبل این مجمع لغو می شد نه کمتر از بیست و چهار ساعت مانده تا برگزاری مجمع!

اخبار کوتاه داخلی

واکنش وزیر به مشاجره جدید کی‌روش و برانکو

وزیر ورزش و جوانان درباره مصاحبه‌ای کـــه کارلوس کی روش در پایان بازی با یمن انجام داد با خبرنگاران صحبت کرد.به گزارش "ورزش ســـه" مسعود سلطانی فروزیر ورزش و جوانان در رابطه با اینکه اختلاف کارلوس کی روش و برانکو ایوانکوویچ سرمربیان تیم ملی و پرسپولیس در جام ملتهای آسیا هم ادامه دار شده و آیا وزارت ورزش قصد ندارد تذکری به این افراد بدهد، گفت:« بهتر است که همه انرژی را صرف حمایت از تیم ملی مان بکنیم و امیدوارم بتوانیم قهرمان شویم.» وزیر ورزش همچنین با بیان اینکه برای بازیکنان تیم ملی پاداش هایی را در نظر گرفته است در ادامه با بیان اینکه ممکن است برای حمایت از تیم ملی به امارات برود افزود:« امیدوارم در مراحل بعدی کنار تیم باشیم. تا الان همیشه در کنار تیم بوده ام و تلاش می کنم که بازهم کنار تیم ملی باشم.»

سهراب مرادی کاندیدای بهترین وزنه‌بردار جهان شد

فدراسیون جهانی وزنه برداری همچون سالهای گذشته، امسال هم اقدام به انتخاب بهترین وزنه‌بردار سال کرد.به گزارش خبرگزاری مهر، فدراسیون جهانی وزنه برداری با هدف انتخاب بهترین وزنه بردار ســـال ۲۰۱۸ جهان اقدام به انتشار لیست کاندیداها کرد که نام سهراب مرادی قهرمان المپیک و جهان نیز در بین برترین ها وجود دارد.ســـهراب مرادی به همراه «یولی ایراوان» از اندونزی، «لیئو ژیائو جون» از چین، «سیمون مارتیروسیان» از ارمنستان و «لاشا تالاخادزه» از گرجستان برای کسب عنوان بهترین وزنه بردار مرد ســـال ۲۰۱۸ جهان رقابت می‌کند.سایت فدراسیون جهانی وزنه برداری (IWF) آخرین مهلت شرکت در این نظرسنجی را تا ۳۱ ژانویه (۱۱بهمن ماه) اعلام کرده است.

هفتمی آسیا برای تیم دوچرخه سواری جوانان ایران

در جریان برگزاری مســـابقات دوچرخه ســـواری پیست قهرمانی آســـیا ۲۰۱۹، تیم جوانان ایران در رده هفتم رقابت‌های تعقیبی تیمی ایستاد.به گزارش ایرنا و براساس اعلام فدراسیون دوچرخه سواری، رقابت های قهرمانی آسیا در قسمت پیست به میزبانی کشور اندونزی در پیست دوچرخه سواری شهر جاکارتا آغاز شد . ترکیب چهار نفره تیم ملی ایران در رشته تعقیبی تیمی شامل عماد محمدی، داود محمد آبادی، امیر حسین محمدی و علی لبیب بود.در پایان رقابت های تعقیبی تیمی آقایان رده ســـنی جوانان ملی پوشـــان کشورمان که پس از یک سال غیبت دوباره در این رشته شرکت کرده بودند با ثبت زمان ۴ دقیقه و ۳۱ ثانیه در جایگاه هفتم قرار گرفتند.

هفته نهم لیگ برتر بسکتبال در غیاب صدرنشین

هفته نهم لیگ برتر بسکتبال امروز در غیاب صدرنشین مسابقات برگزار خواهد شـــد.به گزارش خبرنگار ورزشی خبرگزاری فارس، نهمین هفته از لیگ برتر بسکتبال امروز برگزار می‌شود و پتروشیمی بندرامام که صدرنشین و تیم بدون شکست مسابقات است، این هفته با قرعه استراحت روبرو شده است تا مهمترین بازی هفته را جنوبی‌ها و شمالی‌ها در آبادان برگزار کنند؛ جایی که نفتی‌ها میزبان شهرداری گرگان خواهند بود. هر دو تیم بازی‌های هفته قبل خود را با شکست پشت سر گذاشته و زیر تیغ انتقادها رفته‌اند.شیمیدر پس از استراحتی که در هفته قبل داشت، در مشهد میهمان آویژه صنعت پارسا خواهد بود و به نظر نمی‌رسد نماینده تهران کار سختی را داشته باشد.در سایر دیدارها نیروی زمینی که دو برد پیاپی را کسب کرده به دنبال سومین پیروزی مقابل پدافند دزفول در خانـــه خواهد بـــود و پگاه تهران و ذوب‌آهن نیز دیگر بازی تهران را برگزار می‌کنند.

اخبار کوتاه

پیروزی ژاپن و ازبکستان در جام ملت ها

تیـــم ملی ژاپن در دیـــدار اولش در جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ مقابل ترکمنستان به پیروزی رسید.به گزارش خبرگزاری فارس، ژاپنی ها در نیمه اول فرصت جدی برای گلزنی نداشتند و در این بین ترکمنستان با یک بازی منطقی موفق شـــد در دقیقه ۲۶ با شوت سرکش ارسلانمراد امانوف، کاپیتانش به گل برتری برسد و در نهایت بازی در نیمه اول با نتیجه یک بر صفر به نفع ترکمنستان شگفتی ساز به پایان رسید.ژاپنی‌ها در نیمه دوم موفق شدند در دقیقه ۵۶ با گل اوساکو بازی را به تساوی بکشانند و حملاتشان دو چندان شد تا جایی که بعد از ۲ دقیقه اوساکو گل دوم خودش و تیمش را به ثمر رساند. سامورایی ها در دقیقه ۷۱ بوسیله دوان گل سومشان را زدند.ترکمنستان پس از دریافت گل سوم به خودش آمد و در نهایت در دقیقه ۷۹ ترکمن ها از روی نقطه پنالتی گل دومشان را بوسیله اتایوف به ثمر رساندند. در نهایت این دیدار با نتیجه۳ بر ۲ به نفع سامورایی ها به پایان رسید.

در دیگر دیدار که جان‌دارتر از بازی اول بود ازبکستان ۲ بر یک عمان را از پیش رو برداشت در حالی که در دقایق پایانی داور از صحنه مشکوک به پنالتی برای عمانی‌ها صرف‌نظر کرد.

«شاعر فوتبال» در تالار مشاهیر ماراکانا جاودانه شد

رونالدینیو فوق ستاره اسبق تیم ملی برزیل به تالار مشاهیر ورزشگاه مشهور ماراکانا واقع در ریودوژانیرو پیوست تا رد پای «شاعر فوتبال» در قلب تاریخ جاودانه شود.به گزارش ایرنا، خبرگزاری آسوشـــیتد پرس نوشت: رونالدینیو که در سال ۲۰۰۲ به همراه سلسائو جام قهرمانی جهان را بالای سر برد و چهار سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۶ به همراه آبی اناری ها عنوان قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد، به این افتخار نائل آمد. ســـتاره ۳۸ ســـاله سال های نه چندان دور باشگاه بارسلونا، با این افتخار به جمع بزرگانی همچون پله، گارینکا، زیکو و یک دوجین نام بزرگ دیگری پیوست که ردپای خود را در تالار مشاهیر این ورزشگاه پرآوازه به یادگار گذاشته اند.

شکست سنگین شینجیانگ با حضور حامد حدادی

تیم بسکتبال شـــینجیانگ در حضور ســـتاره ایرانی خود در لیگ چین مغلوب گواندونگ شد.به گزارش خبرنگار ورزشـــی خبرگزاری فارس، رقابت‌های لیگ بسکتبال چین پیگیری شد و تیم شینجیانگ در حضور حامد حدادی مقابل گواندونگ قرار گرفت. در این بازی که با شکســـت ۱۱۵ بر ۸۹ شینجیانگ همراه بود حدادی ۳۰ دقیقه و ۱۰ ثانیه در ترکیب تیمش قرار داشت و در این مدت ۷ امتیاز، ۱۴ریباند، ۴ پاس منجر به گل، ۳ توپ ربایی و ۲ بلاک شات داشت.تقابل حدادی و جیان لیان، سنتر تیم ملی بسکتبال چین که بارها در مسابقات آسیایی مقابل هم قرار گرفته‌اند، از نکات جالب توجه این بازی بود.

رکورد ویژه پیتسی با عربستان

خوان آنتونیو پیتسی به اولین سرمربی تاریخ عربستان تبدیل شد که به برد در جام جهانی و جام ملت‌ها می‌رسد.به گزارش ایسنا و به نقل از اهداف، تیم ملی فوتبال عربستان موفق شد در اولین دیدار خود در جام ملت‌های آسیا کره شمالی را که یک نیمه ۱۰ نفره بازی کرد، با ۴ گل شکست دهد. خوان آنتونیو پیتسی سرمربی عربستان بعد از این برد صاحب یک رکورد ویژه در تاریخ فوتبال عربستان شد و به اولین سرمربی تاریخ سعودی‌ها تبدیل شد که به برد در جام ملت‌ها و جام جهانی دست می‌یابد.تیم او در جام جهانی موفق شد مصر را با نتیجه ۲ بر یک شکست دهد و اکنون نیز بعد از برتری ۴ بر صفر برابر کره شمالی، این رکورد برای پیتسی ثبت شد.

پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین مناطق و محلات تهران

طبق آخرین آمار منتشـــر شده در ســـایت داده نمـــا در تهران بیش از ۸ میلیـــون و ۶۰۰هزار نفر زندگی می‌کنند که منطقه ۴با داشتن جمعیتی بالغ بر ۹۲۰ هزار نفر، پرجمعیت‌ترین و منطقه ۹ با داشتن حدود ۱۷۴ هزار نفر کم جمعیت‌ترین منطقه شهر تهران محسوب می‌شوند.

همچنیـــن محله فتح در منطقه ۹ تهـــران با ۸۶ نفـــر به عنوان کم جمعیت‌ترین محله شـــهر شناخته می‌شـــود؛ از طرفی تهرانپارس غربی با داشتن جمعیتی بالغ بر ۱۲۵هزار نفر پرجمعیت‌ترین محله پایتخت است.

روابط عمومی سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شـــهرداری با اعـــلام این خبر، برای این که بدانید در تهـــران محله‌هایی وجود دارد که پرجمعیت‌تر از بســـیاری شهرهای بزرگ کشـــور است، یا برای دانستن تعداد آپارتمان‌های تهران به تفکیک مساحت یا مناطقی با بیشترین تعداد کتابخانه‌های عمومی به سایت «داده نمای» شـــهرداری تهران سری بزنید. بـــا مراجعه به ایـــن وبگاه به آدرس data.tehran.ir می‌توان از اطلاعات آماری شـــهر که در دسته بندی‌های تفکیک شـــده با نمودار، جداول و توضیحاتی همراه اســـت به‌سادگی اســـتفاده کرد.طبق آمار منتشر شده در ســـایت داده نمای تهران، محله تهرانپـــارس غربی در منطقه چهار با داشتن جمعیتی بالغ بر ۱۲۵هزار نفر پرجمعیت‌ترین محله و شـــلوغ‌تر از شـــهرهای بزرگ و قدیمی مثل بندر انزلی، لاهیجان و چابهار است. محله مســـعودیه در منطقه ۱۵ و جنت آباد جنوبی در منطقه پنج به ترتیب پس از تهرانپارس غربی پرجمعیت‌ترین و همچنین محله بوســـتان ولایت در منطقه ۱۹ و کوهســـار در منطقه یک هم بعد از فتـــح، کم جمعیت‌ترین محلات شهر تهران هستند. همچنین متراکم‌ترین منطقـــه تهران به لحاظ جمعیـــت، منطقه ۱۰ با آمار ۳۹۹ نفر بر هر هکتار محسوب می‌شود. منطقه ۲۲ هم با آمار ۳۰ نفر بر هر هکتار کم تراکم‌ترین منطقه تهران است. وجود بافت ریزدانه در منطقه ۱۰ و زمین‌های عریض در منطقه ۲۲ نشـــان دهنده و دلیـــل حجم بالا و کم تراکم در این دو منطقه است. گفتنی است، سازمان فاوای شـــهرداری تهران، سایت «داده نما» را در دوره جدید مدیریت شهری با هدف دسترســـی آزاد شهروندان به داده‌های شـــهر، راه اندازی و در آن اقـــدام به رونمایی از آمار و اطلاعات مختلفی در حوزه‌هایی مثل ارتباطات، امور قضایی، انرژی، آموزش، بازارهای مالی، جمعیت و نیروی انسانی، حمل و نقل و انبارداری، آب و هوا، صنعت و معدن، عمران شهری و... کرده است. اطلاعات این سایت به‌مرور در حال به‌روزرسانی و تکمیل است.

پرداخت «تسهیلات اشتغالزایی مددجویان کمیته امداد» در انتظار اقدام بانک مرکزی

معاون اشـــتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره) با تشریح سرنوشت ۲هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار تخصیص‌یافته از صندوق توسعه ملی به کمیته امداد امام خمینی برای اشتغالزایی مددجویان، توضیحاتی دربـــاره عدم‌اقدام بانک مرکزی در این زمینه ارائه کرد.

حجت‌الله عبدالملکی در گفتگو با تسنیم اظهار داشت: زمانی که قرار بود قانون اشتغال پایدار روستایی و عشـــایری در مجلس تصویب شود، کمیته امداد پیشـــنهاد داد در قانون مزبور ذکر شود تا بخشی از این منابع برای خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد در روستاها و مناطق عشایری استفاده شود که مورد پذیرش واقع نشد و در قانون هم نیامد.

این مقام مســـئول در کمیته امـــداد افزود: از اردیبهشـــت امسال، به‌پیشنهاد خود دولت، قرار شد کمیته امداد هم برای در اختیار گرفتن بخشی از این منابع ورود کند؛ بر این اساس تفاهم‌نامه‌ای بین سازمان برنامه و بودجه و وزارت رفاه امضا و قرار شد ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان از منابع قانون مورد اشـــاره که مجموعاً ۱۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد بود، در اختیار کمیته امداد قرار گیرد.عبدالملکی توضیح داد: منابع این قضیه به این شـــکل است که رهبر معظم انقلاب اسلامی اجازه دادند یک و نیم میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برداشت و تبدیل به ریال شود که ۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان می‌شد؛ شبکه بانکی هم طبق قانون باید همین میزان اختصاص دهد که جمعاً ۱۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان می‌شود.معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد اضافه کرد: از این عدد قرار بود ۲ هزار و ۵۰۰ میلیـــارد تومـــان به کمیته امداد و یک هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان هم مشترکاً به بهزیستی و بنیاد شهید اختصاص یابد؛ بر این اساس لازم بود سامانه «کارا» که در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی متناســـب با این پروژه طراحی شده بود، به‌نحوی اصلاح شود تا فرایند مربوط به مددجویان کمیته امداد هم در آن لحاظ شود.وی ادامه داد: انجام فرایندهای یادشده، مدتی طول کشـــید و بعد پرونده‌های مربوط به مددجویان کمیته امداد در حالی راهی بانک‌های عامل شد که دو قسط از مبلغ مزبور یعنی ۵۰ درصد مبلغ ۱۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان، واریز شده بود اما ما وقتی مراجعه کردیم، گفتند پول تمام شده و به متقاضیان دیگر در بخش خصوصی، پرداخت شده است.این مقام مسئول در کمیته امداد گفت: در ارتباط با ۵۰ درصد نخست این مبلغ، فقط ۱۵۰ میلیارد تومان به مددجویان کمیته امداد یعنی نیم درصد از دو هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده است.

دختران بلوچســـتان و گلســـتان درصدر بازماندگان از تحصیل

خبر دیگر اینکه، فاطمه رهبر معاون حمایت و ســـلامت کمیته امداد با بیان اینکه بر اساس آخرین آمار اخذ شـــده از وزارت رفاه تعداد افراد بازمانده از تحصیل تحت حمایت کمیته امداد ۲۶۱۵ نفر در ســـال تحصیلی جاری بوده اند، گفت: بخش عمده بازماندگان از تحصیل در دو استان سیستان و بلوچستان و گلستان هستند.

امکان استفاده از دفترچه بیمه سلامت مادر برای نوزاد فاقد کد ملی و شناسنامه

مدیرکل بیمـــه گری و درآمد سازمان بیمه سلامت گفت: این سازمان برای نوزاد فاقد کد ملی و شناسنامه که نمی‌توان برای او دفترچه بیمه سلامت صادر کرد، امکان استفاده از دفترچه بیمه مادر را فراهم کرده است.

به گزارش ایسنا، امیر پیروزیان درباره ارائه خدمات این ســـازمان به نوزادان گفت: سازمان بیمه سلامت ایران به منظور حمایت از خانواده‌هایی که فرزند آنـــان از بدو تولد نیاز به دریافت خدمت درمانی دارد و با توجه به اینکه نوزاد فاقد کد ملی و شناسنامه است و نمی‌توان برای او دفترچه بیمه سلامت صادر کرد، امکان استفاده از دفترچه بیمه مادر برای دریافت خدمت در بخش بستری و در قالب ضوابط مربوط به هـــر یک از صندوق‌های بیمه‌ای سازمان بیمه سلامت فراهم کرده است.

وی به مدارک مورد نیاز اشـــاره کرد و گفت: پس از صدور شناسنامه برای نوزاد، سرپرســـت می تواند با ارایه شناسنامه خود و شناسنامه نوزاد نســـبت به صدور دفترچه بیمه نوزاد اقدام کند.

۸۵ درصد آب تهران به فاضلاب تبدیل می‌شود

"حدود ۸۵ درصد آب مصرفی تهران به فاضلاب تبدیل می شـــود؛ یعنی ۸۵۰ میلیون متر مکعب فاضلاب شهری در سطح شهر تولید می شود در حالی که طرح فاضلاب پایتخت کامل نیست."

رئیس اداره محیط‌زیست شهر تهران در گفتگو با مهر با اعلام این مطلب افزود: روان‌آب‌هایی که از ارتفاعات شمال تهران مثل رودخانه کن یا رود- دره‌هایی مثل فرحزاد، دربند، گلابرده و ... منشا می گیرند آب‌های سالمی را داخل شهر می‌آورند اما متأسفانه جاهایی فاضلاب‌هایی از اماکن مسکونی و سایر آلاینده‌هایی که در شهر است به این رودها و رود - دره‌ها اضافه و به فاضلاب تبدیل می شود.

محمدحسین بازگیر افزود: در تهران حدود یک میلیارد متر مکعب آب در سال مصرف و تقریبا حدود ۸۵ درصدش به فاضلاب تبدیل می شود. یعنی ۸۵۰ میلیون متر مکعب فاضلاب شهری در سطح شهر داریم. طرح فاضلاب تهران هم کامل نیست اگرچه شروع شده است. وی ادامه داد: حدود ۷۰ درصد شبکه اکنون نصب شده است اما تصفیه خانه‌های ایجاد شده تقریبا با ۳۵ درصد ظرفیت فعال هستند. پس یک بخشی از فاضلاب‌های خانگی ما همچنان رهاست یا وارد آبهای سطحی می شود. یک جاهایی هم به آبهای زیرزمینی اضافه می شود.

خرید و فروش کودکان جان آنان را تهدید می کند

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی با بیان این که خرید و فروش کودکان مورد مهمی است که وجود دارد، گفت: جان کودکان در معرض خطر است لذا باید سامانه الکترونیکی برای ارائه خدمات تمامی دستگاه‌های اجرایی به کودکان کار ایجاد کنیم.

به گزارش فارس، مســـعودی فرید در جلسه ســـاماندهی وضع کـــودکان کار و خیابان، گفت: سیاســـت‌های آسیب‌ساز که در فضای کلان کشور وجود دارد ما را به این حجم از آسیب‌ها رسانده است. کمیساریای عالی پناهندگان و همچنین سفارت‌های افغانستان، پاکستان و نهادهای انتظامی بهتر است به وضع کودکان کار اتباع در کشور رسیدگی کنند زیرا بحث قاچاق کودکان یکی از مهمترین مشـــکلات حال حاضر اســـت که باید به آن رسیدگی شود و دید که این افراد با همین روش زندگی در آینده چه وضعی خواهند داشت.

وی افزود: آیین‌نامه ســـال ۸۴ اجرایی شد که جای چندین دستگاه در آن خالی بود. در عمل ما این طرح را اجرا نکردیم و به اصلاح موارد موجود نپرداختیم لذا باید ساماندهی کودکان کار و خیابان در دستور کار قرار گیرد. بیش از چهار سال است که اجرای طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان معطل مانده که اگر کاری نکنیم چهار سال دیگر هم اجرای این طرح طول خواهد کشید و حال که کودک کار نیاز کمک فوری ما دارد از بین برود.

معاون امور اجتماعی ســـازمان بهزیستی بیان کرد: NGOها و سمن‌ها در محله‌های آسیب‌زا به خصوص هرندی مستقر هستند و خرید و فروش کودکان مورد مهمی اســـت که اکنون وجود دارد و جان بسیاری از کودکان در این میان در معرض خطر است.مسعودی فرید افزود: ما باید سامانه الکترونیکی برای ارائه خدمات تمامی دستگاه‌ها به کودکان کار ایجاد کنیم زیرا براساس آن تعامل دستگاه‌ها و قدرت چانه‌زنی آنان بالا می‌رود و این سامانه تولی‌گری هر بخش و دستگاه را در هر نقطه از تهران مشخص می‌کند.

ترحیم

آن کس که برایم نگران بود، پدر بود
آنکس که مرا راحت جان بود، پدر بود
افسوس که رفت از سرم آن سایه رحمت
آنکس که مرا روح و روان بود پدر بود

با نهایت تأسف و تألم درگذشت مرحوم مغفور **حاج عین‌اله حشمتی** بزرگ خاندان حشمتی را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم. مراسم سومین روز آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۷/۱۰/۲۰ از ساعت ۱۳:۰۰ الی ۱۴:۳۰ در مسجد نظام مافی واقع در صادقیه، بلوار آیت‌الله کاشانی، بعد از سه راه جنت آباد برگزار می‌گردد.
و همچنین مراسم هفتمین روز آن مرحوم روز دوشنبه مورخ ۹۷/۱۰/۲۴ از ساعت ۱۵:۰۰ الی ۱۶:۳۰ در محل سالن اجتماعات امامزاده سیدجعفر و سیده حمیده خاتون واقع در اشرفی اصفهانی، محله باغ فیض برگزار می‌گردد.
شرکت دوستان و آشنایان محترم موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود

از طرف خانواده‌های حشمتی، شریعتی، صحیح‌النسب، نصیری، جلیلی، پیله‌ور، زارع حسینی، شاه‌محمدی و سایر وابستگان و آشنایان

پاینده ایران

بااندوه‌بسیار درگذشت سرور ارجمند و گرامی **مهندس تقی توکلی**، از پیشگامان مکتب پان ایرانیسم را به آگاهی یاران و هم‌اندیشان می‌رساند.
سرور ارجمند **مهندس تقی توکلی**، بامداد سه‌شنبه هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۷ در زادگاه خود تبریز، دیده از جهان فرو بستند.
راهش پر رهرو است، یادش گرامی و روانش به سپنتامینو.

از سوی یاران و هم‌اندیشان ـ هوشنگ طالع

یادبود

مسافر تنها نازنین مادرم حاجیه عفت واحد
سی‌وسومین سال پروازت گرامی باد.

دخترت زهره بکتاش

در دلم بود که بی‌دوست نباشم هرگز
چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

به مناسبت پنجمین سال درگذشت برادر عزیزمان **علیرضا فرهمند** مترجم و روزنامه‌نگار حکیم روز جمعه ۲۱ دی‌ماه از ساعت ۱۰ الی ۱۲ در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا(س) یادش را گرامی می‌داریم.

خانواده فرهمند

«ای همیشه باقی»

گذشت هرسال باور نبودنت را سخت‌تر و درک چرایی رفتنت را آسانتر می کند.
حال خوب می‌دانم در این دنیای رفتنی، هیچ‌چیز ماندنی‌تر از درد رفتن عزیزان نیست.
به مناسبت چهاردهمین سال درگذشت
«بانو سیمین کمیلی»
یادش گرامی.

همیشه با منی
لادن

چو بیصدا شکسته شد آئینه جوانیت
نخوانده پاره شد دفتر زندگانیت

پنج سال از درگذشت فرزند دلبندم **شادروان بهاره بیطرفان** گذشت یادش گرامی‌باد.

خانواده بیطرفان و غنیبیان

وقتی باران بی‌بهانه می‌بارد
وقتی تو کنارم نیستی
وقتی حتی جاده‌ها هم بوی انتظار می‌دهد

وقتی غریبانه به تو می‌اندیشم و وقتی صادقانه برایت اشک می‌ریزم در میان دلتنگی‌ها فریاد می‌زنم **«پسرم کجایی!!»**
۲۱ دی‌ماه هجدهمین سالگرد پرواز بی‌بازگشت **روانشاد پاسدار وظیفه مهدی مسگرزاده** را به سوگ می‌نشینیم. هنوز عطر مهربانیت در کوچه پس کوچه‌های قلب‌هایمان جاریست.
یادت گرامی.
روحت شاد.

خانواده همیشه داغدارت

دی ماه چه تلخ زمزمه می‌کند
چه شب‌ها تا سپیده درد کشیدی
ندای یا علی یا رب کشیدی
بخواب آرام مادر جان در مزارت
که پایان شد تمام دردهایت

یکسال از خاموشی شمع وجودمان، مادر عزیز و مهربانمان مرحومه مغفوره شادروان **فریده الیاسی زرین قبائی (خانم اکبری)** گذشت. بیستم دی‌ماه یادآور صبحگاهی است که مانند طوفانی سهمگین زندگی ما را در نوردید و تار و پود آن را در غم پیچید و در این تند باد مادر عزیزمان چشمان زیبایش را برای همیشه به رویمان بست. اکنون ما مانده‌ایم و زخمی بر دل که هیچ مرهمی التیام‌بخش آن نبود جز یاد و خاطرات شیرینش.
اکنون در اولین سالگرد درگذشت مادر عزیزمان روز پنج‌شنبه ۹۷/۱۰/۲۰ بر سر مزارش گردهم می‌آییم و با اشک چشمانمان مزارش را شستشو داده و یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.
مادرم روحت شاد و یادت گرامی
هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.

از طرف فرزندان

هوالباقی

نُه سال است که یلدای ماه تیره‌تر از هر یلدایی صبح می‌شود ولی روشن نه.
نُه سال است آخر پائیز زمستان می‌آید ولی نمی‌رود.
نُه سال است که بیهوده منتظریم آن خاک که می گویند سرد است عادتمان دهد به فراق ولی عادت نمی کنیم.
نُه سال است که یک آغوش فراخ و پُرمهر همه ما را یکجا در بر نمی کشد.
سوگ شادروان **مولود سعیدزاده** امسال نُه ساله می‌شود ولی کهنه نه

محمد، مهرک و مهسا

یادبود
السلام علیک یا اباعبدالله(ع)

۲۱ دی‌ماه سال ۱۳۹۷ مصادف با سی‌وپنجمین سال درگذشت خادم‌الحسین(ع) خدمتگزار مردم و پدر گرامی و بزرگوارمان شادروان مرحوم مغفور **حاج‌آقا حسین ریاحی‌نژاد** می‌باشد. ضمن طلب مغفرت برای آن مرحوم و مادر عزیزمان مرحومه مغفوره **حاجیه خانم زهرا ریاحی‌نژاد (اسماعیل‌نوری)** و زنده یاد برادر گرامیمان مرحوم **حاج آقا محمد ریاحی‌نژاد** یاد و نام آنها را گرامی می‌داریم.

خاندان ریاحی‌نژاد

تسلیت

همکار ارجمند جناب آقای رضاخان احمدلو

با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت داریم.

امور مالی ـ اداره حسابداری‌ها ـ بودجه و گزارشات ـ حقوق و دستمزد ـ سازمان وصول ـ اداره اموال و انبارهای مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

خانواده محترم موسوی مجد
جناب آقای مهندس موسوی مجد

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم ما را نیز در غم خود شریک بدانید.

دکتر غلامرضا خالقی ـ دکتر امیررضا خالقی

دوست و همکار گرامی جناب آقای خرازی

در غم از دست دادن عزیزان به سوگ نشستن صبری عظیم می‌خواهد. برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی و برای آن عزیز درگذشته غفران و رحمت از خداوند متعال خواستارم.

غلامرضا شهری

اناالله و انالیه راجعون
جناب آقای میلاد یوسف‌زاده

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خاندان محترمتان تسلیت عرض نموده و شادی روح آن مرحوم و سلامتی و شکیبایی بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.

مدیرعامل و هیئت مدیره شرکت اسکو
مدیران پروژه‌ها و پرسنل

آگهی تغییرات
شرکت نگین ساحل رویال سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۲۴۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۹۱۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : شرکت افق نیلی خلیج فارس (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۳۷۷۶۹ به نمایندگی علیرضا نورزاده لیاسی به شماره ملی به شماره ملی ۶۳۱۹۹۲۳۷۳۳ بعنوان رئیس هیئت مدیره- شرکت سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۱۳۸۸ (سهامی خاص) به نمایندگی حسین رضایی به شماره ملی ۰۰۶۳۴۳۶۴۴۲ بعنوان نایب رئیس هیئت مدیره- شرکت گروه مالی مهر اقتصاد (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۶۳۵۲۸ به نمایندگی میلاد فزونی شماره ملی ۰۰۸۲۷۷۲۲۰۷ بعنوان عضو هیئت مدیره و مدیر عامل به مدت دو سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهد آور ، قراردادها ، چکها ، بروات و سفته‌ها و غیره با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و سایر اوراق عادی و اداری و پرسنلی با امضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت خواهد بود .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۴۸)

آگهی تغییرات
شرکت مهنازیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۵۳۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۰۷۵۵۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محمد رضا معلم کد ملی ۰۹۴۴۱۱۵۱۳۶ خارج از سهامداران به سمت مدیر عامل و خانم صدیقه جوانشیر کد ملی ۰۷۳۲۰۴۴۱۶۲ به سمت عضو و رئیس هیئت مدیره و آقای محمد علی مظفری مجد کد ملی ۰۰۴۳۳۷۱۲۰۸۶ به سمت عضو هیئت مدیره و بهرام بهمنی نیا به کد ملی ۰۰۳۶۲۱۴۴۲۶ به سمت نائب رئیس هیات مدیره انتخاب شدند . امضا کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور از قبیل چک و سفته و برات و عقود و قراردادها با امضای ثابت مدیر عامل و یکی از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و مکاتبات اداری و عادی با امضا مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۴۴)

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه ای ایمن آسایش کوثر شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۳۷۴۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۳۲۳۶۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۳ و مجوز شماره ۹۷/۵۱۰/۱۰۰۱۳۷ مورخه ۹۷/۸/۱۵ بیمه دی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای حمید خان دایی قمصری با شماره ملی ۰۴۹۳۵۹۰۸۷۰ به نمایندگی از شرکت خدمات بازرگانی تحفه (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۵۷۶۵ به عنوان مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره . آقای سید صادق نجابت با شماره ملی ۴۲۵۰۱۲۷۰۶۰ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری صنایع غذایی نماد کوثر (سهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۲۶۹۳ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره . آقای علی علی زاده با شماره ملی ۱۶۰۱۶۸۹۴۵۴ به نمایندگی از شرکت منتصران (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۴۹۵۹ به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند - کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و تعهدات و قرارداد ها با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره مجتمعاً با مهر شرکت معتبر خواهد بود و مکاتبات اداری به امضاء مدیر عامل یا یکی از اعضاء هیئت مدیره خواهد رسید – کلیه اختیارات هیئت مدیره بر اساس مفاد ماده ۲۷ اساسنامه شرکت با رعایت صرفه و صلاح شرکت و مقید به آئین نامه ها و مصوبات هیئت مدیره به مدیر عامل تفویض گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۴۲)

آگهی تغییرات شرکت تعاونی مسکن کارکنان وزارت صنایع و معادن
به شماره ثبت ۵۰۳۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۴۷۳۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۰ومجوز شماره ۹۷۲/۱۵/۴۶۲۷۸مورخ۹۷/۴/۴اداره کل تعاون کا ر و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد :صورتهای مالی منتهی به سال ۹۴و۹۵ تصویب شد. اعضای اصلی علی البدل هیات مدیره بشرح ذیل : - خانم پری سیف الهی ک م ۰۰۴۵۲۲۶۱۳۱ بعنوان عضو اصلی هیات مدیره - آقای سید محمدتقی شریفی الیردی ک م ۲۰۹۱۸۴۶۰۰۷ بعنوان عضو اصلی هیات مدیره - خانم مهناز گلسرخی ک م ۲۵۵۹۵۲۷۳۲۴ بعنوان عضو اصلی هیات مدیره - باقر صفری دستجردئی ک م۰۵۱۹۸۱۸۴۴۱ بعنوان عضو اصلی هیات مدیره - آقای جواد اسکندری شهرکی ک م ۴۶۲۱۷۹۲۲۴۵بعنوان عضو اصلی هیات مدیره - خانم زری نوری فرد ک م ۰۰۵۴۶۲۲۳۳۶ بعنوان عضو علی البدل هیات مدیره - آقای حسین بنی اسدی ک م۰۵۳۰۷۴۱۹۶۲ بعنوان عضو علی البدل هیات مدیره برای مدت سه سال انتخاب شدند روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۴۱)

آگهی تغییرات
شرکت افق نیلی خلیج فارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۲۲۶۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۳۷۷۶۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : شرکت خدمات بازرگانی آینده نگر مهر (سهامی خاص) به نمایندگی آقای وحید نیک نژاد فرزند نظام اله به شماره ملی ۴۹۱۱۷۲۶۹۴۶ بعنوان رئیس هیئت مدیره. شرکت گروه مالی مهر اقتصاد (سهامی عام) به نمایندگی آقای محمد تاماری درویشوند به شماره ملی ۰۰۷۲۲۶۱۳۵۸ بعنوان نایب رئیس هیئت مدیره. شرکت نگین ساحل رویال به نمایندگی آقای محسن پیله ور به شماره ملی ۴۸۳۹۸۵۹۲۰۵ بعنوان عضو هیئت مدیره و مدیر عامل به مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۴۷)

آگهی تغییرات شرکت چرم رخشان در حال تصفیه سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۳۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۹۰۱۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : عملکرد و صورتهای مالی تصفیه منتهی به ۱۳۹۶/۰۶/۳۱ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی ومشاوره مالی ژرف بین بهبود ارقام به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۹۰۶۰ به سمت ناظر تصفیه برای یک سال مالی تعیین گردید .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۳۹)

آگهی تغییرات
شرکت تعاونی مسکن کارکنان وزارت صنایع و معادن
به شماره ثبت ۵۰۳۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۴۷۳۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۳ ومجوز شماره ۹۷۲/۱۵/۴۶۲۷۸مورخ۹۷/۴/۴اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - محمد تقی شریفی الیردی ک م ۲۰۹۱۸۴۶۰۰۷ به سمت رئیس هیات مدیره - مهناز گلسرخی ک م۲۵۵۹۵۲۷۳۲۴ به سمت نائب رئیس هیات مدیره - باقر صفری دستجردئی ک م۰۵۱۹۸۱۸۴۴۱ به سمت منشی هیات مدیره انتخاب گردیدند. -خانم پری سیف الهی ک م۰۰۴۵۲۲۶۱۳۱ بعنوان مدیرعامل شرکت برای مدت ۳ سال انتخاب گردید مقرر شد که کلیه قراردادها و اسناد تعهد آور شرکت با دو امضاء -۱ خانم پری سیف الهی مدیرعامل بعنوان دارنده امضاء ثابت و -۲ محمد تقی شریفی الیردی رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت تعاونی دارای اعتبار خواهد بود. در غیاب رئیس هیات مدیره امضای هر یک از اعضای هیات مدیره معتبر است و همچنین اوراق عادی شرکت تعاونی با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبرند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۴۰)

آگهی تغییرات شرکت چرم رخشان در حال تصفیه سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۳۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۹۰۱۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : عملکرد و صورتهای مالی تصفیه منتهی به ۱۳۹۵/۰۶/۳۱ به تصویب رسید .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۸)

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری اختصاصی بازارگردانی حکمت ایرانیان یکم
به شماره ثبت ۳۵۲۳۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۶۶۱۳۲۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۲ و مجوز شماره ۱۲۲/۴۱۶۹۳ مورخ ۹۷/۹/۳ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های صندوق تعیین شد. حسابرس صندوق از "موسسه حسابرسی و خدمات مالی فاطر" به "موسسه حسابرسی بیات رایان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۶۸۴۸۲ به نمایندگی علیرضا شهریاری به کد ملی ۰۴۹۲۰۵۳۳۰۸" تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۲۶)

آگهی تغییرات شرکت دنا قطعه سهامی خاص
به شماره ثبت ۹۹۸۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۳۷۸۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - تراز نامه و صورت حساب سود و زیان سال مالی منتهی به۱۳۹۶/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. - موسسه حسابرسی اعداد آراء (۱۰۱۰۰۵۲۹۳۴۵) به سمت بازرس اصلی و آقای محمد حسین کوهزاد ۰۵۳۲۹۴۸۹۲۰ به سمت بازرس علی البدل شرکت جهت سال مالی ۱۳۹۷ برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند - روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۲۵)

آگهی تغییرات شرکت کیمیا سلامت فردا سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۲۹۰۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۳۵۵۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ماده ۳۴ سهام وثیقه مدیران : هریک از مدیران باید در مدت مدیریت خودمالک حداقل یک سهم از سهام شرکت بوده و ورقه سهم مزبور را به عنون وثیقه و تضمین خساراتی که ممکن است از تقصیرات مدیران منفردا یا مشترکا بر شرکت وارد شود به صندوق شرکت بسپارد وثیقه بدون ورقه سهم مانع استفاده مدیر از حقوق ناشیه از آن از قبیل حق رای و دریافت سود نمیباشد ولی مادامی که مدیر مفاصا حساب دوره تصدی خود رااز شرکت دریافت نکرده سهم مذکور به عنوان وثیقه در صندوق شرکت باقی خواهدماند. تبصره زیر به ماده ۴۶ اساسنامه اضافه گردید و ماده مذکور اصلاح شد : هریک از اعضای هیات مدیره یا مدیر عامل میتوانند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را طی وکالت نامه رسمی به یکی از سهامداران تفویض نمایند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۲۴)

آگهی تغییرات شرکت صنعتی بزین سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۴۱۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۸۷۴۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به پایان سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. - آقایان مسعود محبعلی کدملی ۰۰۵۱۹۳۹۴۲۸ به عنوان بازرس قانونی و حمید غفوری مراد کدملی ۰۰۴۷۵۸۸۳۲۲ به عنوان بازرس علی البدل برای ۱ سال مالی انتخاب شدند - روزنامه اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت برای سال ۱۳۹۷ انتخاب شد .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۳۷)

آگهی تغییرات شرکت صنعتی نمد سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۷۶۱۶ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۲۰۴۱۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت ، منتهی به پایان سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. آقای حمید غفوری مراد کد ملی ۰۰۴۷۵۸۸۳۲۲ بازرس اصلی و آقای رحمت اله حاتمی کد ملی ۲۴۳۱۲۳۹۱۹۵ به عنوان بازرس علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۷ انتخاب شدند - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت برای سال ۹۷ انتخاب شد .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۳۶)

آگهی تغییرات شرکت فراز آریان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۹۰۳۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۲۳۸۴۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : امیرصادق توفیقی به کد ملی ۰۰۶۴۱۶۴۳۵۷ بسمت رئیس هیات مدیره و سیدمحمدحسن علائی طالقانی به کد ملی ۰۰۴۰۹۴۰۳۸۱ بسمت نایب رئیس هیات مدیره و محمد مرادی اردبیلی به کد ملی۱۴۶۵۲۱۱۹۲۶ بسمت مدیرعامل انتخاب شدند و حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، قرارداد و عقوداسلامی با امضاء مدیرعامل به همراه یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل بتنهایی همراه با مهرشرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۵)

آگهی تغییرات شرکت تولید نیروی برق تهران سهامی عام
به شماره ثبت ۴۸۹۱۵۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۷۰۹۵۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت سازمان حسابرسی به شناسه ملی۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان بازرس قانونی بمدت یک سال مالی انتخاب شد روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۴)

آگهی تغییرات شرکت رویا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۴۵۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۷۱۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - مبلغ اسمی سهام به ۱۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت در نتیجه سرمایه نقدی شرکت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۵۰۰۰۰۰ سهم بانام ۱۰۰۰۰۰۰ ریالی میباشد درنتیجه ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۲۹)

آگهی تغییرات
شرکت نفت آریا آپادانا سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۶۰۳۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۱۵۳۱۲۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای روزبه کاویان پور دارنده کدملی ۲۲۱۹۰۰۵۰۸۹ به سمت رئیس هیات مدیره آقای مازیار کاویان پور دارنده کدملی ۰۰۶۷۴۲۹۲۷۰ به سمت نایب رئیس هیات مدیره آریا کاویان پور دارنده کدملی ۰۴۴۰۳۸۱۷۸۹ عضو هیات مدیره خشایار کاویان پور دارنده کدملی ۰۴۸۰۱۹۰۱۷۸ خارج از اعضاء هیات مدیره به سمت مدیرعامل تعیین شدند . امضای کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و برات و قراردادها به عهده مازیار کاویان پور و آریا کاویان‌پور متفقا همراه با مهر شرکت میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۳)

آگهی تغییرات شرکت فراز آریان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۹۰۳۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۲۳۸۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : سیدمحمدحسن علائی طالقانی به کد ملی۰۰۴۰۹۴۰۳۸۱ و محمد مرادی اردبیلی به کد ملی۱۴۶۵۲۱۱۹۲۶ و امیرصادق توفیقی به کد ملی۰۰۶۴۱۶۴۳۵۷ به سمت اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. اسداله رنجبر به کد ملی۴۱۷۲۳۰۶۸۶۱ به سمت بازرس اصلی و سیدنورالدین جدی حسینی به کد ملی ۲۲۴۹۱۲۲۴۴۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۳۲)

آگهی تغییرات
شرکت نفت آریا آپادانا سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۵۶۰۳۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۱۵۳۱۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل بمدت دوسال انتخاب گردیدند: آقای روزبه کاویان پور دارنده کدملی ۲۲۱۹۰۰۵۰۸۹ آقای مازیار کاویان پور دارنده کدملی ۰۰۶۷۴۲۹۲۷۰ آقای آریا کاویان پور دارنده کدملی ۰۴۴۰۳۸۱۷۸۹ آقای بهرام محمد زاده روحانی دارنده کدملی ۰۰۳۳۸۴۲۷۳۶ به سمت بازرس اصلی و آقای پیمان صالحی شمس دارنده کدملی شماره ۰۰۸۰۳۵۳۱۹۳ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۱)

آگهی تغییرات شرکت گوار کویر آریا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۳۰۵۶۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۲۴۰۶۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۶۳۰۵۱۱۸۵۰۰۰ ریال منقسم به ۱۲۶۱۰۲۳۷ سهم ۵۰۰۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح وذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۲۸)

آگهی تغییرات
شرکت آرایه ایده های هوشمند آسیا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۷۹۳۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۲۱۰۶۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای بابک غفاری دارنده کدملی شماره ۰۰۶۰۳۵۸۸۵۸ بعنوان رئیس هیات مدیره و آقای سجادزارع دارنده کدملی شماره ۲۲۹۸۸۱۶۲۰۴بعنوان نایب رئیس هیات مدیره و اقای مهدی درویش دارنده کدملی شماره ۴۸۳۹۴۳۴۵۴۹ بعنوان مدیر عامل انتخاب شدند - حق امضای کلیه اوراق و اسناد تعهد آور از قبیل چک و سفته و برات بعهده مدیر عامل و یکی از اعضا ی هیات مدیره متفقا همراه بامهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیات مدیره متفقا همراه با مهرشرکت میباشد امضای سایر اسناد و نامه ها با امضای مدیر عامل و یا یکی از اعضای هایت مدیره همراه به مهر شرکت می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۳۰)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی بهین ساز خلیج فارس سهامی عام
به شماره ثبت ۷۴۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۳۳۲۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : هیات مدیره اختیارات ذیل را به مدیرعامل در ۲۸ بند تفویض نمود : ۱) نمایندگی در برابر اشخاص ثالث و کلیه وزارتخانه ها ، موسسات و ادارات اعم از دولتی و غیردولتی و نیز نهادهای انقلابی و عمومی . ۲) استخدام، عزل و نصب و تسویه حساب و بازخرید کلیه ماموران و کارکنان شرکت و استفاده از خدمات قراردادی مشاوران و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش آنها طبق آیین‌نامه‌های مصوب. ۳) تهیه و پیشنهاد مقررات و آئین نامه های داخلی به هیئت مدیره جهت تصویب . ۴) انجام ترفیع ، تشویق ، تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدامی کارکنان بر اساس آئین نامه های داخلی و طرح طبقه‌بندی مشاغل شرکت و سایر مقررات مربوط به وزارت کار . ۵) تصویب وامهای پرسنلی کارکنان طبق مقررات آئین نامه وام و پرداخت وامهای ضروری موردی با تشخیص مدیرعامل . ۶) انجام بازخرید مرخصی در مورد کارکنانی که به تشخیص مدیرعامل نیاز به خدمت ایشان وجود دارد. ۷) اتخاذ تصمیم نسبت به انجام کلیه ماموریتهای (داخلی و خارجی) کارکنان. ۸) وصول مطالبات و پرداخت دیون شرکت اعم از اصل و کارمزد و متفرعات و صدور مفاصا حساب و تسویه برای آنان . ۹) پیشنهاد اخذ وام در مقابل توثیق اموال شرکت و پیشنهاد اخذ اعتبار از موسسات اعتباری غیربانکی و بانکها به هیئت مدیره . ۱۰) پیشنهاد انجام خریدهای خارجی به هیئت مدیره و اخذ مصوبه . ۱۱) انجام کلیه خرید و فروش‌ها و همچنین انعقاد قراردادهای مشاوره و کلیه خدمات تا سقف یک میلیارد ریال. ۱۲) انعقاد قرارداد فروش محصولات تولیدی شرکت (بر اساس قیمتهای مصوب هیئت مدیره و ایجاد تسهیلات و دادن اعتبار به خریداران و احیاناً تخفیف) و انعقاد قراردادهای تولید کارمزدی. ۱۳) تهیه بودجه سالیانه شرکت و تشکیل کمیته بودجه و تسلیم آن به هیئت مدیره و اخذ مصوبه . ۱۴) اقامه هر نوع دعوی حقوقی و کیفری بطرفیت اشخاص حقیقی و حقوقی و ورود به هرگونه دعوی چه بعنوان خواهان و چه بعنوان خوانده ، در کلیه مراحل قضائی با داشتن تمام اختیارات راجع به امر دادرسی اعم از حق تجدید نظر ، تعیین مصدق و کارشناس جلب ثالث و دفاع از دعوی ثالث دعوی متقابل و دفاع از دعوی تقابل ، ادعای جعل ، تعیین جاعل ، استرداد سند تقاضای صدور قرار تامین خواسته اعطای مهلت جهت پرداخت مطالبات شرکت به بدهکاران ، استرداد دعوی ، دعوی خسارت ،تقاضای صدور اجرائیه ، تعقیب عملیات اجرائی ، اخذ محکوم و غیره با حق تعیین وکیل با حق توکیل به غیر ولو کراراً درحدود اختیارات مدیرعامل . ۱۵) پیشنهاد صلح و سازش دعوی به هیئت مدیره جهت اتخاذ تصمیم . ۱۶) دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها طبق مصوبات هیئت مدیره. ۱۷) دعوت از هیئت مدیره جهت تشکیل جلسات هیئت مدیره . ۱۸) پیشنهاد افزایش و کاهش سرمایه ، ایجاد اندوخته اختیاری علاوه بر اندوخته قانونی و تقسیم سود بین صاحبان سهام به هیئت مدیره . ۱۹) پیشنهاد سرمایه گذاری در شرکتهای جدید التاسیس یا موجود به هیئت مدیره . ۲۰) پیشنهاد اصلاح اساسنامه به هیئت مدیره . ۲۱) اجرای مصوبات هیئت مدیره و مصوبات مجامع پس از تصویب هیئت مدیره . ۲۲) اقاله، فسخ، ابطال و اصلاح هرگونه قرارداد و موافقت نامه که شرکت منعقد نموده است پس از پیشنهاد و تصویب در هیئت مدیره. ۲۳) مبادرت به تقاضا برای ثبت هرگونه علامت تجاری و اختراع پس از تصویب هیئت مدیره. ۲۴) به امانت گذاردن هرنوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوق‌های دولتی و خصوصی و استرداد آنها پس از تصویب هیئت مدیره. ۲۵) تعیین میزان استهلاک‌ها. ۲۶) تنظیم خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت هر ۶ماه یکبار و دادن آن به بازرس شرکت. ۲۷) تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت. ۲۸) پیشنهاد هرنوع اندوخته علاوه بر پنج درصد اندوخته موضوع مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۱۵۶۴۳)

آگهی تغییرات
شرکت آرایه ایده های هوشمند آسیا سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۷۹۳۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۲۱۰۶۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقایان بابک غفاری دارای کد ملی شماره۰۰۶۰۳۵۸۸۵۸ و احسان وزیری بمی دارای کد ملی شماره ۰۰۷۷۹۴۸۶۵۳ و سجاد زارع دارنده کد ملی شماره ۲۲۹۸۸۱۶۲۰۴ و سیدمحمد زمانی دارنده کد ملی شماره ۰۰۷۱۷۹۱۲۹۹ و مهدی درویش دارنده کدملی شماره ۴۸۳۹۴۳۴۵۴۹ بعنوان اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند -روزنامه کثیر الانتشاراطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. خانم زینب حریری دارنده کدملی شماره ۰۰۶۴۶۷۳۴۰۵بعنوان بازرس اصلی و خانم دلارام کیادارنده کد ملی شماره ۰۰۳۱۰۱۱۰۱۹بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۳۱۵۶۲۷)

اطلاعات

سال نود وسوم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت‌جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۷ - ۳ جمادی الاول ۱۴۴۰ - ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹		جمعه ۲۱ دی ۱۳۹۷ - ۴ جمادی الاول ۱۴۴۰ - ۱۱ ژانویه ۲۰۱۹	
ظهر شرعی	۱۲ و ۱۲ دقیقه	ظهر شرعی	۱۲ و ۱۲ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۰۹ دقیقه	غروب آفتاب	۱۷ و ۱۰ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۲۹ دقیقه	اذان مغرب	۱۷ و ۳۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۲۷ دقیقه	نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۲۸ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۶ دقیقه	اذان صبح (شنبه)	۵ و ۴۶ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۱۴ دقیقه	طلوع آفتاب (شنبه)	۷ و ۱۴ دقیقه

کوتاه از سراسر جهان

اعلام وفاداری ارتش ونزوئلا به «مادورو»

ایسنا: نیروهای مسلح ونزوئلا وفاداری کامل خود را به رئیس جمهوری این کشور اعلام کردند. این اعلام وفاداری از سوی نیروهای مسلح ونزوئلا دو روز پیش از ادای سوگند نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری این کشور برای دوره دوم صورت گرفت. نیروهای مسلح ونزوئلا در بیانیه‌ای که از سوی ژنرال ولادیمیر پادرینو، وزیر دفاع این کشور خوانده شد، حمایت بی حد و حصر خود و وفاداری کاملشان به مادورو به عنوان رئیس جمهوری ونزوئلا و فرمانده نیروهای مسلح برای بازه زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ را اعلام کردند. در این حال دولت آمریکا تحریم‌هایی را علیه هفت ونزوئلایی از جمله مالک شبکه تلویزیونی این کشور اعمال کرد. این درحالی است که روسیه هشدار داد سناریوی نظامی علیه ونزوئلا فاجعه‌بار خواهد بود و آمریکا باید این موضوع را از سرش بیرون کند.

بانک جهانی: اقتصاد جهان در ۲۰۱۹ بحرانی خواهد بود

ایرنا: بانک جهانی چشم انداز اقتصاد بین المللی در ۲۰۱۹ میلادی را آسمان تاریک توصیف کرد.بانک جهانی اعلام کرد: سال گذشته شاهد بودیم که تجارت بین الملل و سرمایه گذاری با کاستی و کاهش مواجه شد و تنش های تجاری شدت گرفت و چندین بازار عمده جهانی تحت فشارهای مالی قرار گرفتند. بانک جهانی افزود: با وجود چالش های موجود در ارتباط با این کاستی ها، انتظار می رود توسعه اقتصادی و رشد بازارها در سال ۲۰۱۹ بدون تغییر و در وضعیتی ثابت باقی بماند.

ارسال بسته های مشکوک به ۱۴ نمایندگی سیاسی خارجی در استرالیا

ایرنا: منابع خبری به نقل از پلیس استرالیا اعلام کردند که ۱۴ نمایندگی و مرکز سیاسی کشورهای مختلف جهان که در ملبورن استرالیا فعال هستند، به طور همزمان بسته مشکوک و خطرناک دریافت کردند.در پی این امر، آتش نشانان و متخصصان خنثی سازی بمب در نمایندگی‌های سیاسی هند و آمریکا در ملبورن دومین شهر بزرگ استرالیا حضور یافتند. از جمله این کشورها آمریکا و انگلیس هستند.

وزیر خارجه هند: هیچ کشوری از شر تروریسم در امان نیست

ایرنا: سوشما سواراج، وزیر امور خارجه هند در نشست بین المللی رایسینا گفت که امروزه در عصر دیجیتال هیچ کشوری، چه کوچک و چه بزرگ از خطر تروریسم در امان نیست. وی در این کنفرانس که با حضور شخصیت های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی جهان از جمله محمد جواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، گفت: چالش های بوجود آمده از سوی تروریسم در عصر دیجیتال به قدری برای همگان جدی شده است که مبارزه با آن نیازمند یک عزم جدی از سوی همه است چرا که شرایط جدید زمینه را برای افراطی تر شدن تروریسم بیشتر کرده است. سواراج تصریح کرد: تهدیدات تروریستی به تدریج می روند تا شکل دولتی نیز به خود بگیرند.

دورجدید سرکوب روهینگیا ۴۰۰۰ آواره برجا گذاشت

ایرنا: سازمان ملل با انتشار گزارشی شروع دور جدید درگیری ها و سرکوب اقلیت های قومی به ویژه مسلمانان روهینگیا در ایالت راخین میانمار توسط نظامیان این کشوررا در یک هفته اخیر تایید کرد که در پی آن بیش از ۴۰۰۰ نفر آواره شدند.عملیات سرکوب و کشتار مسلمانان روهینگیا توسط نظامیان و بودائیان افراطی در ایالت راخین میانمار طی یکسال اخیر هزاران کشته و بیش از ۷۵۰ هزار آواره برجا گذاشته است.

برزیل از پیمان مهاجرتی سازمان ملل خارج شد

مهر: برزیل رسماً از پیمان مهاجرتی سازمان ملل خارج شد و آن را ناکارآمد اعلام کرد. حزب راست افراطی برزیل که از اوایل سال میلادی جاری (۲۰۱۹) زمام دولت را بر عهده گرفته است، همانطور که وعده داده بود در این مورد نیز از آمریکا پیروی کرد. این درحالی است که «ارنستو آراجو» وزیر خارجه برزیل ماه گذشته میلادی و قبل از آنکه رسماً عهده دار این مقام شود، از تمایل برای خروج از این پیمان بین‌المللی خبر داده بود.

درخواست «گوترش» از شورای امنیت برای استقرار نیروهای حافظ صلح در «الحدیده» یمن

سرویس خارجی: دبیر کل سازمان ملل متحد از شورای امنیت این سازمان خواست به منظور نظارت بر آتش‌بس میان طرف‌های جنگ در یمن ، مجوز استقرار ۷۵ناظر در شهر بندری «الحدیده» را برای شش ماه تأیید کند.

به گفته منابع خبری، این اقدام «آنتونیو گوترش» با هدف جلوگیری از شکست مذاکرات و توافق های صورت گرفته میان طرف های یمنی در مذاکرات صلح «استکهلم» سوئد اتخاذ شد.

خبرگزاری رویترز در این رابطه نوشت: ۱۵عضو شورای امنیت باید تا ۲۰ژانویه (۳۰دی‌ماه) درباره این درخواست گوترش تصمیم بگیرند. در حال حاضر نظارت بر روند آتش‌بس الحدیده توسط تیم «پاتریک کامائرت» ژنرال هلندی انجام می‌شود و ماموریت یک ماهه وی روز ۲۰ژانویه به پایان خواهد رسید .

در همین حال و همزمان با این اقدام گوترش، «مارتین گریفیتس»، فرستاده ویژه سازمان ملل نیز با « منصور هادی »، رئیس جمهوری دولت مستعفی یمن و مسئولان این دولت در «ریاض»، پایتخت عربستان دیدار کرد.

«عبدالله العلیمی»، مدیر دفتر ریاست جمهوری مستعفی یمن در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: دیدار مارتین گریفیتس با رئیس جمهوری دولت مستعفی یمن ، دیداری سازنده، کارآمد و شفاف بود.در چنین شرایطی، «مولود چاووش اوغلو»، وزیر خارجه ترکیه در سخنانی گفت: حل بحران یمن از اولویت های ترکیه در سال جاری میلادی است.وی با بیان این که ترکیه خواستار حل بحران یمن است، تصریح کرد: حل این بحران و پایان دادن به مناقشات یمن از راه های سیاسی، امکان پذیر است و ما خواستار حل آن هستیم .

در تحولات میدانی نیز، ۱۸تن از مزدوران عربستان در منطقه «نهم»، واقع در استان «صنعا» به دست نیروهای یمنی از پا درآمدند. به گفته منابع خبری، تک تیراندازان ارتش و کمیته های مردمی یمن موفق به هدف قرار دادن این مزدوران شدند. یک منبع نظامی یمنی در این باره گفت: یگان تک تیرانداز ارتش و کمیته های مردمی این مزدوران را در جبهه های «الحول»، «عبیدان» و «حریب» در منطقه «نهم» در استان «صنعا» هدف قرار دادند و به هلاکت رساندند.ارتش و کمیته های مردمی یمن همچنین طی عملیاتی در استان «الجوف»، شماری از مزدوران عربستان را به هلاکت رساندند و شمار دیگری را نیز زخمی کردند.

نیروهای یمنی همچنین یورش وحشیانه متجاوزان سعودی به گذرگاه «علب» در شهر مرزی «عسیر» عربستان را ناکام گذاشتند.به گزارش رسانه های یمنی ، نیروهای یمنی در این عملیات شماری از متجاوزان را به هلاکت رساندند.

از طرفی، نیروهای ارتش یمن عملیات تجاوزکارانه مزدوران سعودی در شهر مرزی «جیزان» را نیز ناکام گذاشتند تا روز سختی را برای ائتلاف سعودی رقم زده باشند.

طبق اعلام رسانه های یمنی، مزدوران سعودی قصد داشتند به شرق «جبل جحفان» در «جیزان» نفوذ کنند که دخالت نیروهای یمنی مانع از تحقق هدف آنها شد. پهپادهای ارتش یمن نیز محل استقرار توپخانه های سعودی را هدف حملات خود قرار دادند.

عکس دختر ۷ ساله یمنی از تصاویر برتر سال ۲۰۱۸ «تایم» شد

مجله آمریکایی «تایم» تصویر «امل حسین»، دختر هفت ساله یمنی را که انتشار عکس او در اکتبر ۲۰۱۸ میلادی دیدگاه افکار عمومی دنیا را متوجه بحران انسانی یمن کرد به عنوان تصویر برتر سال خود انتخاب کرد. تصاویر «امل حسین» دختر بچه هفت ساله یمنی که از شدت ضعف و گرسنگی، شرایط بسیار حادی داشت برای اولین بار از سوی روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر و واکنش‌های همراه با همدردی جهانی را به دنبال داشت. «امل حسین» در نوامبر ۲۰۱۸ بر اثر سو تغذیه شدید جان باخت.

دموکرات های سنای آمریکا مانع تصویب تحریم های تازه علیه ایران، سوریه و روسیه شدند

سرویس خارجی: دموکرات‌های مجلس سنای آمریکا به دلیل مخالفت با دستور ترامپ برای تعطیلی دولت ، از تصویب طرحی برای اعمال تحریم های جدید علیه ایران، سوریه وروسیه جلوگیری کردند.

طرح پیشنهادی جمهوریخواهان که تحت عنوان «تقویت امنیت آمریکا در خاورمیانه» خواهان هدف قرار دادن سوریه و متحدانش یعنی ایران و روسیه با تحریم‌های جدید و همچنین افزایش همکاری امنیتی واشنگتن با رژیم صهیونیستی و اردن است با ۵۶ رای موافق در برابر ۴۴رای مخالف درحالی که برای تصویب نیاز به ۶۰ رای داشت تصویب نشد. در همین رابطه، «کریس ون هولن» سناتور دموکرات در توئیتی نوشت: دموکرات‌های سنا باید از بررسی هر طرحی غیر مرتبط با بازگشایی دولت جلوگیری کنند در چنین شرایطی رئیس جمهوری آمریکا دموکرات ها را متهم کرد که بودجه دیوار مرزی را تامین نمی کنند تا دولت تعطیل شود. ازسویی،«نانسی پلوسی»رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در واکنش به سخنان ترامپ گفت:رئیس جمهوری آمریکا باید از گروگان گرفتن مردم ایالات متحده خودداری کند و همچنین جلوی بحران را بگیرد و دولت را بازگشایی کند.

«چاک شومر» رهبر اقلیت سنای آمریکا نیز اعلام کرد: ترامپ تنها از تعطیلی دولت برای ایجاد بحران و ترس و نگرانی و جلب توجه استفاده می‌کند.

سناتور «برنی سندرز» دموکرات هم گفت: آقای رئیس جمهوری! نیازی به ایجاد بحران مصنوعی نداریم و با بحران های واقعی روبه رو هستیم،اجازه دهید به بازی تعطیلی دولت خاتمه بدهیم و با انجام کارهای واقعی به رفاه و بهبودی زندگی مردم آمریکا کمک کنیم.«آدام اسمیت»، رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا نیز اقدام ترامپ در پافشاری بر احداث دیوار در مرز با مکزیک را محکوم کرد و ریشه صحبت‌های او در خصوص بحران مهاجرت را در بیگانه ستیزی و نژاد پرستی دانست.

از سویی،«سرگئی ریابکوف» معاون وزارت خارجه روسیه از آمادگی مسکوبرای مذاکره با آمریکا درباره پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میانبرد خبر داد و گفت: این مذاکرات می‌تواند در سطوح دیپلماتیک و نظامی انجام شود.از طرفی یک مقام اروپایی اعلام کرد: دولت آمریکا در اقدامی از پیش اعلام نشده، سطح ماموریت سفیر اتحادیه اروپا را که یکی از سفرای برجسته محسوب می‌شود را کاهش داده است.در چنین شرایطی روزنامه عربستانی«الحیات» با انتقاد از سیاست های «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا تاکید کرد: سیاست های ترامپ در بعد داخلی و خارجی که کاملا مخالف اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و ارزش های آمریکایی است،باعث تضعیف و انزوای آمریکا شده است.

آنکارا خواستار نظارت ایران، ترکیه و روسیه بر خروج آمریکا از سوریه شد

سرویس خارجی: وزیر خارجه ترکیه خواستار نظارت ایران، ترکیه و روسیه بر خروج نظامیان آمریکایی از خاک سوریه که اخیرا ترامپ دستور آن را صادر کرد، شد.

«مولود چاووش اوغلو» گفت: آمریکا در موضوع خروج نیروهایش از سوریه، با مشکلات فراوانی مواجه است و ما می خواهیم این روند را به همراه ایران و روسیه که در قالب مذاکرات آستانه با هم همراه بوده ایم، هماهنگ کنیم. به گفته وی چنین اقدامی از این جهت ضرورت دارد که گروه های تروریستی مناطق خالی را در پی خروج آمریکا تحت سلطه خود در نیاورند. گفتنی است دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا روز ۲۸آذرماه اعلام کرد قصد خارج کردن نظامیان آمریکایی از سوریه را دارد، امری که سبب شد «جیمز متیس» وزیر دفاع پیشین آمریکا از سمتش استعفا کند. مطرح شدن تصمیم ناگهانی ترامپ برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از سوریه جنجال‌های بسیاری را به دنبال داشت، تا اینکه در نهایت ترامپ اعلام کرد که خروج نیروهای این کشور از سوریه به صورت تدریجی انجام می‌گیرد.

در این حال وزیر دفاع ترکیه و رییس ستاد ارتش آمریکا در آنکارا درباره مبارزه با تروریسم در سوریه گفت‌وگو کردند.

«خلوصی آکار»، وزیر دفاع ترکیه و «جوزف دانفورد»، رییس ستاد ارتش آمریکا در مقر وزارت دفاع ترکیه در آنکارا درباره آخرین تحولات شمال سوریه و تصمیم آمریکا برای خارج کردن نیروهایش از این منطقه و جنگ با گروه‌های تروریستی بحث و گفت‌وگو کردند. آکار در این دیدار بر لزوم اجرای کامل و هرچه سریع‌تر نقشه راه منبج و بیرون کردن یگان‌های مدافع خلق کرد از این منطقه تاکید کرد.

در چنین شرایطی روزنامه «العربی الجدید» نوشت:تهران در سوریه پیروز شد و رهبران عرب برای عرض تبریک به ایران، به دمشق می‌روند! این روزنامه افزود: برخی سران کشورهای عربی، دلیل شتاب خود به سمت نظام سوریه را بازپس گیری دمشق از تهران اعلام کرده اند؛ این درحالی است که ایران در سوریه و یمن پیروز شده است، در حالی که عرب های خلیج فارس در معرکه سوریه شکست خورده اند.

«العربی الجدید» در واکنش کنایه‌آمیز به عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با سوریه پس از خروج آمریکا نوشت: برادران ما فقط برای عرض تبریک به ایران، به دمشق می‌روند! این روزنامه تصریح کرد: نیازی به یادآوری تلاش های برخی دولت های بزرگ، برای پایان دادن به نفوذ ایران در سوریه نیست همانطور که رئیس جمهور سابق فرانسه، نیکلا سارکوزی تصور می کرد می تواند چنین کند اما تلاشش با شکست مواجه شد به این دلیل که از طبیعت خاصّ روابط ایران و بشار اسد، غافل ماند؛ همان مساله مهمی که این روزها عرب ها نیز توجهی به آن ندارند. خبر دیگر اینکه وزیر خارجه اردن در کنفرانس خبری مشترک با وزیر خارجه آمریکا گفت که جولان متعلق به سوریه و منطقه‌ای اشغالی است و ما از اسرائیل می‌خواهیم از این منطقه خارج شود.

اما در تحولات میدانی، مرکز موسوم به «دیدبان حقوق بشر سوریه» که نهادی وابسته به معارضان سوری است، اعلام کرد که عناصر داعش طی چند روز گذشته حملات سنگینی به مواضع شبه نظامیان مورد حمایت آمریکا در سوریه داشته‌اند و عناصر باقیمانده داعش در شرق سوریه تلفات زیادی از شبه نظامیان کُرد سوری گرفته‌اند. این مرکز اعلام کرد که عناصر تروریستی داعش با استفاده از شرایط جوی حاکم بر شرق سوریه که طی چند روز شاهد گرد و غبار بود، طی حملاتی ۳۲تن از شبه نظامیان «نیروهای دموکراتیک سوریه» را از پای درآوردند.

خبر دیگر اینکه تروریست‌های احرار الشام در غرب استان حما تسلیم شدند و مقرر شد که سلاح سنگین و نیمه سنگین خود را تحویل جبهه النصره دهند و بدین ترتیب احرار الشام در این استان منحل اعلام شود.

ائتلاف «هیات تحریر الشام» که جبهه النصره رکن اصلی آن است، با همتای تروریستی خود «احرار الشام» به توافق دست یافت و بر اساس این توافق، احرار الشام در منطقه «سهل الغاب» واقع در ریف غربی استان حما منحل شد.

«بیل گیتس» خواستار سرمایه گذاری در پاکستان شد

سرویس خارجی: بنیانگذار شرکت مایکروسافت با ارسال نامه‌ای به «عمران‌خان» نخست وزیر پاکستان خواستار سرمایه‌گذاری در این کشور شد.

نمایندگان بنیاد بیل گیتس ضمن دیدار با عمران‌خان، نامه رئیس شرکت مایکروسافت را به وی تقدیم و برای سرمایه‌گذاری در پاکستان اعلام آمادگی کردند. بنیاد بیل گیتس برای سرمایه‌گذاری با هدف مبارزه با فلج اطفال و بهداشت نیز اعلام آمادگی کرده است. این در حالی است که بیل گیتس در دسامبر سال ۲۰۱۸ در تماس تلفنی با عمران‌خان ازتلاش دولت پاکستان برای ریشه‌کن کردن فلج اطفال قدردانی کرد و از سرمایه‌گذاری در این کشور خبر داد.

۱۱ سال حبس برای وزیر صهیونیست متهم به جاسوسی برای ایران

سرویس خارجی: «گونن سِگو» وزیر پیشین انرژی رژیم صهیونیستی که پیش از این متهم به جاسوسی برای ایران شده بود از سوی دادگاه اسرائیل به ۱۱ سال حبس محکوم شد.

سازمان امنیت داخلی رژیم صهیونیستی «شاباک»، سگو ۶۲ساله را به برقراری تماس‌های غَیرقانونی با دیپلمات های ایران، افشای اطلاعات محرمانه درباره زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی و جاسوسی متهم کرده بود. منابع رسانه‌ای صهیونیستی نیز گزارش داده‌اند، جزئیات پرونده گونن سگو نشان می‌دهد وی زمانی که به عنوان پزشک در نیجریه فعالیت می‌کرد با منابع دیپلماتیک ایرانی ارتباط داشته است. پیش از این، روزنامه هاآرتص تحلیل کرده بود که اگر اتهامات مطرح شده علیه این وزیر پیشین انرژی اسرائیل صحت داشته باشد، استخدام او به عنوان جاسوس و عامل اطلاعاتی، یک پیروزی برای ایران است. روزنامه جروزالم پست نیز نوشته بود که جذب وزیر پیشین انرژی اسرائیل توسط ایران را نمی‌توان نادیده گرفت زیرا او می توانسته علاوه بر ارائه اطلاعات حیاتی، مقامات دیگر را نیز برای تبدیل شدن به جاسوس، به ایران معرفی کند. گفتنی است گونن سگو در خرداد سال جاری پس از رسانه‌ای شدن اتهامات جاسوسی، توسط پلیس رژیم صهیونیستی بازداشت شد.خبر دیگر اینکه وزارت کشور فلسطین اعلام کرد ۴۵مزدور اسرائیل در نوار غزه را به اتهام همکاری با رژیم صهیونیستی بازداشت کرده است."ایاد البزوم" نماینده‌وزارت‌کشورفلسطین در نوار غزه گفت: ما توانستیم ضربه بزرگی به امنیت رژیم اشغالگر بزنیم و از تعدادی عملیات که اسرائیل قصد داشت در نوار غزه انجام دهد جلوگیری کنیم. از سویی وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی اعتراف کرد که سیاست‌های نخست وزیر این رژیم در نوار غزه شکست خورده و جنبش حماس هم به پیروزی رسیده است. «آویگدور لیبرمن» گفت: اسرائیل در برابر گروههای فلسطینی تسلیم شد و دولت اسرائیل به رهبرانشان که خواستار قتل ما هستند، مصونیت داده و آنها از هیچ چیزی هراس ندارند. در این حال رئیس‌جمهور لبنان گفت: قدس وارث ادیان آسمانی است و نمی‌تواند شهری منزوی باشد و به همین دلیل تهدیدهای صهیونیستی و هدف‌قرار دادن هویت این سرزمین مقدس با معرفی قدس به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل، همه خطرناک هستند و نه فقط جنگ‌های جاری را تمام نمی‌کنند بلکه جنگ‌های جدید، آوارگی جدید و پاکسازی نژادی جدید به وجود می‌آورند.



لحظه ورود وزیر اسرائیلی به دادگاه

در خبری دیگر سخنگوی کاخ کرملین به گزارش برخی رسانه‌های صهیونیستی در خصوص مداخله یک کشور خارجی در روند انتخابات این رژیم واکنش نشان داد. «دیمیتری پسکوف» گفت: این گزارش‌های رسانه‌های اسرائیلی را نخوانید زیرا روسیه در انتخابات هیچ کشوری در جهان دخالت نمی‌کند و حتی قصد دخالت نیز ندارد. خبر دیگر اینکه بروز نقص فنی در کابین جنگنده‌های «اف-۱۵» نیروی هوایی رژیم صهیونیستی، زمین گیر شدن ناوگان این نوع هواپیما را موجب شد. ارتش این رژیم دستور عدم پرواز ناوگان جنگنده‌های اف-۱۵ را صادر کرد.

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی: هیأت‌هایی از کشورهای عربی مخفیانه به اسرائیل سفر می کنند

سرویس خارجی: پایگاه خبری «میدل ایست آی» در گزارشی فاش کرد که رئیس «موساد» با سران سازمان‌های اطلاعاتی عربستان سعودی، امارات و مصر برای بررسی راهکارهای کاهش نفوذ ایران و ترکیه دیدار داشته است.

بر اساس گزارش پایگاه خبری «میدل‌ایست‌آی»، رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» اوایل دسامبر گذشته در پایتخت یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با سران سازمان‌های اطلاعاتی عربستان سعودی، امارات و مصر دیدار داشته است.

بر اساس این گزارش، محور اصلی این دیدار بررسی گام‌های کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و ترکیه بوده است. این در حالی است که ماه پیش نیز تلویزیون رژیم صهیونیستی فاش کرده بود «یوسی کوهن» رئیس «موساد» در سال ۲۰۱۷ بارها به عربستان سفر کرده و با مقامات سعودی دیدار کرده بود.از طرفی همزمان با این گزارش، سخنگوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد: هیأت هایی از کشورهای مختلف عربی مخفیانه به اسرائیل سفر می کنند.

سخنگوی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی مدعی شد که این هیأت‌ها از حاشیه خلیج فارس، اردن، یمن، مغرب، الجزایر، تونس، عراق، سوریه و لبنان بوده اند. به گفته وی، هیأت هایی که به سرزمین های اشغالی سفر کرده اند از طیف های مختلفی بودند که بیشتر این افراد در فعالیت‌های رسانه ای کشورهایشان صاحب نفوذ هستند.

اوج گیری اعتراضات ضد دولتی در سودان با شعار برکناری «عمرالبشیر» از قدرت

سرویس خارجی:هزاران‌معترض سودانی بار دیگر در شهرهای مختلف این کشور تظاهرات ضد دولتی برگزار کردند و با سردادن شعارهایی، خواستار برکناری «عمرالبشیر» از قدرت شدند.

به گفته منابع خبری، هزاران سودانی در شهر «القضارف» واقع در ایالت «القضارف» (شرق سودان) در یکی از بزرگترین تظاهرات ضد دولتی در این کشور طی هفته های گذشته، علیه حکومت سودان تظاهرات کردند و با سر دادن شعارهایی، سقوط نظام سودان و دولت «عمرالبشیر» و همچنین تحقق عدالت را خواستار شدند.معترضان از مرکز این شهر به سمت ساختمان مجلس قانونگذاری ایالت مذکور راهپیمایی کردند و پلیس نیز برای متفرق کردن معترضان به استفاده از گاز اشک‌آور متوسل شد.

تظاهر کنندگان همچنین با سردادن شعارهایی خواستار محاکمه عاملان قتل معترضان در جریان تظاهرات و ناآرامی های اخیر شدند. نیروهای امنیتی سودان نیز با استفاده از گلوله های جنگی و گاز اشک‌آور، اعتراضات مردم را به شدت سرکوب کردند.

در چنین شرایطی، کشورهای آمریکا، نروژ، انگلیس و کانادا به اعتراضات مردمی در سودان واکنش نشان دادند و با انتشار بیانیه‌ای، از دولت«عمرالبشیر»خواستاراعتراضات مسالمت آمیز مردم را سرکوب نکند. در این بیانیه آمده است: کشورهای «ترویکا» (آمریکا، نروژ، انگلیس) و همچنین کانادا همچنان نسبت به واکنش دولت سودان به اعتراض‌های اخیر در این کشور، بازداشت افراد سیاسی، فعالان و تظاهرکنندگان بدون اینکه اتهامی علیه آنها طرح شود و محاکمه‌ای برای آنها صورت بگیرد، نگران هستند.

افشای مذاکرات محرمانه میان کره شمالی و کانادا

سرویس خارجی: مقامات آگاه کانادا از مذاکرات محرمانه این کشور با کره شمالی در سپتامبر سال ۲۰۱۸میلادی در اتاوا پرده برداشتند.

در همین رابطه، یکی از مقامات ارشد دولت کانادا که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد:کشورش در ماه سپتامبر۲۰۱۸، میزبان هیأتی از کره شمالی بوده که برای مذاکرات محرمانه به اتاوا سفر کرده بود. به گفته وی،این مذاکرات دو روز طول کشید و طرف کانادایی بر ضرورت پیشبرد خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره کره و رفع مشکلات حقوق بشری تاکید کرده بود. وزارت خارجه کانادا نیز تایید کرد که در سپتامبر سال گذشته، هیأتی از کره شمالی سفری محرمانه به اتاوا داشته است.این وزارتخانه اعلام کرد: این سفر دلیلی بر تغییر رویکرد و روابط دیپلماتیک اتاوا- پیونگ یانگ نیست.

مقامات کاخ سفید خروج نظامیان آمریکا از افغانستان را تایید کردند

سرویس خارجی: مقامات کاخ سفید ضمن تایید خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان اعلام کردند که در نظر دارند به جای کاهش ۷۰۰۰ نیروی نظامی ،حدود ۳۵۰۰ نفر از آنها را از این کشور خارج کنند.

دو مقام ارشد کاخ سفید در این باره به «واشنگتن پست» گفتند: ترامپ خواستار خروج نظامی از افغانستان و در نهایت همه نیروها از این کشور است اما خروج کنونی نیروها احتمالا بسیار کمتر از ۷۰۰۰ نظامی اعلام شده باشد.این مقامات با خودداری از ارائه شمار دقیق نیروهایی که احتمالا خارج خواهند شد، اظهار داشتند: به دلیل این که گفتگوها در این باره جریان دارد اعلام شمار قطعی خروج این نظامیان مشخص نیست اما ممکن است حدود نیمی از مقداری باشد که ترامپ در ابتدا خواستار آن بود.

تأکید نخست وزیر عراق بر لزوم تقویت روابط برادرانه با ایران

سرویس خارجی:«عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر عراق بر لزوم تقویت روابط خوب و برادرانه با کشورمان تأکید کرد .

عبدالمهدی در کنفرانس خبری هفتگی خود پس از جلسه هیأت دولت، در پاسخ به سؤالی درباره روابط ایران و عراق در دولت تحت رهبری‌اش گفت: روابط خوب، دوستانه و برادرانه‌ای با ایران داریم.وی اظهار داشت: ما باور داریم و در منشور دولت خود نیز گفته ایم که باید در تعامل با همسایگان، بر مشترکات تمرکز کنیم چون در این صورت اختلافات احتمالی نیز از بین خواهند رفت اما اگر روی اختلافات متمرکز باشیم هیچ اختلافی حل نخواهد شد.

عبدالمهدی ادامه داد: در تعامل با همسایگان، تأکید ما، کار بر روی مشترکات است و از این راه می توان بتدریج اختلافات را نیز با روحیه و اعتماد و حسن نیت بیش از پیش حل کرد.

نخست وزیر عراق در خصوص وضع امنیتی این کشور نیز گفت: به رغم برخی اقدامات داعش برای افزایش روحیه عناصر خود، اقدامات بسیار خوب و در بالاترین سطح در بُعد اطلاعاتی و عملیاتی علیه تروریسم در جریان است و امنیت در کشور رو به افزایش است.

عبدالمهدی همچنین ضمن ابراز بی‌اطلاعی نسبت به استقرار دوباره نیروهای آمریکایی در عراق، از افزایش فعالیت‌های اطلاعاتی نیروهای کشورش در مناطق حضور داعش خبر داد.وی افزود: شمار نیروهای آمریکایی در عراق رو به کاهش است. در چنین شرایطی و همزمان با اوج گیری مخالفت ها با دخالت های آمریکا در عراق و افزایش مطالبات برای خروج نظامیان این کشور، «حیدر العبادی» و «نوری مالکی»، نخست وزیران سابق و اسبق، یکدیگر را مسئول بازگشت نظامیان آمریکایی به عراق اعلام کردند.

حیدرالعبادی، نخست وزیر سابق و رئیس ائتلاف «النصر» عراق همچنین نسبت به کنترل مافیاها و گروه‌های مسلح بر قدرت در این کشور هشدار داد و تاکید کرد که نشانه‌هایی از این دست تلاش‌ها وجود دارد. یک عضو ائتلاف «الإصلاح» عراق نیز از تکاپوی پارلمان برای تصویب قانون اخراج نیروهای بیگانه و در رأس آنها نیروهای آمریکایی خبر داد.در همین حال و همزمان با تشدید اختلافات میان رهبران عراقی بر سر حضور نظامیان آمریکایی در این کشور، «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا در سفری از پیش اعلام نشده وارد بغداد شد تا با مقامات عراق دیدار و گفتگو کند.

در تحولات امنیتی نیز،برخی منابع از انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده در شهر «تکریت»، واقع در استان «صلاح الدین» عراق خبر دادند. شبکه «المیادین» به نقل از منابع بیمارستانی عراق اعلام کرد: بر اثر وقوع این انفجار تروریستی، سه نفر از شهروندان عراقی کشته و ۱۰تن دیگر زخمی شدند.در همین حال، نیروهای ارتش عراق در عملیاتی غافلگیرانه موفق شدند یکی از سرکردگان داعش را که پیشتر جنایت های متعددی مرتکب شده بود، در استان «سلیمانیه» بازداشت کنند .

بازداشت ۱۰۰ نظامی ترکیه به اتهام عضویت در جریان «گولن»

سرویس خارجی: منابع رسانه ای از بازداشت ۱۰۰ نظامی ترکیه به اتهام عضویت در جریان گولن خبر دادند.منابع خبری اعلام کردند: این افراد که همگی نظامیان فعال در نیروهای مسلح ترکیه هستند، به دستور دادستانی کل استان آنکارا به اتهام عضویت در سازمان گولن بازداشت شدند. در این حال پاکستان بعد از رای دادگاه عالی این کشور در مورد تروریستی بودن شبکه «فتح الله گولن» مدیریت مدارس این جریان را از عوامل گولن سلب و به بنیاد معارف دولت ترکیه انتقال داد.

نگاه هفته

* دستور دو هفته قبل ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، همه نگاه‌ها را متوجه ایران کرده تا جایی که محافل غربی و صهیونیستی اذعان دارند به اینکه توانمندی و نفوذ ایران در سوریه سبب شد ترامپ چنین دستوری صادر کند. در همین راستا این هفته روزنامه سعودی الحیات به صراحت نوشت که ایران در جنگ سوریه پیروز شد. تلویزیون رژیم صهیونیستی هم اذعان کرد که اسرائیل بزرگترین بازنده و ایران برنده جنگ سوریه هستند. همزمان محافل عربی می‌گویند اتحادیه عرب شرط بازگشت سوریه به این اتحادیه را روشن شدن موضع دمشق درباره روابطش با ایران اعلام کرده است.

* تحولات عراق این هفته تحت‌الشعاع ورود نظامیان خارج شده آمریکایی از سوریه به این کشور قرار داشت. به گفته منابع امنیتی، صدها نظامی آمریکایی پس از ترک خاک سوریه با ورود به عراق در پایگاه‌هایی واقع در اقلیم کردستان و همچنین استان«الانبار» عراق مستقر شدند. این اقدام واشنگتن که پس از ورود بدون هماهنگی اخیر ترامپ به«الانبار» صورت گرفت، خشم مقامات مقاومت و برخی رهبران سیاسی عراق را برانگیخت تا جایی که گروه‌های مقاومت این کشور، نظامیان آمریکایی را تهدید به حملاتی نظامی همانند سال‌های قبل از ۲۰۱۱ که منجر به خروج آمریکا از عراق شد، کردند.

* ائتلاف سعودی این هفته نیز با حملات هوایی و زمینی خود همچنان به نقض توافق آتش‌بس در«الحدیده» یمن علیرغم توجه‌های سازمان ملل و شورای امنیت ادامه داد. از سوی دیگر و همزمان با این اقدام، سایر مناطق یمن نیز این هفته آماج حملات سنگین جنگنده‌های عربستان و امارات قرار داشت که به کشته و زخمی شدن شماری غیرنظامی انجامید.

* تظاهرات گسترده ضددولتی سودانی‌ها این هفته نیز ادامه داشت و هزاران معترض به سیاست‌های اقتصادی دولت «عمرالبشیر» به خیابان‌ها ریختند و خواستار برکناری رئیس‌جمهوری کشورشان از قدرت شدند.معترضان بارها تا آستانه اشغال کاخ ریاست جمهوری سودان نیز پیش رفتند که با سرکوب نیروهای امنیتی و پلیس این کشور روبه‌رو می‌شدند.

* لبنان این هفته صحنه تظاهرات علیه تشکیل نشدن دولت به نخست وزیری سعدحریری بود. معترضان شعار می‌دادند که در نبود دولت، بسیاری از مراکز دولتی و خصوصی فلج شده‌اند. گفتنی است پس از هفت ماه از انتخابات پارلمانی و مکلف شدن حریری به تشکیل دولت، او که متحد عربستان است به دلیل دخالت سعودی‌ها هنوز نتوانسته دولت تشکیل دهد.

* نیروهای امنیتی عربستان این هفته با یورش به منطقه شیعه نشین «القطیف» در شرق این کشور و تیراندازی به سوی مردم پنج تن را به شهادت رساندند. از سوی دیگر و همزمان با این تحولات، روند عادی سازی روابط عربستان و اعراب با رژیم صهیونیستی که با تلاش‌های آمریکا از ماهها پیش آغاز شده است، این هفته شتاب فراوانی گرفت و رسانه‌های آمریکایی از سفر وزیر خارجه این کشور به خاورمیانه با هدف زمینه‌سازی برای دیدار نتانیاهو و «بن‌سلمان» خبر دادند.

* رویدادهای این هفته اراضی اشغالی فلسطین تحت تاثیر ادعاهای جدید نتانیاهو علیه ایران قرار گرفت. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در دیدار با وزیر خارجه آمریکا که به اراضی اشغالی سفر کرده بود بار دیگر زبان به یاوه گویی علیه ایران گشود که بلافاصله روزنامه صهیونیستی هاآرتص اذعان کرد ایران قدرتمندتر از آن است که اسرائیل شکستش دهد. همزمان روزنامه گاردین انگلیس هم در گزارشی حمله ۲۲ روزه سال ۲۰۰۸ رژیم صهیونیستی به غزه را تروریستی توصیف کرد. در کنار این تحولات، محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، ترامپ را به بدعهدی در موضوع فلسطین متهم کرد.

* کشور آفریقایی گابن این هفته شاهد کودتای ناکام شماری از افسران ارتش بود. کودتاچیان در نخستین اقدام، ساختمان رادیو و تلویزیون را تصرف کردند و در تلاش برای حمله به کاخ ریاست جمهوری بودند که پس از سه ساعت از آغاز کودتا، دولت شکست آن را اعلام و تاکید کرد که افسران کودتاچی را دستگیر کرده است. در جریان زد و خوردها دو تن از کودتاچیان کشته شدند.

* نیویورک تایمز این هفته در گزارشی اعلام کرد که ترامپ با اتخاذ سیاست‌هایی علناً خود را در مقابل مردم آمریکا قرار داده است. در این حال ترامپ با توجه به اختلافات خود با دموکرات‌ها که منجر به تعطیلی دولت آمریکا شده است گفت: احتمال دارد برای تامین بودجه احداث دیوار مرزی حالت اضطراری ملی اعلام کنم.

* اعتراضات جلیقه‌زردها این هفته نه فقط فرانسه که برخی دیگر از کشورهای اروپایی دیگر را نیز فرا گرفت. انگلیس، سوییس، مجارستان و صربستان دیگر کشورهایی بودند که این هفته همزمان با فرانسه صحنه تظاهرات ضددولتی بودند. همزمان دولت فرانسه معترضان جلیقه زرد را به تلاش برای کودتا با هدف ساقط کردن نظام متهم کرد.

* تحولات این هفته ترکیه تحت‌الشعاع فروش سامانه دفاع موشکی پاتریوت آمریکا به آنکارا قرار داشت. مقامات آمریکایی که چند هفته پیش پیشنهاد فروش سامانه موشکی پاتریوت را به ترکیه ارائه کرده بودند این هفته چند شرط از جمله عدم انتقال فناوری این سامانه به آنکارا و همچنین لغو خرید اس ۴۰۰ روسی در قبال تحویل پاتریوت به ترکیه گذاشتند .

* ترامپ در حالی برای گفتگو با مقامات اسلام آباد ابراز تمایل کرده بود که منابع از آغاز تلاش‌ها برای برگزاری نشست دوجانبه میان نخست‌وزیر پاکستان و رئیس‌جمهوری آمریکا خبر دادند. از طرفی سناتور لیندسی گراهام جمهوریخواه هم حزبی ترامپ نیز بهبود در روابط واشنگتن ـ اسلام‌آباد را به نقش آفرینی پاکستان در حل مساله صلح افغانستان مشروط کرد. در چنین شرایطی همزمان با تلاش‌های اسلام‌آباد برای بهبود روابط با آمریکا، ولیعهد امارات این هفته در سفر به پاکستان با مقامات این کشور دیدار و توافقنامه گسترش همکاری‌های تجاری را امضا کرد. این درحالی است که ولیعهد عربستان سعودی نیز قرار است با وعده کمک ۱۵ میلیارد دلاری تا پایان ماه جاری میلادی به پاکستان سفر کند.

*رئیس‌جمهوری آمریکا درحالی که دائماً از تمایل خود برای برگزاری نشستی دیگر با رهبر کره‌شمالی در راستای تداوم گفتگوهای هسته‌ای خبر می‌دهد، این هفته باردیگر بر ادامه تحریم‌های واشنگتن علیه پیونگ یانگ تاکید کرد.

در چنین شرایطی همزمان با استقبال چین از تمایل سران آمریکا و کره‌شمالی برای تداوم گفتگوهای خلع سلاح‌هسته‌ای شبه جزیره کره، کیم جونگ اون این هفته در سفری چهار روزه به دعوت رئیس‌جمهوری چین به پکن رفت.

* ترامپ این هفته در سخنانی با اشاره به این که شوروی سابق برای مقابله با تروریست‌ها در افغانستان و جلوگیری از نفوذ آنها به خاک خود حق داشت در این کشور برای دفاع از منافعش حضور داشته باشد اعلام کرد که واشنگتن هم باید برای مبارزه با تروریست‌ها در افغانستان حق دخالت داشته باشد.

* **سرویس خارجی**

اطلاعات

پنجشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۷ –شماره ۲۷۱۹۴



گفتگو با مهندس محسن هاشمی

صفحه۸



خاطرات گفتمان ساز

صفحه۵



روایت هنری یا کیفرخواست

صفحه۱۳

بر بلندای تاریخ...

به مناسبت دومین سالگرد درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی





معنا و معمای تاریخ معاصر

تحلیل و تجلیل از نقش های تاریخی آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی

سید مسعود رضوی

در طول یک سده اخیر، هیچ کشوری در منطقه خاورمیانه و بطور کلی در جهان اسلام، مانند ایران، دچار خیزش و انقلاب‌های عظیم نبوده است. در حقیقت، سرنوشت و تقدیر ما دچار دگرگونیهای حیرت‌انگیزی شده و همین امر نشان می‌دهد که نهاد ناآرام ایرانیان، همواره و مدام، در جستجوی آرمانشهری بوده است که شاید ترجمان دیگرش «ناکجا آباد»ی معطوف به نارضایتی از وضع موجود باشد. چند موضوع مهم و دوران‌ساز در این یک سده و یک قرن پیش از آن بیشتر در مرکز توجهات قرار گرفته و مورد بحث و جدل، یا رقابت و جدال بوده است:

ـ تمامیت ارضی و سرزمینی و حسرت بر از دست رفتن بخش‌های کهنسال وطن در جنگ با روسیه در شمال، و هرات و تبعات در شرق که به دسیسه بریتانیا و کمپانی هند شرقی رخ داد.

ـ سنت، تجدد، دیانت، غرب‌گرایی و بومی‌گری

ـ ناســـیونالیزم، ملیت، جهان وطنی، اسلام‌گرایی، احیای دینی و مذهبی.

ـ عدالت خواهی و مساوات طلبی، نبرد فقر و غنا

ـ توسعه، رشد، فرسایش، سرمایه‌گذاری و سرمایه‌داری.

ـ همزیستی و تنش‌زدایی، جنگ و تنش‌زدایی.

ـ تغییر خاستگاه و تغییر جایگاه طبقات اجتماعی در دوران ایران، تحول و تبدل از روســـتا به شـــهر، از جنوب شهر به شمال، و از توده به نخبگان...

ـ انقلاب دیجیتال و تغییر مناسبات فکری، ارتباطات، اطلاعات و حذف مرزهای آگاهی و روابط و اخبار... انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، حاصل نهایی همین یک سده یا بیشتر بود که در شکل و محتوا، تمام عناصر التهاب و انقلاب را زیر و زبر کرد تا برمحور عناصری که شمایل آیینی و هیئت دینی و آرمان‌های مذهبی را نمایندگی می‌کردند، ایـــران و جهـــان را به صورت متفاوتی ابراز و عرضه کند. روحانیون به صورت پیشـــگامان و فوج‌های قدرتمندی که در طول دو ســـده اخیر، ارتباطی ناگسستنی با تمام طبقات جامعه داشتند، به میدان آمدند و با الگو و چارچوب‌های مرشد و رهبر و مرجع اعظم خود، آیت‌الله سید روح‌اله موسوی خمینی، به ایفای نقش پرداختند. اما این نقش، تنها یک نما و یک نماد نداشت، بلکه سرشار از نمادها و نقش‌هایی بود که در ابتدا حتی در تخیل و اوهام هیچ یک از انقلابیون و روحانیون هم نمی‌گنجید. به تدریج و با پیش رفتن مردم و تحول در ساختارهای داخلی و خارجی، ســـیل عظیم ماجراها و رویدادها، الزامات نوینی را تحمیل کرد و آنچه که مثابه کیفیت و کمیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در طول چهـــار دهه اخیر را عیان می‌بینیم، برایندی از همین حرکت تاریخی و رخدادهای غیرقابل پیش بینی بوده است. در این سیل و توفان حیرت‌انگیز تاریخی، مردم، آرام و به تدریج، یا یکباره و اعجاب انگیز با چهره‌ها و افکار روحانیون آشـــنا می‌شدند و طلاب و مقامات برجسته‌ای را که به عنوان شاگردان امام یا رهبران انقلاب اسلامی ظهور کردند، مورد مقارنه و تطبیق قرار دادند.

نسل نخستین رهبران انقلاب اسلامی، روحانیونی دنیا دیده، تحصیل کرده و صاحبان تألیف و ترجمه و دانشی وسیع بودند که طی سالیان دراز با علوم ســـنتی اسلامی در حوزه‌های علمیه، مسائل جهان جدید و فلســـفه و حکمت نوین، و ســـرانجام با پرسش‌ها و نیازهای عصر و نســـل جوان آشنایی یافته بودند. سیدمحمود طالقانی، مرتضی مطهری، سیدمحمد حسینی بهشتی، حسینعلی منتظری، عبدالکریم موسوی اردبیلی، اکبرهاشمی رفسنجانی و بســـیاری دیگر از این روحانیون، تجربه‌های گران‌سنگ تاریخی، دوره‌های فشرده تدریس و وعظ و تحصیل، مبارزات طولانی و حبس و زندان، فعالیت علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و نگارش مقالات و کتب ارزشمند را در کارنامه خود به ثبت رسانده بودند. بنابراین، زمانی که انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، آنان رجال سرشناسی بودند که بسیاری از مردم، دانشجویان، طلاب، و انقلابیون می‌توانستند به آنان اعتماد کنند و سکان کشتی توفان‌زده ایران را به دست ایشان بسپارند. اکبرهاشمی رفسنجانی در میان رهبران نسل اول انقلاب اسلامی ایران، یک چهره خاص و نمادین است که هم در خیزش و به ثمر نشستن انقلاب، هم در شکل دادن به نظام جایگزین و هم در تداوم و تحوّلات ناگزیر دهه‌های بعد، نقشی بی‌بدلیل ایفا کرد. نقشـــی که دوست و دشمن، در اهمیت و وسعت آن تفاهم دارند و به یک معنا او را در زمره معماران و آفرینندگان انقلاب و جمهوری اسلامی در وطن عزیز ما ایران قلمداد می‌کنند.

از نکته‌هایی که شگفت و عجیب به نظر می‌رسد، ابعاد متفاوت و متضاد در زندگی‌هاشمی رفسنجانی است. او مردی بود با وجوه و وجودی که وصف آن بدون ســـتایش و اشـــاره به گستردگی و ژرفای فردی و اجتماعی و تاریخی، امکان‌پذیر نخواهد بود. سکوت و آرامش او، گویای بسیاری از ناگفته‌هاست! چراکه معمولاً کسانی که با عنوان«انقلابی» و «زندانی سیاسی» یا «مبارزین» از آنها یاد می‌شود، زخم و تازیانه و خشم و خروش و قهر و رنج را به مثابه میراثی در روح وروان و جسم خود نگاه می‌دارند و با خود به بیرون از زندان و میله و زنجیر می‌آورند. این امر، بخشی از میراث مهر و صفای انقلابها و تازگی و امید و لبخند و زایندگی را در جوانان و نســـل‌های تازه زایل و ضایع می‌کند. اندک‌اند کسانی که بخروشند و تازیانه‌ای بر پیکرشان بنشیند و زخم‌های پر شمار داشـــته باشند امّا عفو کنند و با لبخند و بزرگواری به استقبال تاریخ و میهن و مردم و نسل‌های جوان و تازه بروند. برخی از انقلابیون، زندانها را به بهانه مبارزه و معارضه با ضد انقلاب و دشمن احیا می‌کنند و گویی هدف برچیدن این چینش‌های سربی و آهنی و بتنی و سیمانی نبوده است. انگار به اسم‌های تازه‌تر و زیرپوشش‌های مقدس و به نام مردم، باید این روش‌ها احیا شود و زنجیرهای تازه و میله‌های بیشتر در سلول‌ها نصب شود. در انقلاب ایران که با شرارت و بمب‌گذاری و ترور دشمنان و جنگ تمام عیار روبه‌رو بود، البته کارها دشوارتر می‌شد. برخی بدین تفسیر که ضرورت است، به ایده‌های تغیّرآمیز و قهرگونه میدان می‌دادند، اماهاشمی رفسنجانی به دو چیز بیشتر اهتمام داشت؛ یکی گسترش آزادی و دفاع از حریم نهادهای انتخابی و صندوقهای رأی‌گیری و دیگری جذب حداکثری و وحدت نیروهای درون انقلاب که به اصطلاح چپ و راست و میانه خوانده می‌شدند. دولت‌هایی که او تشکیل داد و نهادهای زیرنظر او، معمولاً ترکیبی از همین جریانات و تمام این دیدگاه‌ها و نظرات بود. امّا در ورای این دیدگاه، او در دو دهه واپسین عمرش بسیار جفا دید و رفتارهای ناهنجار را تحمل کرد.

زمانی که دوران دوم ریاست جمهوری‌هاشمی به پایان رسید، گروهها و افرادی از دو جریان معروف کشور شروع به سم‌پاشی و ضدیت با او

کردند. انگار نه انگار که او نقطه ارتباط و حلقه اتصال میان این گروهها و جریانهاست؛ ازجمله چپ‌های تندرویی که در دورهٔ اول دولت اصلاحات، با تبلیغات و تحمیقات زشت و زننده‌ای به هاشمی حمله می‌کردند و هیچ دلیل روشنی جز عقده‌گشایی هم نداشتند. کسی نبود که بپرسد که این چه کاریست که هیچ منطق و عقل سلیمی آن را نمی‌پسندد و تنها در پشت پرده، خشونت‌گرایان و راست‌های افراطی و تمامیت‌خواهان حظّ می‌کنند و با صدای بلند قهقهه می‌زنند. ماجرای عالیجناب سرخپوش و خاکستری‌پوش، همراه با افسانه‌سرایی در مورد اشرافیت و ثروت هاشمی و خانواده‌اش، بی‌تردید یک پروژهٔ نابودگر برای تباهی زیرسازه‌های انقلاب بود و در دههٔ هفتاد خورشیدی، کسوف انقلاب و جمهوریت را هدف خود قرار داده بود. در این جریان، احمق‌هایی که پلاکارد خودنمایی و شجاعت را بلند کرده بودند، سربازهای پیاده‌ای محسوب می‌شدند که در پشت سر آنها رقبای هاشمی و کسانی که خود را در مقابل او کوچک و حقیر می‌دیدند قرار گرفته بودند. آنها نمی‌توانستند نفوذ و سابقه و اندیشه و اهداف او را تحمل کنند زیرا خود حقیر بودند و اهدافشان بعدها در جریان دولت نهم و دهم، و سردرگمی و آشفتگی و سوءاستفاده و غارت‌های عظیم مشخص شد.

باری، تاریخ، سرشار از درس‌های بزرگ و کم‌نظیر است، پر از چهره‌های مشهور، خوب، بد، سازنده و بازدارنده است. پس از دیکتاتورها و مصلحان، فاشیست‌ها و آزادی‌خواهان، پر از کسانی است که مردم آنان را دوست داشته یا از آنان نفرت داشته‌اند، تاریخ سرشار است از کسانی که مردم آنان را بخشیده و در آغوش کشیده‌اند و کسانی که نفرت و کینه مجال بخشش بدانان نداد و مردم نهایتاً آنان را در کورهٔ تاریخ خاکستر کردند و در زباله‌دان خاطره‌ها جای دادند.

هاشمی هنگامی که زنده بود، جنگید، زندان رفت، در انقلاب اسلامی ایران مشارکت ورزید، در شورای انقلاب، مجلس، شورا، ریاست‌جمهوری، ریاست مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان و دیگر مجامع و نهادها حضوری مؤثر داشت و سخنرانی‌ها و دلالتهایش نیز اثری ژرف بر تریبون‌های پرشنونده برجای‌نهاد. هنگامی که واپسین سالهای عمر هاشمی طی می‌شد، او باز هم محبوب بود و مردم به‌صورت فوج‌های میلیونی در نمازجمعهٔ او شرکت می‌کردند و به دیدارش می‌رفتند، پای صندوق‌های رای صف کشیده و او را به نفر اول انتخاب ملت بدل کردند و نهایتاً در تشییع جنازه‌ای باورنکردنی، بر دوش میلیونها ایرانی به سوی مرقد مرجع و رهبرش امام‌خمینی(ره) روانه شد تا واپسین سفرش از عالم خاک به جهان واپسین را این‌گونه با عزت و سربلندی به پایان رساند.

از ظرایف و عبرت‌های زندگی هاشمی فقید، بخشش رقبا و بدگویان و حتی دشمنان بود. او هیچگاه از جوانان و تندخویانی که به او حمله می‌کردند یا از گروهها و جریانات سیاسی شکایت نکرد و افتخارش این بود که کیفرخواستی به‌نام او در رقابت‌های موجود طی چهار دهه واپسین عمر ثبت و صادر نشد. در حقیقت او در رقابت‌های سیاسی، به قاعدهٔ بازی تن می‌داد و مردم را داور و قاضی روزگار می‌دانست. مردم هم جز در انتخابات مجلس ششم که هاشمی آماج حملات تندخویان و تندروی‌های سیاسی چپ و راست شده و مطبوعات پوپولیست سیاسی در مشارکتی عجیب و اشتباه به او می‌تاختند، همیشه او را انتخاب کرده و به او اعتماد ورزیدند. در حقیقت، تجارب او را برمی‌گزیدند و به درستی راه و روش، نظم و خردمندی، سیاستگری و مدیریت، علاقهٔ او به ایران و مردم، و سرانجام صدق و تندرستی گفتار و روش او باور داشتند. این اعتماد وثیق که سرمایه‌ای ملی بود، برای هاشمی چنان پربار شد که پس از چند دوره که رقیبان شیرین‌عقل و بی‌جایگاه در میان ملّت، او را بازنشسته نامیدند و پایان دوران سیاست‌ورزی او را اعلام کردند، همچون پیروز میدان به صحنه کشور و مدیریت سیاسی بازگرداند و در آخرین انتخابات مجالس ثلاثه(خبرگان، مجلس شورا و شورای شهر)، او به عنوان نفر اول پایتخت، آرایی خیره‌کننده کسب کرد و رکورد تمام ادوار را به نام خود ثبت و در تاریخ ضبط کرد.

هاشمی در کوران مبارزات پیش از انقلاب، زمانی که جوان بود و نشریات «بعثت» و «انتقام» را منتشر می‌کرد، به تدریج به میاندار و حلقه ارتباط مبارزان مختلف، از ملّی و مذهبی تا چپ و روحانیت و مسلّح و غیرمسلّح بدل شد. تجارب او متعدد بود و معمولاً می‌کوشید از روش‌های مبتنی بر گفتگو و اقناع برای وحدت و جلب‌نظر گروهها و افراد بهره‌گیری نماید. سپس دوران انقلاب و پایه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی رسید و او تجربه‌های ممتد در مدیریت و جنگ و اداره دستگاههای عریض و طویل را داشت. دوره‌های زعامت هاشمی بر مجلس و دولت، از درخشش‌های او بود. کشور بودجه نداشت و درگیر جنگ و ویرانه‌های موشک و بمب و گرفتاری دشمنان بود، امّا با وحدت و همدلی، با درایت و سخت‌کوشی، با همت و تدبیر، جنگ به پایان رسید، دوران بازسازی و سازندگی آغاز شد و زیرساخت‌ها و سرمایه‌های عظیم در کشور فعال شد. همه از سرمایه‌دار تا کارگر، از کارمند تا مدیر، از سپاهی و ارتشی و روحانی و دانشجو، باید مشغول ساختن کشوری می‌شدند که به مردم وعده داده شده بود؛ وعده‌های سال ۱۳۵۷ که امام در پاریس و سپس در تهران به ملّت داد، باید محقق می‌شد. این که زندگی مردم بر پایه صلح و اعتماد، بر اساس آزادی و استقلال و در سایه وحدت و همدلی به رستگاری و خوشبختی خواهد انجامید و میزان رأی ملّت خواهد بود و اخلاق و نجابت و تربیت و شوق و فرهنگ، چون آفتابی خواهد درخشید... این که ما و کشورمان، حکومت و مدیرانمان الگوی جهانیان خواهند شد، این که انقلاب ایران چنان صدق و ایمان و راست‌کرداری و مهر و محبت و بخشش و الگوهای بزرگ بشری را همچون آفتابی نمایان خواهد کرد و در مقابل تمدن غرب و حقوق بشر غربی‌ها، حقوق انسانها به نحوالمک و احسن افاده و اعاده می‌گردد... نمی‌شد به مردم دروغ گفت و باید وعده انقلاب روزی تحقق می‌یافت.

هاشمی رفسنجانی در دوران سازندگی، این دیدگاه را مطرح می‌کرد که جنگ تمام شده و اساساً شرایط جنگی و الگوهای مناطق جنگی، همان گونه که از نام آن پیدا بود(جنگ تحمیلی)، به ما و مردم مظلوم ایران، به ویژه در مناطق جنگی تحمیل شد. موشک و بمب و شلیک و تفنگ و خشم و خون، راهی بود که برای نابودی انقلاب از سوی صدام و شوروی سابق و اربابان غربی و آمریکایی، با پول شیوخ نفتی به ما تحمیل شد. جنگ، مسلمانان را تضعیف کرد و سرمایه‌های آنان را صرف زدوخورد و کشتار و عقب‌ماندگی می‌کرد. از افغانستان و کشمیر، تا شمال آفریقا، مسلمان در خون و جنگ و خشونت و جدلهایی فرقه‌ای و مذهبی غوطه‌ور شدند و سودش به جیب شرکتهای چندملیتی و نفت‌فروشهای آمریکایی و غربی می‌رفت. اسلحه‌های بی‌شمار و بمب و موشکهای شرکتهای تسلیحاتی آمریکا و روسیه به کشتار خانوارها و کودکان مسلمان مصروف شد ... پس تنها یک راه باقی است و آن صلح است و سازندگی. باید کار کرد و کشور را ساخت تا مانند ژاپن و کره و دیگر کشورهای توسعه یافته یک الگوی زندگی قدرتمند و پویا و ثروتمند ایجاد نماییم. ایران اسلامی، براساس دیدگاه‌های سازندگی و توسعه‌نگر، چنین افقی باید داشته باشد. ما منادی وحدت و پیشرفت بودیم و باید باشیم. اکنون که به گذشته باز می‌گردیم و خطبه‌های جمعه هاشمی رفسنجانی بعد از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه را دوباره می‌شنویم، باید حسرت داشته باشیم.

که چرا مجال تحقق را با کژراهه‌های اختلاف و تضعیف جریان توسعه، کاهش دادیم. افزایش ثروت ملی و گسترش صنایع جدید و ورود سرمایه‌های نو و تکنولوژی پیشرفته و بازسازی کل کشور بهتر است یا فروختن نفت و درگیری و توزیع فقر؟ هیچ راهی جز وحدت و همدلی، ایجاد ثروت و شغل، بهبود زندگی مردم و جلب آرای اکثریت و عموم مردم وجود ندارد. جمهوریت نظام، براساس کارآمدی و مشارکت عمومی، درکنار جلب رضایت ملت، تنها راه وفاق و فعال کردن قدرت واقعی است. مردم باید از دستاوردهای حکومت بهره‌مند شوند و حاکمان را مدیران شایسته، پاک دست و درستکاری بدانند که جان و مال و ناموس مردم را امنیت می‌بخشند. این ایده‌ها تنها از طریق سازندگی و کار و مدیریت خردمندانه و دلسوزانه امکان‌پذیر است و نباید هیچگاه مسیر روشن سازندگی مسدود می‌شد یا در راه آن موانع بیهوده‌ای ایجاد کرد.

متأسفانه پس از دولت هشتم، وفاق و وحدت سیاسی به شقاق بزرگی انجامید و طی چهار سال به درگیری و کنش‌های تند و برخوردهای گسترده کشانیده شد. دستاوردهایی که با خون دل به چنگ آمده و خرابی‌های جنگ و ارعاب در دوران حملات وحشیانه بعثیان در حال زدوده شدن بود، توسط دولتهای نهم و دهم، درحالی که خزانه کشور در بهترین حالت طی یک سده اخیر بود، آشفتگی و سوء تدبیر به جایی رسید که سوء استفاده‌ها و مشکلات عظیم پیدا شد و مردم نسبت به هر چیزی که رنگ و بوی دولتی و حکومتی داشت، بدبینی یافتند.

هاشمی در واپسین دوران زندگی، آماج حملات همان مدیران‌هاله‌ای و معجزات هزاره‌ای شده بود. او کوشید پاسخ دهد و به نحویٍ با مردم ارتباط برقرار کند. در زمانی که در سیمای رسمی کشور، مستقیماً اتهامات فراوانی به او و خانواده‌اش وارد می‌شد، هیچ لحظه کوتاهی به او اجازه پاسخگویی داده نمی‌شد. اما مردم در انتخابات و کنش‌های سیاسی بزرگ پاسخ دادند. او را برکشیدند و به دیدگاهی که او توصیه کرده بود رأی دادند. دوران تازه‌ای قرار بود آغاز شود و گفتگوهای منتهی به معاهده برجام، نوید می‌داد که بالاخره روزگار کار و ساختن و سازندگی فرا رسیده و در سیاستگری مبتنی بر اعتدال، تدبیرهای تازه‌ای مشاهده خواهد شد. اما رقبای‌هاشمی و کسانی که بهانه‌های دیگری داشتند، برای آن که راه خطا رفته و سوء استفاده‌های عظیم را از معرض دید عموم خارج کنند، مجال ندادند. تنش‌زدایی و قطعنامه‌های ویرانگر و ظالمانه که با عقل و مذاکرات سخت و تدبیرهای خردمندانه به پایان رسیده بود، از طریق فرد نامعقول و ناهنجاری همچون ترامپ به صورت زورگویانه احیا شد و شگفتا که همان رقبا و تنش‌زایان و جنگ ستایانی که به‌هاشمی حملات ناجوانمردانه می‌کردند، مشارکتی آشکار در این ستم تازه داشتند. گویی صلح و سازندگی، دشمن و رقیب ابدی ایشان است.

آخرین سخنان‌هاشمی، البته با امید همراه بود. او حتی سخن از اینکه در آرامش جان خواهد سپرد گفته بود و این که مردم با رأی درست و گزینش آگاهانه، اجازه نخواهند داد، دشمنان و جاهلان بر سرنوشت کشور سیطره یابند و جریان پیشرفت کشور را سد کنند... آرزوی‌هاشمی، آبادانی ایران، آزادی ایران و سربلندی میهن و قدرت دولت و حکومت بر همین اساس بود... این نوشته، یادی از آن سیاستمدار در گذشته در سالروز وفات اوست و اگر به نقد و تحلیل دیدگاهها و مدیریت سیاسی او نپرداختیم، از آن رو بود که رقیبان و حاسدان نااهل که بویی از راستی و تندرستی ندارند، هجمه‌ها و تهمت‌های سخت به او می‌زنند و شاید وقتی دیگر به جای تجلیل، تحلیل و به جای ستایش، به نقد تاریخ نیز بپردازیم...



یادها و نظرها...





پدری متفاوت

... حتما می‌دانی چقدر دلتنگت هســـتم و هر روز که می‌گذرد دلتنگی‌ام بیشـــتر می‌شود. از روزی که خودم را شناختم همیشه فکر می کردم یکی از خوشبخت ترین دختران دنیا هستم، چرا؟ زیرا پدری مانند تو داشتم و دارم. در هر شرایطی از زندگی افتخار می‌کردم که فرزند شما هستم. یادم می‌آید زمانی که شما را به سربازی برده بودند و من به دیدنت در باغشاه آمدم فکر کنم کودکی ۳ یا ۴ ساله بودم زمانی که تو را در لباس سربازی دیدم با گریه گفتم بابا چرا پاسبان شدی!؟ همان موقع نیز با افتخار به تو نگاه می کردم. ولی دوست نداشتم لباس کسانی را به تن داشته باشی که تو را اذیت می‌کردند.

به خاطرم می‌آید زمانی که ۶ ساله بودم و پایم در گچ ، ساواکی‌ها به خانه آمدند و تو را بردند و من هم گریان به بردنت چشم دوخته بودم و باز هم به خود می بالیدم که چنین پدری دارم. بیاد دارم در کلاس مدرسه زمانی که معلم کلاس از بچه ها سوال می کرد که شغل پدرتان چیست، وقتی نوبت به من رسید گفتم «زندانی» و این باعث خوشحالی من بود پدری دارم که بابقیه پدرها فرق می‌کند و فرزندان این سرزمین را بر فرزندان خود ترجیح می‌دهد. در اینجا هم به این فکر بودم که باز من یکی از خوشبخت‌ترین دختران هستم که پدری از خود گذشته و ایثار گر دارد. آن موقع که به زندان اوین می‌آمدم و همراه با خانواده‌های همسنگرت در زندان مدت‌ها دم در زندان منتظر ملاقات می‌ماندیم، باز هم خوشحال بودم که دختر تو هستم.

وقتی به ملاقات می آمدیم با خوشرویی و خنده از ما پذیرایی می‌کـــردی و انگار هیچ ناراحتی در زندان نداری باز به خود می‌گفتم تو انسان خوشبختی هستی که چنین پدری داری، زمانی که بزرگتر شده بودم و در یادگیری دروس کمکم می‌کردی و یا برایم کتاب‌هایی می‌خریدی و دوست داشتی مطالعه کنم باز می‌دیدم خیلی با پدرهای دیگر تفاوت داری و خدا را شـــکر میکردم در چنین خانواده ای به دنیا آمده‌ام.

هرگاه ســـوالات زیادی از تو می پرســـیدم به همه آن‌ها جواب می‌دادی و گاهی با شوخی می گفتی، «فاطی تو چقدر حرف می‌زنی»، باز خوشـــحال می شدم که یکی از بهترین پدرهای دنیا نصیب من شده است.

روزی که مردم به خیابان‌ها آمده بودند و حضور آن‌ها آزادی زندانیان سیاسی را در پی داشت و تو یکی از آن‌ها بودی با افتخار و شادابی به دوستانم می‌گفتم پدرم با حمایت مردم از زندان آمده حتی زمانی که در جلوی چشمانم در اتاق خانه مورد اصابت گلوله فرقان قرار گرفتی و در مدت زمانی که پشت اتاق عمل منتظر شنیدن خبر سلامتی‌ات بودم به وجودت افتخار می کردم که خدا از بین این همه بندگان باز تو را انتخاب نموده تا از آزمایش دیگری سرافراز بیرون بیایی.

یادم می‌آید وقتی لباس رزم می پوشیدی و به سوی جبهه حرکت می‌کردی، هر چند نگرانت بودم، وقتی به جبهه می رسیدی ساعت‌ها با تلفن به دنبالت بودم که شـــاید صدایت را بشـــنوم و آرام بگیرم باز هم در دل می‌گفتم چقدر خوشـــحال هستم که چنین پدری دارم و وقتی می‌دیدم زمانی که چه بر کرســـی ریاست مجلس نشسته ای یا به مقام ریاســـت جمهوری رسیده ای و یا این‌که مشاور امین امام هستی و این‌که بارها و بارها می دیدم افراد زیادی برای مشکلاتشان به تو مراجعه می کنند و با کمال خوشرویی و امانت به رفع مشکل آن‌ها کمک می‌کنی حتی اگر به تو بد کرده بودند می دیدم تمام این مناصب هیچ تغییری در رفتارت نمی گذاشت و آن تواضع همیشگی را داشتی و آدم تغییر نبودی باز می‌گفتم من یکی از خوشبخت‌ترین دختران دنیا هستم.

حتی زمانی که تیغ حمله حســـودان و خناسان که حتی بعضی از آن‌ها از دوســـتان خودت بودند ولی به خاطر قدرت، شیطان صفت شـــده بودند به راحتی از کنار آن‌ها می گذشتی و توجهی به رفتار و گفتار آن‌ها نداشتی ولی مطمئن بودم که دلت را آزرده می‌کنند و تو به خاطر مردم و کشور و اسلام سکوت می‌کنی و همه‌گونه فشار را تحمل می‌کنی؛ بیش از گذشته خوشحال می شدم که فرزند چنین پدری هستم و خوشحالیم مضاعف می شد.

... امروز مردم میهنم قدر شناس زحمات تو هستند و همانند ما بر رفتنت اشک میریختند و می ریزند. باز گفتم خدایا هنوز هم خوشبختم و بـــه خـــودم می‌بالم که بعد از فقدان پدرم نام نیک او به من اعتبار می‌دهد و از خداوند مهربان می‌خواهم که مرا در آن دنیا در کنار تو قرار دهد که خوشبختی‌ام پایان نداشته باشد. آن که آسان می سپارد جان به دیدارت منم. دخترت فاطی بابا.

آنچه گذشت ...

... در سالگرد رونمایی از کتاب روایتی از زندگی و زمانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی است. جعفر شیرعلی‌نیا نویسنده کتاب به نقل از آیت‌الله هاشمی مطالبی بیان کرد و دو روایت تلخ و شیرین از سرنوشت این کتاب بیان کرد.

۱. ماجرای شیرین

۲۶ اسفند ۱۳۹۴ نیمه‌شب از سفر بازگشتم. بنا بود ۲۷ اسفند پیش آقای هاشمی بروم و ماکت نهایی کتاب را برایش ببرم. زنگ زدم دفتر مجمع، گفتند زمان ملاقاتی تنظیم نشده. آخرین روزِ کاریِ سال بود. فردایش پنج‌شنبه تعطیل و پس از آن هم تعطیل. چاره‌ای نبود، راه افتادم سمت مجمع تا هر طور شده ببینمشان.

پیشتر متن را خوانده بود. نکاتی که گفته بود اغلب تاریخی بودند. تعدادی از اطرافیان هم نظراتی داده بودند که سلیقه‌ای بود و کمتر تاریخی.

نکات تاریخی را اصلاح کرده بودیم و سلیقه‌ای‌ها را نه. به کمک دکتر رجایی توانستم آقای هاشمی را در آخرین روزکاری سال ببینم. ماکت کتاب را که آماده شده بود، دادم و قدری دید. گفتم دو تا تقاضا دارم؛ یکی



این که می‌خواهم زود ببینید و برگردانید، تا زحمت زیادی که برای رسیدن کار به نمایشگاه کتاب، کشیده‌ایم، به سرانجام برسد. گفت من از فردا یا خانه هستم یا کیش، وقت می‌گذارم و می‌بینم. گفتم تقاضای دوم هم این است که به این کتاب به‌عنوان روایت شیرعلی‌نیا نگاه کنید که از نگاه بیرونی نوشته شده و نه روایتی که یکی از نزدیکان یا مشاوران شما نوشته باشد، خاطرم نیست چه گفت، اما پذیرفت.

از دوستان همراه او شنیدم که نوروز ۹۵ در کیش، بخش زیادی از وقتش صرف دیدن کتاب شد؛ همان روزهایی که در رسانه‌ها می‌گفتند آقای هاشمی در کیش مشغول برنامه‌ریزی برای فلان و بهمان است.

به گمانم روز ششم سال جدید بود که با آقای رجایی تماس گرفتم تا خبری بگیرم. گفت حاج‌آقا کار را دیده و چند نکته محدود گفته و نکته‌ی دیگری ندارند. بعدها آقای رجایی گفت نکته‌هایی برای اصلاح به آقای هاشمی گفته بود و جواب شنیده که «سخت نگیرید. اگر نکته‌ای هست بگویید، اگر خواستند اصلاح کنند و اگر نخواستند کتاب خودشان است.» این حرف از شیرین‌ترین خاطرات مراحل تولید این کتاب بود. نکته شیرین دیگر همراهی آیت‌الله برای گرفتن مجوز کتاب بود. حدس می‌زدیم مرحله‌ی بررسی و صدور مجوز خیلی طولانی شود و کتاب به نمایشگاه کتاب تهران نرسد، ۸ فروردین نامه‌ای برای آیت‌الله نوشتم و خواستم در گرفتن مجوز کتاب یاریمان دهد. دستخط را همان روز در حاشیه‌ی نامه‌ی نگارنده برای وزیر ارشاد نوشتند: «جناب دکتر علی جنتی، زحمت زیادی کشیده‌اند که به نمایشگاه کتاب برسد لطفا دستور بدهید با اولویت و سرعت مجوز صادر شود.» اگر این همراهی که پس از نامه نیز ادامه یافت، نبود شاید کتابی به این صراحت منتشر نمی‌شد.

۲- ماجرای تلخ

توهین‌ها و تهمت‌ها مدتی پیش از رونمایی، از زمانی که کتاب لو رفت از سوی برخی دوستان سابق آغاز شده بود. همان‌طور که تمجیدهایشان هنگام چاپ کتاب‌های پیشین درباره زندگی امام، زندگی و زمانه رهبری و کتاب تاریخ جنگ را جدی نگرفتم توهین‌ها هم مهم نبود. توهین و تهمت تنها مشکل نبود، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور که دو کتاب رندگی امام و تاریخ جنگ را برای کتابخانه‌ها گرفته بود به روایت یکی از دوستانِ کارشناس در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور علی‌رغم تصویب گروه کارشناسی، خریدِ دو کتاب زندگی رهبری و زندگی هاشمی از سوی مدیریت وتو شد. تمام کتاب‌های پیشین من با عینک جدید خوانده می‌شد و ...

مواردی باورنکردنی پیش آمد و اوضاع کاملا سخت شد، بخشی از آن‌چه که گذشت هنوز قابل‌انتشار نیست. چند روزی مانده به درگذشت آقای هاشمی، همسرم که از اوضاع خبر داشت پرسید از نوشتن کتاب هاشمی پشیمان نیستی؟ گفتم نه. اما صادقانه‌اش این بود که فشارها اندکی به تردیدم کشانده بود و به توصیه‌های فراوانِ دوستان فکر می‌کردم که اصرار داشتند چاپ کتاب هاشمی را یکی دو سالی به تاخیر بیاندازم.

ناگهان آیت‌الله هاشمی رفت. همه می‌گفتند عجب کاری انجام دادید و ... حقیقتا حسابِ رفتن او را نکرده بودیم. در داخل و خارج از کشور از بی‌بی‌سی گرفته تا صداوسیما به کتاب پرداختند. تلخ‌کامی رفتن آیت‌الله با رضایت از انتشار به‌موقع کتاب اندکی تسکین می‌یافت. آخرین خاطره ما از او روزی بود که تیم تولید کتاب از دوستان تحقیق و هنری گرفته تا چاپ و صحافی پیش ایشان رفتیم. یکی از دوستان قدری از اذیت‌ها گله کرد... نگاه و جمله‌اش، آخرین تصویر ماندگار از او در ذهنم اســـت که گفت: «حقیقتا راضی نبودم به خاطر من اذیت شوید.»

نکته آخر این که مستقل و مردمی‌بودن دردسرهایی دارد. امید است که خداوند ما را برای غلبه بر این سختی‌ها یاری دهد.



خاطرات گفتمان ساز

نگاهی به آخرین جلد از یادداشت های آیت الله هاشمی فسنجانی



سید ابوالحسن مختاباد

روزنوشت‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از جهاتی یکی از مهمترین روایت‌ها برای پی‌گیری و ردیابی و روشن ساختن برخی از رخدادهای مهم تاریخ بعد از انقلاب ایران به شمار می‌رود. در استفاده از واژه «ردیابی» تاکیدی ویژه دارم، چرا که این روزنوشت‌ها بسیار مختصر، اما حاوی اطلاعاتی دست اول درباره برخی از مهمترین رخدادهای تاریخ بعد از انقلابند. این اطلاعات در کشوری که آرشیوهای نهادها و وزارتخانه‌ها، به قول مرحوم باستانی پاریزی، به «مارشیو»ی می‌مانند که محققان و پژوهشگران را به آن راهی نیست و یا در نهایت امکان نزدیکی به آنها نیست، سرنخ‌های ارزنده‌ای به دست می‌دهد که کمتر نوشته یا روایت‌های دیگر از چنین ویژگی‌هایی برخوردار است.

از سوی دیگر نقش آقای هاشمی رفسنجانی در در تمامی سه و نیم دهه گذشته در عرصه سیاست و قدرت ایران، برجسته و ایشان یکی از شاهدان و البته متنفذین برخی از مهمترین تصمیم‌گیری‌ها نظام جمهوری اسلامی بوده است. هوشیاری سیاسی او، نگاه واقع‌گرایانه‌اش به سیاست، توجه به منافع ملی، قدرت تحلیل و آنالیزش از ساختار قدرت و توان توازن‌بخشی که به جمع‌ها و گروه‌ها می‌داد، به نحوی بود که کمتر سیاستمدار و جمعی می‌توانست نقش او را نادیده بگیرد. در واقع سپهر سیاست به مردی همانند او نیاز داشت که هر از گاه چرخ‌های فعالیت را زنگ‌زدایی و روغن‌کاری کند، او به تعبیر من«غضروف نظام» بود که فشارها را در دو سو تحمل می‌کرد، بدون آنکه این فشار را به طرف دیگر انتقال دهد. مرگ او، چه طبیعی و چه غیر طبیعی، خلاء اش را در سپهر سیاست ایران بیش از گذشته آشکار ساخت. همین ویژگی‌ها بود که در دهه اول انقلاب لقب مهمترین یار رهبر نخست انقلاب، در دهه دوم به اصلی‌ترین بازیگر صحنه سیاست ایران، در دهه سوم به یکی از اصلی‌ترین مشاوران رهبر دوم انقلاب و در نهایت در ۵ سال آخر حیاتش بازیگری هوشمند در عرصه سیاست و قدرت ایران نام گرفت که با رای بالا در مجلس خبرگان بازگشتی شکوهمند به عرصه سیاست ایران داشت.حتی در دوره‌هایی که نهاد و هسته سخت قدرت به هر دلیلی تصمیم به کنارزدن او گرفت، هوشیاری سیاسی و البته نقش توازن‌بخشی که داشت، در عمل افراد را به تردید در این تصمیم واداشت و یا ظرفیت آقای هاشمی به اندازه‌ای بود که توان کنار زدن او را از آنها می‌ستاند.

حتی مرگ آقای هاشمی هم به گونه‌ای بود که حضور او در صحنه سیاست را جلوه‌ای دیگر داد. مرگ آقای هاشمی رفسنجانی غریب و حادثه‌خیز بود و البته همچنان حادثه‌ساز است و زمانی هم که راز آن به شکل رسمی برملا شود، قطعا حادثه‌سازتر خواهد شد. به رغم آنکه تمامی پیش‌بینی‌ها این بود که آقای هاشمی مرگی طبیعی خواهد داشت، اما تقدیر و البته مخالفان و دشمنان کینه‌توز، دست به دست هم دادند تا او به گونه‌ای بمیرد که مرگش به یکی از رازهای ناگشوده تاریخ جمهوری اسلامی تبدیل شود. این گونه مردن هم البته از جهاتی برای مردی که تمامی زندگی‌اش در تلاطم و بحران و فراز و فرود گذشت، بی‌وجه نبود و نیست. چگونگی مرگ آقای هاشمی همانند دوران حیاتش اسباب دردسر هر دو طیف دوستان و مخالفان شده است. دوستانی که در زمان حیات آقای هاشمی از او بهره‌ها بردند و به پست و موقعیت‌هایی در ذیل نام او رسیدند، در مرگش هم اشک‌ها ریختند، امروزه اما گویی او را فراموش کرده‌اند و حتی پی‌گیر چگونگی مرگش هم نیستند. دشمنان اما، با وقاحتی بی‌مانند،مرگ او را دستمایه تهدیداتی کرده‌اند و هر از گاه لهیب صفت، نهیب‌های مهیب برمی‌کشند و مخالفان را به مرگی همانند آقای هاشمی تهدید می‌کنند. همانانی که به نظر می‌رسد در مفقودشدن وصیت‌نامه و برخی دیگر از اسناد مرتبط با آقای هاشمی سهمی و نقشی داشتند.

تاریخ صبور است، ولی سکوت نخواهد کرد و روزی «این راز سر به مهر به عالم سَمر شود». راز مرگ آقای هاشمی و چرایی آن نیز میوه خواهد داد، همچنانکه وصیت‌نامه آقای هاشمی هم روزی پیدا خواهد شد و در خواهیم یافت که این فولاد آبدیده در کوره سیاست، چه نکاتی را با مخاطبان عام و خاصش در میان گذاشته است.

به یاد دارم در سال‌های میانی دهه هشتاد، که به دیدار استاد ایرج افشار در منزل مسکونی‌اش در خیابان کامرانیه می‌رفتم، صحبتی شد درباره مرحوم محمدعلی فروغی و من از ایشان پرسیدم که استاد چطور ممکن است فردی منظم و فرهنگی و دست به قلم همانند فروغی خاطرات و دست‌نوشته‌های شخصی نداشته باشد؟ که او گفت احتمالا نوشته باشد، اما هنوز پیدایش نکردیم. دو سال بعد از آن ملاقات برخی از خاطرات او(از سوی کتابخانه مجلس) منتشر شد و سال جاری ۲۷ تقویم از دست‌نوشته‌های او، آن هم بعد از ۶۰ سال پیدا و در کتابی قطور انتشار یافت تا نشان داده شود که هر رازی و امری که به عالم سیاست و چهره‌های شناخته شده در هر عرصه و موضوعی مرتبط باشد، در نهایت روزی سر از روزن اسرار برخواهد کرد.

***

خوشبختانه آقای هاشمی این بختیاری را داشت و هم خود موقعیت‌سنجی کرد و هم فرزندانش، به خصوص محسن، که این دست نوشته‌ها را تنظیم و حروفچینی و در مکان‌هایی مورد اطمینان نگهداری کنند. هم اکنون ۱۵ جلد از روزنوشت‌ها منتشر شده و آنگونه که آقای محسن هاشمی بیان کردند، ۲۰ جلد دیگر از این روزنوشت‌ها حروفچینی و آرشیو و در جاهای مطمئن نگه‌داری می‌شوند تا به تناوب و هر ساله جلدی از آن انتشار یابند.

روزنوشت‌های آقای هاشمی رفسنجانی در برخی از مقاطع گفتمان ساز بود و سبب شد تا برخی رخدادهایی، که عملا به اعماق ذهن جامعه رانده و ته‌نشین شده بودند، نوری بر آنان افکنده شود و فضایی را فراهم کند تا بحث‌های جدی و فراوان‌تاثیری درباره آن موضوع در بگیرد. نمونه شاخص این موارد را باید در موضوعاتی چون ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر، قطعنامه ۵۹۸ و ماجرای پذیرش آن، مسئله جانشینی رهبری، داستان حذف مرگ بر آمریکا، و ... جست‌وجو کرد که وقتی روزنوشت‌های آقای هاشمی در آن زمینه و موضوع خاص منتشر شد، مسائلی مطرح شد و اسراری انتشار یافت که به نحوی ناخواسته دیگرانی را هم وارد میدان این گفت وگو کرد. این گونه همان دیدگاه هابرماس درباره نقش حوزه عمومی در برکشاندن یک گفتمان به ثبوت رسید و برخی از این گفته‌ها و خاطرات به اندازه‌ای خبر و نظر و حاشیه به پا کرد که خود فصلی نوین در عرصه تاریخ‌نگاری معاصر و بعد از انقلاب را سبب شد.

ویژگی دیگر این خاطرات نظم شگفت‌انگیز آقای هاشمی در نگارش روز به روز این خاطرات است. نظمی که شاید در کمتر سیاستمداری بتوان سراغ کرد که از ابتدای حضور در ساختار قدرت و با این همه مشغله و گرفتاری‌ها، در سطوحی این چنین کلان، بیش از ۳۵ سال روزنوشت‌هایش را بنویسد.

***

نگارنده از نخستین افرادی بود که روزنوشت‌های مرحوم هاشمی رفسنجانی را با علاقه می‌خواند. نخستین مجلد از این روزنوشت‌ها به صورت پاورقی در روزنامه همشهری منتشر می‌شد و و تنظیم و ویراستاری آن را دوست روزنامه‌نگار و مورخم ، سیدمسعود رضوی عهده دار بود. آن روزنوشت‌ها مربوط به سال ۱۳۶۰ بود و باعنوان عبور از بحران منتشر شد.سه ماه نخست این روزنوشت با ریاست جمهوری سیدابوالحسن بنی‌صدر در سال ۶۰ همزمان بود. جالب این که در آن زمان تنها وسیله ارتباطی فکس بود و من که هر از گاه سری به فاکس‌های روزنامه می‌زدم، از مقطعی متوجه شدم که از طرف آقای بنی‌صدر نیز پاسخ‌هایی به روزنوشت‌های آقای هاشمی داده و برای روزنامه فکس می‌شود. من آن پاسخ‌ها را می‌خواندم و در جایی آرشیو می‌کردم. چون در روزنامه عملا امکان چاپ آن پاسخ‌ها نبود، اما چند سال بعد یک کپی از آن پاسخ‌ها را که شاید ۴۵ تا ۵۰ ورق A۴ می‌شد، به تقاضای مهندس محسن هاشمی که آن زمان در دفتر نشر معارف، مدیریت انتشار آثار آقای هاشمی را عهده‌دار بودند، به دفتر ایشان دادم. به گمانم پسندیده است که کتابی هم از نقدهای مختلف به سخنان آقای هاشمی و روزنوشت‌هایش فراهم آید تا مخاطبان با روایت‌ها و نظرات دیگران نیز آشنا شوند واین گونه درکی عمیق‌تر از آن رخداد در اذهان شکل می‌گیرد. خوشبختانه تا زمانی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قید حیات بودند، به خصوص در سال‌های بعد از انتخابات ۱۳۸۸ در هر زمینه‌ای که ابهامی وجود داشت، ایشان تن به گفت و گو می‌دادند و ابهام زدایی می‌کردند.

ویژگی مهم آقای هاشمی این بود که از گفتگو تن نمی‌زد، و در بیان مسائل تردید و دو دلی به خرج نمی‌داد. نمونه‌ای از این گفت وگوها را می‌توان با روزنامه کیهان مشاهده کرد. آقای هاشمی از موضع روزنامه کیهان نسبت به خود آگاهی داشتند، و می‌دانستند آنها در تحریف حقیقت و تقدیس خشونت تا چه اندازه دستی گشاده دارند، اما پای پرسش‌های، گاه سهمگین آنها نشست و در نزدیک به ۲۰ جلسه به سوالات گاه چالشی و حتی تند و زننده آنها پاسخ داد. این گفت وگو که ابتدا در ۲۰ شماره کیهان منتشر و سپس در کتاب «بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی»، از سوی انتشارات کیهان به بازار کتاب عرضه شد، نمونه‌ای درخشان از مواجهه یک مسئول رده بالا با پرسش‌هاست. سال‌های پایانی دهه هفتاد هم هنوز در خاطرم هست، روزهایی که در مطبوعات تیغ دشنام از سوی برخی روزنامه‌نگاران اصلاح طلب آن دوران به سمت ایشان روانه می‌شد و ایشان برای اعلام نامزدی مجلس هشتم، بی‌هراس از آن هجمه سنگین، پای میزگردی مطبوعاتی وآزاد با خبرنگاران نشست و به سوالات بی‌هیچ سانسور و ممانعتی پاسخ گفت.

من در تاریخ روزنامه‌نگاری خود در میان مسئولانی در چنین رده‌ای ندیدم که بی‌هراس از پاسخ باشند و تازه مشکلی در بیان نداشته و حتی ممانعت از انتشار آن هم نکنند. نوعی اعتماد به نفس بالا که به گمانم از دلیری فرد در این گونه امور نشات می‌گرفت.

نگارنده خود دو خاطره از دیدار حضوری با آقای هاشمی(به همراه اعضای هیات مدیره تعاونی مسکن انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در سال ۸۲ و چند روزی بعد از زلزله بم) و بار دوم (به همراه اعضای هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران – در سال۸۷) با آقای هاشمی و نیز آقای خاتمی(سال ۸۷) دارم که در هر دو دیدار نحوه مواجهه آقای خاتمی و مواجهه آقای هاشمی را نقشبند خاطره من و گروهی از دوستان روزنامه‌نگار کرد.

آقای هاشمی ما را از بیان پرسش منع نکرد و بعد از پاسخ و پرسش هم نگفت که این سخنان را جایی بیان نکنید. اما در مقابل آقای خاتمی بسیاری از مسائل را بیان کرد و در آخر گفتند که اگر این سخنان جایی بیان شود من تکذیب می‌کنم. به همین دلیل است که آقای خاتمی که می‌توانستند بعد از آقای هاشمی دومین شخصی باشند که خاطرات دوران ریاست‌جمهوری شان را منتشر می‌کنند، به گمانم به دلیل همین ملاحظات، امتی را از برخی شناخت و کشف برخی رخدادها محروم کردند و البته به گمانم اگر این رخداد به سنتی تبدیل می‌شد می‌توانست حتی فواید اقتصادی هم داشته باشد. چنانکه کتاب‌های آقای هاشمی به گواه استقبالی که از آن می‌شود، چرخ‌های نشر معارف را می‌گرداند و اگر ناشر این مجموعه آثار کمی‌نگاه حرفه‌ای‌تر به ماجرا داشته باشد، از تحولات فن‌آورانه نشر استقبال کرده و به سراغ آنها برود، پای شخصیت‌های معروف و درگیر در خاطرات آقای هاشمی را با گفت وگوهایی به میدان بکشاند، قطعا می‌تواند این انتشاراتی را به یکی از قطب‌های اقتصاد نشر در زمینه تاریخ معاصر و بعد از انقلاب تبدیل کند.

چندی قبل که خاطرات همسر اوباما منتشر شد و در دو هفته بالای دو میلیون نسخه از آن به فروش رفت، به همین فکر بودم که چگونه مردان و زنان رده بالای سیاست در ینگه دنیا، از داشته‌های خود بهره می‌برند و نه تنها خود که گروهی کثیر را از فعالیت‌های گذشته خود منتفع می‌سازند.

جالب این که تنها بانوی ریاست‌جمهوری که اصولا به صحنه اجتماعی آمدند و حتی کتابی از خود انتشار دادند باز همسر آقای هاشمی(بانو عفت مرعشی) بودند و از همسران آقای خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی و ... اصولا خبری نیست که نیست؟

در حالی که نام بانو عفت در عمده خاطرات آقای هاشمی بروز و ظهور دارد.

این نوشته می‌توانست با نگاهی به خاطرات آقای هاشمی در سال ۷۴ به پایان برسد که امید می‌رود در آینده نزدیک به محتوی یادداشت‌ها و تاثیرات اجتماعی و سیاسی آن بپردازم.



امیر عاشق ایران آباد

دکتر حمید میرزاده- استاد دانشگاه صنعتی امیر کبیر و عضو هیات موسس دانشگاه آزاد اسلامی

ظرف ۳۶ سالی که با آیت الله هاشمی (ره) محشور بودم او را امیری عاشق و شخصیتی چند بعدی و چند وجهی یافتم.

کارنامه و عملکرد ایشان نیز گواه این برداشت است. او مجاهدی نستوه با روحیه ای پر از شجاعت بود. در عین حال هاشمی دانشمندی قرآن پژوه و مدیری دنیا دیده و برنامه ریزو استراتژیست و فراتر از اصولگرایی و اصلاح طلبی ، یک خدمتگزار ملی و مدنی و امیری عاشق ایران آباد بود. حسن خلق وتواضعی از جنس مردم که در دوره معاصر تاریخ ایران مثل او را کمتر می توان یافت و همین او را از دیگران ممتاز می کرد. او با جاذبه حداکثری ودافعه حداقلی با اغلب نیرو های کشور کار می کرد. بی نهایت مخلص و بی ریا بود. هاشمی هم خواهان عزت اسلام و هم دوستدارمردم و عاشق توسعه و آبادانی ایران بود.در توسعه امور زیربنایی کشور اثر انگشت سلیمانی اورا میتوان همه جا دید.توسعه علمی ایران نیز مدیون توجه و اهتمام او بود زیرا عمیقا مثل امیر کبیر معتقد بود راه برون رفت کشور از عقب ماندگی مزمن تاریخی توسعه علمی ایران است و شاهد این مدعا کار بزرگ او در تاسیس بزرگترین دانشگاه حضوری جهان بود که در اردیبهشت ۱۳۶۱ یعنی در دوران جنگ و ۳روز قبل از آزاد سازی خرمشهر که خود فرماندهی آنرا برعهده داشت، بنیان گذاشته شد. این حرکت معنی دار هاشمی حاکی از دور اندیشی و آینده نگری او دارد که حتی در دوران جنگ تحمیلی از فکر اصلی توسعه کشوربا ابزار توسعه علمی غافل نبود. امیر کبیر ما در حقیقت پا جای پای امیرکبیر گذاشت وموفق شد بجای یک دارالفنون ۴۰۰ دارالفنون بسازد. به گفته خودش تقریبا نصف اوقات خود را در سالهای اخیرمصروف توجه و حل مشکلات دانشگاه آزاد می کرد. تا آخرین ساعات حیاتش یعنی روز ۱۹ دی ماه ۱۳۹۵ از امر حمایت و پشتیبانی از دانشگاه آزاد غافل نبود و بعد از ظهر همان روز – آن یکشنبه سیاه – به من با تلفن گفت "موافقت وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را برای همه خواسته هایی که داشتید جلب کردم." آنقدر دانشگاه آزاد را دوست داشت که با همه سوابق و خدمات درخشان پشت خط رئیس جمهور می ماند تا مشکلات دانشگاه را به ایشان منتقل کند تا شاید دولت راه حلی بیابد. یکبار در حضور ایشان بودم مشکلاتی راکه باید رئیس جمهور دستور حل آنرا به وزرای علوم و بهداشت و درمان می داد، خد متشان معروض داشتم . ایشان از دفترخود خواستند تلفن رئیس جمهور را بگیرید تا با اوصحبت کند ولی دفتر پس از چند بار تماس اعلام کرد رئیس جمهور صحبت نمی کنند و گفتند بعدا تماس بگیرید. متاسفانه این اتفاق بنا به اعلام دفترآقای هاشمی چند بار دیگر در روز های قبل هم تکرار شده بود. آنروز هم به ایشان و هم به من خیلی سخت گذشت هرچند در چهره ایشان مظلومیت توام با عزمی راسخ را برای حل مشکلات دانشگاه دیدم اما خیلی شرمنده شدم و با خود گفتم کاش این مطالب را به آقای هاشمی نمی گفتم. اما با عظمت روح و تواضع بالایی که داشت به من گفت "عیب ندارد من شخصا به دفتر رئیس جمهور می روم و برای شما وقت می گیرم بیا و مشکلات دانشگاه را با رئیس جمهور در میان بگذار"و چنین شد. او دهقان پیر و با تجربه ای بود و می دانست نهالی که در اردیبهشت ۱۳۶۱ کاشته وطوفانهای زیادی را از سر گذرانده و اکنون مثل یک درخت تناورو مثمر مجموعه عظیمی شده و با سرمایه های مردم بنا گردیده ممکن است هنوز دستخوش آسیب شود. باغ دانشی که هاشمی کاشت روشنی بخش چشمان خودش و دوستدارانش بود(كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوى عَلى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِيَغيظَ بِهِمُ الْكُفّارَ) هر چند متاسفانه تا آخر عمر از بغض و کارشکنی معاندان که از اول با این نهاد مردمی سر ناسازگاری داشتند آزار دید اما هاشمی مثل همیشه خستگی ناپذیر بود و حقیقتا رفتار هاشمی در این خصوص جای تامل و تعلم دارد. همیشه رفتار آقای هاشمی رفتار یک عاشق بود عاشقی که به راه خود اطمینان داشت. درست مثل امیر کبیر که او هم یک دولتمرد عاشق و شیدای آبادانی ایران بود. هاشمی در باطن خود عاشق ایران آباد و شکوفا بود ریشه این عِشقِ مبنای قِرآنی هم داشت او مکررا در سخنانش تکرار می کرد هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا . او با عشقی بر ستون صداقت و ایمان و با دلبستگی و تعلق خاطر به کشور و مردم خود خدمت کرد .

هاشمی بخاطر روحیه بالا و کلان نگری و بلند پروازی، منشا بسیاری از تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور و نهادینه سازی آنها بود. عمق تاثیر و نفوذ هاشمی در تحولات مذکور قبل و بعد از انقلاب به بیش از ۶۰ سال می رسد که در تاریخ ایران بی نظیر است.

صبرو حوصله و سعه صدر او زبانزد خاص و عام بود و همین ویژگی از او مردی ساخته بود تا بسیاری از بحران ها را از سر کشور دور کند.او باتحمل تندروی ها و تهمت ها و بد اخلاقی ها به همه مدیران دلسوز و عاشق ایران درس اخلاق هم داد که اگر می خواهید به کشورتان خدمت کنید باید قدرت تحمل نامردمی ها را هم داشته باشید او این تحمل پذیری را ابزار کار یک مدیر و یک خدمتگزار مدنی می دانست.

خوش خلقی و قدرت بالای شنیداری او به گفته ها و طرحها و برنامه های پیشنهادی مدیران انگیزه همکاران او را در اجرای برنامه ها دو چندان می کرد و در عین حال جاذبه هاشمی را بالا می برد و عشق و علاقه او را در دل همه مدیرانش تثبیت می کرد.

تدبیر و امید در سراسر زندگی هاشمی موج می‌زد. او هیچگاه ناامید نبود یاس را عامل بدبختی و عقب ماندگی می دانست. در جریان بازسازی مناطق جنگزده و ازآن بالاتر باز سازی اقتصاد کشور بعد از جنگ یک نمونه عالی و مثال زدنی از تدبیر و امید او دربکار گیری مدیرانی از همه طیف های سیاسی و تکیه بر توانایی‌های مردم بود. بلند پروازی و شجاعت هاشمی در تصمیم گیری‌های کلان زمینه‌ساز توسعه زیر بناهایی شد که در تاریخ ایران کم نظیر است و به خاطر همین مشی مدیریتی در هشت سال دوران ریاست جمهوری ایشان متوسط رشد سالانه تولید ناخالص ملی ایران نزدیک ۷ در صد بود و همین پیشرفت شاخص‌های توسعه اقتصادی و زیربنایی باعث شد که دولت آقای خاتمی هم در تداوم طرحهای مصوب دوران هاشمی و با تکمیل طرحهای نیمه تمام و شروع طرحهای جدید راه همواری که آماده شده بود پیمودو توانست به شاخص های بالایی دررشد اقتصادی کشور دست یابد . چیزی که ظرف ۱۶ سال در دوران هاشمی و خاتمی اتفاق افتاد یعنی رشد سالانه اقتصادی مداوم با متوسط حدود ۸ در صد در اقتصاد ایران بی سابقه است و تا کنون تکرار نشده است.

در کنار مدیریت سطح بالای هاشمی متاسفانه جنبه و وجهه علمی و پژوهشی این قهرمان ملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است . هاشمی بالغ بر یکصد کتاب تالیفی و ترجمه ای دارد که ۵۳ جلد از کتابهای ایشان در خصوص قرآن پژوهی است که با سبکی روان و قابل استفاده برای همه نگاشته شده و حکایت از انس دائمی او با قرآن دارد . صفای باطن و صدق بیان او ریشه در همین مانوس بودن او با قرآن داشت. اوبا هوش سرشار و تیز بینی همواره اهل مطالعه فراوان و تحقیق وکسب آگاهی های به روز از اوضاع و احوال کشور و جهان بود و بطور مستمر روزانه وقایع مهم کاری خود را یادداشت می کرد که هم اکنون این مجموعه خود یک ذخیره تاریخی معتبر از سیر وقایع اتفاقیه و حوادث ۳۹ سال گذشته است که می تواند راهگشای سیر تحولات انقلاب و مرجعی معتبر برای قضاوت آیندگان و پژوهندگان باشد.

تفکر هاشمی و سیر و سلوک مدیریتی او طوری بود که اغلب مدیران کشور او را از خود و همراه خود می یافتند او نه تنها بین مدیران کشور طرفداران زیادی داشت بلکه اغلب مردم روش اعتدالی و منش آزاد اندیشی هاشمی را دوست می داشتند. تفکر هاشمی و مکتب فکری او نماینده و نماد یک تفکر مقبول اجتماعی شد که به نوبه خود یک دست آورد کم نظیر در تاریخ سیاسی ایران است.

هاشمی اهل گذشت و بغایت مهربان بود و گفته هایش بر دل مخاطبانش می نشست و به همین دلیل خطبه های نماز جمعه او پر مخاطب بود. او آیت الله مردم و سمبل وطن دوستی بود.هنوز پژواک صدای صادق و دلسوزانه آن امیر عاشق و بی گزند در عمق خاطرات ملت ایران زنده است و دوستدارانش از غم فراق او بی تابند و با هم این شعر سعدی شیرازی را زمزمه می کنند:

بگذار تا بگرییم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
هر کو شراب فرقت روزی چشیده باشد
داند که سخت باشد قطع امیدواران
سعدی به روزگاران مهری نشسته در دل
بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران
چندت کنم حکایت شرح این قدر کفایت
باقی نمی توان گفت الا به غمگساران



آیت‌الله هاشمی معمار هسته‌ای کشور

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در همایش "عبور از بحران و توسعه ایران با نگاهی به رویکرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی" با گرامی‌داشت یاد و خاطره رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام اظهار کرد: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از همه چیز خود برای انقلاب اسلامی مایه گذاشت و از هیچ چیز برای پیشبرد اهداف انقلاب و پیشرفت کشور ابا نکرد.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با بیان اینکه «در دنیای امروز برای آنکه بتوانیم اهداف کشور و انقلاب را پیش ببریم، لازم است تمام ظرفیت‌های خود را به درستی بشناسیم» خاطرنشان کرد: در دوره امروز برای پیشبرد اهداف انقلاب و کشور پس از شناخت صحیح ظرفیت‌ها باید از آن‌ها به موقع خود استفاده کنیم و برای رسیدن به اهداف، نباید جز موضوعات مقدس و ارزش‌های اصیل خود موضوعات دیگری را قدسی کنیم. نباید از ابزارهای دیگر استفاده کنیم و منتظر ثبت در تاریخ بمانیم بلکه باید بدانیم تاریخ خود به درستی قضاوت خواهد کرد.

وزیر امور خارجه افزود: برای نگرانی از ثبت در تاریخ، باید خود را برای مصالح مردم فدا کنیم و مصالح مردم را فدای خود نکنیم. باید ابتدا ببینیم که چه امکاناتی داریم و از آن‌ها به درستی استفاده نماییم.

ظریف با تاکید بر اینکه «در دنیای امروز استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌ها ضروری است» ادامه داد: پیش از استفاده از امکانات باید شناخت واقعی و واقع‌بینانه از شرایط و ظرفیت‌ها داشته باشیم.

وزیر امور خارجه خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران به برکت انقلاب اسلامی و تعلیمات امام خمینی و رهنمودهای رهبری در منطقه و جهان شرایطی استثنایی پیدا کرده است. این شرایط همراه با خود هم ظرفیت‌هایی ایجاد کرده و هم تلاش‌هایی در برابر نظام قرار داده است چرا که هیچ ظرفیت و فرصتی بدون چالش نبوده و هیچ چالشی نیز بدون فرصت نیست. آنچه که در این زمینه مهم است تلاش ما و استفاده از ظرفیت‌ها توسط ماست. این اقدام می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف‌مان کمک کند. برای همین نیز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یک مصلح انقلابی و یک انقلابی مصلح بود.

او با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ادامه داد: همواره نگرش آیت‌الله هاشمی به اصلاح و بهبود شرایط کشور با تکیه بر ارزش‌ها و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی بود چرا که نمی‌توان برای خلاص شدن از چالش‌ها، ظرفیت‌هایی را که باعث افزایش قدرت شده‌اند به فراموشی سپرده شود. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همواره در استفاده از امکانات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران به صورت عاقلانه و با نگاه واقع‌بینانه تاکید داشت. همین نگاه نیز باعث شد که در بهترین شرایط ما مذاکره با صدام را آغاز کنیم.

ظریف با اشاره به برخی ویژگی‌های دوران جنگ و پیش از آغاز مذاکره با عراق در این زمینه خاطرنشان کرد: اگر آقای هاشمی رفسنجانی نمی‌خواست که از ظرفیت‌های موجود استفاده کند و نگران آن بود که جامعه درباره مذاکره با فردی که خسارت‌های بسیاری به ملت‌مان وارد کرده چه می‌گویند، نمی‌توانست مسیر تاریخ منطقه را تغییر دهد. درایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و رهبری و همچنین مجموعه نظام بود که باعث شد از آن فرصت استفاده شود.

وزیر امور خارجه ادامه داد: اگر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت‌وگو با امیر عبدالله را آغاز نمی‌کرد و نگران آنچه که در تاریخ ثبت خواهد شد، بود، هرگز نمی‌توانست تاریخ‌ساز شود. شناسایی ظرفیت‌ها و استفاده از امکانات، یک هوش و شجاعت ویژه‌ای می‌طلبد که ما این شجاعت را در امام خمینی سراغ داشتیم و امروز نیز در مقام معظم رهبری سراغ داریم و در آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز به وفور مشاهده می‌کردیم.

او در ادامه صحبت‌های خود به توافق بر سر قطعنامه ۵۹۸ اشاره کرد و گفت: بالاترین مرحله شجاعت آیت‌الله هاشمی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که در آن زمان برای بر عهده گرفتن این مسئولیت تاریخ‌ساز رقابتی میان امام و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ایجاد شده بود.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشور در بخش دیگری از صحبت‌های خود با تاکید بر اینکه «دیپلماسی یکی از ابزارهای قدرت است» اظهار کرد: اینکه ما در منطقه حضور و جایگاه ارزشمندی داریم و مردم با دید عزت و احترام به جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کنند و ما متکی به مردم خود هستیم، از نتایج توجه به دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای قدرت است.

ظریف با اشاره به وضعیت کشورهای منطقه خاطرنشان کرد: اگر به کشورهای منطقه نگاه کنیم مشاهده می‌کنیم که عربستان و امارات به ترتیب ۶۷ و ۲۲ میلیارد دلار هزینه برای تجهیزات تسلیحات نظامی خود کرده‌اند و سایر کشورهای منطقه نیز در زیر چتر قدرت یک ابرقدرت هسته‌ای قرار دارند اما با وجود این‌ها جمهوری اسلامی ایران امنیت و قدرت بیشتری دارد چرا که وجه تمایز ما با این رژیم‌ها در اتکا به خدا و مردم است.

وی با تاکید بر اینکه «باید قدردان وضعیت فعلی جمهوری اسلامی ایران باشیم» به وضعیت استقلال کشور کوبا اشاره کرد و گفت: کوبا در فاصله ۱۵۰ کیلومتری بزرگترین قدرت هسته‌ای دنیاست اما آنچه که توانسته این کشور را امن نگه دارد، بیشتر از هر چیز، قدرت دیپلماسی این کشور بوده است.

وزیر امور خارجه تاکید کرد: دیپلماسی می‌تواند این امکان را فراهم کند که کشوری از شرایط مخاطره آمیز با امنیت عبور کند. در این زمینه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی قدرت دیپلماسی را می‌شناخت و در مراحل مختلف از جمله جنگ ایران و عراق و مذاکرات هسته‌ای قبلی و آنچه که اخیرا اتفاق افتاد می‌توان درک واقعی و شناخت شرایط بین‌المللی را از سوی ایشان به خوبی مشاهده کرد.

او با بیان اینکه «عدم شناخت شرایط بین‌المللی می‌تواند کشوری در اوج قدرت را به نابودی بکشاند» افزود: مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معمار هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود و برنامه هسته‌ای ما در زمان او شکل گرفت. اما این توانمندی باید حفظ می‌شد نه اینکه به هدر برود و به جای آنکه زمینه قدرت جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند باعث افزایش فشار علیه کشور شود. فهم این موضوع نیازمند یک جامع‌نگری است که در نگاه آیت‌الله هاشمی وجود داشت.

ظریف تصریح کرد: وظیفه سیاست خارجی حراست از امنیت ملی، تمامیت ارضی و کمک به وفاق مردم است و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این را به خوبی درک کرد. دوران سازندگی نمونه‌ای از تلاش برای استفاده از امکانات سیاست خارجی برای بهبود وضعیت مردم بود.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: ما وظیفه داریم که سیاست خارجی را تبدیل به اهرمی برای کمک به اقتصاد کشور کنیم نه آنکه باری بر دوش مردم تحمیل کنیم. تلاش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همواره این بود که سیاست خارجی باری بر مردم نباشد. این کار نیازمند آن نیست که ما از اصول و ظرفیت‌های خود عدول کنیم بلکه نیازمند شناخت اصول و ظرفیت‌هاست و ما باید بپذیریم که دیپلماسی یک روش برای تامین اهداف و منافع کشور است.

او با اشاره به دیدار سه سال گذشته سفرا با مقام معظم رهبری خاطرنشان کرد: در این دیدار مقام معظم رهبری فرمودند که دیپلماسی در بسیاری از مواقع می‌تواند بهتر و ارزان‌تر از نیروی نظامی اهداف ما را تامین کند به شرط آنکه متکی به قدرت و امکانات و ظرفیت‌های کشور باشد و همچنین نگاه ما در این زمینه به سمت مردم باشد و ما آن‌ها را ولی نعمت خود بدانیم.

ظریف با بیان اینکه «آنچه که در سخنرانی امروز به آن اشاره کردم درس‌هایی بود که از شاگردی مکتب آیت‌الله هاشمی گرفته‌ام» اظهار کرد: امیدوارم این درس‌ها به کشور کمک کند که از این مسیر دشوار، پرمخاطره، پرچالش و پرظرفیت و نه بحرانی - چرا که هیچ گاه بحرانی نبوده و ان‌شاءالله نیز در آینده بحرانی نخواهد بود- به سلامت و عاقبت به خیری و عزت و سربلندی و رفاه برای مردم عبور کنیم.



مصاحبه اختصاصی با مهندس محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران

شخصیتی استوار در معرض نقدها و تخریب ها

سید مسعود رضوی – علیرضا بردبار

آیت الله هاشمی در دوران دولت سازندگی به مسایل اقتصادی اهمیت زیادی می دادند و برخی معتقدند عدم توجه به توسعه سیاسی و حتی فرهنگی موازنه توسعه و برنامه های مورد نظر ایشان را به هم زد و همین امر موجب رشد جریانهای راست افراطی و حتی مخالف سازندگی و توسعه شد، نظر شما چیست؟

موافق این نگاه نیستم، در نظریات توسعه، به این موضوع به تفصیل پرداخته شده است که توسعه نیازمند ساختار است، اصولا نمی توان توسعه اقتصادی از سیاسی و فرهنگی را تفکیک کرد، توسعه یک مفهوم جامع است که تحقق آن به معنای پرورش استعدادها وقابلیتهای یک جامعه و بهبود شاخص های متفاوت زندگی اجتماعی است، ما در ادبیات توسعه با مفاهیمی چون توسعه پایدار و توسعه متوازن مواجه هستیم، اینکه بگوییم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به‌دنبال توسعه تک بعدی اقتصادی بود نشان از آن دارد که نه شناخت درستی از ایشان داریم و نه درک عمیقی از توسعه.

شما شرایط بعد از جنگ را در نظر بگیرید، کلیه شاخصهای زندگی در کشور در مرحله بحرانی قرار دارد، کسری بودجه، شاخصهای سلامت مردم، وضعیت رفاهی، تولید، اشتغال، زیرساختها و سایر شاخصها، خوب در این شرایط حرف زدن از توسعه فرهنگی بدون اینکه مردم دارای سلامت باشند، کودکانشان واکسینه شوند وبتوانند زندگی اولیه داشته باشند، چه مفهومی دارد، توسعه فرهنگی با دسترسی به محصولات فرهنگی ممکن می شود، بدون برق، بدون کتاب، بدون سالنهای سینما و موسیقی،بدون مطبوعات، توسعه فرهنگی معنا می یابد، یا در حوزه سیاسی، زمانی که ما روزنامه نداشته باشیم، احزاب نداشته باشیم، کرسی‌های دانشگاهی قوی نداشته باشیم، اصولا فضای مدنی ما بسیار ضعیف باشد، چگونه می‌توانیم به توسعه سیاسی فکر کنیم، بنده تصور می کنم توسعه مد نظر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توسعه‌ای متوازن و پایدار بود و به همین جهت می‌بینیم دولتی که بعد از ایشان آمد توانست از تلاشها و زیرساختهای دولت سازندگی استفاده کند.

در همین راستا انتقاد می شود که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی عدم ورود و اشراف ایشان به مسایل امنیتی موجب پدید آمدن جریانهای موازی و پرقدرتی در خارج از حوزه قانون و اختیارات شفاف دولتی شد و همین امر به تدریج موجب پیدایش نیروهای موسوم به خودسر در سطوح مختلف شده است؟

موضوع امنیت در نظام جمهوری اسلامی، مقداری پیچیده است و به‌راحتی نمی‌توان در مطبوعات در مورد ساختار آن نظر داد، اما بنده به همین مختصر اکتفا می‌کنم که در دوران ایشان، در حوزه امنیت ما شاهد فعالیت‌های مثبت و فعالیت‌های منفی هستیم، فعالیت‌های مثبت در جهت تقویت دولت از سوی نیروهای انقلاب و فعالیت‌های منفی در جهت تضعیف دولت از سوی جریان افراطی صورت گرفت، بنابراین آنچه که در توان واراده دولت بود، در سازماندهی و استفاده مثبت از ساختار امنیتی متمرکز شد، البته همه چیز در اختیار دولت طبیعتا نیست، آقای فلاحیان چند سال قبل در مصاحبه‌ای گفتند که آقای هاشمی می‌خواست مرا در دولت دوم خود، جابجا کند اما نتوانست، این نشان می‌دهد که دولت محدودیتهایی در این حوزه داشت والبته همه دولتها داشتند، مگر در دولت اصلاحات این اتفاق نیفتاد و قتلهای زنجیره‌ای که در انقلاب بی‌سابقه بود در درون وزارت اطلاعات رخ نداد، یا در دولت آقای احمدی نژاد همین ناهماهنگی میان رئیس جمهور و وزیر اطلاعات منجر به بحرانهایی شد، بنابراین نمی‌توان این موضوع را مختص به دولت سازندگی دانست، چراکه قبل و بعد از آن در همه دولتها وجود داشته است.

انتقاداتی هم درباره فقدان زیرساختهای زیست محیطی در مدل توسعه دوران آیت الله فقید مطرح است، آیا آن شیوه سد سازی و یا تمرکز صنایع بزرگ در مناطق کم آب مرکزی مثل اصفهان، کرمان و یزد ضرورت داشته؟ وآیا در برنامه های توسعه ایشان اینگونه ملاحظات اقلیمی وزیست محیطی رعایت می شد؟

البته تدوین نقشـــه جامع سدهای کشور از قبل از انقلاب آغاز شد و یکی از ملاحظات جدی ایشان، حفظ محیط زیست بود و باید توجه کنیم که بحران آب که در کشور ما یک مساله جدی است با فعالیتهای سدسازی، به نوعی در دوره سازندگی ساماندهی شد، البته ســدهایی که ساخته شد با پیوستهای مطالعات زیست محیطی طراحی گردید و جا دارد از همه عزیزانی که در این بخش زحمات زیادی کشیدند قدردانی شود از جمله مرحوم دکتر بیات، پدر سد سازی ایران، که بســیار علاقمند به محیط زیست بود و نقش موثری در مطالعات این حوزه در سدســازی داشت. قطعا در مدیریت منابع آب، بخصوص در دهه هشتاد، خطاهایی داشته ایم، مانند مصرف بی رویه و فاقد توجیه آب برای کشاورزی، یا مشکلات در آبگیر یا مسیر برخی سدها، اما نمی توان اتفاقی که در دهه هشتاد ونود افتاده است را به دهه شصت و هفتاد نسبت داد.

نظامیـان در دوران ایشـان به پروژه های اقتصـادی بـزرگ دعـوت شـدند، البته هدف آیت الله هاشمی اسـتفاده از نیروهای نهفته و موجود در اختیار سپاه و ارتش بود، اما آیا برای کنترل اقتدار این نیروها تمهیدی هم اندیشیده بودند؟

این موضوع در قانون اساســی ما پیش بینی شده است، در اصل ۱۴۸ بر استفاده از توان لجستیک نیروهای مســلح در سازندگی کشور تاکید شده است و بدلیل جنگ، ما بخش عمده توان ماشــین آلات و تجهیزات راهسازی و ساختمانی خود را در صنایع دفاعی و نیروهای مسلح متمرکز کرده بودیم، اولا عدم استفاده از این توان موجب خسارت کشور وبیکاری و ناراحتی در نیروهای مسلح می شد و ثانیا بنیه کافی در بخش خصوصی در آن سالها برای ورود به پروژه‌های بزرگ وجود نداشت، بنابراین یکی از سیاستهای دولت ســازندگی وارد کردن بخش عمرانی نیروهای مسلح در پــروژه های بزرگ بود که در قالب مناقصات و قرارداد ها حضور پیدا کردند، البته آیت‌الله هاشـــمی رفسنجانی با ورود نیروهای مسلح وامنیتی به بخش انتفاعی وبازرگانی اقتصاد مخالف بودند و تا جایی که توان داشتند سعی می کردند این موضوع را مدیریت و هدایت کنند تا توان نیروهای مسلح در حوزه فعالیتهای عمرانی به بخش مورد نیاز کشور یعنی مناطق محروم و پروژه های ملی ســوق پیدا کند اما به دلایلی که گفتم برخی از مسایل خارج از اختیارات وکنترل دولت بوده وهست و بعد از دولت سازندگی افراط در برخی واگذاریها صورت گرفت خصوصا در دولتهای نهم ودهم و شـــهرداری سابق تهران، تا جایی که اخیرا نیز مقام معظم رهبری در تذکری صریح وعلنی نارضایتی خود را از ورود بنگاههای وابسته به نیروهای نظامی وامنیتی به فعالیتهای انتفاعی بیان کردند.



در انتخابـات مجلس ششـم بسـیاری از کارشناسـان خبـره و حتی برخی مشـاوران، بر ایـن باور بودند که جناب آیت الله هاشـمی کاندیدا نشـود و در مجمع تشخیص مصلحت نظـام نقـش مهمتـری خواهد داشـت، با چه تحلیلی ایشـان کاندیدا شـدند و چـرا پس از ورود به مجلس استعفا دادند؟

اگر بخواهیم از منظر مصالح شـــخصی و منافع آیت‌الله هاشمی به موضوع نگاه کنیم، قطعا نظر شما درست است، نفع ایشان در عدم حضور در انتخابات مجلس ششم بود، اما در آن‌زمان تحلیلی وجود داشت که جریان اصلاحات پس از دوم خرداد، به‌دلیل عدم تجربه کافی در حوزه سیاسی و همچنین نوعی غرور از پیروزی، وارد تقابل و لجبازی با نظام می شـــود و اگر ایشان در مجلس حضور داشته باشد می‌تواند این فضا را مدیریت کرده و از تقابل و بن‌بست در فضای سیاســـی کشور که به تنش می‌رسد، جلوگیری کند و عملا از شکســـت جریان اصلاحات و خسارت به انقلاب پیشگیری کند، اما برخی دوستان اصلاح طلب که تفکرات اصالتا چپ و افراطی داشتند، آقای هاشمی را دشـــمن شماره یک خود فرض کردند و بیشترین تخریب را نســـبت به ایشـــان انجام دادند و موجب کاهش آرای ایشان شدند و با اتفاقاتی که در شمارش آرا افتاد، توانستند موقعیت اجتماعی ایشان را تضعیف کنند، البته نتایج حرکت این دوستان بعدها مشخص شـــد، به بن‌بست رسیدن مجلس ششم، موضوع رد صلاحیت و نامه سرگشاده به رهبری عملا فضایی را فراهم آورد که اصلاح طلبان هم دولت و هم مجلس را تقدیم رقیب کردند.

ریشـه هـای اختـلاف ایشـان و دولـت احمدی نژاد و شـخص محمود احمدی نژاد را در چه می دانید و چرا چنان حملات بی سابقه ای در آن دوره هم در هنگامه تبلیغات وهم پس از آن در هـر دو دوره به شـخص آیت الله صورت گرفت؟

مـــی توانم به جرات بگویم مســـاله بین آقای احمدی‌نژاد و آیت‌الله هاشـــمی رفسنجانی موضوع شخص نبود، اینکه با تخریب، تهمت و فریب از آقای هاشمی یک تابو بسازند که همه مشکلات کشور را به ایشـــان نسبت دهند وایشان فعال مایشا و قدرت نخست کشور در همه حوزه ها ترسیم شود و بعد با شایعات مالی و اقتصادی وجه و سلامت ایشان را نیز تخریب کنند، روشی بود که ابتدا توسط چپ افراطی استفاده شد و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴، احمدی‌نژاد نیز از این روش غیراخلاقی راست افراطی برای رسیدن به قدرت استفاده کرد و در سال ۱۳۸۸ نیز آن را ادامه داد در حالی‌که خود وی می دانست که بسیاری ادعاهایش عموما نادرست و مقام معظم رهبـــری در خطبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸، به صراحت این موضوع را در خطبه های نماز جمعه بیان کردند.

پس از پایان دولت نهم و در آستانه روی کار آمدن دولت دهم آیت الله هاشـمی تغییر رویکرد مشـهودی داشتند و مواضع انتقادی روشـنی نسـبت به برنامه هـا وعملکردهای دولـت احمـدی نـژاد و متحـدان و موتلفان ابراز داشـتند. چرا پس از سـالها شـکیبایی و صبوری، بالاخره سـکوت را شکسـتند و آیا در صـورت حضـور و تداوم حیـات، بر حجم انتقادات نمی افزودند؟

بالاخره فضا وموقعیت تاثیر مهمی در رفتار افراد دارد، ایشان پس از سال ۱۳۸۸، احساس کردند بسیاری از حریم‌هایی که وجود داشـــت توسط جریان افراطی دریده شـــده است و مطالب و دروغهای فراوانی در فضای رسمی بیان شده است، ناگزیر به سخن گفتن در مجامع عمومی ورســـانه ای برای دفاع از انقلاب و جلوگیری از آســـیب دیدن کشور به‌دلیل تحرکات افراطیون و تصمیمات غلط در حوزه سیاست خارجی، اقتصاد و فضای داخلی کشور بودند و این روشنگری بـــه آگاهی عمومی منجــــر گردید که نتیجه آن در انتخابات سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴، آشکار شد، ایشان پس از انتخابات سال ۱۳۹۴ بیان کردند که فضای آگاهی عمومی و دسترسی مردم به‌خصوص نسل جوان به اطلاعات به حدی رسیده است که به نوعی مردم خود پیشــــرو تحلیل و فهم مسایل هستند و جامعه دیگر قابل کنترل و سانسور نیست.

از مجموعه آثار و یادداشـت های آیت الله هاشمی چقدر مطالب منتشر نشده باقی مانده و چه زمانی منتشر خواهد شد؟

تاکنون از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خاطرات دوران مبارزه تا ســـال ۱۳۵۷، خاطرات سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۱۵ ســـال خاطرات روزشمار منتشر شده و ۲۱ ســـال دیگر از خاطرات روزشمار ایشان یعنی از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۹۵ و آخرین روز حیاتشان باقی‌مانده که به جهت اینکه ما بتوانیم کمترین سانسور را در انتشار خاطرات اعمال کنیم، لازم است که این فاصله ۲۰ ســـاله حفظ گردد، دیگر آثار ایشان که مهمترین آنها «تفسیر راهنما» و «فرهنگ قرآن» است در قالب ۵۴ جلد منتشر شده و به‌صورت ویژه غیر از خاطرات، اثر ویژه منتشر نشده‌ای ندارند.

در نمایشگاه کتاب در اردیبهشت ۱۳۹۸، کتاب خاطرات ۱۳۷۵ ایشان منتشر خواهد شد که بخشی از آن نیز می تواند، پیش از آن در اختیار قرار گیرد.





نگاهی به زندگی و مبارزات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

سمر پور محسن

برای درک مقام و مرتبه هاشمی در جریان رخدادهای سیاسی ـ دینی دهه سی و چهل و پنجاه، کافی است مروری کوتاه بر آثار و اسنادی که در رابطه با وی از این دوران باقی مانده است داشته باشیم. هاشمی پس از فراغت از مراحل اولیه تحصیل، در میانه دهه سی، دلبستگی خاطر و تعلق فکری شدیدی به امام خمینی که در آن زمان استاد برجسته و متنفّذ حوزه قم بود پیدا کرد. در پی همین مسئله، بزودی با گروهی از همفکران و دوستان خود نظیر محمدجواد باهنر و محمدرضا صالحی کرمانی اقدام به فعالیتهای فرهنگی جالب و بدیعی کرد.

نمونه عالی و مشخص فعالیتهای وی در اواخر دهه سی و اوایل دهه چهل، انتشار هفت شماره از نشریه «مکتب تشیع» بود که نخستین شماره آن در اردیبهشت ۱۳۳۸ منتشر شد. در این نشریه گروه وسیعی از برجسته‌ترین متفکران معاصر مسلمان به ارائهٔ مقاله و مطلب پرداخته و دیدگاهها و تحلیلهای تازه‌ای درخصوص مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتقادی اسلام و ایران عرضه می‌نمودند. از جمله این متفکران: علامه طباطبایی، آیت‌الله طالقانی، دکتر بهشتی، دکتر باهنر، استاد مطهری، مهندس بازرگان، سیدهادی خسروشاهی، احمد آرام، محمدرضا صالحی کرمانی، محمدجواد حجتی کرمانی، ابوالفضل موسوی زنجانی، مهدی حائری، احمد آذری، حسینعلی راشد، محمدتقی فلسفی، محمدتقی جعفری، دکتر محمود نجم‌آبادی و... بودند.

در این نشریه مسائل اجتماعی، اخلاقی و ایدئولوژیکی اسلام، به گونه‌های مختلف و با زبان امروزی و تازه، طرح و تحلیل می‌شد. علاوه بر آن، پاره‌ای از مسائل سیاسی جهان معاصر، دنیای اسلام و کشور ایران صراحتاً و یا به صورت غیرمستقیم موردبازبینی و نقد قرار داده می‌شد. ولی دامنه مباحث، متنوعتر از این بود. زیرا مباحث تاریخی، فلسفی، ادبی و حتی علمی نیز عرضه می‌شد. ویژگی همه این مباحث در سطح کیفی مناسب و جهت‌گیری نوگرایانه و پویای آن نهفته بود.

این نشریه که تا سال ۱۳۴۴ به تناوب منتشر می‌شد، بر محور حضور و مدیریت و اندیشه هاشمی پدید آمده و استمرار یافته بود. او در آن زمان با نیازهای فرهنگی و نقایص آثار و مباحثی که مطرح می‌شد آشنایی یافته بود و نمی‌توانست نسبت به این وضعیت بی‌تفاوت بماند. سالها بعد، وی شرایط فرهنگی آن دوران را چنین توضیح داد:

«... ادبیات سیاسی و اجتماعی تحت تأثیر تحرک مارکسیستی قرار داشت و شما کم واژهٔ انقلابی جوان پسندی را پیدا می‌کنید که از اینها سرچشمه نگرفته باشد. این حرکت در ایران دو بعد داشت: یکی بعد توده‌ای برای عامه مردم که شعارهای سطحی و امیدوارکننده برای قشر محروم و ضعیف کشور داشت، و یکی بعد علمی و استدلالی برای نفوذ در دانشگاهها و مراکز تحقیقی؛ آن موقع افکار امثالِ تقی ارانی‌ها واقعاً میداندار بوده و با پشتوانه مبارزاتی و سوابق زندان و پشتوانه تهاجم مارکسیستها در سراسر دنیا محیط فکری روشنفکران ایران را کاملاً قبضه کرده بودند. از این جهت نیروهای اسلامی تحت فشار بودند و نیروهای متفکر جامعه می‌بایست جوابگوی شبهات زیاد آنها می‌بودند. در محیط کارگری و کشاورزی و روستاها نیز شعارهای مساوات و مصادره اموال خانها، که در آن زمان واقعاً مردم به شدت از آنها ناراضی بودند باعث شده بود که در روستاهای ما، که در آن موقع به سختی می‌شد در راه آن رفت و آمد کرد، کمیته حزب توده تشکیل شود...

اگر کتابهای آن زمان را شما بخوانید، چون خودم بعداً وارد این گود شدم می‌دانستم چه بحثهایی حساسیت خاص خودش را در چه محافلی دارد. این هم یک فشار روی مسلمانها بود. بعد سیاسی قضیه هم که بعد از شهریور [۱۳۲۰] باز شد. محیط سیاسی هم به وجود آمد. مذهبیها ابتدا میداناری نمی‌کردند. جبهه ملی و ملی‌گرایان پیشتازی می‌کردند. کمونیستها و توده‌ایها در یک بخش انقلابی‌تر و پیشتازتر بودند، ملی‌گرایان در یک سطح کمتر با طرح مسائل ملی و ضداستعماری...»

نخستین تجربه‌های جدی تئوری‌پردازی سیاسی از سوی هاشمی در همین نشریه تحقق یافت. مقدمه‌ها و مقالات سیاسی، همراه با ترجمه‌های او درباره مسئله فلسطین، نقطه قوت نشریه محسوب می‌شد. مسلماً مهمترین جهت‌گیریها و اهداف نشریه که بیش از همهٔ مطالب بر خوانندگان مؤثر بود. نوشته‌های خود هاشمی در مکتب تشیع است. او غالباً با طرح مسئله تبلیغ و کیفیت به کارگیری امکانات تبلیغی و روشنگری از سوی افراد متعهد و طلاب و روحانیون، وضعیت ایستای موجود را موردنقد قرار داده و آنان را به افزایش آگاهی خود و مخاطبانشان ترغیب می‌نمود.

با گذر از چنین تجربه بدیع و سرشاری که در سالهای حساس ۳۸ تا ۴۴ رخ داد، هاشمی به یکی از ستونهای مبارزه دینی روحانیت شیعه در دهه چهل و پنجاه بدل شد. بینش و خردفراگیر او، همراه با صداقت انقلابی و بی‌باکیش، به زودی سبب شد تا اعتماد همه جانبه زعیم بزرگ شیعه، آیت‌الله العظمی خمینی را نصیب وی سازد. در ماجرای حمله کوماندوها به مدرسه فیضیه، از نزدیک شاهد ماجرا بود. سپس برای عزیمت به سربازی دستگیر شد، اما محیط پادگانی را که در آن بسر می‌برد به محلِ وعظ و خطابه بدل ساخت. مدتی بعد نیز گریخت و مجدداً به امام پیوست.

در این زمان، امام سمت‌گیریهای نهایی خود را رویاروی رژیم پهلوی اتخاذ کرده بود، به ویژه در سخنرانی عصر عاشورای ۱۳۴۲ (محرم ۱۳۸۳ هـ‌ق)، به کلی اسطوره شاه و نظام سلطنتی را خوار و خفیف ساخت. در این روزها، هاشمی هنوز در پادگان باغشاه به سر می‌برد. هاشمی با وقوف بر این وقایع و پس از فرار از پادگان، به فعالیتهای جاری خود در حوزهٔ علمیه و در خدمت امام بازگشت. هنگامی که امام در داوودیه تحت نظر بود همراه با باهنر به دیدار ایشان شتافت. سپس به دلیل اینکه احتمال دستگیری او شدید شد به زادگاهش در نوق رفسنجان بازگشت و مدتی پنهان شد.

این واقعه در تابستان سال ۱۳۴۲ رخ داد و او برای نخستین بار ناچار شد تا به زندگی مخفی روی آورد. این هجرت ناخواسته، برای او حکم توفیق اجباری داشت؛ زیرا وی اقدام به ترجمه کتاب مهمی در باَب موضوع فلسطین نمود. این کتاب «القضیةالفلسطینه» نام داشت و مؤلف آن اکرم زعیتر، سفیر وقت اردن در تهران بود.

هاشمی به سرعت کار ترجمه اینِ کتاب را به پایان برد و پس از فراغت از این کار، مجدداً به قم بازگشت و با توجه به تجربیاتی که در کار نشر کتاب به دست آورده بود اقدام به چاپ کتاب زعیتر با عنوان «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» کرد. هاشمی بر این کتاب، مقدمه‌ای مفصل و بسیار برانگیزنده پیرامون مسئله «استعمار» نوشته بود. این مقدمه، یکی از نقاط قوت و حساسیت کتاب محسوب می‌شد و به زودی توجه بسیاری از نیروهای مبارز و حساسیتِ ساواک و رژیم را به خود جلب کرد.

مسئله مهمی که دربارهٔ سرگذشت فلسطین رخ داد، فروش سریع آن و چاپهای مجدد کتاب بود که عکس‌العمل مقامات امنیتی را برانگیخت. نخست به دلیل نداشتن مجوز چاپ، آن را تحت پیگرد قرار دادند، اما هاشمی دلایل موجهی در چاپ آن ارائه داد. به هر حال از آنجا که نویسنده کتاب دیپلماتیِ حاضر در صحنه کشور بوده و در عین حال کتاب مجدداً تجدید طبع شد، ساواک در برابر عمل انجام شده قرار گرفت.

نکته مهم دیگر نیز، تأثیر سریع کتاب بر اندیشهٔ رجال مستقل و روشنفکران کشور بود. از جمله دکتر مصدق که در این زمان در احمدآباد به سر می‌برد، طی نامه‌ای در ۱۱ آذر ۱۳۴۳، به یکی از دوستانش چنین نوشت: «... از کتاب سرگذشت فلسطین بسیار استفاده نمودم و حیفم آمد که این کتاب در گوشه‌ای بماند و مورداستفاده قرار نگیرد...»

در این زمان هنوز روابط رژیم با سران صهیونیست اسرائیل برملا نشده بود. به زودی همین مسئله سبب شد تا تمهیداتی برای جلوگیری از نشر کتاب بیندیشند.

در ۲۲ فروردین ۱۳۴۴، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) سپهبد نعمتا... نصیری، به وزارت خارجه نوشت: «کتاب یاد شده بالا (سرگذشت فلسطین)، تألیف اکرم زعیتر که به وسیله اکبر هاشمی به فارسی ترجمه و بدون مجوز طبع و نشر گردیده، در مقدمهٔ آن مطالبی برخلاف مصالح کشور درج شده که انتشار آن مقرون به صلاح نمی‌باشد، به همین جهت از طریق شهربانی کل کشور نسبت به جمع‌آوری کتاب موردبحث



اقدام لازم معمول گردیده است. نظر به این که کتاب مذکور به وسیله سفارت عراق در تهران به طور رایگان در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌گیرد، علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید به جلوگیری از توزیع آن، به هر نحوی که مقتضی می‌دانند اقدام و از نتیجه، این سازمان را مطلع نمایند.»

با تبعید امام خمینی از کشور که در پی افشاگریهای ایشان راجع به مسئله کاپیتولاسیون و شورش بر این افتضاح قضایی و دیپلماتیک صورت گرفت، وضعیت مبارزه دگرگون شد. رژیم و ساواک بر شدت عمل خود نسبت به پیروان امام و طلاب مبارز افزودند و تحت هر شرایطی آنان را دستگیر و روانه زندانها می‌ساختند.

در این ایام، هاشمی به همراه جمعی از یاران مبارز و پیروان بی‌باک امام خمینی، دست به اقدام تازه‌ای زدند. این اقدام، انتشار نشریه‌ای مخفی، با ماهیت خبری ـ تحلیلی بود که نظرات روحانیون پیرو امام و اخبار مبارزات را منعکس می‌نمود. نخستین نشست برای انتشار این نشریه و تهیه و تنظیم اولین شمارهٔ آن در منزل هاشمی و با حضور وی، سیدهادی خسروشاهی، سیدمحمود دعایی و علی حجتی کرمانی انجام گرفت. در نتیجهٔ این جلسه در ۲۳ آذر ۱۳۴۲ که مطابق با ۲۷ رجب ۱۳۸۳ و سالروز بعثت پیامبر اکرم(ص) بود، نخستین شماره نشریه «بعثت» منتشر شد.

به گفتهٔ یکی از اعضای گروه: «جلسات معمولاً در منزل حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل می‌شد و هر کدام مطلب یا خبری که قرار بود آماده کنیم تهیه کرده می‌آوردیم و در جلسه موردبحث و نقد قرار می‌گرفت و اگر با اکثریت آرا تصویب می‌شد، در اختیار آقای دعایی قرار می‌گرفت تا آماده چاپ شود.» بدین ترتیب تا روز ۱۰ خرداد ۱۳۴۴، چهارده شماره از نشریه بعثت منتشر گردید که در اکثر محافل و مجامع دینی و سیاسی توزیع می‌گردید.

به موازات این نشریه، نشریه مخفی دیگری به نام «انتقام» توسط همین گروه انتشار یافت که مکمل آن بود. این نشریه نیز که همچون بعثت بروی کاغذ پلی‌کپی چاپ می‌شد، طی ۸ شماره از ۲۹ آذر ۱۳۴۳ تا ۱۵ مهر ۱۳۴۴ منتشر و توزیع شد.

تا این زمان، هاشمی طعم زندان را نیز چشیده بود. وی یک بار برای پاسخگویی دربارهٔ کتاب سرگذشت فلسطین به زندان افتاده بود. پس از آزادی، به شدت از سوی مأموران ساواک تحت نظر قرار گرفت و بالاخره در پی سخنرانی‌ای که در ۲۰ دی ماه ۱۳۴۳ در مسجد صاحب‌الزمان نمود، ممنوع‌المنبر نیز شد.

از این پس، جنگ و گریز هاشمی و ساواک به صورت بسیار گسترده آغاز شد. هاشمی به رغم محذورات و پیگرد مداوم ساواک، مرتباً اقدام به سخنرانیهایی می‌کرد که در آنها صریحاً به رژیم حمله می‌شد.

پس از ترور حسنعلی منصور، این مسئله محور موضوعات سخنرانیهای هاشمی قرار گرفت و او به تحلیل جنبه‌های استعماری کاپیتولاسیون و تجلیل از جوانانی که منصور را اعدام کرده بودند، می‌پرداخت. وی در این خطابه‌ها، از خود جسارت غریبی نشان می‌داد؛ همین امر باعث شد تا ساواک به رابطهٔ او و هیأتهای مؤتلفه اسلامی پی برد اما هاشمی به فعالیت خود ادامه می‌داد. از جمله در تظاهرات و درگیریهای ۷ اسفند ۱۳۴۳ در مدرسه فیضیه نقش مهمی ایفا کرد و سازماندهی این جریان را برعهده داشت. در پی این تظاهرات که دو روز پی در پی ادامه داشت، هاشمی به جرم تحریک طلاب حوزهٔ علمیه قم و انتقاد از دولت و تبلیغات به نفع امام خمینی دستگیر شد و به زندان قزل قلعه انتقال یافت.

هاشمی با ظرافت و خبرگی خاصی، جرائم انتسابی ساواک را رد کرد و اجازه نداد تا تناقضی در گفتارهای او بیابند. وی جرائم را انکار کرد و به رغم تلاشهای چندماههٔ بسیاری از مقامات امنیتی، که «مشارالیه را فردی ماجراجو و ناراحت» اعلام کرده و صریحاً ابراز داشتند: «استخلاص وی به صلاح نمی‌باشد»، بالاخره وی در تیرماه ۱۳۴۴ آزاد شد. اما ساواک شدیداً وی را تحت پیگرد قرار داده و اعمال او را به دقت تعقیب می‌کرد.

در سالهای بعد، فعالیت شدید هاشمی تداوم بیشتری یافت. وی چه با صدور بیانیه‌هایی که مجموعه‌ای از فضلا و علمای حوزه نیز آن را امضا می‌کردند و چه با ایراد سخنرانیهای پرشور، نام امام خمینی را به زبان می‌آورد و دست به افشاگری علیه رژیم می‌زد.

هاشمی به ویژه پس از تبعید امام از کشور، در این زمینه به فعالیتهای حادی دست زد. جلسات متعددی با

علما و روحانیون منعقد می‌ساخت و از امکانی برای طرحِ موضوع بهره‌برداری می‌کرد. حتی یک بار مستقیماً از آیت‌الله شریعتمداری که از مراجع پرنفوذ حوزه در آن زمان بود، شدیداً انتقاد کرد و از وی خواست تا در اعتراض به موضوع تبعید امام خمینی دستور تعطیل حوزه‌ها را بدهد.

در حین همین فعالیتها، یک بار نیز در ۹ دی ماه ۱۳۴۳ در نجف‌آباد اصفهان دستگیر شد و پلیس او را وادار به ترک این شهر کرد. مدتی بعد رسماً ممنوع‌المنبر شد اما هاشمی این ممنوعیت را مرتباً نقض می‌کرد.

از این پس، هاشمی به همراه گروهی دیگر از علمای مبارز، از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مبادرت به تشکیل جلسات مخفی می‌کردند. این جلسات مخفی و موضوع بحثهای آنان توسط ساواک شناخته شد و لذا با شدت بیشتری هاشمی را تحت پیگرد قرار دادند. طی سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵، ساواک تهران، قم، کرمان و رفسنجان مرتباً در پی او بودند و به رغم گزارشهای متعدد از سخنرانیها و تحریکات او، نتوانستند دستگیرش سازند. این امر نه فقط به دلیل نداشتن مدارک موثق و قابل استناد از هاشمی بلکه به دلیل هشیاری خود او نیز بود. به ویژه اینکه در این زمان بسیاری از دوستان روحانی او توسط ساواک دستگیر و زندانی شده بودند.

هاشمی با توجه به فضای سال ۱۳۴۵، شیوهٔ خود را به روشنگری و ایراد سخنرانیهای پرمحتوا پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی معطوف می‌کرد. طی سال ۱۳۴۶، خطابه‌های مهمی از جمله در مسجد موسی بن جعفر(ع) که امامت جماعت آن با آیت‌الله محمدرضا سعیدی بود، از وی صادر شد. در این سال، منازعات اعراب و اسرائیل به حادترین مراحل خود رسید و مهمترین جنگ مابین آنان رخ داد.

هاشمی که باتوجه به مطالعات، مقالات و ترجمه کتاب سرگذشت فلسطین، از متخصصان و صاحبنظران موضوع فلسطین به شمار می‌رفت، برای اطلاع بیشتر از کم و کیف منازعات اعراب و اسرائیل به سفارت کویت مراجعه کرد و درخواست نمود تا جراید عربی مرتبط با موضوع را در اختیارش قرار دهند. به همین جرم در مهرماه ۱۳۴۶ مجدداً توسط ساواک دستگیر شد اما دلایل هاشمی برای این مسئله با توجه به مقام علمی او در این زمینه، از وی رفع اتهام کرد و ساواک نتوانست اتهامی به وی وارد آورد.

مدتی بعد، مجدداً او را دستگیر کردند. این بار که مقارن جشنهای تاجگذاری بود به جرم توطئه علیه امنیت کشور وی را محبوس کردند. اما به رغم تلاشهای بسیار، او فقط به هفتاد روز حبس تأدیبی محکوم شد که با توجه به طولانی بودن مدت بازپرسی آزاد گردید.

در واقع هاشمی و جامعهٔ روحانیت مبارز، اقدام به صدور بیانیه‌ای در افشای جنایات رژیم و مسائل پشت پردهٔ جشنهای دو هزار و پانصد ساله نموده بودند. پس از آن، به محض دستگیری نیز وی به همراه گروهی دیگر از زندانیان سیاسی روحانیت، مبادرت به نوشتن نامهٔ سرگشاده‌ای به علمای قم و نجف نمودند. این نامهٔ تأثیری کوبنده بر شرایط موجود نهاد و واکنش بسیاری از علما و فضلای حوزه را برانگیخت. در این نامه، هدف نویسندگان آن چنین ذکر شده بود: «منظور ما این است به آنها که هنوز در نهایت ساده‌دلی و تحت تأثیر تبلیغات گمراه‌کننده، خیال می‌کنند هیأت حاکمه ایران براساس اصول انسانی حکومت می‌کند، بفهمانیم در اشتباه و خطایند...» سپس دربارهٔ هاشمی چنین نوشته شده بود: «جناب آقای شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی دانشمند و نویسنده و واعظ محترم را که چندی قبل دوازده ساعت زیر شکنجه‌های ضدانسانی بود، به صرف اتهام بدون دلیل، آن‌چنان موردضرب شدید قرار داد[ند] که گوش ایشان آسیب دیده است...» همزمان با این نامه، متن مشابهی نیز از سوی محمد منتظری تهیه و به کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ارسال شد.

از سال ۱۳۴۷ به بعد، هاشمی در جلسات هیأت انصارالحسین، مسجد هدایت و حسینیه ارشاد شرکت فعال داشت و سخنرانیهای متعددی نیز ایراد می‌کرد. به‌ویژه در جلسات انصارالحسین که ساواک همهٔ آنها را گزارش کرده است وی نقش محوری داشت و خطابه‌هایش بسیار برانگیزنده بود. در این جلسات، وی علاوه بر افشاگری نسبت به رژیم، خطوط مبارزه را نیز موردتحلیل و بازبینی قرار می‌داد و جریانات انحرافی را نقد می‌نمود. مسئلهٔ فلسطین و واپس‌ماندگی جهان اسلام و مسئلهٔ استعمار، عمده‌ترین موضوعات سخنرانیهای او در این دوران بود.

در پی این سخنرانیهای شجاعانه که در ضمنِ آن حتی به مسائلی نظیر مبارزه مسلحانه نیز پرداخته می‌شد، بالاخره مقدم مدیرکل ادارهٔ سوم ساواک، با دستور اکید، هاشمی و جمعی از دوستانش را ممنوع‌المنبر ساخت. اما هاشمی در جلسات هیأت انصارالحسین شرکت می‌جست و وقعی به دستورات ساواک نمی‌نهاد. در ضمن همین مسائل و همین ایام بود که ساواک متوجه شد کتاب دیگری از هاشمی چاپ و منتشر شده است. این کتاب «امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار» نام داشت.

انتشار چنین اثری از سوی یک فرد روحانی در آن زمان از دیدگاههای گوناگون جالب توجه بود و معرف طرز تلقی همه جانبه و عمیق هاشمی نسبت به اوضاع و احوال و مسائل کشور ایران محسوب می‌شد. گویی علاوه بر مسائل نظری اسلام، وی توجه خود را به تجربیات و برخی مسائل عینی تاریخی نیز معطوف ساخته است.

در طی سالهای ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹، ثابتی عنصر فعال ساواک، شخصاً مسائل مربوط به هاشمی را تحت نظارت و پیگرد قرار داده بود. وی توانست از جلسات هفتگی هاشمی با گروهی از روحانیون مبارز باخبر شود. برخی از این روحانیون عبارت بودند از سیدمحمود طالقانی، شیخ مرتضی مطهری، سیدعلی خامنه‌ای، شیخ حسن لاهوتی، نجم اعتمادزاده، محمدرضا مهدوی‌کنی، محمدجواد باهنر، سیدعلی غیوری و...

مسلماً اهمیت سیاسی جلساتی با حضور چنین افرادی نمی‌توانست از دید ساواک پنهان بماند. همگام با این جلسات، هاشمی به رغم ممنوع‌المنبر بودن خود به سخنرانی در مراکز دینی مختلف، از جمله حسینیه راشاد و مسجد همت تجریش ادامه می‌داد و دیدگاهها و تحلیلهای برانگیزنده‌اش را بیان می‌نمود.

نتیجهٔ این سخنرانیهای جسارت‌آمیز این بود که در ۲۵ بهمن ۱۳۴۸ ساواک وی را احضار نموده و ضمن تأکید بر موضوع ممنوع‌المنبربودن وی، او را به شدت تهدید کردند. علاوه بر این، گویا مسئولان ساواک در آستانهٔ جشنهای ۲۵۰۰ ساله از تحرک و نوع استدلالهای هاشمی و سخنرانیهایش هراس داشته و می‌خواستند در این زمینه پیش‌گیریهای لازم را به عمل آورند.

در خردادماه سال بعد، دوست و همرزم هاشمی، آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی در پی سخنرانی و اعلامیه‌ای که علیه سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه امریکایی در ایران صادر کرده بود، توسط ساواک دستگیر شد و در زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها به شهادت رسید. هاشمی در جلسه انصارالحسین به یاد او خطابه و روضه‌ای خواند که سخت مؤثر واقع شد.

پس از آن فشار بر هاشمی بیشتر شد و به بهانه‌های مختلف وی را تحت بازجویی، تذکر و تعقیب مستقیم قرار می‌دادند. هاشمی نیز با احتیاط و در عین حال جسارت به فعالیتهای خود ادامه می‌داد. استمرار فعالیتهای فکری و سیاسی هاشمی چنان بود که در پایان دههٔ چهل، او یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مبارز در کلیه مجامع مذهبی، دانشگاهی و کانونهای فرهنگی غیروابسته به رژیم بود.

در آبان ۱۳۴۹ وی در دانشسرای مازندران سخنرانی مهمی دربارهٔ پیوستگی دین و سیاست ایراد کرد. در آذرماه، به دعوت دانشکده فنی دانشگاه تهران در آن محل به سخنرانی پرداخت. پس از این سخنرانی که با استقبال پرشور صدها دانشجو روبه‌رو شد، ساواک به صورت شدیدتری هاشمی را تحت پیگرد قرار داد. به ناچار هاشمی مدتی از چنگ ساواک پنهان شد و فقط دفعتاً در محلهایی نظیر حسینیه ارشاد، مسجد همت، هیأت انصارالحسین و... به سخنرانی مبادرت می‌کرد. این سخنرانیها، به ویژه سخنرانی وی در فروردین ۱۳۵۰ در رفسنجان، در انتقاد و حمله به موضوع جشنهای ۲۵۰۰ ساله، ساواک را سخت برآشفت و به تکاپو واداشت.

این زمان مصادف بود با علنی شدن مسئلهٔ گروههای معتقد به مشی مسلحانه. ساواک نیز در ابعاد وسیعی اقدام به مقابله و دستگیری مبارزان نموده بود. هاشمی بر این باور پای می‌فشرد که برای تداوم مبارزه، حتی‌الامکان نباید به زندان رفت. حتی به زندانیان پیشنهاد می‌کرد که با اظهار ندامت از محبس بیرون آیند و مجدداً به مبارزه ادامه دهند.

وی در این هنگام، علاوه بر سخنرانیهای پرشور و روشنگرش، به مدیریت برخی امور ساختمانی، فعالیت در مدرسهٔ رفاه و مطالعات فرهنگی در مسائل دینی نیز ادامه می‌داد. همچنین با توجه به نفوذ کلام و مرتبهٔ مهمی که در مجامع دینی کسب نموده بود، به یکی از تکیه‌گاههای مبارزان مسلمان بدل شده بود. بنابراین به طور طبیعی، هاشمی به کلیه مبارزان مسلمان مدد می‌رساند. از جمله به مجاهدین خلق که در آن زمان مظهر مبارزهٔ جوانان مسلمانان بودند کمکهای مالی کرده بود و حتی خانه‌هایی در اختیارشان قرار داده بود.

تا این زمان، ساواک از ارتباط هاشمی با روحانیون برجستهٔ حوزه، سران نهضت آزادی و گروه فرهنگی حسینیه ارشاد اطلاعات قابل توجهی به دست آورده بود اما به رغم تلاشهای بسیار از ارتباط وی با گروههای مسلح مدرکی به دست نیاورده بود.

ساواک که در آستانهٔ جشنهای ۲۵۰۰ ساله به سر می‌برد، احتیاط را از دست نمی‌داد اما به رغم حجم وسیع اطلاعاتی که دربارهٔ ارتباطات، سخنرانیها و جلسات هاشمی می‌رسید، به سردرگمی عجیبی دچار شده بود. هم از این رو بالاخره در ۱۳ مهر ۱۳۵۰ اداره کل سوم ساواک دستور اکیدی برای دستگیری هاشمی صادر نمود.



هاشمی در همان روز به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دستگیر شد. این بار مدرک مستقیم جرم او، نامه‌ای بود که برای ارسال به نجف و رسیدن به نظر امام خمینی تنظیم شده بود. هاشمی در این ارتباط به کمیته مشترک ضدخرابکاری منتقل گردید و تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفت اما پایداری و مقاومت بسیاری از خود نشان داد.

در بیرون از زندان، استاد مرتضی مطهری، خانواده هاشمی و برخی دیگر برای آزادسازی او دست به اقداماتی زدند اما این اقدامات فایده‌ای نکرد و هاشمی به جرم ارتباط با مخالفان، اقدام به فعالیتهای ضدرژیم و ارسال پیام برای امام خمینی محکوم گردید. منتها چون هیچ یک از این جرائم با مدرک قابل استناد و مشخصی اثبات نگردید، وی به یک سال حبس محکوم شد. هاشمی بالاخره بنا به رأی دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۳ تهران، در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۱ از زندان آزاد شد. خروج هاشمی از زندان، موجی از تحرک و روحیه را برای کسانی که در بیرون به مبارزه اشتغال داشتند، همراه داشت.

در این ایام، خانوادهٔ هاشمی، به ویژه همسر وی عفت مرعشی نیز با شرکت در تحصنها و مجالس اعتراضیه‌ای که در نقاط مختلف، از جمله بیت برخی از آیات عظام برگزار می‌شد، شرکت می‌جست.

ساواک این فعالیتها را نیز تحت نظر داشت و علاوه بر این اطلاع حاصل کرده بود که هاشمی و جمعی از همفکرانش درصدد تهیه اعلامیه‌ای در اعتراض به اعدام جوانان مسلمان و سران مجاهدین هستند. به همین علت تعقیب هاشمی شدت بیشتری گرفت و تعداد زیادی از نیروهای ساواکِ تهران برای این امر بسیج شدند اما هاشمی که متوجه مخاطرات اخیر شده بود، یکباره ناپدید شد.

او از طریق همسرش شایعه‌ای مبنی بر سفر به شمال را به خورد ساواک داده بود و این موضوع مدتها موجب جست و جوی بی‌حاصل آنها در شمال و نامه‌نگاریهای بسیار با مراکز ساواک در شهرهای شمالی کشور شد اما به زودی ساواک تهران متوجه حضور هاشمی در تهران شد. این خبر نیز درست نبود و فقط به دلیل حرکات ظریف هاشمی، ساواک نمی‌توانست به او دسترسی پیدا کند. این پنهانکاری هوشمندانه بالاخره در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۵۱ به پایان رسید زیرا هاشمی به وسیلهٔ شهربانی کرمان دستگیر شد و اندکی بعد به زندان قزل قلعه در تهران منتقل گردید.

پس از این دستگیری، او مجدداً مورد بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی، هاشمی نبوغ حیرت‌انگیز خود را به کمال نشان داد و همهٔ فعالیتهای خود را به نحوی توجیه نمود که پیگرد قانونی نداشته باشد. به همین دلیل به قید وجه التزام مبلغ پنجاه هزار ریال و شرط عدم خروج از حوزهٔ قضایی تهران آزاد گردید. البته یکی از دلایل آزادی او این بود که ساواک می‌خواست با تعقیب وی و اجرای عملیات شنود در منزلش به اطلاعات افزونتری در ارتباط با روحانیون مبارز دست یابد. در این زمینه، دستورات اکید و بسیار سختی از سوی ثابتی صادر شد و هاشمی تحت نظر قرار گرفت.

هاشمی به رغم همهٔ خطراتی که در راه او موجود بود، باز هم به فعالیتهای مخفی و آشکار خود ادامه می‌داد. در جلسات انصارالحسین شرکت می‌جست و به ویژه در ارتباط با اعدام جوانان مسلمان و مبارزات آنها، اقدام به اعتراض و تهیه امکانات و کمکهای مالی می‌نمود. مجموع این فعالیتها که بسیار متنوع و جسورانه بود، مرتباً از سوی ساواک مناطق مختلف گزارش می‌شد.

دامنهٔ این فعالیتها که در اسناد ساواک منعکس گردیده بود، ابعاد مختلفی را دربر می‌گرفت، از جمله: سخنرانیهای پی در پی و انتقادی علیه رژیم، دفاع از جوانان اعدام شده و زندانی که به دست رژیم در اسارت بودند، جمع‌آوری کمک مالی برای گروههای خرابکار (معتقد به مبارزه مسلحانه)، گشایش حساب بانکی از طریق سفارت مصر برای کمک به فلسطینیها، تهیه اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی علیه رژیم در مناسبتهای مختلف، تماس و ارتباط با امام خمینی در نجف اشرف، تحریک علما و فضلا و آیات عظام در قم و...

این روند، در زیر تیغ حساسیت آزاردهندهٔ ساواک همچنان ادامه داشت تا آنکه هاشمی بنا به مقتضیات مهم مبارزاتی و برای اخذ تجربیات بیشتر، به چند کشور سفر کرد. این سفر مهم در پاییز سال ۱۳۵۴ به وقوع پیوست.

سهم هاشمی در گفتمان انقلاب

دکتر رسول جعفریان



قضاوت ما درباره شخصیت‌های ایرانی، به صورت عمده درون گفتمانی و به صورت سیاه و سفید است. داستان از این قرار است که ما در درون یک گفتمان مشـــخص ایستاده و دیگران را تنها از یک زاویه یا یک مســـاله، و گاه یک جمله در باره شان قضاوت می‌کنیم. در حالی که اگر منطقی باشیم، در مقام یک قضاوت معقول، لازم است شناختی همه جانبه، متعادل، کامل، ضمنا با توجه به همه ادوار زندگی آنها یا لااقل بیشتر دوران زندگیشان، و همین‌طور غالب نوشته‌ها و دیدگاه‌های آنان داشته باشیم.

نفس این که توجه داشته باشیم ما در یک گفتمان هستیم و دیگران در گفتمانی دیگر، سبب نمی‌شود تا همه را با یک چوب برانیم. بر ماست که برای قضاوت درســـت، شرایط سیاسی هر دوره را در نظر بگیریم. مقصود از شـــرایط سیاسی، شرایطی نیست که افراد بی‌اراده و بی‌خاصیت خود را درون آن انداخته باشند، بلکه مقصود شرایط حساسی است که به خاطر الزامات ایجاد شده در آن، گاه حتی امام معصوم هم ممکن است، مانند امام علی(ع) یا امام حسن(ع)، در آنها تن به صلح بدهد؛ شـــرایطی که اگر آدم بخواهد فقط و فقط به فکر انقلابی بیندیشـــد، و حواسش نباشد که رهبرش امام معصوم است، یک انقلابی مثل حجربن عدی هم، صدای اعتراضش بلند می‌شود.

مقصود این که ما ایرانی‌ها، باید از این رویه خود در قضاوت نســـبت به سرمایه‌های سیاسی و فکری ملت مان، در آییم و آدم‌ها را واقع بینانه بشناسیم. من شک ندارم که این جمله علی مطهری که گفته بود اگر پدرش زنده مانده بود، بسیاری از اتفاقات نمی‌افتاد، درست است، زیرا شهید مطهری در طول سالیان نشان داده بـــود که آدم متعادل و قضاوتش درباره افراد بر اساس نظام سرمایگی آنان بود، آن چنان که خیلی از آدمها را حتی اگر اشتباهاتی داشتند، به دلیل تفکر و اندیشه و تخصص و دانشی که داشتند، احترام می‌کرد و اجازه نمی‌داد حقوق آنان پایمال شود.

بـــا این حال باید این را به عنوان یک واقعیت پذیرفت که انقـــلاب کار خودش را می‌کند، منطق خاص خود را دارد و هرچند می‌شـــود آن را کم و بیش کنترل کرد، اما این بســـتگی به آن دارد که با چه شوری پیش رفته باشد و قدرت دفع در گفتمانش تا چه اندازه باشـــد. واقع بینانه باید گفت، ماجرا این اســـت که فضای انقلاب، گفتمانی را ایجاد کرد که ما نســـل انقلاب درون آن بودیم و سالیانی دراز، بر اســـاس مبانی آن، در باره دیگران قضاوت می‌کردیم و پیش می‌رفتیم. بسیاری از افراد سیاسی، بسیاری از رخدادها و شرایطی که پیش آمد، در تولید این گفتمان موثر بود. تاریخ گذشته ایران و تجربه‌های گذشته در شـــکل دهی این گفتمان نقش داشت. به علاوه، در سالهای پس از انقلاب به خاطر مشکلاتی که پدید آمد، آدم‌هایی که به زبان آمدند، کتابها و جزواتی که منتشر شد، تاثیراتی که از کمونیستها گرفتیم و خیلی از چیزهای دیگر در شکل دهی به برخی از چارچوب‌های این گفتمان موثر بود. در این میانه گفتمانی به عنوان گفتمـــان انقلاب پدید آمد که غالب توده‌های مردم در آن جای گرفتند. عده‌ای از مردم و شخصیت‌های دیگر و مخالفان هم بیرون این گفتمان بودند، گفتمان دیگری داشتند. این دو گروه زبان همدیگر را متوجه نمی‌شـــدند، هرچند توده‌های مردم گفتمان انقلاب را به تناسب افکار و اندیشه‌هایی که داشتند، بهتر درک می‌کردند. حالا وقتی به آن دوره نگاه می‌کنیم می‌توانیم آدم‌ها و شخصیت‌ها را در دو سه گفتمان جای دهیم. رایج‌تریـــن و فراگیرترین آنها گفتمان انقلابی بود که اصول خاص خود را داشت.

می دانیم که فشار و تهدید کمونیستها، پیدایش مجاهدین خلق و روی آوردن به جنگ مسلحانه که آغازگرش بودند، کرّ و فرّ جریان ملی یا ملی ـ مذهبی، فشارهای آمریکا، و بعد هم شرایط سخت جنگ ایران و عراق، همه و همه، گفتمان انقلاب را در مســـیر خاصی هدایـــت کرد، به طوری که جلوی برخی از گزینه‌ها را گرفت و آنها را کنار گذاشت. یک قلم در باره جنگ، هشت سال طول کشید تا توانستیم بحث صلح را قبول کنیم.

گفتمان رایج انقلاب بسیار نیرومند بود و کسانی که رهبری آن را داشتند، اغلب و مطابق معمول برای حفظ آن تلاش و توجیه و تفسیر می‌کردند. در باره این گفتمان، هم از نظر سرچشمه‌ها و هم بازسازی و بازنگری و هم کارکرد آن در جامعه ایرانی در رسیدن به اهداف ملی و ارزشی دیگر، می‌توان بحث کرد.

کســـان زیادی در ساخت این گفتمان انقلابی نقش داشـــتند و به صورت‌های مختلف و متفاوت مطالبی را در شرح مواضع آن بیان می‌کردند. زمانی که مخالفان جدا شده و به تدریج کنار گذاشته شدند، اختلاف درون گفتمانی آغاز شـــده و جریان چپ و راست درست شد. همان زمان که جامعه روحانیت و مجمع روحانیون شکل گرفت و با درایت امام، هر دو، به فعالیت پرداختند.

و اما گفتمان انقلاب، چگونه شکل گرفت؟ آدمها و باورها، دو رکن اصلی آن بودند. برای نمونه، در بخش باورها، یکی از دستمایه‌های اصلی از نظر سرچشمه ای، نگاه به اسلام و تفسیر ویژه آن و استفاده از عناصری بود که از اسلام و تشیع اقتباس و استفاده می‌شد. در کنار آن از سرمایه‌های ملی و ایرانی و نیز تجربه‌های تاریخی گذشته استفاده می‌شد. افراد زیادی هم در این میانه موثر بودند. امام و همراهان ایشان، کسانی که آن باورها را طرح کرده و مدلی از اسلام و تشیع را ارائه داده و مسیری را به عنوان مسیر درست تعریف می‌کردند، در راس افرادی بودند که به گفتمان انقلاب شکل دادند. آنان و شمار فراوانی در گروه‌هایی که در مرتبه یا مراتب بعدی بودند، مطالبی در سطوح مختلف اظهار کرده، و در تقویت این گفتمان می‌کوشیدند. این مهم است که جریان شکل‌گیری این گفتمان را دقیقا پیگیری کرده و مولفه‌های آن را بشناســـیم. اسلام، تاریخ اسلامی، فقه اسلامی، زندگی امامان به عنوان الگو، کربلا، عناصر اولیه آن بودند.

ایـــن گفتمان تقریبا به دوره میانی تاریخ ایران توجهی نداشـــت. حتی از صفویه و قاجار هم که در باطن امر، نقش مهمی در افکار داشـــتند گذشته بود. ماجرای گفتمان انقلاب، از ســـال ۴۰ به بعد دنبال می‌شد تا به انقلاب اسلامی ۵۷ می‌رسید. البته و به تدریج، مباحثی در باره مشروطه و بیشتر نهضت ملی نفت مطرح شـــد و این هم به مناسبت نقش ملی‌ها یا ملی مذهبی‌ها بود که به تدریج از گفتمان انقلاب بیـــرون رفتند و در گفتمان دیگری جای گرفتند. در این گفتمان، دیدگاهی در باره مارکسیســـتها، امریکا، اسرائیل نقش مهمی داشت. در زمینه اختلافات مذهبی و سیاســـی، بحث استعمار، بهائیت، و مباحثی از این دست هم در شکل دهی مرزهای گفتمان انقلابی موثر بود. بحث از التقاط دینی به همراه ماجراهای دیگر به تدریج دایره این گفتمان را مشخص‌تر کرده مرزهای خود را با مخالفانش مشخص‌تر می‌کرد.

اگر بخواهیم به مساله ایران و انقلاب از این زاویه بنگریم، این که این گفتمان چطور پدید آمد، بر اساس چه مبانی، و چه کسانی آن را با چه دانش و کوششی رشد دادند و فارغ از نیک و بد، آن را به پیش برده و برای آن تعیین مسیر کردند، از چندین نفر می‌توانیم یاد کنیم که هاشمی رفسنجانی یکی از آنهاست.

همه کسانی که نقش محوری در گفتمان انقلاب داشتند، دارای مشترکات و مفترقاتی بودند. تفاوت آنها، در سرچشمه‌های فکری، روحیات، آرمانها، و تجربه‌هایی بود که از گذشته اندوخته بودند.

بدون شک هاشمی یکی از برجسته‌ترین رهبران این گفتمان به حساب می‌آید و در این مسیر، زبان و سبک بیانش، بر اساس داشت‌ها و سرمایه‌هایی که دارد، نقش محوری در گفتمان انقلاب دارد. جدای از این که وی در اصل این گفتمان، به طور اساسی حضور دارد، شاید بتوان گفت، نقش مهم و خاص او، در امر تحول گفتمانی و توجیه تغییرات درونی آن است که امری دشوارتر، هزینه‌بر، و نیازمند نوعی مقاومت و آمادگی برای چالش‌های درون گفتمانی می‌شود.

در اینجا هدف ما مقایســـه نقش وی در شکل دهی به گفتمان انقلاب با دیگران نیست، بلکه صرفا اشاره‌ای است به نقش خاص او با توجه به تفاوتی که او با بسیاری از دیگر رهبران انقلاب داشت.

هاشـــمی از نظر فکری، یک روحانی بود که آموزش‌های عمومی و اختصاصی طلبگی را پشت سر نهاده اما اندیشه‌هایش صرفا حوزه محور نبود. به طور کلی می‌توان گفت که در ایران، در تمام دوره اسلامی، یک تفاوت میان رهبران فکری وجود داشت. به نظرم این تفاوت از نقطه نظر شـــیعی و سنی هم تفاوتی نداشت. یعنی در زمانی که اکثریت مردم ایران سنی هم بودند، این تفاوت بود. همه مســـلمان بودند، اما عده‌ای نگاهشان به ایران هم بود، در حالی که نگاه گروه دیگر، صرفا به تفسیری از دین بود که به میراث فکری ایرانی توجه نداشـــت. الان هم همین منازعه هست و طبعا کسانی که جزو دسته دوم هستند، به راحتی، ممکن است گروه اول را متهم کنند که دینی نمی‌اندیشـــند، اما حقیقتا روشن نبود که تفسیری که آنها از دین داشتند، چیزی جز نوعی اجتهاد مشخصی بود که خود داشتند. جالب است که روزگاری بسیاری از ســـنیان تندرو، مذهب تشـــیع را نوعی مجوسیت می‌دانستند که در پشت محبت اهل بیت مخفی شده است. این را برای این جهت تاکید می‌کنم که داشتن نوعی نگاه ایرانی همزمان با تدین به اسلام، تفاوتی با نوع نگاه عربی به محیط نجدی یا شامی یا عراقی نداشت که در کنار آن، اسلام قرار گرفته بود. در واقع، آنها هم نوعی نگاه وطنی با عنایت به فرهنگ پیش از اسلام خود همزمان با اسلام داشتند.

نگاه هاشمی، با توجه به این تقسیم، نوعی نگاه منعطف به شرایط ایران بود. این نگاه، در مقیاس خاصی برای امام هم بود که به ایران کاملا باور داشت. این نگرش در روحانیون مشـــروطه هم بود. اگر کسی در عمق تحولات تاریخ ایران قرار داشت و به خصوص نســـبت به تاریخ معاصر ایران آگاهی داشت، مسلما نوعی تمرکز روی تفکر ایرانی که اسلام با برداشت حکمت ایرانی بود، داشت.

هاشـــمی از بین کسانی که در شکل دهی به گفتمان انقلاب سهم داشتند، چهره‌ای بود که تقریبا به صورت یک استثناء، در روزگاری که هیچ نوع توجه به امر تاریخ معاصر در ایران نبوده، او به نگارش کتابی در حوزه سیاســـت ایرانی و به طور خاص، متمرکز روی امیر کبیر نوشته است. از این مطلب، ساده نباید گذشت. ممکن است خیلی‌ها توجهاتی به این امر داشته باشند، اما در میان چند کتابی که در آن روزگار در باره امیر کبیر نوشته شده، اثری از حسین مکی و آدمیت، هاشمی سومین نفر به حساب می‌آید. این مطلب اشاره به نوعی تلفیق تجربه ایرانی با درس طلبگی دارد و البته درون آن مطالب دیگری هم هست.

نفـــس پرداختن به تاریخ معاصر به عنوان یکی از مواد اصلی تجربه‌های فکری هاشـــمی، خود در شکل‌دهی به ادبیات او و تاثیرش در گفتمان انقلاب، مهم اســـت. یک نمونه دیگر، کار در باره فلسطین است که در هفت دهه گذشته، مهم‌ترین مشغله ذهنی مسلمانان از نظر مباحث مربوط به امت اسلامی بوده است. این امر در گفتمان انقلاب، جایگاه خاص خود را برای همه داشـــته، اما از نظر هاشمی، نوعی کار تاریخی هم به حساب می‌آید. در واقع می‌شود گفت، هاشمی نســـبت به سیاست‌های منطقه‌ای تا حدی نسبت به دیگران وقوف بیشتری داشت. این امر، یعنی آشنایی‌های مزبور، سبب می‌شد تا آرمان گرایی او تا اندازه‌ای با نوع واقع‌گرایی گره خورد.

یکی از مواردی که می‌توانست تفاوت این دیدگاه را در درون گفتمان انقلاب نشان دهد، بحث خاتمه دادن بـــه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود، کاری که هاشـــمی با شهامت تمام دنبال کرده و آن را با موافقت امام، به انجام رساند. در مقابل نوعی تفسیر وجود داشت که می‌توانست آرمان گرایانه، مساله را تا نابودی کامل پیش ببرد.

تمایل هاشمی به سازندگی هم صرفا تمایلی نبود که به انتخاب او به ریاســـت جمهوری پس از جنگ باز گردد، بلکه امری بود که ریشه در اعماق افکار و اندیشـــه‌های وی داشت. او مردی اقتصادگرا و مروج اندیشه زندگی و زیستن بود. به نظر می‌رسد، برخی از آرمانگرایان افراطی بوده و هستند که بیش از این که به حیات فکر کنند، به ممات می‌اندیشند، اما هاشمی، در عمـــق فکر خود، به اقتصاد و زندگی خوب توجه داشت. سالها خطبه‌های نماز جمعه را به این مباحث اختصاص داد و سعی می‌کرد، تمدن مادی را در کنار تمدن معنوی تقویت کند.

انعطافی که در گفتمانی از انقلاب، آن مقدار که متعلق به هاشـــمی و جناح وی بود، توان و ظرفیت جلب توجه بیشتر توده ایرانی را داشت، در حالی که جریان دیگر، روی نوعی از گفتمان آرمان گرایی تکیه می‌کرد که تاکید بر تفکیک مردم، نوعی سخت‌گیری، و جداسازی در حد افراطی داشت. صد البته، هاشمی در یـــک دوره و حتی تا پایان حیات، نقش رهبری نداشت، اما در همه این ادوار، روی افکار خود تاکید می‌کرد. به نظر می‌رسد، این حساسیت، در دوره‌ای که وی مسوولیت سیاسی کمتری داشت بیشتر بود. این مساله اصولا در سیاست امری عادی است که رهبرانی که مســـوولیت ندارند، انعطاف بیشتری در مقایسه با کسانی دارند که بر محور قدرت، سخن می‌گویند. با این حال، باید گفت عناصر فکری هاشمی، به گونه‌ای بود که در صورت رفع خطر مخالفان داخلی، می‌توانست تاکید بیشتری روی پذیرش جمعی مردم در درون یک گفتمان ملی و اسلامی داشته باشد.

به عنوان خاتمه بحث باید عرض کنم، یک نگاه به روحانیون ما از مشروطه به این سمت، دو دسته را به ما نشان می‌دهد، دسته‌ای که آرمان گرا هستند و این آرمان گرایی را صرفا در یک نگرش دینی خاص و با توجیهی معین مطرح کرده و ضمن آن که نوعی سنت گرایی را طرح می‌کنند، به رغم آن که احساس می‌کننـــد با زندگی روزانه و تحولات آن کمتر رفاقت و صمیمت دارند، دنیای جدید را از هر حیث محکوم می‌کنند. دسته دوم روحانیون، به نوعی تغییر در نگاه سنتی باور داشته و حتی در مشروطه به راحتی توانستند نظـــام جدیـــد را در دل نگرش خود جای دهند. این تقسیم‌بندی ادامه یافت، ضمن آن که پهلوی با روش افراطی خود، همه اینها را به سمت مخالف سوق داد، اما وقتی شرایط عادی شد، دو نگاه، دو گفتمان را پدید آورد. هاشمی، یکی از اصلی‌ترین محورها، در گفتمانی بود که از مشروطه به این سو، نوعی همراهی با تغییرات را پذیرفته بود. در این دسته، حتی تعداد قابل توجهی از مراجع تقلید هم بوده‌اند، و به هیچ روی، کسی نباید تصور کند، جریانی است که می‌توان به راحتی آن را با نسبت‌ها و وصله‌های ناجور متهم کرد.



میزگردی به مناسبت پخش فیلم مستند«هاشمی زنده است»با حضور فواد صادقی، عباس سلیمی نمین، علی طالبی طادی

روایت هنری یا کیفرخواست

نشست نقد و بررسی مستند «هاشمی زنده است» با حضور علی طالبی‌طادی کارگردان، عباس سلیمی‌نمین پژوهشگر تاریخ و فؤاد صادقی نویسنده و روزنامه‌نگار برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا پلاس، در این نشست که عصر روز یکشنبه شـــانزدهم دی از سوی بنیاد فرهنگی روایت فتح در سالن اسوه برگزار شد،ابتدا مستند ۱۰۰ دقیقه‌ای «هاشمی زنده است» به نمایش درآمد و پس ازآن، با طرح این سؤال از سوی احسان رستگار مجری برنامه که «رسالت یک مستند چیست؟»، میزگرد نقد و بررسی این مستند آغاز شد.

ابتدا فؤاد صادقی در پاسخ به پرسش مجری اظهار کرد: آنچه امروز دراین ســـالن به نمایش گذاشته شد، به سادگی نمی‌تواند عنوان مستند رادریافت کند. مســـتند همانطور که از نامش پیداست باید دارای سند و استناد باشد. مستندها دارای یک طرح تحقیق و مفهوم‌افزایی هستند حال آنکه این فیلم بیشتر به یک کلاژ یا ترکیبی از تصاویر آرشیوی شبیه بود که با یک دیدگاه خاص سیاسی گزینش شده‌اند.

صادقـــی با بیان اینکه «این فیلم از ارزش هنری خاصی برخوردار نیست»،گفت: از این جهت بیشتر باید از زاویه مفهومی به این فیلم پرداخت. اهمیت این فیلم در نگاه سازندگان آن است؛ سازندگانی که با وجودی که دانشجو معرفی شده‌اند ولی در واقع یک تشکل شبه‌دانشجویی هستند که بناست بلندگوی یک جریان خاص قدرتمند در کشور باشند؛ جریانی که در حوادث دهه‌های اخیر رد پای محسوسی دارد.

وی ادامه داد: تولیدات این چنینيٍ را به فراوانی می‌توان این سال‌ها ازشبکه‌های مختلف تلویزیون دید؛ اتفاقاً با صدای گوینده همین مستند یعنی آقای ناصر طهماسب که یکی از گران‌ترین گویندگان کشور است.

صادقـــی افزود: نگاه حاکم بر این جریان را باید در جملات پایانی این مستند دید که معتقد است انقلاب و ریل اقتصاد کشور از سال ۶۸ به بعدبه انحراف رفت و با همه تفاوت‌های دولت‌ها و مجالس شورای اسلامی که در این ۳۰ سال روی کار آمدند، همچنان بر این انحراف پیش می‌رود تاوقتی کسی بیاید و این را به مسیر اصلی خودش برگرداند.

وی این نگاه به کشور و انقلاب را نگاهی بسیار خطرناک دانست و گفت: این نگاه برای رأی مردم هیچ ارزشی قائل نیست. اینکه ما حاصل انتخاب‌های گوناگون مردم در این ۳۰ سال را یکسره انحراف بخوانیم، نشان می‌دهد که برای رأی مردم و همچنین برای رهبری انقلاب ارزشی قائل نیستیم. بهرحال از سال ۶۸ سکاندار اصلی اداره کشور مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستند و بیشترین تأثیرگذاری و اختیارات را در کشور داشته‌اند. هیچ شخص دیگری را غیر از رهبر معظم انقلاب نمی‌توان نفر اول کشور در این ۳۰ سال دانست. از این رو، نگاه حاکم براین فیلم، جفا به فردی است که بالاترین مسئولیت را در این ۳۰ سال درکشور داشته است.

این نویسنده و روزنامه‌نگار، نگاه توهم‌آمیز به مجموعه اتفاقات کشور را ویژگی این مستند خواند و گفت: بر اساس ادعای فیلم، باید بررسی کرد ودید قبل از سال ۶۸ قطار کشور بر کدام ریل بوده که آقای هاشمی از سال ۶۸ آن را منحرف کرده است. تا پیش از پیروزی انقلاب که قطار کشور برریل شاهنشاهی بوده است. بعد از پیروزی انقلاب هم که دولتٍ موقت و مهندس مهدی بازرگان اداره کشور را بدست گرفت که قطعاً از نگاه سازندگان فیلم منحرف است. پس از او نیز، بنی‌صدر و بعد از آن نیز دولت مهٍندس میرحسین موسوی سکان اداره کشور را به دست گرفتند که قطعاً به نظر سازندگان فیلم همگی منحرف هستند. به این ترتیب، ما ملتی هستیم که نه از سال ۶۸ که از ابتدای انقلاب، اشتباه کرده‌ایم و طبق این نگاه، امام نیز از ابتدا اشتباه عمل کرده است.

صادقی افزود: روایت فیلم این است که امام در جنگ به یک فرد انحرافی اعتماد کرد و رهبر انقلاب هم در ســـال ۷۶، درباره یک فرد انحرافی گفتندکه هیچکس برای من هاشمی نمی‌شود.

وی با طرح این پرســـش که اگر همه انحرافی بودند، چه کســـی می‌تواند قطارکشور و انقلاب را روی ریل درست بازگرداند؟ گفت: پاسخ این مستند به این پرسش روشن است؛ تنها یک جریان خاص است که می‌تواند کشور را اداره کند؛ یک جریان امنیتی که در برهه‌های حساس کشور را نجات داده و اکنون هم اگر به او میدان بدهند می‌تواند کشور را نجات دهد.

صادقی با انتقاد از نام مســـتند گفت: فیلم با عنوان «هاشمی زنده اســـت» به تمسخر جمله حضرت امام درباره آقای هاشمی می‌پردازد تا بگوید انحراف هنوز هم زنده اســـت. حال آنکه واقعیت این اســـت که آقای هاشمی دو سال است که دیگر زنده نیست و ما باید برای آینده خود تصمیم بگیریم؛ آیا می‌خواهیم به نسخه‌هایی بازگردیم که همه را انحرافی می‌دانند؟ در ۳۰ سال گذشته، ۵ مجلس اصولگرا و دو مجلس اصلاح‌طلب برٍ کشـــور حاکم شده‌اند، برنامه‌های توسعه‌ای و بودجه‌های کشور عمدتاً در مجالس اصولگرا بسته شده است، آیا می‌خواهیم بگوییم که همه را باید کنارگذاشت و به سوی یک نسخه جدید رفت که همه را اهل انحراف می‌داند؟

این نویسنده و روزنامه‌نگار تأکید کرد: اگر بخواهیم در این فضا حرکت کنیم، بهترین مسیر را برای کسانی باز کرده‌ایم که اصل انقلاب اسلامی را اشتباه می‌دانند. در واقع نگاهی از جنس نگاه حاکم بر این فیلم، به ترین پاس گل به ضد انقلاب است؛ اینکه ما همه مسئولان این کشور از ابتدا تا امروز را دزد، خائن، منحرف، جاسوس یا نادان خطاب کنیم.

وی با اشاره به تعابیری که فیلم بر آن تأکید دارد، گفت: شاهکارها و نقطه عطف‌های فیلم آنجاست که از میان مناظره آقای احمدی‌نژاد و مهندس موسوی در سال ۸۸، بخشی را به نمایش می‌گذارد که دقیقاً رهبر انقلاب در خطبه معروف خود در ۲۹ خرداد ۸۸، شدیدترین واکنش را به آن نشان دادند و بخاطر همین جملات، برای نخستین بار، رئیس‌جمهوری کشور را با نام در خطبه‌های نمازجمعه مورد انتقاد قرار دادند. همچنین در فیلم، بخشی از اعترافات زندانیان سال ۸۸ پخش می‌شودکه اتفاقاً رهبر انقـــلاب در واکنش به پخش این اعترافات از تلویزیون در عیدفطر ۸۸ فرمودند اعترافات افراد فقط علیه خودشـــان دارای صحت است و درباره دیگران بی‌اعتبار است.

صادقـــی با تأکید بر اینکه «نگاه حاکم بر این فیلم، هدیه و پاس گل به ضد انقلاب است»، گفت: این نگاه به دلیل تأثیری که در همه رسانه‌های حاکمیتی دارد، حائز اهمیت است و متأسفانه دانشجویان و جوانانی ازجنس سازندگان این فیلم نیز که می‌خواهند انقلابی باشند، نادانسته تحت تأثیر همان نگاه هستند؛ نگاهی که از سن آنها بیشتر است و نمی‌دانند که تیشه به ریشه انقلاب می‌زند.

وی با بیان اینکه «این نگاه به دنبال حذف همه برای گرفتن عنان مطلق قدرت در دست است»، این فیلم را دارای اشتباهات و دروغ‌های فراوانی دانست و گفت: در بخش‌های پایانی فیلم عنوان می‌شود که آقای هاشمی در استخر فرح پهلوی از دنیا رفته‌اند در حالیکه این یک دروغ آشکار است آن هم نه درباره زمان و مکانی که ما و سازندگان فیلم به آن دسترسيٍ نداریم. مکانی هست در تهران متعلق به نهاد ریاست جمهوری که اصلاً درون کاخ سعدآباد نیست. باغ کشاورزی بوده به نام ارکیده که بعد از انقلاب به یک ساختمان دولتی جهت برخی ملاقات‌های رؤسای جمهور تبدیل می‌شـــود و آب انبار این مجموعه، تبدیل به یک استخر کوچک سرپوشیده شده است. این استخر اکنون هم در اختیار سپاه حفاظت

است. متأسفانه کسانی که این فیلم را ساختند هرگز به خود زحمت نداده‌اند بروند ببینند این استخر کجاست. از این رو، من مخاطبان این فیلم را به قضاوت درباره دروغ‌های فاش این فیلم دعوت می‌کنم.

این نشست با اظهارات علی طالبی‌طادی کارگردان این مستند ادامه یافت که در واکنش به فؤاد صادقی سخن گفت و جاهایی دیالوگ‌های پینگ‌پنگی بین او و صادقی، محل اعتراض سلیمی نمین شد.

ادامه این نشست و مناظره را بخوانید:

طادی: نکته اول اینکه، خانواده آقای هاشمی به ما اتهاماتی زدند. آقای یاسر هاشمی گفتند مقدار زیادی از تصاویر مستند دروغ است حال آنکه ما اسرار مگویی نگفتیم. همه قبلاً گفته شده است. حتی برخی اهل فن به ما خرده می‌گیرند که موارد بدیهی را دوباره طرح کرده‌ایم. ما به آقای یاسر هاشمی نامه هم زدیم و گفتیم بیایید با هم مناظره کنیم اما از سمت ایشان جوابی دریافت نکردیم. الان هم باز اعلام می‌کنیم حاضریم با ایشان مناظره کنیم. البته قابل پیش‌بینی بود، نگاه این بزرگواران نگاه بالا به پایین است و همیشه یکطرفه صحبت کردند. یک مصاحبه می‌کنند نزدیک ۱۲روزنامه در روزهای یکم و دوم دی ماه تیتر یک می‌کنند. برای هیچ فیلم سینمایی‌ای چنین هجمه‌ای نبوده است. انگار یک دکمه‌ای وجود دارد که اگر یک خانواده خاص بزند می‌تواند به صورت کثیرالانتشار و زنجیره‌وار روزنامه‌ها آن را چاپ کنند. این ما را یاد روزنامه زنجیره‌ای انداخت.

نکاتی را آقای صادقی درباره هویت ما گفتند. ما یک مجموعه دانشجویی هستیم به نام سفیرفیلم. چرخش مالی ما مشخص است. هزینه مستند هم مشخص است. آقای محمد هاشمی گفتند این مستند سه میلیارد خرج داشته است. این برای کسانی که در این حوزه هستند، بیشتر شوخی است. یک مستند آرشیوی، حدود ۶۰ میلیون خرج دارد.



ما اکران‌های دانشجویی داریم. سفیر جزو اولین مؤسسه‌هایی است که از سال ۸۹، اکران‌های دانشجویی دارد. البته درباره این مستند به لطف فشارهایی که خانواده آقای هاشمی آوردند خیلی از اکران‌های دانشجویی ما کنسل شدولی ۶۰ اکران دانشجویی داشتیم. در دانشگاه امیرکبیر مجوز اکران از دانشگاه گرفته بودیم اما با فشاری که نمی‌خواهم از آن سخن بگویم، کار را کنسل کردند. تا بحال نزدیک به شش هزار نسخه به صورت اینترنتی فروختیم. بعضی پروژه‌هایمان را به اوج می‌فروشیم. بعضی پروژه‌ها را به جاهای دیگر می‌فروشیم ولی این جنس پروژه‌هایمان را به علت جنجالی بودن کسی نمی‌خرد. می‌خواهم بگویم ما از جای خاص و مخوفی تغذیه نمی‌شویم ولی باید روشن شود که این اعداد را خانواده آقای هاشمی از کجا به ما نسبت می‌دهند. روزنامه همشهری زده است ۲۰ میلیارد تومان.

صادقی: من صحبت از میلیارد نکردم. گفتم شما یک گروه دانشجویی هستید چطور گران‌ترین گوینده ایران یعنی آقای ناصر طهماسب را می‌آورید؟ اگر دانشجویی هستید چرا یک دانشجو را نیاوردید، پس کار دانشجویی نیست.

طادی: گفتن ارقام، حرفه‌ای نیست ولی آقای ناصر طهماسب رقم‌هایشان متفاوت است؛ از یک و نیم میلیون می‌گیرند تا شش یا هفت میلیون. درست است اگر بخواهد برای شما بخواند قطعاً عدد متفاوتی می‌گوید. من ترجیح دادم مدیوم استاندارد رعایت شود. چهار پنج میلیون تومان هم برای یک گوینده حرفه‌ای عدد خاصی نیست.

آقای صادقی یک مستند جدیدی را ترسیم کردند که حرف‌های خاصی می‌زند. ما نگفتیم انحراف ایجاد شده. از اقتصاد گفتیم که یک واقعیت است. کیست بگوید اقتصاد امروز ما انقلابی و اسلامی است. امام خمینی می‌فرمایند کشور را بعد از من دست لیبرال‌ها می‌دهید. آقای روغنی زنجانی می‌گویند که هاشمی یک بیزینسمن بود و کشور را به سمت لیبرالیسم برد ما هم نمی‌دانستیم کجاست و فقط همراهی کردیم. حتی به احمدی‌نژاد هم انتقاد کردیم که در اقتصاد کلان، کشور را لیبرالی مدیریت کرد، شاید در شئونات رفتاری ساده‌زیست بود.

در مورد اینکه ما مدیریت رهبری را زیر سؤال برده‌ایم، به نظرم پشت سر رهبری مخفی نشویم. آقای صادقی می‌گویند این فیلم به امام توهین کرده است. چه کسی گفته که نقد هاشمی، نقد امام و انقلاب و رهبری است؟

رهبر انقلاب گفتند من نه شرعاً نه عرفاً نه قانوناً اجازه ندارم در شقوق ریز کشور دخالت کنم. سر قضیه برجام گفتند بنده خوش‌بین نیستم ولی اجازه دادند بروند و مذاکره کنند. هنوز دو سال نگذشته همه چیز را گردن رهبری می‌اندازند. دولت به چه شکل سمت مذاکرات رفت؟ رهبری گفتند اگر آنها برجام را پاره کنند ما آتش می‌زنیم. آقای روحانی بلافاصله گفت برجام چیزی نیست که بعضی فکر کنند بیندازند در منقل آتش بزنند. اینها حافظه تاریخی است. حالا که خورده زمین می‌گویند رهبری پشت این کار بوده است.

صادقی: شما می‌گویید از سال ۶۸ آقای هاشمی قطار را از ریل خارج کرده است. قبل از ۶۸ آقای موسوی بوده، شما نظرتان درباره قبل از ۶۸ چیست؟

طادی: درباره موضع ما نسبت به دولت میرحسین موسوی هم، ما نگفتیم آقای موسوی منحرف بوده یا نه.

اما شما استخر فرح را اشاره کردید. یا نمی‌دانید یا می‌دانید ونمی‌خواهید بگویید. استخر فرح نبود، استخر کی بود؟ شاید آقای یاسر هاشمی هم نمی‌داند. دو جا داشتند یکی در سعدآباد بود که آقای احمدی‌نژاد که آمد نگذاشتند سعدآباد بروند. یک استخری آقای هاشمی ساخته بودند. آقای یاسر هاشمی گفتند ۷۷، ولی ما تاجایی که یادمان است در دوران ریاست جمهوری‌شان بوده است زمانی که تورم بالا بود و مردم مشکل اقتصادی داشتند. یک شخصی است به نام لیلا امامی که زن هویداست باغ ارکیده‌ای داشته که در آن گل می‌کاشته. آن زیر هم آب انبار نبوده، این حرف شبیه شوخی است. سونا بوده که با گسترش تبدیل به استخر می‌شود. خانواده آقای هاشمی دو سال است چیزی نگفته، حالا به یکباره بعد از این مستند گفتند. ما حالت احمدی‌نژادی نداریم که بیاییم رو کنیم. لیلا امامی با فرح فرقی ندارد. مشکل ما فرح نیست. مشکل این است که چرا مسئولان کشور کاخ‌نشین هستند. اگر بناست روحانیون کاخ‌نشینی کنند همسر هویدا همانجا می‌نشست. مسأله این است که روحانیون قرار نبود بروند شمال تهران زندگی کنند. این همه مسئولان از استخرهای مختلف استفاده می‌کنند چرا یک نفر باید استخر خاص برای خودش درست کند؟

صادقی: پس پذیرفتید که استخر فرح نبوده است که مدت‌هاست روی این موضوع مانور داده می‌شود. من توضیح دادم این استخر جریانش چه بوده است. باغ گل بوده و ابتدای انقلاب توسط بنیاد مستضعفان تملک می‌شود. دولت آن را می‌خرد و تبدیل به ساختمان می‌شود. بنا براین قبل از انقلاب نه کاخی وجود داشته نه استخری. اما درباره زندگی در شمال تهران، امام مگر کجا زندگی کردند؟

طادی: امام جایی که داشتند لوکس نبود. نصف خانه آقای هاشمی که الان موزه شده، ۵۰۰ متر است.امام در یک جای چند وجبی زندگی می‌کرد یک حسینیه هم داشت که برای دیدارهای مردمی بود. اینکه بعد از فوت آقای هاشمی آمدند یک مبل پاره گذاشتند و همه را به آن ارجاع دهند که شوخی است. خواهشا از سد لتیان که آقای هاشمی می‌رفت و برای مرحوم شاه بود، چیزی بگویید.

صادقی: شما قبل از فوت رفته‌اید که می‌گویید بعد از فوت آن را آنجا گذاشته‌اند؟

طادی: آقای صادقی می‌گوید ما در فیلم دروغ‌های بسیار گفتیم. این را شما از کجا آوردید؟ ما روایت محسن رضایی را آوردیم که چطور قول تأمین می‌دهد و بعد نامه را به امام می‌دهد. آنقدر که می‌گویند آقای هاشمی فرمانده جنگ بوده، کمتر از دو سه ماه در جنگ به عنوان جانشین فرمانده کل قوا مسئولیت داشتند، در هشتمین سال جنگ و در همین مدت کوتاه، جام زهر را به امام دادند.

صادقی: این هم دروغ است. از سال ۶۲ تا ۶۷ ایشان فرمانده جنگ بودند. شما اینها را نمی‌دانید.

سلیمی‌نمین: بله آقای هاشمی فرمانده جنگ بودند. من هم با عنوان این مستند مخالفم. ابتدا باید تشکر کنم از نیروهای جوانی که شجاعانه وارد این عرصه‌ها می‌شوند تا هم‌نسلی‌هایشان که پیوندشان با تاریخ قطع شده، با تاریخ پیوند بخورند. امروز ما به دلیل گسست از تاریخ ضربه‌های جدی می‌خوریم و تجربیات سنگین تاریخی را دوباره تکرار می‌کنیم. پیوند نسل جدید با تاریخ بسیار ارزشمند است اما این جوانان را به بردباری و پذیرش نقد دعوت می‌کنم. این ایراد آخر آقای صادقی به مستند قطعاً درست بود. آقای هاشمی مدتی فرمانده جنگ بودند و مدت کوتاهی جانشین فرمانده کل قوا بودند. دوران جانشینی‌شان کوتاه بود اما دوران طولانی‌ای فرمانده جنگ بودند. از سال ۶۲. اما نکته‌ای خطاب به آقای صادقی دارم. اگر شما به جوانان ایراد می‌گیرید که چرا سیاه‌نمایی می‌کنید ابتدا باید به آقای هاشمی در این باره ایراد گرفت. بله این ایراد به این مستند هست که به جای انتقاد، تندروی دارد و کلیه دستاوردها را بعضا زیر سؤال می‌برند. اما من از شما سؤال می‌کنم مگر آقای هاشمی بنیانگذار این شیوه نبود؟ بر اساس خاطرات خود آقای هاشمی، ایشان در دولت مهندس موسوی نقش تعیین کننده دارد. خودش نوشته که فلان وزیر را احضار کردم گفتم اینگونه عمل کنید. اما بلافاصله بعد از اینکه ریاست جمهوری را می‌گیرد چه شیوه‌ای با آقای موسوی دارد؟ عنوان مصیبت‌کده را به چه کسی روی دولت میرحسین موسوی می‌گذارد؟ ایشان خطبه‌های متعددی را به تشریح مصیبت‌کده دولت آقای میرحسین موسوی اختصاص می‌دهد. در حالی که نقش تعیین کننده‌ای در دولت آقای موسوی دارد؛ هم در اداره امور هم در حوزه تعیین خط مشی. چون این آقای هاشمی است که بحث عدالت اجتماعی را ابتدا مطرح می‌کند و بحث دولتی شدن امور را به صورت جدی پیگیری می‌کند، اما جوری موضع می‌گیرد گویی دولت آقای موسوی هیچ دستاوردی نداشته و همه آنچه در دوران جنگ صورت گرفته، انحراف و فاجعه‌آفرین برای کشور بود. بعدها وقتی که احمدی‌نژاد به عنوان یک نیروی جوان پیدا شد و به خطا همه عملکردهای انقلاب را زیر سؤال برد، آقای هاشمی تأسف خورد که این چه کاری است.

سؤال من این است آیا واقعا اداره دولت در دوران جنگ کار سختی بود یا نه؟ عدالت را رعایت کردن در آن ایام کار سختی بود. آقایان ایرادهایی هم در دولتی کردن اقتصاد و قطع دست بخش خصوصی داشتند اما دستاوردهای این دولت هم کم نبود.

اما من فهرستی از ایرادها به این مستند دارم؛ ۱- این که در سال ۵۸، آقای هاشمی با مقام معظم رهبری به سفر حج رفتند حذف کرده است و می‌گوید آقای هاشمی با افراد بالا پشت بام رفتند. نمی‌گوید آقای هاشمی با آقای خامنه‌ای آن شب در پشت بام بودند که خبر تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را شنیدند.

۲- این که بگوییم آقای هاشمی، امام را مجبور کردند، تحقیر امام است نه نقد هاشمی. امام اگر صلح را پذیرفت براساس واقعیاتی بود که بخشی از آن را آقای هاشمی برایش تشریح کرد. امام معتقد بود صلح پایدار از مسیر پیروزی در نبرد نظامی اتفاق می‌افتد ولی واقعیت تلخ شرایط آن روز باعث شد امام صلح را بپذیرد. آقای هاشمی تنها بازیگر این ایام نیست. امام براساس واقعیت موجود به این نتیجه می‌رسد که امروز پذیرش صلح به نفع جامعه است.

۳- مستند به موضوع مک فارلین وارد نشده است.

۴- برخی مونتاژها در فیلم خطاست. آنجا که به نحوی تلاش می‌شود این تلقی را ایجاد کند که آقای هاشمی دارد برای بوش پدر کف می‌زند.

۵- موسیقی‌ای که روی تصاویر سفر حج آقای هاشمی کار شده، موسیقی در شأن حج نیست. آقای هاشمی در آن تصاویر در حال عبادت حج است ولی موسیقی برای استقبال از اشراف عرب و طاغوت است. به کار گرفتن این موسیقی درباره آقای هاشمی خطاست.

۶- مستند می‌توانست به بحث استقراض در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی بخوبی وارد شود که اصلا به آن نپرداخته است. یکی از ایرادات اساسی که به دولت آقای هاشمی وارد است، بحث استقراض نه برای سرمایه‌گذاری کلان بلکه گاهی برای مصرف است. آقای هاشمی خودشان هم به این ایراد پی بردند. ابتدا در نمازجمعه گفتند خیلی از کسانی که می‌گویند ما ۳۵ میلیارد مقروض هستیم، دروغگو هستند و دارند تهمت می‌زنند. اما بعد از این خطبه، به آقای هاشمی گفته می‌شود که اطلاعاتش ناقص است. بعد ایشان مسئولیت تحقیق را به دفتر بازرسی‌اش یعنی آقای محسن هاشمی دادند و دفتر گزارش داد که بله چنین قرضی را برای شما ایجاد کردند و شما الان ۳۵ میلیارد مقروض هستید. درواقع، افرادی از بی‌اطلاعی آقای هاشمی استفاده کردند. من اطلاع دقیق دارم بعد که آقای محسن هاشمی گزارش داد، تازه آقای هاشمی مطلع شد که برخی او را در چه وادی قرار دادند. یکی از تجربیاتی که از آن غفلت می‌کنیم این است که شخصیت‌ها وقتی در جایگاه حساس قرار می‌گیرند بلافاصله توسط افرادی احاطه می‌شوند که آن شخصیت را در مسیری قرار می‌دهد که بعضا خودش هم تمایلی ندارد. این موضوعات لازم است به یک تجربه تاریخی برای ما تبدیل شود. من وقتی مدیرمسئول کیهان

هوایی بودم نامه‌ای خدمت آقای هاشـــمی نوشتم که بنده اطلاع موثق دارم برخی استقراض‌ها برای اموری است که ما براحتی با ریال می‌توانیم آنها را انجام دهیم. مثلا دانشـــگاه آزاد برای میز و صندلی اســـتقراض خارجی کرده یا در مورد مراتع استقراض خارجی صورت گرفته بود. آقای هاشـــمی نامه من را به مهدی نواب معاون بین‌الملل وزارت اقتصاد و دارایی ارجاع دادند. آنجا به عنوان یک روزنامه‌نگار تلاش کردم از آقای نواب لیست استقراض را بگیرم ولی هرگز حاضر نشد لیست را به من بدهد. حال آنکه آقای هاشمی خودش قبلا در یک نمازجمعه گفته بود استقراض پدیده بسیار بدی است؛ اما این کار به نام آقای هاشمی و در بی‌اطلاعی او انجام دادند.

۷– نکته مهم این است که معتقدان به اقتصاد باز، به سیاست باز اعتقادی نداشـــتند. اقتصاد باز برای قشر خاصی دستاوردهایی داشت که نباید اجازه می‌دادند مردم بر آنها نظارت کنند برای همین فضای سیاسی را به شدت بستند. اینها چه کسانی بود و چگونه توانستند آقای هاشمی را در این وادی قرار دهند که بعد آقای خاتمی که فضای باز سیاسی را طرح کرد، آن همه با اقبال مواجه شد؟ این هم از تجربیات مهم ماست که دیدیم شورش‌هایی در شیراز، کرمان، اراک، مشهد، اسلامشهر و خیلی شهرها صورت گرفت در حالیکه اگر مقداری فضا باز بود و مسائل جامعه مطرح می‌شد، شاید آن شورش‌ها صورت نمی‌گرفت. اینها نکاتی است که مستند از آن غفلت کرده است.

۸– درباره کنار رفتن آقای عارف، مســـتند به لحاظ تاریخی دچار اشتباه است. آقای عارف تحت فشار اصلاح‌طلبان و با دلخوری شدید کنار رفت. ولی مستند می‌خواهد بگوید که این کناره‌گیری طبق برنامه‌ریزی بوده است.

مجری: آقای طادی، چرا موسیقی فیلم، موسیقی «فهرست شیندلر» انتخاب شده؟ می‌دانید که این موسیقی خاستگاه ایدئولوژیکی دارد و درباره رژیم صهیونیستی و هولوکاست است؟

طادی: ابتدا، درباره عنوان «هاشمی زنده است» توضیح دهم. عقیده ما این است که هاشمی زنده است. روزنامه آرمان که متعلق به خانواده آقای هاشمی است، قبلا عکس آقای روحانی و هاشمی را کنار هم زد و گفت روحانی همان هاشمی است. از این رو به نظر ما هاشمی زنده است نه از نظر فیزیکی بلکه از نظر ایدئولوژیکی.

درباره موســـیقی فیلم هم باید بگویم، فیلم ۱۰۰ دقیقه‌ای است و انتخاب موسیقی‌های متفاوت برای آن خیلی سخت است. هر موسیقی دیگری هم انتخاب می‌کردیم، باز ممکن بود از نظر ایدئولوژیکی خاستگاهی داشته باشد.

مجری: با وجودی که اسم فیلم از جمله امام است ولی در فیلم به جمله کامل امام اشاره‌ای نشده است. از طرفی وقتی به انتخابات ریاست جمهوری ۶۸ اشاره می‌کنید، به رقیب آقای هاشمی اشاره نشده و انگار آقای هاشمی خودش تنها کاندیدا بوده است.

درباره جمله امام، مخاطب ما متولدین دهه ۷۰ هستند و من فیلم را برای متولدین دهه ۷۰ به بعد ساخته‌ام. من برای دهه خودم فیلم ساختم؛ نسلی که آقای هاشمی برای آن نسخه فرزند کمتر زندگی بهتر را پیچید و من که بچه چهارم خانواده بودم، کوپن نداشتم.

درباره انتخابات ریاست جمهوری ۶۸ هم باز می‌گویم من فیلم را برای دهه هفتاد به بعد ساخته‌ام. در آن انتخابات واقعا رقیبی برای آقای هاشمی وجود نداشت و عباس شیبانی مشخص بود که بنا نیست رأی بیاورد و بناست چه کسی رئیس‌جمهور بشود.

صادقی: شما به فشار خانواده آقای هاشمی به دانشگاه امیرکبیر اشاره کردید. فیلم شما مجوز ندارد. در کشوری که هرکس بخواهد هر کاری انجام دهد باید مجوز داشـــته باشـــد، عجیب است که شما بدون مجوز ساخت و اکران، براحتی مستندتان را اکران می کنید. به دانشگاه هم اعلام کرده بودند که مستند مجوز دارد، دانشگاه از وزارت ارشاد استعلام کرد دید مجوز ندارد. چون فکر نمی‌کنم کسی در این کشور بتواند بگوید بعد از این همه تخریب آقای هاشمی و اینکه دو فرزندش را به زندان بردند، آقای هاشمی قدرت حاکمیت در اختیارش هست در شرایطی که خودش هم در قید حیات نیست.

طادی: مســـتندها نیاز به مجوز ندارند ولی خانواده آقای هاشـــمی فشـــار آوردند و وزارت ارشـــاد هم به دانشگاه پالس داد و دانشگاه مانع از اکران شد.

سلیمی‌نمین: اینکه دوستانی که دنبال حذف مجوز ساخت از داستانی‌ها هستند، حالا پیگیر مجوز ساخت مستندها هم باشند جای سؤال است.

صادقی: نه من پیگیر مجوز ساخت مستند نیستم. اتفاقا بنظرم خیلی هم خوب است که همه مثل آقای طادی بتوانند مستند بسازند و کسی مانع‌شان نشود نه اینکه فقط یک نگاه خاص توان ساخت مستند بدون مجوز و اکران داشته باشد.

اما، نکته دیگری که می‌خواستم بگویم این است که همانطور خود آقای طادی می‌گوید زمینه اصلی نقدهای ایشان بنا بوده اقتصادی باشد ولی هم مستند و هم سخنانشان نشان می‌دهد نه تنها شناختی ندارند بلکه مطالعه‌ای هم در این باره صورت نگرفته است. همه می‌دانند درصد بالایی از اقتصاد کشـــور حکومتی یا دولتی است؛ چطور می‌توان چنین اقتصادی را لیبرالی خواند؟

قطعاً انتقاداتی به عملکرد اقتصادی مســـئولان کشور در دوره‌های مختلف وارد است، ولی اینکه بگوییم همه این سال‌ها انحرافی بوده و یک مدل و تئوری اقتصادی هم ارائه ندهیم، غیرعلمی اســـت. فیلم در بخش اقتصاد خطا می‌رود من فقط یک اشاره می‌کنم؛ طبق سامانه بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی که تحت کنترل بانک مرکزی و تنها مرجع آمار رسمی اقتصادی است، تنها سالی که کشور بعد از انقلاب، رشد دورقمی و تورم تک‌رقمی را تجربه کرده، دوره آقای هاشمی و سال ۶۹ است؛ رشد ۱۲ درصدی و تورم ۹ درصدی.

در فیلم بارها گفته می‌شود در دوره سازندگی تورم باعث شد مردم خیلی بدبخت شوند. شاخص حداقل حقوق در دوره آقای هاشمی از سال ۶۸ تا ۷۶، ۱۰ برابر شده است یعنی از عدد حدود ۲۵۰۰ تومان به ۲۵ هزار تومان رســـیده است. تورمی که در این دوره بوده نسبتش ۵ برابر است. یعنی رشد حقوق نسبت به رشد تورم ۲ برابر است. یعنی سفره مردم در این هشت سال بزرگ شده است. البته ما در حاشیه شهرها اعتراضاتی داشتیم چراکه سیستم کشور هنوز درباره مستمری‌بگیران ساماندهی نشده بود. اما بیکاری در این دوره نسبت به دیگر دوره‌ها کاهش داشته است. همین عدد برای دوره‌ای که آقای طادی در فیلمشان به عنوان دوره ورود مدیران جوان از آن یاد می‌کنند، یعنی دوره آقای احمدی‌نژاد ۱،۲ است یعنی نسبت افزایش حقوق به تورم ۱،۲ است. یعنی کاهش پیدا می‌کند.

موضوع بدهی‌ها که آقای سلیمی‌نمین گفتند درست است؛ ولی باید بپذیریم بخش عمده بدهی‌های ما برای چه بوده است. فولاد و سیمان و



پتروشیمی همگی در دوره سازندگی کلید خورد. آقای سلیمی‌نمین گفتند که آقای هاشمی دوره جنگ را دوره مصیبت خوانده است. بله آن دوران، دوره مصیب بود، برگ برنده‌ای در اختیار ما نبود و ما تحریم بودیم. با اینحال ببینید، زیرساخت‌های کشور ما بسیار مناسب است که همه در دوران انقلاب ساخته شده؛ چرا موفقیت‌های خود را زیر سؤال می‌بریم. اینها در دوره سازندگی پایه‌گذاری شده به‌رغم اشتباهاتی که در هر دوره‌ای وجود داشته است. اما درباره خطبه‌های نمازجمعه آقای هاشمی هم، می‌توانم کتاب خطبه‌های آقای هاشمی را برای آقای سلیمی‌نمین بفرستم.

نکته بعدی تقطیعی است که در سخنان آقای هاشمی صورت گرفته و این مستند را بی‌ارزش کرده است. آقای هاشمی در همایشی دارد درباره تکنولوژی از اهمیت علم صحبت می‌کند، مستند آن سخنان را جوری تقطیع کرده که گویی آقای هاشـــمی ضد پیشرفت‌ها و صنایع دفاعی بوده است. کلید صنعت موشکی را آقای هاشمی زده، چطور ممکن است مخالف صنایع دفاعی و موشکی باشد؟ در دوره سازندگی با همین دلارها که معتقدیم بدهی بالا آورده، بخش عمده تزریق مالی صنایع دفاعی‌مان صورت گرفته اســـت. قرض کردیم ولی الان به آن افتخار می‌کنیم. یا صحبت‌های آقای هاشمی درباره استفاده ابزاری از زن را تقطیع کردند تا این تلقی را ایجاد کنند که هاشمی گفته بروید در تهران و بی‌حجاب‌ها را آتش بزنید. حال آنکه این سخنان بصورت کامل در اینترنت هست.

نکته آخر من این است که ما در این کشور زندگی می‌کنیم. آنچه این مستند گفته، چیز جدیدی نیست و سخنانی است که بارها از صداوسیمادر قالب‌های مختلف گفته شده است. اگر قرار بود مردم ما این حرف‌ها را بشنوند و تحت تأثیر قرار بگیرند که به تعبیر ایشان آنقدر اشتباه نمی‌کردند. چرا در همه این سال‌ها گول آقای هاشمی را خوردند؟می‌خواهم بگویم اتفاقا عمده محبوبیت آقای هاشمی ناشی از همین تخریب‌ها بوده است. آقای هاشمی برخلاف بقیه آقایان یک ریال خرج روزنامه نکرده است و روزنامه‌ای نداشته است. صداوسیما هم که ندارد.

نمی‌خواهم بگویم این مســـتند و همفکران ایشان دروغگو هستند، بین دروغگو و دروغ تفاوت است. آقایان فکر می‌کنند راست است، فکر می‌کنند انقلابی‌گری این است و امام این است. فکر می‌کنند دارند به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

طادی: وقتی آقای صادقی می‌گویند تقطیع شـــده، یاد صحبت‌های نماینده سراوان می‌افتم.

درباره بحث موشـــکی هم، چه کســـی موشک‌ها را آورد برای ما هم سؤال است که آقای هاشمی چرا بعدا می گوید دنیای آینده دنیای گفتمان‌هاست نه دنیای موشک‌ها.

صادقی: این جمله را آقای هاشمی نگفته است.

طادی: توییت کردند و بعد که رهبری سخنرانی کردند، آن صفحه را تکذیب کردند.

صادقی: اصلا آقای هاشمی صفحه‌ای در توییتر نداشته است.

ســـلیمی‌نمین: بله، آقای هاشمی در زمینه موشکی، نقش مبدع را داشته است. اما بعد به سمت غربگرایان رفته است. درباره داعش چقدر مواضع ایشان اصولی بود؟ اگر نگاه ایشان اجرا می‌شد امروز چه وضعیتی داشـــتیم؟ نگاه آقای هاشمی به داعش، یک نگاه تک‌بعدی بود. ایشان بحث‌هایـــی را در مجمـــع در این باره مطرح کرد که کاملا خلاف واقع بود. حتی استفاده از سلاح شیمیایی را به دولت سوریه نسبت داد. آقای هاشمی مبدع توان موشکی کشور است چون خودش فرمانده جنگ بوده و قدر موشک را در جنگ می‌داند اما مواضع ایشان بعدها درباره برجام و موشک و صنایع دفاعی، مواضع معناداری است بنوعی که گویا ایشان توان نظامی را کم ارزش می داند.

معتقدم هاشمی را باید به عنوان مجموعه‌ای از نقاط قوت و ضعف بدانیم، او در کنار اینکه مدیر توانمند و قدرتمندی بود در عین حال نگاه ویژه ای به مدیریت داشت و معتقد بود مدیر در جمهوری اسلامی باید زندگی حداکثری داشته باشد. سبک زندگی ایشان هم روشن است که با نگاه امام در تعارض بود.

چهل سال

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۵۷ (برابر با ۱۱ صفر ۱۳۹۹، ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹) نقل شده است

امیدی برای شاه ایران باقی نمانده

هفته‌نامه آمریکائی «تایم» در آخرین شماره خود که دیروز به تهران رسید گزارش اصلی خود را به بحران ایران اختصاص داده و تحت عنوان شاه مصالحه می‌کند. مطلب مبسوطی پیرامون تحولات اوضاع ایران انتشار داده است.

تایم می‌نویسد: پادشاهی ایران که روزی مملکتی بود آسوده و سرفراز بظاهر به نقطه‌ای رسیده که امیدی برای محمدرضا شاه پهلوی باقی نمانده است.

خیابانهای پایتخت ایران شاهد درگیری‌های خشونت‌آمیز بین تظاهرکنندگان و مأموران انتظامی است تنها یک روز اجساد بیش از ۲۰ تن روی سنگفرش خیابانها افتاده بود.

بختیار: من استعفای شاه را نخواسته‌ام

پاریس ـ خبرگزاری فرانسه ـ شاپور بختیار نخست‌وزیر ایران اظهار اطمینان کرد که شاه در چند روز آینده ایران را ترک خواهد کرد. بختیار که در یک گفت و شنود تلفنی با رادیو فرانسه شرکت کرده بود گفت که پادشاه استعفا، نخواهد کرد و من از وی چنین درخواستی نکرده‌ام، اما کشور را ترک میکند تا تشکیل شورای سلطنتی امکان‌پذیر شود.

شاپور بختیار اضافه کرد که مسأله خارج شدن شاه تقریباً یک عمل انجام یافته است و چیزی که اهمیت دارد این است که ایران استقلال، تمامیت ارضی و وحدت خود را حفظ کند. بختیار گفت یک دسیسه عظیم توسط کارشناسان کمونیست برای تجزیه کشور وجود دارد. من تا پایان علیه این دسیسه مبارزه خواهم کرد.

موافقت آمریکا با خروج شاه

خبرگزاریهای یونایتدپرس و فرانسه امروز گزارشهائی از قول منابع آگاه واشینگتن مخابره کردند که حکایت از وقوع تغییراتی در سیاست آمریکا در قبال مسائل ایران دارد، ولی گزارش خبرگزاری را نشان می‌دهد. این گزارشها به تفکیک در زیر آمده است:

واشنگتن ـ یونایتدپرس ـ به اظهار منابع آگاه دولت آمریکا به منظور حمایت از دولت غیرنظامی بختیار، در سیاست پیشین خود نسبت به شاه تغییراتی داده و موافقت کرده است که شاه کشور را ترک کند.

به گفته این مقامها این چرخش سیاسی آمریکا با تلفن به ویلیام سولیوان سفیر آن کشور در تهران که هر روزه با شاه گفتگو می‌کند، اطلاع داده شده است.

سولیوان سفیر آمریکا در تهران طرفدار روش خشونت‌آمیز است

واشنگتن ـ رویتر ـ یونایتدپرس ـ بالا گرفتن موج بحران داخلی ایران محافل آمریکایی و صاحبنظران سیاسی این کشور بحث و گفتگوهای داغ و در عین حال پردامنه‌ای را درباره نقش ویلیام سولیوان سفیر ایالات متحده در ایران به عمل می‌آورند. مخالفان ویلیام سولیوان به این مسأله اشاره می‌کنند که سولیوان دیپلمات حرفه‌ای طرفدار اعمال روش‌های خشونت‌آمیز در جریان جنگ‌های هند و چین بود و هم اوست که پیوسته از رژیمهای دیکتاتوری مورد حمایت آمریکا جانبداری کرده است.

امام خمینی: با کودتا مقابله خواهیم کرد

حضرت آیت‌الله خمینی در مصاحبه‌ای با لوموند نقطه‌نظرهای خود را بیان داشتند که در شماره دیروز این روزنامه چاپ پاریس منتشر شده است و خبرگزاریهای بین‌المللی هر کدام از زاویه‌ای آن را نقل کرده‌اند.

آسوشیتدپرس گزارش خود از مصاحبه را با این جمله که امام خمینی وقوع یک کودتا را در ایران امکان‌پذیر دانسته‌اند، ولی گفته‌اند که این آخرین سنگی است که رژیم به سوی مردم پرتاب می‌کند، آغاز کرده است.

یونایتدپرس گزارش خود را از این مصاحبه با این جمله که امام خمینی تاکید کرده‌اند که هیچگاه نقش دولتی نخواهند پذیرفت شروع کرده است و نوشته است حضرت امام خمینی گفته‌اند که در آینده نیز مانند گذشته معظم‌له تنها به راهنمائی و ارشاد ملت خواهند پرداخت.

اعتصاب در رادیو و تلویزیون ادامه دارد

شورای مؤسس اتحادیه کارکنان سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران پیش از ظهر امروز نیز در ساختمان تولید این سازمان تشکیل جلسه داد و اعضاء شورا برای تعیین موضع خود در برابر دولت جدید به تبادل‌نظر پرداختند.

کارکنان سازمان رادیو تلویزیون همچنان در اعتصاب بسر میبرند و هم اکنون راندمان پخش خبر و برنامه‌های گوناگون رادیو تلویزیون به حداقل رسیده است.

قاب تاریخ

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر حسن روحانی و دکتر کمال خرازی در اتاق فرماندهی عملیات –دوران دفاع مقدس

سرایه

در هر طرفی اگرچه یاری دگرست
واندر هر گوشه غمگساری دگرست
در سر ز غمت مرا خماری دگرست
معشوقه تویی و عشق کاری دگرست

انوری

پند بزرگان

دوستان را در خلوت توبیخ کن و در ملاءعام تحسین.

اسکاروایلد

مطمئن‌ترین راه برای موفق شدن، این است که همیشه به خودتان بگویید یک دفعه دیگر امتحان می‌کنم.

توماس ادیسون

جدول شرح در متن ۴۸۹۰

غلامحسین باغبان

				رفتار متناسب با شرایط	زمستان / دریاچه‌ای در آمریکا		بانی دارالفنون	پایان
								لباس شنا / قدم یکپا
						ریه / فهرست غذا		
				عذاب و سختی				گ
عجول	کشور ماتادورها		نوعی پخت برنج					شهری در اردبیل / کشور آفریقایی
			دانه خوراکی / مقابل فرد					دربان / زنده
						پیرو مرام هیتلری / رودها		
		ستون بدن / بیکاره			افشاگری / رحم‌کننده			
				پاسخ / سوره قرآنی			جنس به ظاهر قوی / تعقیب ستارگان	کلمه پرسشی / دلیل
			عدسی / نفس خسته					
		عنصر شیمیایی						م
		گ						گفتگو با خبرنگاران / کلینیک پزشکی

حل ۴۸۸۹

				داستانی از هرمان ملویل	وحشت / درختی جنگلی	خ	از القاب پیامبر(ص)	برادران
				ن	ا	و	خ	ا
				ه	ل	ف	ا	ق
				ن	ش	سنگریزه / برادر پدر	ت	کاروان / وسیله روشنایی
				گ	تیم فوتبال یونانی	ع	م	ش
مرغ غمخوار	نویسنده کتاب دن کیشوت	ج	نوع و کالا	س	ا	م	ا	برآمدگی عضوی از بدن
ب	س	ن	خویشاوندی / نیک	ف	ا	و	ل	زیلو باف / نت چهارم
و	ر	س	خ	ی	ک	سومین شاه کیانی / شهری در ترکیه	ا	ف
ت	و	پوستین / ردیف قالیبافی	و	د	نصف چهار / جزیره ای در یونان	ا	ن	ب
ی	ا	ر	ب	به جهت / کمک فرنگی	ر	د	ب	عمارت / غزوه پیروز
م	ن	ج	ذات و شخصیت / عدد فوتبالی	ه	و	ا	ی	سخن بیهوده
ا	ت	خمیدگی کاغذ	ا	ل	د	ن	ا	م
ر	س	ن	ا	پ	س	ا	حامی مالی	مبارز آفریقایی

امروز در تاریخ

بزرگترین شکست نظامی امپراتوری روم از ایران

دهم ژانویه سال ۶۲ پیش از میلاد پمپی ژنرال رومی و یکی از اعضای شورای ۳ نفری ریاست امپراتوری روم اعلام کرد که سوریه و مناطق اطراف آن ضمیمه قلمرو روم خواهد بود. این تصمیم، چهل روز بعد توسط یک فرستاده ویژه به اطلاع امپراتوری ایران رسانده شد. پاسخ ایران این بود: دست رومیان از مناطق شرق مدیترانه کوتاه.

این پاسخ دندان شکن بر امپراتوری روم گران آمد و عزم جنگ با ایران را کرد. کراسوس ژنرال دیگر ـ همردیف پمپی و یکی از اعضای شورای سه گانه ریاست بر امپراتوری روم تدارکات لازم برای این جنگ را فراهم کرد و ۹ سال بعد با سپاهی انبوه وارد شرق مدیترانه شد.

ارتش ایران به فرماندهی سپهبد «سورنا» به حرکت درآمد و جنگ دو ارتش در منطقه حرّان (مرز امروز سوریه و ترکیه) آغاز شد. در این جنگ سپاه روم درهم شکست، کراسوس و پسرش کشته و رومیان به مدیترانه ریخته شدند.

وثوق‌الدوله رئیس فرهنگستان ایران شد!

بیستم دی ماه ۱۳۱۴ وثوق الدوله رئیس الوزراء سال های ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ که بعدا اعتراف به گرفتن رشوه از دولت انگلستان کرده بود تا ایران را دربست تحت الحمایه آن دولت قرار دهد و قسمتی از این پول را به صندوق دولت مسترد کرده بود به ریاست فرهنگستان ایران منصوب شد!

اخطار دکتر مصدق به احمد قوام در مورد انتخابات

بیستم دی ماه ۱۳۲۵ دکتر مصدق در مسجد شاه در اجتماع مردم معترض به احتمال مداخله دولت در انتخابات در شرف انجام، به قوام السلطنه نخست وزیر وقت اخطار کرد که دست خود را از جریان انتخابات دور نگهدارد و فلسفه دمکراسی و رای مردم را به بازی نگیرد.

آزادشدن فروش ارز در بانک‌های ایران

از بیستم دی ماه ۱۳۵۲ و دو ماه و چند روز پس از بالارفتن بهای نفت خام در سطح جهان که ناشی از تحریم صدور آن از جانب کشورهای عربی بود و افزایش درآمد ارزی ایران از این رهگذر، به تصمیم دولت وقت خرید و فروش ارز در بانک های کشور نیز آزاد شد به این ترتیب که در ایران هر کس می توانست به هر بانک مراجعه و تا هر مبلغ پول خارجی که می خواست خریداری کند و هیچ شرط و محدودیتی در کار نبود.

www.iranianshistoryonthisday.com

سودوکو ۲۳۷۷

		۸	۶					
		۹					۳	
۶		۷		۲		۵		۸
۸			۷	۹				۲
				۵				
۷				۴	۳			۶
۲		۵		۷		۹		۴
	۴					۲		
					۴	۱		

۹	۷	۳	۶	۲	۱	۴	۵	۸
۴	۵	۸	۹	۷	۳	۶	۲	۱
۶	۲	۱	۴	۵	۸	۹	۷	۳
۳	۹	۷	۱	۸	۶	۲	۴	۵
۲	۶	۴	۳	۹	۵	۱	۸	۷
۱	۸	۵	۷	۴	۲	۳	۹	۶
۵	۳	۹	۲	۱	۷	۸	۶	۴
۷	۴	۶	۸	۳	۹	۵	۱	۲
۸	۱	۲	۵	۶	۴	۷	۳	۹

حل ۲۳۷۶